



میراث

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

واحد پرسش و پاسخ موسسه آینده روشن
(پژوهشکده مهدویت)

مهدویت: پرسشها و پاسخها/ تهیه و تدوین موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) واحد
پرسش و پاسخ - قم: موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)؛ آینده روشن، ۱۳۸۵.
۳۰۰ ص.

ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۶۱۰-۵-۶

۱۸۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

کتابنامه به صورت زیر نویس

۱. مهدویت - پرسشها و پاسخها. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -
پرسشها و پاسخها. الف. موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت). واحد پرسش و پاسخ

۲۹۷/۴۶۲

BP ۲۲۴/۴/م۹

۱۳۸۵



مهدویت، پرسشها و پاسخها

تهیه و تدوین: موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) واحد پرسش و پاسخ

ناشر: موسسه آینده روشن

مدیر اجرایی: محمد قربانی

طراحی جلد و صفحه آرایی: حسین عبدالله پور

نظارت ویرایش: سید رضا سجادی نژاد

ویراستاران: اسد الله عبدالهی و ربابه ربانی

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۵

چاپ و صحافی: نگارش

بها: ۱۸۰۰ تومان

آدرس: قم - خیابان صفائیه - کوچه ۲۳ - پلاک ۵ - تلفن: ۶ - ۷۸۳۳۳۴۵

شابک: ۶-۵-۹۶۶۱۰-۹۶۴-۹۷۸

فهرست

۸	مقدمه.....
۱۲	کلیات.....
۱۹	ادیان و مذاهب.....
۲۵	امامت.....
۳۳	امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۷۴	غیبت.....
۸۴	سفیران امام <small>علیه السلام</small>
۸۸	نایبان امام <small>علیه السلام</small>
۹۵	انتظار و منتظران.....
۱۱۸	نماز و دعا.....
۱۳۳	اماکن مقدس.....
۱۴۱	دیدار.....
۱۵۷	ظهور.....
۱۶۶	شرایط ظهور.....
۱۷۵	نشانه‌های ظهور.....
۱۸۹	وقایع هنگام ظهور.....
۲۰۰	یاران امام <small>علیه السلام</small>
۲۱۴	جهان بعد از ظهور.....
۲۲۵	حکومت.....
۲۳۶	سیره امام <small>علیه السلام</small>
۲۴۴	جهان بعد از امام <small>علیه السلام</small>
۲۴۹	رجعت.....
۲۵۶	ایران.....
۲۶۲	معنای روایات.....
۲۷۳	آسیب شناسی.....
۲۷۸	سیر مطالعاتی.....
۲۹۰	کتابهای سنین مختلف.....
۲۹۲	کتابهای موضوعی.....

تقديم به:

مشرقیان موعود رسول الله ﷺ

منتظران راستین بقیت الله ﷻ

فرزندان معنوی روح الله ﷻ

یاوران نایب ولی الله ﷻ

پیش‌گفتار

بسم رب المهدی علیه السلام
سلام بر تنها راه

معارف عمیق مهدویت ضامن سلامت و سعادت جامعه و فرد فرد انسان‌هاست. اعتقاد به بشارت‌های پیامبران گذشته و ائمه علیهم السلام دین، افراد با انگیزه و پرتوانی را در جامعه می‌تواند پرورش دهد. باور به حضور امامی ناظر بر اعمال، از جنبه فردی موجب پاک نگاه داشتن روح و پیراستن اعمال از زشتی‌هاست و از جنبه اجتماعی باعث هم‌دلی مؤمنان و ایستادگی در برابر ظالمان می‌شود. کارکرد وسیع و عمیق آموزه‌های مهدوی، جذابیت خاص این موضوع را می‌نماید. به همین دلیل، قشرهای مختلف جامعه پرسش‌های بسیاری در این موضوع دارند که لزوم پاسخ‌گویی صحیح به آنها از راهی مطمئن بر کسی پوشیده نیست.

«موسسه آینده روشن» که به هدف تعمیم و تعمیق فرهنگ مهدویت و تولید علم، با تشکیل گروه‌های پژوهشی فعالیت خود را آغاز کرده، در راه مقابله با جریان‌های انحرافی و پاسخ‌گویی به پرسش‌های موجود در جامعه، به همت واحد «پرسش و پاسخ» این مؤسسه کتاب مهدویت، پرسش‌ها و پاسخ‌ها را به علاقه‌مندان یادگیری معارف مهدوی تقدیم می‌نماید.

امید است این اقدام، قدمی هر چند کوچک برای زمینه‌سازی ظهور و نزدیک شدن فرج آن یار غایب از نظر باشد.

إن شاء الله
موسسه آینده روشن
(پژوهشکده مهدویت)

مقدمه

بی‌شک، شناخت امام، در تايخ فرهنگ اسلامي جايگاه بسيار والايي دارد. بنا بر فرموده پيامبر اعظم ﷺ، كساني كه امام زمانشان را نشناسند، كافر يا منافق‌اند. امامان بزرگوار شيعه نيز به پيروي از پيامبر، نقش حياتي معرفت به امام را گوش زد کرده‌اند. و صد البته شناخت امام زمان ﷺ در عصر غيبت، اهميت و ارزش بسيار بالاتري دارد. كساني كه در هنگامه غيبت، امام را بشناسند، بالاترين مقام را نزد خداوند خواهند داشت. امام سجاده ﷺ فرمود: «اي ابوخالدا! مردم زمان غيبت امام دوازدهم كه به امامت او معتقد و منتظر ظهورش هستند، از همه مردم برترند، زيرا خداوند به آنان عقل و فهم و شناختي عطا کرده كه غيبت و حضور امام، براي آنان يكسان است.»^۱

جامعه در هنگام غيبت امام، آماج خطرها و آسيبهاي بسيار جدي و عميقي مي‌شود. امام صادق ﷺ در اين باره مي‌فرمايد: «بر اثر طولاني شدن غيبت در قلب مؤمنان شك‌هاي پديد مي‌آيد و اكثرشان از دين خارج مي‌گردند.»^۲

شيادان و فريب‌كاران از غيبت امام سوء استفاده مي‌كنند و مؤمنان را آرام و با برنامه به سوي شيطان مي‌كشند، چنان كه كسي تغيير و خطر را درنمي‌يابد.

در شبان تاريخ غيبت، گروهی براي جلب توجه به پيش‌گويي آينده و تعيين وقت ظهور مي‌پردازند و مردم را گرفتار اميد كاذب و بعد ياس و سرخوردگي مي‌كنند.

۱. كمال‌الدين، ص ۳۱۸، باب ۳۱، ج ۲.
۲. همان، ص ۳۵۳، باب ۳۳، ج ۵۰.

گروهی دیگر، خود را از نزدیکان به امام می‌شناسانند؛ آن‌گاه مردم و جوانان پرشور را به گوشه‌گیری و دوری از جامعه و خمودی فرامی‌خوانند.

بی‌خبران دیگری، به نام عرض ارادت و محبت به حضرت، افراد را به اعمال و ذکرهای درانداخته خود وامی‌دارند و به مجالس و محافل می‌کشانند که دین و مذهب را خوش نباشد و جز خرافه و توهم نپروراند و نیفزاید.

شیادانی هم مدعی «ارتباط با امام» می‌شوند و از دیدار با امام و واسطه‌گری دم می‌زنند و با تحریک عواطف پاک مشتاقان امام زمان علیه السلام آنان را به سلطه خود می‌کشند و نردبانی برای پیشرفت مادی و اجتماعی خویش می‌سازند.

دغل‌بازان دیگری که رنگی در این حنا نمی‌بینند، لاف «انتفاع از امام» می‌زنند؛ منکر ارتباط می‌شوند و ادعا می‌کنند که با عالم غیب رابطه دارند. آنان برای خود قدرت‌های دروغین غریبی ادعا می‌کنند و عده‌ای ساده لوح را مفتون و مطیع خویش می‌سازند و سوار بر کشتی خود کرده و از صراط مستقیم بازمی‌دارند.

البته گروه‌هایی هم هستند که آشکارا به انکار و مبارزه با اندیشه مهدویت می‌پردازند و با ژست روشن‌فکری و ادای عقل‌گرایی، مانند عروسک خیمه‌شب‌بازی، آلت دست دشمنان دین و مردم می‌شوند و کلمات بی‌پایه دشمنان اهل بیت علیهم السلام را که بارها جواب داده شده، با آب و رنگی جدید در محافل و سایت‌های خود مطرح می‌کنند.

گروهی نیز می‌کوشند تا با مربوط کردن اندیشه ناب مهدوی به گروه‌ها و احزاب سیاسی، آن را حربه‌ای سیاسی بنمایند و چهره واقعی و اثرگذار آن را مخدوش کنند.

هرگاه انسان به آشفته بازار مدعیان دروغین از یک طرف و دشمنان قسم‌خورده دین و معارف مهدویت از طرف دیگر نظری می‌افکند و می‌بیند که چگونه برداشت غلط و اغراض پلید خود را به نام دین و امام زمان علیه السلام یا عقل و خردورزی و دفاع از مردم، عرضه می‌کنند و افراد سالم و مخلص شیعه را در تور خود گرفتار می‌سازند، به یاد سخنان امام صادق علیه السلام می‌افتد!

برای نجات از وسوسه این گروه‌ها و گریز از دیگر آسیب‌ها باید به دنبال شناخت و کسب معرفت از راه صحیح و مطمئن بود؛ راهی که خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام معرفی کرده‌اند.

از راه‌هایی که قرآن برای شناخت حجت خدا به تمام حق‌جویان و حقیقت‌طلبان نشان می‌دهد، مراجعه به آگاهان و پرسش از آنهاست. قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^۲؛ اگر نمی‌دانید از آگاهان پرسید.

بنابر حکم عقل، هرگاه انسان با مطلبی تازه یا فراخوانی مواجه می‌شود، قبل از قبول، طرف‌داری، دل‌سپردن و پیروی، باید درنگ نماید و آن را با آگاهان و متخصصان در میان گذارد و در صورت تأیید، از آن پیروی کند.

امام عصر علیه السلام در نامه‌ای به نایب خاص خود، می‌فرماید: «واما الحوادث الواقعة

۱. کمال‌الدین، ص ۳۵۳، مولای من غیبت، خواب از چشمانم ربوده و گاه آسایش را بر من تنگ گردانیده و آرامش قلبم را برده است ...
۲. سوره نحل، آیه ۴۳.

فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فإنهم حجتى عليكم و أنا حجة الله عليهم؛^۱ در پیش آمدهها و رخ دادهها به راویان حدیث ما مراجعه نمایید، زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنها هستم.»

بنابراین، اگر کسی بخواهد با دلیل و منطق حرکت کند باید در وقایع و مسائل مختلف به دانش مندان حدیث و علم اهل بیت علیهم السلام مراجعه کند و بدون اطمینان از چیزی پیروی نکند و خود را در دام شیاطین گرفتار نسازد.

امام عسکری علیه السلام در مورد نقش دانش مندان دین فرموده است: «اگر بعد از غیبت امام قائم علیه السلام نبودند دانش مندانی که به سوی او دعوت و هدایت می کنند و از دین او با دلیل الهی دفاع می نمایند و بندگان ضعیف را از تور ابلیس و شروران خبیث او و دشمنان اهل بیت علیهم السلام نجات می دهند، کسی نمی ماند مگر از دین الهی برمی گشت، اما آنان قلب شیعیان ضعیف را حفظ می کنند، هم چنان که ناخدا سکان کشتی را نگه می دارد. چنین افرادی نزد خداوند برترین ها هستند.»^۲

پرسش و مراجعه به عالمان و آگاهان، توصیه الهی و روش پیامبر و معصومان علیهم السلام است. البته باید بستری سالم و مطمئن برای مراجعه و پرسش در جامعه فراهم شود تا مشتاقان و شیعیان بتوانند سریع و آسان مطالب خود را مطرح کنند و پاسخ های متقن، دقیق، کامل و مستدلی را دریافت نمایند.

از همین روی، با کمک خداوند و عنایت امام عصر علیه السلام واحد «پرسش و پاسخ» مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) از فروردین ماه سال ۸۴ فعالیت خود را در شهر مقدس قم آغاز کرد. این واحد با هم کاری استادان و محققان معارف مهدویت که سال ها به تحصیل و پژوهش و تدریس در این موضوع پرداخته اند، به پرسش ها درباره امام مهدی علیه السلام و آخر الزمان پاسخ می گوید؛ تلفنی، مکاتبه ای (برگه های پست جواب قبول) و اینترنتی (ایمیل).

از آن جا که بسیاری از سؤالات رسیده مانند هم بودند، معلوم شد مسائل معینی برای اکثر افراد جای پرسش دارد. لذا بر آن شدیم تا این پرسش ها و پاسخ ها را گرد آوریم، موضوع بندی کنیم و به صورت کتاب و لوح فشرده در اختیار عموم علاقه مندان قرار دهیم؛ این کتاب، اولین محصول این واحد است. البته کتاب های پرسش و پاسخ متعددی در دسترس افراد جامعه قرار دارد، اما کتاب حاضر امتیازاتی دارد که در ذیل به بعضی از ویژگی ها اشاره می شود:

۱. پاسخ کارشناس: در این مجموعه، پژوهندگان مهدویت پاسخ گفته اند و پاسخ ها تا حد امکان کارشناسی شده اند و به روایات و مدارک مستند است.
۲. ارزیابی: اساتید معارف مهدویت، پاسخ های اولیه را ارزیابی کرده اند و در صورت نیاز، اصلاح و تکمیل نموده اند.
۳. گویایی متن: پاسخ های نهایی برای روانی، زیبایی و روشن بودن مطلب، ویراستاری شده اند و مورد توجه دوباره قرار گرفته اند.

۱. کمال الدین، ص ۴۸۴، باب ۴۵، ح ۴.

۲. تفسیر امام عسکری علیه السلام، ص ۳۴۵، ح ۲۲۵.

۴. پرسش واقعی: برای انعکاس دغدغه‌های جامعه و پاسخ به پرسش‌های آنان، سعی شده تا از تولید پرسش دوری بورزیم و عین پرسش مخاطبان را نقل کنیم. از همین روی، ممکن است برخی پرسش‌ها بسیار ساده یا غیرعادی به نظر آیند.

۵. زوایای مختلف: از آن‌جا که محققین متعدد پاسخ‌ها را گفته‌اند، هرپاسخ گویای زاویه و جهتی خاص است و قلم و بیانی متفاوت دارد، لذا برای استفاده بهتر و اقناع افراد مختلف، چند پاسخ، داده شده که گاهی ممکن است تکراری و تداخلی بنمایند.

۶. معرفی کتاب و مجله: چون برخی از پرسش‌گران خواسته‌اند که کتاب و منابع مفید و مطمئن برای موضوع مهدویت به آنها معرفی شود، سه نوع معرفی کتاب (سیر مطالعاتی، سنین مختلف، موضوعی) را پی آورده‌ایم.

۷. معرفی سایت: با توجه به گسترش اطلاع رسانی از طریق اینترنت، برای دستیابی به سایت‌های مفید مهدویت، سایت‌های فعالی را در این موضوع معرفی کرده‌ایم.

امیدواریم در آینده نزدیک، مجموعه دیگری را بتوانیم گرد آوریم که به پرسش‌های تخصصی (شبهات) پاسخ بگوید.

در پایان از تمام استادان، پژوهندگان و دوستان از جمله، زین‌العابدین آقاجانلو، نصرت الله آیتی، محمود اباذری، محمد اسلامی، محمدمین بالادستیان، جواد جوهرچی، مهدی حائری‌پور، امیرعلی حسنلو، مجید حیدری‌نیک، زینب ربانی، مرتضی ربانی‌نژاد، سید محمد روحانی، سیدرضا سجادی، حسین علی سعدی، روح‌الله شاکری، قنبرعلی صمدی، اسدالله عبدالهی، محمدرضا فوادیان، محسن کبیری، سیدرضا کلوری، ذکرالله محمدی، اسدالله مصطفوی، سیدجعفر موسوی‌نسب، سیدجواد میرخلیلی، سیدحسن واعظی، ابوذر هدایتی و مهدی یوسفیان که ما را در این واحد یاری کردند و در ارائه هرچه بهتر و مفیدتر پاسخ‌ها کوشیدند، تشکر و قدردانی می‌کنیم و امیدواریم که در زیر سایه توجهات حضرت بقیه‌الله‌الاعظم (ارواح من سواه فداه) به موفقیت و پیشرفت روزافزونی نایل آیند و همواره دعای خیر امام عصر^{علیه السلام} پشتیبان آنان باشد.

جواد جعفری

واحد پرسش و پاسخ موسسه آینده روشن

قم خرداد ۱۳۸۵

کلیات

تعریف مهدویت

مهدویت یعنی چه و شامل چه موضوعاتی می‌شود؟

مهدویت یعنی اعتقاد به نهضت حتمی یک رهبر آسمانی از دودمان نبوی که پیش از پایان جهان، برای نجات آدمیان و تجدید حیات مادی و معنوی آنان بپا می‌خیزد و بر پهنه زمین چیره می‌گردد. او که مهدی علیه السلام لقب دارد با ایجاد حکومت واحد جهانی، سراسر جهان را در پرتو تعالیم عدل گستر اسلام اداره می‌کند و تباهی‌ها، نابرابری‌ها، بی‌دادگری‌ها و نابسامانی‌ها را از ریشه می‌کند.

موضوعات مهدویت، تمام معارف درباره امام مهدی علیه السلام به طور خاص و منجی موعود به طور عام را در برمی‌گیرد. موضوعات مهدوی، مسائلی از علوم اسلامی است که به مباحث امام زمان علیه السلام می‌پردازد. برای مثال، برخی از این موضوعات به شرح زیر است:

۱. امام مهدی در قرآن: بررسی آیات دلالت‌کننده بر وجود امام یا قیام و حکومت ایشان یا

دیگر مباحث درباره حضرت مهدی علیه السلام؛

۲. امام مهدی علیه السلام در روایات: بررسی روایات نقل شده درباره امام مهدی علیه السلام؛
۳. دلایل عقلی و نقلی اثبات امام مهدی علیه السلام: اثبات وجود امام با دلیل‌های عقلی و آیات و روایات؛

۴. علل غیبت امام زمان علیه السلام؛
 ۵. آثار و فواید امام غایب؛
 ۶. انتظار و وظایف منتظران؛
 ۷. علائم و شرایط ظهور امام؛
 ۸. ویژگی‌های یاران و دولت مهدوی؛
 ۹. اوضاع جهان قبل از ظهور؛
 ۱۰. رجعت یا بازگشت مردگان به دنیا؛
 ۱۱. بحث از دعاها و اماکن منسوب به امام؛
 ۱۲. آسیب‌شناسی یا بررسی پی‌آمدهای منفی؛
 ۱۳. تاریخ عصر غیبت صغرا و وضع شیعه در آن زمان؛
 ۱۴. بحث از ولایت فقیه یا نیابت عام (فقیهان دین) امام زمان در عصر غیبت کبرا؛
 ۱۵. جهانی شدن و حکومت واحد جهانی؛
 ۱۶. مهدویت و مسائل جدید کلامی؛
- و بسیاری از موضوعات دیگر.

تأثیر و بازتاب مهدویت

فرهنگ مهدویت چقدر در نظام فعلی حکومتی ما می‌تواند مؤثر و کارساز باشد؟

همان‌طور که می‌دانید فرهنگ، مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، رسوم و آداب، شعائر و اعمال خاص است که جامعه آنها را می‌پذیرد. فرهنگ مهدویت نیز مجموعه‌ای از آیین‌های اعتقادی، اخلاقی، رفتاری، مدیریتی، معرفتی، اجتماعی، فقهی و مانند آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر پایه وحی الهی آنها را برای هدایت انسان‌ها به ارمغان آورد. امامان معصوم علیهم السلام این فرهنگ را به نسل‌های بعدی منتقل کرده‌اند که تبیین، تفسیر و تشریح آن در زمان کنونی به عهده وجود مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام است. آن حضرت نیز در دوران هفتاد ساله غیبت صغرا از

طریق سفیران خاص خود (نایب خاص) این مهم را به انجام رساند که در دوران کنونی (غیبت کبرا) مروجان دین و مراجع بزرگوار تقلید (نایبان عام) آن آموزه‌ها را می‌گسترانند.^۱ بنابراین، الگوگیری و تأثیرپذیری از فرهنگ مهدویت برای تمام عصرها و نسل‌ها، کارگشا و کارساز است. برای نمونه، به دو اثر و ویژگی این فرهنگ اشاره می‌کنیم:

۱. احاطه علمی امام مهدی علیه السلام بر اعمال و احوال ما باعث می‌شود که مسئولان و مردم جامعه، امام را شاهد و ناظر بر اعمال خود بینند و از گناهان فردی و اجتماعی بپرهیزند، زیرا می‌دانند او از گناهشان ناراحت می‌شود. علاوه بر آن، سعی می‌کنند تا با اعمال شایسته زمینه خشنودی حضرت را فراهم سازند، زیرا می‌دانند او از کار نیک شادمان می‌شود.

خلاصه، فرهنگ مهدویت را می‌توان مایه حرکت و عمل صحیح در تمام طبقات نظام و جامعه دانست که تلاش و کوشش صحیح، اصولی و منطقی را در پی می‌آورد.

۲. از ویژگی‌های دیگر فرهنگ مهدویت «امید» است. این ویژگی، برای تمام جوامع و نظام‌ها، از جمله نظام حکومتی ایران ضروری می‌نماید و موجب دل‌گرمی خدمت‌گزاران نظام اسلامی در خدمت به خلق خدا و دین خدا می‌گردد.

آری، فرهنگ مهدویت، حرکت‌آفرین، امیدآفرین، تلاش‌زا و نشاط‌آور است، و یأس، نومیدی، خستگی، وازدگی و پوچ‌گرایی را می‌زداید. این فرهنگ، دریچه‌ای به جهان آینده‌ای روشن دارد. البته ویژگی‌ها فراوان است، ولی برای بیان آنها مجال نیست.^۲

دلیل گسترش بحث مهدویت

علت افزایش بحث درباره مهدویت و انتظار چیست؟

اگرچه فرهنگ مهدوی، با توجه به دو دهه اول انقلاب و حتی قبل از آن، از گسترش چشم‌گیری برخوردار شده و در عرصه‌های مختلف و مجامع گوناگون مورد توجه قرار گرفته، اما ظاهراً در این امر کوتاهی شده و حق مطلب ادا نگردیده است.

باید اذعان کرد که مهدویت، قلب تپنده حیات شیعه و رمز نجات انسان معاصر از بن‌بست‌ها و گرداب‌هاست. مهدویت انرژی متراکمی است که اگر به درستی از آن بهره‌گیرند، توانایی شگرفی

۱. فصل‌نامه انتظار، شماره ۱۱ و ۱۲، ص ۲۲، با چند تن از استادان حوزه و دانشگاه درباره فرهنگ مهدویت گفت‌وگویی کرده که برای روشن شدن این سؤال و جواب بسیار مفید می‌نماید.

۲. برای آگاهی بیشتر نک: محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب؛ اسماعیل شفیعی سروستانی، استراتژی انتظار.

در متحد ساختن و بسط معنویت و احیای دین دارد.

قبل از انقلاب، توجه خاصی به مسئله مهدویت نشده است؛ اما خوش‌بختانه در چند سال اخیر، و این مبحث با کوشش برخی از مراکز و تلاش دانش‌مندان اسلامی، از انحصار منحرفان و کج‌سلیقگان، بیرون آمده است. البته پس از انقلاب هم به گونه‌ای کامل و شایسته به این مباحث و موضوعات پرداخته نشده است و در نتیجه، برای جبران این کندی، آن هم در عصر سرعت، تلاش مضاعفی از همه نهادها و مسئولان می‌طلبد.

حال با توجه به این مطالب، به بررسی علل افزایش توجه به بحث مهدویت و انتظار در چند سال اخیر می‌پردازیم. این فرایند رشد، عوامل متعددی دارد که ما در این مجال به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

۱. تأثیر انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی ایران، بزرگ‌ترین رخداد اجتماعی قرن بیستم است. پدیده‌ای با این گستردگی و عمق، علاوه بر آن که تمام نهادهای ملی را متحول ساخته و سرنوشت تاریخی آنان را در مسیر تغییرات بنیادی قرار داده، اندیشه‌ها، سیاست‌ها، نهضت‌ها و احزاب سیاسی جهان را هم به چالشی نو فراخوانده است.

مسئله دیگر این بود که گفته می‌شد، در زمان ظهور، تمام نیروهای شرق و غرب و نیروهای مسلح تسلیم حجت خدا می‌شوند. انقلاب ایران نشان داد که این کار شدنی است. همان طوری که خلیان‌های آموزش دیده در امریکا که همه آمده بودند تا منجی امریکا و شاه شوند، آمدند و با مردم اعلام همبستگی کردند و رشادت‌ها و جان‌فشانی‌های بسیاری از خود نشان دادند؛ حتی عده‌ای از آنها شهید شدند. به همان دلیلی که نیروهای متخصص امریکایی به اسلام پیوستند، طاغوت زمان خلع شد و ولی خدا حاکم گردید؛ در دوران ظهور حجت حق نیز در سطح گسترده‌تری این چنین خواهد شد. طبق همین مبناست که برخی از فضلا، انقلاب اسلامی را ظهور صغرا برای انقلاب جهانی منجی عالم تلقی کرده‌اند.

۲. تأثیر تهاجم دشمن در فرهنگ مهدوی: در دهه‌های اخیر، جهان غرب به موضوع آخرالزمان و آینده‌نگری علاقه بسیاری نشان داده و در این راه سرمایه‌گذاری‌های شگرفی کرده است. بی‌تردید، در هیچ دوره‌ای نظریه‌پردازان و سیاستمداران غربی به اندازه امروز، درباره آینده جهان، پایان تاریخ، ظهور مسیح، ضد مسیح (دجال) و هرچه غرب و تمدن مادی آن را به خطر می‌اندازد، گفت‌وگو نکرده‌اند و بر اساس آن به تولید آثار فرهنگی و تدوین استراتژی‌ها پرداخته‌اند. انتشار مجموعه گسترده‌ای از کتاب‌ها و مقالات با موضوعات یاد شده و تولید و توزیع گسترده فیلم‌های

سینمایی با همین موضوع که بیشتر محصول کمپانی‌های امریکایی و صهیونیستی هستند، مانند آرماگدون، روز استقلال، طالع نحس، ترمیناتور، نوستراداموس و ... و تأسیس سایت‌های اطلاع‌رسانی در اینترنت، تنها بخش آشکار این رویکرد عمومی غرب به موضوع آخرالزمان است. این همه تلاش، آدمی را به این فکر می‌اندازد که نقشه‌ای در دست اجراست. این که سخنان نظریه‌پردازانی مانند هانتینگتون، تافلر، فوکویاما و ... درباره پایان تاریخ و جنگ تمدن‌ها به استراتژی سیاسی - نظامی سیاستمداران حاکم بر امریکا و انگلیس تبدیل شده، حکایت از جریانی سازمان یافته در لایه‌های پنهانی سیاست، فرهنگ و اقتصاد جهان استکبار دارد.

به راستی، چه رخدادی در حال شکل‌گیری است که جهان غرب، تمامیت فرهنگ و تمدن خود را در خطر دیده و بی‌محابا - گرچه به قیمت از دست رفتن حیثیت خود و انزجار جهانی و مخالفت تمامی سازمان‌های جهانی باشد - با سرعت تمام به عراق هجوم می‌برد و دزد وادی خطرناک جنگ بین‌النهرین و بابل گام می‌نهد؟

۳. هدایت پیدا و پنهان حضرت مهدی علیه السلام: هدایت‌های امام مهدی علیه السلام در زمان‌های مختلف مهم‌ترین عامل در گسترش فرهنگ مهدویت است. اصولاً بهره بردن از آن حضرت در دوره انتظار، دلیل دیگری بر حضور صاحب عصر و رشد و توسعه فرهنگ انتظار است. حضور ناشناس ایشان در میان مردم و در مجالسشان، بر این مدعا گواهی می‌دهد. حضور همیشگی حضرت ولی عصر علیه السلام در موسم حج نیز دلیل آگاهی ایشان به احوال مسلمانان و تلاش مستمر ایشان برای تقویت فرهنگ انتظار است.

داستان‌ها، ملاقات‌ها و راهنمایی‌های مکرر در تاریکی شبها و ضلالت‌ها، با مردی که خصوصیات مهدی فاطمه علیها السلام را دارد، ریشه‌های انتظار را تقویت و کام تشنه عاشقان را سیراب می‌کند؛ شاید در انتظار محبوب، به خود آیند و با ایجاد آمادگی و کوشش فراوان، لیاقت بهره‌مندی از حضرتش را بیابند.

۴. بحران معنویت: بشر بحران زده این عصر، به دلیل تشنگی فراوان روحی، برای دستیابی به جایگاهی استوار و جاوید، هر روز به سوی می‌رود؛ اما چون به سرچشمه حیات دست نمی‌یازد، به مرداب‌ها و باتلاق‌هایی می‌رسد که نه تنها تشنگی‌اش را نمی‌زداید، بلکه به بیماری‌های روحی و جسمی او می‌افزاید. بنابراین، اضطراب و خستگی از اوضاع مسلط بر جهان را می‌توان از عوامل توسعه اندیشه مصلح‌جویی در جهان و گسترش فرهنگ مهدویت در جوامع اسلامی دانست. ظلم و

ستم، جهل و نادانی، فریب، رنج و فقر و در نتیجه انحطاط اخلاق و تحقیر انسان در دوران معاصر، بر این خواست فطری آدمی دامن می‌زند. از طرفی احساس غربت ناشی از زندگی صنعتی، در مقابل معنویت و صمیمیت دین، سبب شده که انسان مجهز به تکنیک و فن‌آوری، با مذهب و آرمان‌های منجی‌گرایانه و عدالت محور آن پیوند خورد و تب و تاب این مباحث و از جمله مهدویت را گرم‌تر کند.

۵. ناتوانی مدعیان اصلاح: آدمی برای ایجاد اصلاح جوامع بشری، راه‌های بسیاری را پیموده، اما جز کابوس یأس نصیبش نشده است.

افلاطون، جامعه ایده‌آلی را طراحی کرد که در آن نه از ستم اثری است و نه از فقر و بدبختی. غایت نظام سیاسی او، پیدایش مدینه فاضله است. توماس کامپانلا طرح شهر آفتاب و کشور خورشید؛ ویکتورهوگو اندیشه جمهوری جهانی و آگوست کنت و تامس مور نیز جامعه‌ای را ترسیم می‌کنند که همه مردم آن، در سایه قانون و عدالت یکسان زندگی می‌کنند. آلوین تافلر برای حل این بحران و اصلاح جامعه جهانی نظریه موج سوم را طرح کرده است، ولی در عین حال اعترافات شگفت‌آوری در این باره دارد. وی می‌گوید: «فهرست مشکلاتی که جامعه ما با آن روبه‌رو است تمامی ندارد. با دیدن فروپاشی بی‌پایه نهادهای تمدن صنعتی در حال نزاع، به درون غرقاب بی‌کفایتی و فساد، بوی انحطاط اخلاقی آن نیز مشام را می‌آزارد. در نتیجه، موج ناخشنودی و فشار برای تغییرات، فضا را انباشته است. در پاسخ به این فشارها، هزاران طرح ارائه می‌شود که همگی ادعا دارند بنیادی و حتی انقلابی‌اند، اما بارها و بارها مقررات و قوانین طرح‌ها و دستورالعمل‌های جدید، کمانه می‌کند و بر وخامت مشکلات می‌افزایند و این احساس عجز و یأس را دامن می‌زنند. این احساس برای هر نظام دموکراتیک خطرناک است و نیاز شدید به وجود مرد سوار بر اسب سفید ضرب‌المثل‌ها را هر چه بیشتر دامن می‌زند.»

بنابراین، عامل دیگر توسعه فرهنگ مهدوی، ناتوانی کسانی است که مدعی اصلاح‌اند. آنها در زمینه شناخت آدمی و مشکلات او ناتوان‌اند. از همین‌رو عجز و محدودیت آنان، نگاه انسان معاصر را به آسمان می‌دوزد.

ترویج فرهنگ مهدویت

شیوه‌های عملی ترویج فرهنگ مهدویت چیست؟

۱. برگزاری دوره‌های آموزشی (حضور و غیرحضور) معارف مهدویت برای مقاطع مختلف

تحصیلی؛

۲. تشکیل جلسه‌های دعای ندبه (صبح جمعه)؛ زیارت آل یاسین (صبح یا عصر جمعه)؛ برپایی جلسات بزرگ‌داشت در مناسبت‌ها، (ایام میلاد و وفات ائمه علیهم‌السلام) و برگزاری جلسات پرسش و پاسخ به شبهات؛

۳. تشکیل کانون‌های انتظار در مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها و ادارات که افراد، با شرکت در جلسات هفتگی در بالا بردن شناخت خود نسبت به حضرت مهدی علیه‌السلام (از طریق تدوین مجله، طرح سؤال در جمع و جست‌وجوی پاسخ آن و...) سعی می‌نمایند؛

۴. راه‌اندازی کاروان‌های جمکران در شب‌های چهارشنبه و جمعه؛

۵. تشکیل کتاب‌خانه و نوارخانه با موضوع مهدویت و انتظار؛

۶. پخش بروشورها و جزوه‌ها و کتاب درباره حضرت مهدی علیه‌السلام بین علاقه‌مندان و بلکه در سطح عموم افراد جامعه؛

۷. برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی با موضوع مهدویت در مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها، و اهدای جوایز نفیس به برندگان؛

۸. برپایی نمایشگاه‌هایی با موضوع مهدویت (نمایشگاه کتاب، عکس و پوستر، فیلم و...)

۹. ارائه معارف مهدوی در قالب هنر (فیلم، تئاتر، انیمیشن، اسلاید و سرود)؛

۱۰. فراخوان آثار هنری در زمینه مهدویت، مثل نقاشی و... در سطوح مختلف؛

۱۱. تهیه تابلوهای تبلیغاتی با موضوع مهدوی و نصب آن در مراکز مهم شهر، ادارات، مدارس،

کارخانه‌ها و... .



ادیان و مذاهب

ادیان و منجی

آیا همه ادیان به ظهور امام عصر علیه السلام معتقدند؟

تا آن جا که تحقیق شده همه ادیان، به آینده‌ای روشن و آمدن فردی نجات‌بخش معتقد هستند و می‌گویند: روزی، فردی قیام خواهد کرد و ظالمان و ستم‌گران را نابود کرده و زمین را پر از عدالت، صفا، معنویت و آسایش خواهد نمود و دیگر، کسی در سختی نخواهد بود؛ یعنی همه به آمدن منجی معتقدند، اما در این که نام و مشخصات آن منجی چیست، اختلاف دارند و هر گروهی رهبر خود را منجی موعود می‌دانند؛ یهود او را ماشیح، مسیحیان حضرت عیسی (مسیح)، مسلمانان، حضرت مهدی علیه السلام زرتشتیان سوشیانس، هندوان کللی یا کلکس و بودائیان میتریه می‌دانند.^۱

۱. سید اسدالله هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، ص ۴۴ و ۴۵.

نظر ادیان دیگر در مورد مهدویت چیست؟

اعتقاد به منجی که در پایان دنیا ظهور می‌کند و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، اعتقادی جهانی و همگانی است و پیروان همه ادیان آسمانی براساس تعالیم کتاب‌های دینی خود، منتظر قیام آن موعود بزرگ هستند. در کتاب‌های مقدس زبور، تورات، انجیل و نیز کتاب‌های هندوها، زرتشتیان و برهمنیان به ظهور منجی بزرگ جهان اشاره شده است. البته هر ملتی او را با لقبی خاص می‌شناسد: زرتشتیان او را به نام «سوشیانس یا سوشیانت»، یعنی نجات‌دهنده جهان و مسیحیان به نام «مسیح موعود» و یهود با لقب «سرور میکائیلی».

بخشی از عبارت «جاماسب‌نامه» (از کتاب‌های مقدس زرتشت)، چنین است: «پیغمبر عرب، آخر پیغمبران باشد که در میان کوه‌های مکه پیدا شود... و با بندگان خود چیز خورد و به روش بندگان نشیند... و دین او اشرف ادیان باشد و کتاب او باطل کند همه کتاب‌ها را... و از فرزندان دختر پیغمبر که خورشید جهان و شاه زمان نام دارد، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد... و دولت او تا به قیامت متصل باشد...»^۱

کدام پیامبر، خواب‌های زیادی را درباره امام زمان علیه السلام در کتاب‌هایش تعبیر کرده است؟

بیست و دومین کتاب از عهد عتیق (کتاب مقدس یهودیان) که مشتمل بر ۲۴ کتاب است، متعلق به دانیال پیامبر است که چهارده فصل دارد. فصل‌های هفتم تا دوازدهم آن مربوط به رؤیاهایی است که دانیال از آنها بهره می‌برده است. این رؤیاها در دوران سلطنت بلشصر و داریوش مادی و کورش (پادشاه سرزمین پارس) در بابل اتفاق افتاده است.

این کتاب در سال‌های ۱۶۲ تا ۱۶۴ قبل از میلاد تألیف شده است؛ زمانی که آنتیوخوس اپیفانس، آزارگری می‌کرد و از این‌روی تألیف شد تا ایمان و امید یهودیانی که تحت آزار بودند تقویت کند.

انتظار روز بازپسین و خرد شدن آزارگر و امید به پادشاهی مقدسان در سراسر کتاب به چشم می‌خورد. پنج خواب در کتاب دانیال نبی که خودش خواب دیده است نقل می‌شود. تعبیر سه خواب در همان جا پشت سر هر خواب نقل شده است که دو خواب را جبرئیل برایش تعبیر کرده است. در ضمن این خواب‌ها و تعبیرها اشاره‌هایی به حکومت آخرالزمان و حکومت مقدسان و مخصوصاً پسر انسان، به چشم می‌خورد؛ مثلاً در تعبیر خواب اول (خواب چهار جانور) آمده است: «لیک آنان که

۱. ادیان و مهدویت، ص ۲۱.

پادشاهی به ایشان خواهد رسید، مقدسان خدای تعالی هستند و تا ابد صاحب پادشاهی خواهند بود تا ابد الابد.^۱

یا در تعبیر خواب دوم که توسط جبرئیل انجام شده آمده است:
«ای پسر انسان! بدان که این رؤیا روز بازپسین را آشکار می‌سازد.»^۲

مذاهب و منجی

آیا سنی‌ها نیز به آمدن امام مهدی علیه السلام اعتقاد دارند؟

بشارت ظهور امام مهدی علیه السلام در آخرالزمان، توسط پیامبر صلی الله علیه و آله بارها بیان شده است که اهل سنت آنها را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند.^۳ لذا آنها نیز معتقدند کسی که به او مهدی گفته می‌شود و از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام است، در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و زمین را از عدل و داد پر خواهد نمود. لذا ایمان و عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام در اسلام به قدری اصیل و ریشه‌دار و با اهمیت است که از دیدگاه دانش‌مندان و بزرگان اهل سنت نیز مانند شیعیان، از ضروریات دین مبین اسلام به شمار می‌رود، به طوری که منکر آن از آیین اسلام بیرون است. در این باره علمای اهل سنت از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: «هر کس مهدی را انکار کند به راستی کافر است.»^۴

گروهی از علمای اهل سنت به مضمون این حدیث فتوا داده‌اند و در این باب، شیخ سلیمان قندوزی حنفی، در کتاب ینابیع الموده از کتاب فرائد السمطین از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که ظهور مهدی علیه السلام را انکار کند به آن چه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده، کفر ورزیده است.»

اما فرقیان با شیعیان این است که اکثر آنها معتقد نیستند امام مهدی در سال ۲۵۵ هجری قمری متولد شده و در جهان حضور دارد و منتظر فرمان ظهور و قیام است، بلکه می‌گویند او در آخرالزمان متولد می‌شود. البته بعضی از دانش‌مندان بزرگ آنها نیز مانند شیعه اعتقاد به تولد حضرت دارند.^۵

۱. فصل ۷، آیه ۱۸.

۲. فصل ۸، آیه ۱۷؛ برای آگاهی بیشتر نک: کتاب‌های عهد عتیق، ترجمه بیروز سیار.

۳. صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۴۶؛ صحیح ابن داود، ج ۲، ص ۲۰۷؛ صحیح ابن ماجه، ج ۲، باب خروج المهدی.

۴. عقد الدرر، ص ۱۵۷.

۵. نک: مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه محمدباقر محبوب‌القلوب، ص ۱۸۶؛ محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب؛ در انتظار

آیا در مذاهب دیگر نامی از امام زمان علیه السلام برده شده است؟

در همه مذاهب اسلامی، عقیده به مهدی علیه السلام وجود دارد و روایاتی که از پیامبر ذکر شده، در کتاب‌های معتبر سایر مذاهب اسلامی نیز آمده است. تنها اختلاف اساسی شیعه با سایر مسلمانان، تعیین مصداق آن است. شیعه معتقد است که حجت خدا و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله امام مهدی علیه السلام است که دوازدهمین امام بعد از امام حسن عسکری علیه السلام است، ولی آنان چنین عقیده‌ای ندارند و تنها به مصلحی معتقدند که از خاندان پیامبر است و در آخرالزمان ظهور می‌کند و دنیا را پر از عدالت می‌کند و نیز ما معتقدیم که مهدی علیه السلام متولد شده و هم اکنون زنده است و زندگی می‌کند، اما بیشتر اهل سنت معتقدند که مهدی علیه السلام بعداً متولد خواهد شد.^۱

به علاوه، نام مهدی علیه السلام در همه ادیان آسمانی قبل از اسلام، مانند یهود، مسیحیت و زرتشت، هم آمده است. البته آنها از او تعبیر به منجی و نجات‌دهنده جهان کرده‌اند.

ادیان و علائم ظهور

علائم ظهور در ادیان دیگر چه چیزهایی است؟

۱. علائم ظهور در کتاب‌های هندیان

الف) در کتاب دادتگ درباره ظهور آمده است: «بعد از آن که مسلمانی به هم رسد در آخرالزمان، و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدی حاکمان و ریای زاهدان و بی‌دیانتی امینان و حسد حاسدان برطرف شود، به جز نام از آن چیزی نماند و دنیا مملو از ظلم و ستم شود و پادشاهان، ظالم و بی‌رحم شوند و رعیت بی‌انصاف گردند و در خرابی یک‌دیگر کوشند و عالم از کفر و ضلالت و فساد [فرا] بگیرد، دست حق درآید و جانشین آخر ظهور کند.»^۲

ب) علائم ظهور در کتاب ریگ ودا چنین بیان شده است: «...هنگام ظهور وی، خورشید و ماه تاریک می‌شوند و زمین خواهد لرزید.»^۳

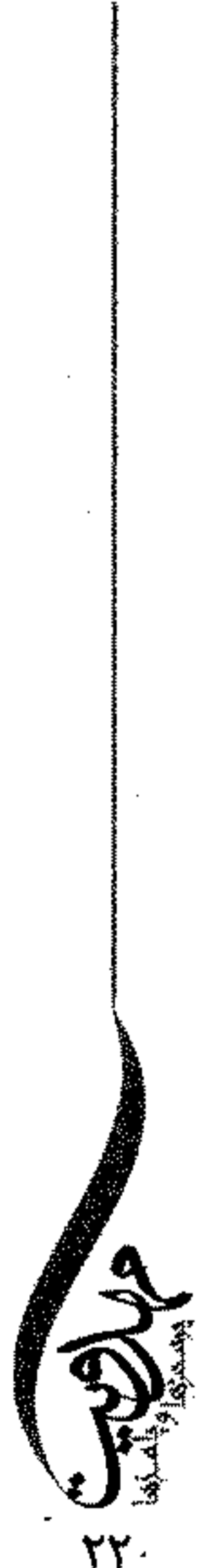
ج) چنان که در کتب مقدس جین‌ها آمده، هنگامی که فساد و انحطاط و تباهی، جهان را

ققنوس، ترجمه مهدی علی‌زاده؛ حبیب‌الله طاهری، سیمای آفتاب.

۱. البته دلایل بسیاری بر تولد حضرت مهدی علیه السلام و زنده بودن او وجود دارد و شما می‌توانید برای آگاهی بیشتر نک: دادگستر جهان، سیمای آفتاب و نگین آفرینش.

۲. کرمانی، علائم ظهور، ص ۱۸.

۳. او خواهد آمد، ص ۶۵ به نقل از ماندالمای، ریگ ودا، ۴، ۱۶، ۲۴.



فراگیرد، شخص کاملی که آن را تیر تنگر (نوید دهنده) می‌گویند، ظهور خواهد کرد.

۲. علائم ظهور در کتاب انجیل

الف) در انجیل متی درباره ظهور آمده است: «... آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند و افلاک متزلزل گردند.»^۱

ب) در انجیل لوقا آمده: «... و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین تنگی و حیرت از برای امت‌ها روی خواهد داد...»^۲

وجه مشترک علائم ظهور را در ادیان الهی بیان کنید.

بعضی از علائم ظهور در میان برخی ادیان مشترک است. علائم زیر در عهد جدید، با روایات اسلامی هم‌گون‌اند:

۱. نزول حضرت عیسی علیه السلام؛ حضرت عیسی علیه السلام هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام از آسمان فرود می‌آید و در قدس پس از اعلام بیعت با حضرت مهدی علیه السلام پشت سر حضرت نماز می‌گذارد؛
۲. صیحه آسمانی؛ از مجموع روایات استفاده می‌شود که «صیحه» از نشانه‌های حتمی ظهور است که از آسمان شنیده می‌شود، به گونه‌ای که همه مردم زمین از شرق و غرب آن را می‌شنوند.

اعتقاد و زمینه‌سازی

چرا اکثریت انسان‌ها که اعتقاد دارند منجی عالم برای نجات مردم از ظلم و ستم می‌آید،

هیچ حرکتی جهت اعلام آمادگی و پذیرفتن آن منجی نکرده‌اند؟

وجود آمادگی از شرایط بسیار مهم برای ظهور مصلح موعود است. پس می‌توان گفت همه باید از عمق جان خواهان عدالت اجتماعی، امنیت اخلاقی - روانی و رشد و شکوفایی معنوی باشیم. به طور کلی شوق درک منجی، زمانی به اوج خود می‌رسد که بشریت با تجربه کردن دولت‌ها و نظام‌های مختلف بشری به این حقیقت برسد که تنها نجات‌دهنده عالم از فساد و تباهی، خلیفه و جانشین خداوند در زمین، یعنی حضرت مهدی علیه السلام است. بنابراین، بشریت با همه وجود نیاز به امام را درک می‌کند و آن‌گاه، برای فراهم شدن زمینه‌های ظهور او تلاش می‌کند و موانع را برمی‌دارد و در این زمان است که منجی عالم ظهور می‌کند. هم‌چنان که پیامبر اسلام فرموده است:

۱. انجیل متی، ص ۴۱.

۲. انجیل لوقا، ص ۱۱۱.

«زمانی می‌رسد که انسان مؤمن هیچ پناه‌گاهی نمی‌یابد که از شر ظلم و ستم و تباهی به آن پناه برد، پس خداوند عزوجل مردی از خاندان مرا برمی‌انگیزد.»^۱

به طور کلی ظهور امام زمان علیه السلام وابسته به شرایط و مسائل خاصی است، ولی آنچه مربوط به ما می‌شود این است که:

۱. خود را اصلاح و آماده پذیرش آن شرایط نماییم؛
۲. در جامعه برای ظهور حضرت زمینه‌سازی کنیم و درصدد اصلاح مردم (در حد توان خود) برآییم تا شرایط فراهم شود؛
۳. هرگز دعا و استغاثه به درگاه الهی را فراموش نکنیم که طبق روایات در ظهور حضرت تأثیر بسزایی دارد.

۱. عقدا لدرر، ص ۷۳.

امامت

شناخت امام

حق واجب امام چیست و چگونه می‌توان آن را شناخت؟ اگر تقوا شرط ایمان است، چرا در روایت می‌فرماید اگر حق امام را بشناسد شیرینی ایمان را می‌چشد؟ آیا منظور بخشی از ایمان است؟

منظور از حق واجب، همان حقوق امام است و کلمه واجب برای دلالت بر این مطلب است که چنین حقی از طرف خداوند ثابت شده است. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان گفت، حق امام دو تا است:

۱. در مقام علم، اعتقاد به امامت آن حضرت؛

۲. در مقام عمل، تبعیت از دستور امام. بنابراین، انسان باید در زبان و عمل این اعتقاد را آشکار

سازد.^۱

درباره شناخت حق نیز باید گفت که منظور از آن، تنها عقیده به امام بودن او نیست، بلکه باید بداند، امام چه جایگاه و نقشی در جهان آفرینش دارد، علم و قدرت او چقدر است و...؟ چنین

۱. ملا محمد صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، ج ۵، ص ۲۴۱.

شناختی در درجه اول با مراجعه به عالمان و دانش‌مندان علوم ائمه علیهم‌السلام ممکن می‌شود. باید نزد آنان شاگردی کرد و این معارف را از آنان آموخت و با نبود آنها، بهترین کار استفاده از کتاب‌های مفید و معتبر درباره امامت است. خواندن کتاب‌ها و مقالات و ارتباط داشتن با مراکز و مؤسسه‌ها می‌تواند راه‌گشای خوبی باشد، اما چنان‌که در آغاز بیان شد، فهم این مطالب، مستلزم استمرار و پشت‌کار است و نباید انتظار داشت که با کمی مطالعه یا مراجعه همه چیز روشن شود.

اما دلیل این‌که چرا معرفت حق امام موجب چشیدن طعم شیرین ایمان است، در ادامه همین حدیث آمده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: زیرا خداوند، امام را علم هدایت مردم قرار داده و به آن‌چه در نزد خداوند است جز از طریق امام نمی‌توان رسید و خداوند نیز جز به شناخت امام عملی را از بندگان نمی‌پذیرد.^۱

با توجه به عبارتهای این حدیث و مانند آن، معلوم می‌شود که امام واسطه بین خدا و بندگان است. کسی که می‌خواهد با خداوند ارتباط داشته باشد و اعمالش پذیرفته شود و نعمتهای الهی شامل حال او گردد باید به امام تمسک جوید و اگر کسی امامت و ولایت را رها کند گمراه شده و به بی‌راهه رفته است. بنابراین، هرگز به هدف نمی‌رسد و ایمان او تنها لقلقه زبان خواهد بود و چیزی که محتوا و حقیقت ندارد هرگز طعم و شیرینی‌ای نخواهد داشت! بنابراین، راه رسیدن به حقیقت، ایمان و اعتقاد به امامت است و این اعتقاد چنان‌که قبلاً گفتیم از راه شناخت، حاصل می‌شود. پس شناخت امام باعث فهمیدن و چشیدن شیرینی ایمان است؛ یعنی راه رسیدن به حقیقت، ایمان است. به همین دلیل است که امام می‌فرماید: اگر کسی امام را بشناسد، شیرینی ایمان را می‌چشد.

البته تقوا نیز شرط ایمان است، اما تقوا در مقام عمل، شرط است و شناخت در مقام عقیده. لذا این دو منافاتی با هم ندارند و قابل جمع است. کسی که در مقام عقیده، امام را می‌شناسد و در مقام عمل، اهل تقوا و پاکی است، شیرینی ایمان را می‌چشد، اما اگر تقوا پیشه نکند و تنها مدعی اعتقاد و عشق و دوستی اهل بیت باشد هرگز به چنین لذتی دست نمی‌یابد.

علت شناخت

آیا شرطی افزون‌تر از ایمان به خداوند و پیامبر و اجرای دستورهای الهی برای مؤمن بودن

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۰۳، ح ۲.



وجود دارد؟ آیا اگر کسی معرفت کامل نداشته باشد، مؤمن نخواهد بود؟

معرفت، مقدمه ایمان و اطاعت است. معرفت، یعنی شناخت؛ اگر ما چیزی را شناسیم، چگونه به آن ایمان می‌آوریم یا از آن اطاعت می‌کنیم. یعنی اصل ایمان و اطاعت به معرفت وابسته است. علاوه بر اصل ایمان، مراتب آن نیز به معرفت بستگی دارد، یعنی انسان به قدر شناختش ایمان می‌یابد؛ هر اندازه، معرفت و شناخت او به خدا و جانشینان خدا در زمین عمیق‌تر شود، ایمان او نیز راسخ‌تر می‌گردد و کسی که شناخت سطحی از خدا و اولیای خدا دارد، ایمان ضعیفی نیز خواهد داشت و ایمانش با کوچک‌ترین شبهه علمی یا شهوت عملی زایل می‌شود. از همین روی، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بنده، مؤمن نمی‌شود مگر معرفت یابد.»^۱ زیرا بدون مقدمه، دست یافتن به اصل، محال می‌نماید و معرفت، مقدمه ایمان و اطاعت است. البته تنها ایمان واقعی و کامل، بشر را به سعادت می‌رساند و گرنه ایمانی که انسان را از جهنم نجات دهد، با شناخت سطحی نیز تأمین می‌شود.

چگونگی شناخت

در زمان غیبت از چه طریقی می‌توان با حضرت مهدی علیه السلام آشنا شد؟

بهترین راه آشنایی با حضرت در زمان غیبت مراجعه به سخنان ائمه علیهم السلام است که حضرت را معرفی کرده‌اند. فهم درست روایات نیز مستلزم مراجعه به علما و کتاب‌های روایی است و هرگاه آن حضرت را شناختیم، به آن حضرت علاقه‌مند می‌شویم و این علاقه موجب انس گرفتن با آن حضرت می‌گردد.

با توجه به این که ما انسان‌ها محدود هستیم، چگونه می‌توانیم امام زمانی که نامحدود است را

بشناسیم و از وجود او بهره ببریم؟

ابتدا ذکر چند نکته لازم است:

۱. امامان علیهم السلام از این جهت که مخلوق‌اند، محدود هستند و تنها وجود نامحدود، خداوند متعال

است؛

۲. شناختن و کسب معرفت امام علیه السلام قطعاً ممکن است، زیرا اگر ممکن نبود، دین اسلام ما را

به آن امر نمی‌کرد؛

۱. همان، ص ۱۸۰، ج ۲.

۳. انسان‌ها به حسب مراتب مختلف، مقام امام را می‌شناسند و هر چه مقام انسان‌ها بالاتر رود، آگاهی‌شان نسبت به امام بیشتر است.

بنابراین، شناخت امام علیه السلام ممکن است و در طول تاریخ انسان‌هایی آن را تحصیل کرده‌اند؛ مانند سلمان، ابوذر، مالک اشتر، محمد بن ابی‌بکر و... که امام علی علیه السلام را خوب شناختند و از وجود آن حضرت بهره گرفتند.

یاران امام حسین علیه السلام (شهدای کربلا)، امام خودشان را بسیار خوب شناختند و با پیوند با او، وجود بسیار کوچک خود را وسعت بخشیدند.

نشانه شناخت، اطاعت و تسلیم است؛ اگر کسی در برابر امامش کاملاً تسلیم باشد، نشان آن است که امامش را خوب شناخته، و اگر کسی از امامان اطاعت نکند، نشان آن است که معرفتش عمیق و کامل نیست.

امامت در قرآن

چرا در قرآن، اشاره صریحی به ولایت علی علیه السلام و بقیه ائمه علیهم السلام از جمله حضرت مهدی علیه السلام

نشده است و چه دلایلی بر ادامه ولایت پس از ختم نبوت وجود دارد؟

این طور نیست که خداوند برای معرفی اولیای خود و رهبران جامعه، تنها باید نام آنها را در کتاب آسمانی (قرآن) ذکر کند، بلکه با مراجعه به قرآن، خواهیم دید که قرآن برای معرفی شخصیت‌های الهی به سه شیوه عمل می‌کند:

۱. معرفی با اسم:

پیامبر گرامی در انجیل از طریق اسم برای آیندگان معرفی شده است: «وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي

مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ»^۱؛ بشارت دهنده پیامبری هستم که پس از من می‌آید و نام او احمد است.

خداوند، گاهی پیامبران خود را با نام، مورد خطاب قرار می‌دهد:

«يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»^۲؛ ای داوود! ما تو را در روی زمین جانشین قرار

دادیم.

قرآن در مواردی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به اسم یاد می‌کند:

۱. سوره صف، آیه ۶.

۲. سوره ص، آیه ۲۶.

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ﴾؛^۱ محمد پیام‌آوری بیش نیست که پیش از او

نیز پیامبرانی بوده‌اند.

۲. معرفی با عدد:

روش دیگر، معرفی با عدد است. قرآن کریم، نقبای (مراقبان) بنی‌اسرائیل را با عدد معرفی کرده است، آن‌جا که می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾؛^۲ خداوند از بنی‌اسرائیل پیمان

گرفت و از آنان دوازده مراقب برانگیخت.

گروهی که طبق گزینش حضرت موسی عليه السلام قرار شد به کوه بروند، در قرآن با عدد معرفی

شده‌اند:

﴿وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا﴾؛^۳ موسی از قوم خود، برای میقات ما هفتاد نفر را

برگزید.

۳. معرفی با صفت:

از دیگر راه‌های شناسایی شخصیت‌های الهی، معرفی با صفت است؛ چنان‌که پیامبر در انجیل و تورات، علاوه بر معرفی با نام، با صفات نیز معرفی شده است و قرآن بر این مطلب گواهی می‌دهد:

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ

بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾؛^۴ کسانی که از رسول و نبی درس‌ناخوانده‌ای پیروی می‌کنند که

نام و خصوصیات او را در تورات و انجیل نوشته می‌یابند که آنان را به نیکی دعوت کرده و از

بدی‌ها باز می‌دارد، پاکی‌ها را برای آنان حلال و ناپاکی‌ها را تحریم می‌نماید و بارهای گران و

زنجیرهایی را که بر آنان بود، برمی‌دارد.

در این آیه، حضرت محمد صلى الله عليه وآله با صفات ده‌گانه معرفی شده است. از سیاق آیه استفاده می‌شود

که حضرت در این دو کتاب (تورات و انجیل)، با همه یا اکثر این صفات، معرفی گردیده است و

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۴۴.

۲. سوره مائده، آیه ۱۲.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۵۵.

۴. همان، آیه ۱۵۷.

مفاد جمله «مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ» این است که صفات و خصوصیات او در تورات و انجیل آمده است.

خداوند متعال در قرآن، کسانی که باید مسلمان‌ها از آنان اطاعت کنند، با صفات «اولی الامر» معرفی کرده است. آن‌جا که می‌فرماید:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۱ از خداوند و رسول و صاحبان فرمان اطاعت کنید.

مردی از بنی‌اسرائیل، پس از موسی عليه السلام، به پیامبری برانگیخته شد. مردم به او گفتند: فرمان‌روایی را برای ما معین کن تا زیر لوای او در راه خدا جهاد کنیم. خداوند به درخواست آنان پاسخ مثبت داد و این فرمان‌روا را پس از معرفی با اسم، با صفت نیز معرفی کرد تا هر نوع تشابهی که ممکن است در اسم رخ دهد، از بین برود و از طریق پیامبر خود به آنان خبر داد که خدا «طالوت» را به فرمان‌روایی بر شما نصب کرده است:

«إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ...»^۲ نشانه فرمان‌روایی او این است که صندوقی به سوی شما می‌آید که در آن آرامشی از جانب پروردگار است و باقی‌مانده‌ای از آن‌چه خاندان موسی و هارون به جای گذارده‌اند، فرشتگان آن را حمل می‌کنند و در این کار برای شما نشانه‌ای است، اگر ایمان آورده باشید.

هدف از نقل این آیات، آن است که بدانیم، معرفی با صفات، یکی از راه‌های صحیح شناسایی است، لیکن گاهی معرفی با صفات، با ذکر نام نیز همراه است (آیه طالوت) و زمانی تنها به ذکر صفات اکتفا می‌شود:

«فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»^۳ به زودی خداوند گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند، در برابر مؤمنان فروتن و متواضع‌اند و در برابر کافران، سرافراز، در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت ملامت‌گران نمی‌ترسند.

۱. سوره نساء، آیه ۵۹.

۲. سوره بقره، آیه ۲۴۸.

۳. سوره مائده، آیه ۵۴.

نتیجه این که اگرچه نام حضرت علی علیه السلام و بقیه ائمه علیهم السلام و حضرت مهدی علیه السلام در قرآن نیست، اما صفات و خصوصیات آنان در قرآن وارد شده است.

اصولاً قرآن در معرفی افراد، مصالح عالی را در نظر می‌گیرد. گاهی مصالح ایجاب می‌کند که افراد را با نام معرفی کند و زمانی با صفات؛^۱ چنان که درباره حضرت علی علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام چنین شیوه‌ای وجود دارد.

ما برای رعایت اختصار فقط به توضیحی درباره آیه ۵۹ سوره نسا که قبلاً ذکر کرده‌ایم، بسنده می‌کنیم:

این آیه به صراحت، به اطاعت از اولی الامر دستور می‌دهد و اطاعت از آنها را مقرون به اطاعت رسول خدا نموده است که از همین اقتران و عدم تکرار کلمه «اطیعوا» نسبت به اولی الامر معلوم می‌شود که اطاعت از اولی الامر، مثل اطاعت از رسول خدا به طور مطلق واجب است. از این لحاظ و از جهت اطلاق امر به اطاعت از آن معلوم می‌شود که مراد از این اولی الامر، امامان معصوم علیهم السلام می‌باشد.

در روایات نیز وارد شده است که هنگام نزول این آیه کریمه، جابر به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: «قد عرفنا الله و رسوله فمن اولوا الامر الذین قرن الله طاعتهم بطاعتك؛ خدا و پیامبر او را شناختیم، پس اولوا الامری که خدا، اطاعتش را به اطاعت تو قرین کرده است، چه کسانی‌اند؟»

حضرت رسول صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود: «هم خلفائی و ائمة المسلمین بعدی اولهم علی بن ابی طالب ثم الحسن ثم الحسین و ثم علی بن الحسین ثم محمد بن علی المعروف فی التوراة بالباقر و سدر که یا جابر فاذا لقیته فأقرأه عنی السلام؛^۲ ایشان جانشینان من و امامان مسلمین بعد از من هستند، اول ایشان علی بن ابی طالب و پس از او حسن و پس از او حسین و پس از او علی بن الحسین و سپس محمد بن علی که در تورات به باقر معروف است و به زودی او را درک خواهی کرد، پس وقتی او را ملاقات کردی، سلام مرا به او برسان.

پس از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله نام سایر ائمه از امام جعفر صادق علیه السلام تا حضرت مهدی علیه السلام برای جابر بیان فرمود و سپس از غیبت و مطالب دیگر مربوط به حضرت صاحب الامر علیه السلام به جابر خبر

۱. جعفر سبحانی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۲۴۷-۲۴۳، چاپ دوم: انتشارات مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۳ هـ. ش.
۲. صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۱، ص ۶۶-۶۷، چاپ دوم: ۱۳۸۰ هـ. ش. (به نقل از منتخب الاشراف، ج ۱، باب ۸، ح ۴).

داد.

درباره دلایل ادامه ولایت پس از ختم نبوت نیز باید گفت: جواب این قسمت به طور خلاصه این است که پیامبر ﷺ در زمان خود، رهبری امت اسلام و وظیفه حفظ و بیان و اجرای احکام و معارف دین را برعهده دارد. پس از پیامبر ﷺ، امت اسلامی به یک رهبر الهی نیاز دارد که رهبری و سرپرستی امت را برعهده گیرد، احکام و معارف دین را حفظ و بیان کند، برنامه‌های سیاسی و اجتماعی اسلام را اجرا نماید، از حوزه اسلام و مسلمین دفاع کند و عدل را برقرار سازد. این سمت را امامت می‌گویند و به فردی که به دستور خدا و به وسیله پیامبر ﷺ برای این سمت معرفی می‌شود، امام می‌گوییم.

امام مهدی علیه السلام

وجود حضرت

دلیل عقلی بر اثبات وجود امام مهدی علیه السلام چیست؟

متکلمین برای اثبات وجود حضرت مهدی علیه السلام به دلایل مختلفی استدلال می‌کنند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

برهان لطف؛ برهان عنایت؛ برهان فطرت؛ برهان واسطه فیض؛ برهان علت غایی؛ برهان امکان اشرف؛ برهان مظهر جامع؛ برهان تجلی اعظم؛ برهان عدم تبعیض در فیض؛ برهان تقابل قطبین؛ برهان لزوم عقل بالفعل و برهان حساب احتمالات.

از میان برهان‌های فوق، برهان لطف را به اختصار توضیح می‌دهیم:

متکلمان، لطف را بر خداوند واجب می‌دانند، زیرا او بندگان خود را عبث و بیهوده نیافریده و راه رسیدن به هدف را برای ایشان فراهم می‌سازد (قاعده لطف).

این قاعده ایجاب می‌کند که در میان جامعه امامی باشد تا محور حق بوده و جامعه را از خطای

مطلق باز دارد^۱ و آنان را به سعادت حقیقی هدایت کند.

دلیل نقلی بر اثبات وجود امام مهدی علیه السلام چیست؟

با استفاده از آیات و روایات می توان وجود امام مهدی علیه السلام را ثابت کرد:

الف) قرآن کریم

بدون شک، از نظر جامعه اسلامی کلیه مفاهیم و اعتقادات اصیل اسلامی ریشه در کلام الهی دارد و اساس عقیده به ظهور امام زمان علیه السلام در کتاب خدا وجود دارد و این کتاب بزرگ آسمانی فرارسیدن آن روز مبارک و فرخنده را به تمام پیروان بشارت داده است.

آیات متعددی در شأن امام مهدی علیه السلام هست که امامان معصوم علیهم السلام، تفسیر، تأویل و تطبیق این آیات را بر وجود مقدس امام زمان علیه السلام و حکومت جهانی آن عدالت گستر بیان نموده اند که در ذیل برای نمونه به پاره ای از این آیات اشاره می شود:

۱. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۲؛ ما در زبور داوود

پس از تورات نوشته ایم که سرانجام بندگان شایسته ما وارث زمین می شوند.

امام باقر علیه السلام در مورد «عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» فرموده اند: قائم و اصحاب وی می باشند.^۳

۲. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ

مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ

بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۴؛ خداوند کسانی از شما را که ایمان آوردند و

اعمال شایسته انجام دادند وعده فرمود که آنان را قطعاً در زمین خلیفه خواهد کرد؛ همان طور که

کسانی را که پیش از آنان بودند به خلافت گمارد و قطعاً دینشان را برای آنها مستقر خواهد نمود؛

دینی که برای آنها پذیرفت و قطعاً آنان را پس از خوفشان به حالت امنیت دگرگون می کند، تا مرا

عبادت کنند و چیزی را شریک من ننمایند و هر که بعد از آن کفر ورزد، پس قطعاً آنان فاسق اند.

امام صادق علیه السلام فرموده است که این آیه درباره حضرت قائم و اصحاب وی به شمار می رود.^۵

۱. علی اصغر رضوانی، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، ص ۲۶۷.

۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۳. منتخب الاثر، ص ۱۵۹.

۴. سوره نور، آیه ۵۵.

۵. منتخب الاثر، ص ۱۶۱.

۳. «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛^۱ ما

می‌خواهیم تا به مستضعفان زمین نیکی کنیم یعنی آنان را پیشوایان و میراث‌بران زمین سازیم. امام باقر علیه السلام و امام هادی علیه السلام فرموده‌اند: این آیه مخصوص امام زمان علیه السلام است که در آخرالزمان ظهور می‌کند... و زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ هم‌چنان که پر از ظلم و ستم شده است.^۲

(ب) روایات

وجود حضرت مهدی علیه السلام از طریق روایات نیز به اثبات رسیده است که ذکر همه آنها، ممکن و لازم نیست. لذا به چند روایت اشاره می‌کنیم:
- احادیثی که شیعه و سنی به آن معتقدند:

۱. حدیث ثقلین:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «همانا من دو شیء گران‌بها را در میان شما می‌گذارم؛ کتاب خدا، ریسمان کشیده شده از آسمان تا زمین، و اهل بیت و همانا این دو از یک‌دیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.»^۳

طبق این حدیث همیشه همتای کتاب الهی (اهل بیت)، در روی زمین وجود دارد که همان امام زمان هر عصر است.

۲. حدیث وجوب اعتقاد به امام:

بر اساس روایات شیعه و سنی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس بمیرد در حالی که معتقد به امام زمان نباشد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.»^۴

با کمترین تأمل در این روایت و نظایر آن به مصداق واقعی امام پی خواهیم برد که از آن در روایت به «امام» تعبیر شده است و اگر کسی بدون اعتقاد به او بمیرد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

- احادیثی که شیعه به آن معتقد است:

۱. احادیث لزوم وجود امام در روی زمین:

۱. سوره قصص، آیه ۵.

۲. المحججه، ص ۱۶۸.

۳. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۹؛ کافی، ج ۱، ص ۲۹۴.

۴. کافی، ج ۱، ص ۳۷۱؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۹۶.

امام باقر علیه السلام فرمودند: «اگر زمین بدون امام بماند اهل خود را به کام خویش می کشد.»^۱
از این حدیث معلوم می شود که همیشه امامی در روی زمین وجود دارد.
۲. احادیثی که معرفت و پیروی از امام علیه السلام را لازم می دانند.

معرفی

شخصیت امام زمان علیه السلام را توصیف کنید.

حضرت مهدی علیه السلام امام دوازدهم ما شیعیان از نسل امام حسین علیه السلام، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و مادرش «ترگس خاتون» است که به زبان عربی «نرجس» خوانده می شود. بنابر قول مشهور، مادر حضرت از نسل حواریون و یاران خاص حضرت عیسی علیه السلام است. به دلیل فشار شدید حکومت در آن زمان، تولد امام مخفیانه و با معجزه همراه بود و عده بسیار کمی از آن مطلع شدند. پدر بزرگوارش او را مخفی نگاه می داشت تا دشمنان به او دسترسی نداشته باشند. آن امام بعد از شهادت پدر بزرگوارش، از دیده ها غایب گشت و در جامعه ظاهر نگردید. او از آن زمان تا به حال در میان مردم زندگی می کند، اما کسی ایشان را نمی شناسد و تا هنگامی که فرمان قیام از سوی خداوند به ایشان برسد، ناشناس زندگی خواهد کرد.

آن حضرت علیه السلام مانند امامان دیگر، بسیار مهربان و مردم دوست است. به فکر شیعیان و جامعه بوده، برای سعادت مردم و خوش بختی همه انسان ها دعا می کند. برای گناهکاران از خداوند بخشش می طلبد. تمام وقت خود را در خدمت به مردم و دوست دارانش می گذراند. گرچه در غیبت است و ظاهراً در کارها دخالت نمی کند، اما چنین نیست که در جامعه فعالیت نداشته باشد و تا زمان ظهور برای مردم کاری نکند. بلکه به فریاد مردم می رسد و به آنان یاری می رساند. بنابراین ما نیز نباید لحظه ای از یاد آن حضرت غافل شویم.

امام زمان علیه السلام مانند پدران بزرگوار خود، عبادت و بندگی خدا را بسیار دوست دارد و به شیعیان خود نیز توصیه می کند که در عبادت و بندگی خدا و ترک گناه و ظلم به دیگران کوشا باشند.
ولی عصر علیه السلام از علم فراوان امامت برخوردار است و علم ایشان بر گرفته از علم الهی است. به همین دلیل، حتی در دوران کودکی از چیزهای مخفی خبر می داد و چیزی بر او پوشیده نبود.
آن حضرت هم چنین دارای عصمت است. یعنی به اراده الهی اصلاً امکان ندارد دچار اشتباه و

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۰.

خطا گردد. تمام سخنان و رفتارشان حق است.

امام زمان علیه السلام شباهت‌های فراوانی به پیامبران گذشته و امامان علیهم السلام دارد. آن چنان که در احادیث آمده، یکی از شباهت‌های ایشان به بعضی پیامبران، مسئله غیبت است، زیرا بعضی از پیامبران گذشته مانند حضرت یوسف و حضرت موسی علیهم السلام نیز غیبت داشته‌اند. از آن امام، معجزات بسیاری نقل شده که گویای امامت ایشان است؛ مانند خبر دادن از متن نامه ناگشوده، خبر از محتویات یک بسته قبل از باز کردن آن، جواب به سؤال نامه‌ای که سؤال کننده فراموش کرده بود سؤال خود را بنویسد، شفا دادن بیماران و موارد فراوان دیگر...

تولد

چه دلیلی بر متولد شدن امام زمان علیه السلام هست؟

کتاب در انتظار ققنوس^۱ به طور مفصل این مسئله را بررسی کرده است، ولی به طور خلاصه عبارت است از:

۱. تصریح امام عسکری علیه السلام به ولادت حضرت مهدی علیه السلام، راوی می‌گوید: از امام عسکری علیه السلام پرسیدم: آیا شما فرزندی دارید؟ امام فرمود: آری.^۲
۲. شهادت دادن قابله‌ها از جمله حکیمه خاتون (دختر امام جواد علیه السلام و عمه امام عسکری علیه السلام) به ولادت امام مهدی علیه السلام؛
۳. شهادت عده‌ای از اصحاب امام عسکری علیه السلام و امام هادی علیه السلام که در زمان امام عسکری علیه السلام، حضرت مهدی علیه السلام را زیارت کرده بودند. همچنین گواهی عده‌ای دیگر که بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام در دوره غیبت صغرا، امام مهدی علیه السلام را زیارت کرده‌اند؛
۴. گواهی و کلامی امام مهدی علیه السلام و مطلعان از معجزات ایشان (شیخ صدوق اسامی افرادی که به معجزات امام عصر علیه السلام آگاه بوده‌اند و ایشان را از نزدیک زیارت کرده‌اند، ذکر کرده است)؛
۵. شهادت خدمه، کنیزان و غلامان به رؤیت امام مهدی علیه السلام؛ (افرادی که در بیت امام عسکری علیه السلام مشغول خدمت بودند، به همراه برخی کنیزان از جمله کسانی بودند که امام مهدی علیه السلام را ملاقات کرده‌اند؛ مانند خدمت‌کاران منزل طریف خادم)؛

۱. نوشته سیدنا محمد هاشم العمیدی، ترجمه مهدی علی زاده.

۲. کافی، ج ۱، باب ۷۶، ص ۳۲۸، ح ۲.

۶ شکل برخورد حکومت وقت، دلیلی بر ولادت حضرت مهدی علیه السلام است، چون معتمد، بلافاصله، پس از وفات امام عسگری علیه السلام، عمال خود را به منزل آن حضرت فرستاد و دستور داد تا دقیقاً همه جا را تفتیش کنند و امام مهدی را به چنگ آورند؛

۷. اعتراف تبارشناسان به ولادت امام مهدی علیه السلام (مؤلف نام هشت نسب شناس را می برد)؛
۸. اعتراف علمای اهل سنت به ولادت امام مهدی علیه السلام (مؤلف نام هشت نفر را ذکر کرده است).

چه کسانی شاهدان و معتقدان به ولادت امام مهدی علیه السلام هستند؟

۱. مرحوم ثقة الاسلام کلینی که خود در پایان غیبت صغرا (۳۲۹ق) رحلت کرده است در کتاب معتبر کافی فرموده: حکیمه خاتون امام مهدی علیه السلام را در شب تولد و بعد از آن دیده است.^۱
۲. در کتاب در انتظار ققنوس با استفاده از منابع معتبر روایی، نام ۴۶ نفری که حضرت را در همان دوران دیده‌اند آمده است که بعضی با گروه پنجاه نفری خدمت امام می‌رسیدند. لذا صدها نفر در همان دوران کودکی امام مهدی علیه السلام را در محضر امام عسگری علیه السلام دیده‌اند.
۳. علاوه بر آن بسیاری از بزرگان اهل سنت نیز ولادت حضرت مهدی علیه السلام را باور دارند. در کتاب گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور،^۲ نام بیست تن از بزرگان صاحب کتاب اهل سنت، از هر چهار فرقه مالکی، حنفی، شافعی، حنبلی آورده شده است که به ولادت فرزند امام حسن عسگری علیه السلام اعتقاد دارند؛ حتی بعضی از آنها معتقدند که وی همان مهدی موعود است.
۴. لازم است به این نکته توجه شود که شیخ صدوق در این باره می‌فرماید: صقیل که یکی از کنیزان امام عسگری علیه السلام بود عمداً ادعای حامله بودن کرد تا توجه حکومت به او جلب شده و با نگه‌داری او، از تفتیش مداوم منزل امام عسگری منصرف شوند.^۳ لذا این که در بعضی از کتاب‌ها آمده «کنیز امام حسن عسگری علیه السلام دو سال زیر نظر بود و خبری نشد» دقیقاً طبق یک حرکت فریبنده بود.

۱. همان، ص ۳۳۱، باب فی تسمیة من راه، ج ۳.

۲. نوشته علی اکبر مهدی پور.

۳. شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۴۷۴.

امام زمان علیه السلام در چه شهری به دنیا آمد؟

محل تولد حضرت مهدی علیه السلام، شهر سامرا (سر من رای) از شهرهای عراق و محل دفن و حرم دو امام بزرگوار شیعه، یعنی امام علی النقی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام است. هم‌چنین قبر مادر امام زمان علیه السلام و عمه بزرگوار او حکیمه خاتون (دختر امام جواد علیه السلام) نیز در همان حرم است.

آیه‌ای که امام مهدی علیه السلام پس از تولد تلاوت کرده‌اند، چیست و در کدام سوره است؟

حکیمه گوید: امام فرمود: «فرزندم را نزد من آور! من سرورم را آوردم... امام فرمود: فرزندم! سخن بگوی! نوزاد پس از گواهی به یگانگی خداوند و درود بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پدران بزرگوارشان آیات پنج و شش سوره قصص را تلاوت فرمود:» «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»، «وَتُمْكِنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»^۱.

حکیمه خاتون کیست؟

حکیمه خاتون، از بانوان خاندان امامت و رسالت و زنی با کفایت و مؤمنه بود. وی دختر امام جواد علیه السلام و خواهر امام هادی علیه السلام و عمه امام حسن عسکری علیه السلام است.^۲ لذا ممکن است از این جهت که عمه پدر امام زمان است، آن حضرت نیز او را عمه خطاب کنند.

طول عمر

سن دقیق امام زمان علیه السلام چقدر است؟

روشن است که سن، با گذشت یک سال (حرکت زمین به دور خورشید) افزایش می‌یابد و به افراد بستگی ندارد. با این حساب هر سال، سن امام نیز یک سال زیاد می‌شود و چون امام، متولد ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری هستند، در روز ۱۵ شعبان سال جاری (۱۴۲۷) سن شریف ایشان به ۱۱۷۲ سال کامل می‌رسد. البته حضرت با گذشت زمان، پیر و ضعیف نمی‌شود و همیشه از لحاظ بدنی در سن بین سی تا چهل سال دیده می‌شود.^۳ یعنی جوانی قدرت‌مند و قوی است و تا

۱. سوره قصص، آیات ۵۶؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۲۶، ج ۲۰۴.

۲. مجتبی تونه‌ای، موعودنامه، ص ۲۸۵.

۳. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۲۰؛ بصائر الدرجات، ص ۱۸۸.

زمان ظهور هم چنین خواهد بود. به طور خلاصه، امام از نظر سنی پیر، اما از لحاظ ظاهری، جوان است.

آیا فردی هم داریم که از حضرت مهدی علیه السلام بزرگ‌تر باشد؟

اگر مراد بزرگی سن باشد، حضرت خضر علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام قبل از امام زمان بوده و تا کنون زنده‌اند؛ ولی اگر مراد مقام معنوی باشد (چنان که از ظاهر سؤال استفاده می‌شود)، مقام و منزلت معنوی پیامبران و اولیای الهی متفاوت می‌باشد، و در این میان شأن و موقعیت پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله در رتبه نخست قرار دارد. هیچ پیامبر و یا فرشته‌ای وجود ندارد که به حد مقام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برسد. به همین جهت رسول اکرم صلی الله علیه و آله اشرف مخلوقات خداوند می‌باشد.

بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - طبق بیانات خود آن حضرت - شخصیت دوم عالم خلقت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشد که هیچ پیامبر و فرشته‌ای (غیر از پیامبر اسلام) به عظمت و بزرگی مقام آن حضرت نمی‌رسد؛ و همین‌طور حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام در رتبه بعدی قرار دارد و طبق روایات، خود امام عصر علیه السلام آن حضرت را به عنوان الگو و اسوه خود معرفی نموده است.^۱ بعد از او امام مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌باشند. اما نسبت به درجات معنوی بقیه ائمه علیهم السلام (نه نفر دیگر) که آیا همه با هم برابرند، یا امام قبلی از امام بعدی برتر است، یا این که حضرت حجت علیه السلام از هشت تن دیگر افضل و برتر است،^۲ محل بحث و گفت‌وگو است. در میان سایر ائمه، حضرت مهدی علیه السلام بیش از همه مورد توجه روایات قرار دارد. شاید به دلیل این است که حضرت مهدی علیه السلام نقطه اوج درخشش سلسله امامت می‌باشد.

نکته آخر این که طبق روایات، همه ائمه معصومین علیهم السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله از یک نوراند و همه آنان اشرف مخلوقات عالم می‌باشند و هر کدام در شرایط خاصی ظهور نموده‌اند، و لذا تلقی ما بیشتر متأثر از شرایط زمانی خاص آنان می‌باشد والا مقام و عظمت آنان برای کسی قابل درک نمی‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت که مقام پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام بزرگ‌تر و مقدم بر حضرت مهدی علیه السلام است، ولی از این نظر که آنان نور واحدند باید گفت که همگی دارای یک حقیقت می‌باشند.

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

۲. حسین بن سلیمان حلی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۵۹، چاپ تبریز.

چگونه شخصی مثل امام زمان علیه السلام می‌تواند عمر طولانی داشته باشد؟

عمر طولانی از نظر عقل و دانش بشری، امری ناممکن نیست و دانشمندان با مطالعه اجزای بدن، معتقدند که انسان می‌تواند سال‌های بسیار طولانی‌ای عمر کند و حتی گرفتار پیری و فرسودگی هم نشود.^۱

مهم‌تر این که عمر طولانی، بارها در گذشته تجربه شده است و بهترین دلیل بر امکان یک پدیده، وقوع آن است. هم در کتاب‌های آسمانی و هم در کتاب‌های تاریخی، افراد زیادی با نام و نشان و شرح حال یاد شده‌اند که عمرشان بسیار طولانی بوده است؛ مانند حضرت نوح علیه السلام که قرآن درباره او فرمود: «به راستی ما نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس ۹۵۰ سال در میان آنها درنگ کرد.»^۲ یعنی پیامبری حضرت نوح تا پیش از توفان این مدت بوده است. در روایات ما برای حضرت نوح عمری بیش از دوهزار سال ذکر شده است و در تورات و انجیل نیز، از دراز عمران یاد شده؛ مثل حضرت آدم علیه السلام که بیش از نهصد سال عمر کرد.

گذشته از عقل و علم و تجربه تاریخی، امکان عمر طولانی در مقیاس قدرت بی‌نهایت خداوند نیز، اثبات‌شدنی است. قرآن درباره حضرت یونس علیه السلام فرموده: «اگر او در شکم ماهی تسبیح نمی‌گفت، تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند.»^۳ امام حسن مجتبی علیه السلام نیز می‌فرماید: «خداوند عمر او (مهدی علیه السلام) را در دوران غیبتش طولانی می‌گرداند، سپس به قدرت خدایی‌اش او را در سیمای جوانی زیر چهل سال آشکار می‌سازد تا مردمان دریابند که خداوند بر هر کاری تواناست.»^۴ چنین طول عمری نسبت به قدرت خداوند کاری بسیار آسان و شدنی است و خداوند می‌تواند با قدرت بی‌پایان خود هر کس را بخواهد زنده نگه دارد. چنان که حضرت خضر علیه السلام را که قبل از حضرت موسی علیه السلام متولد شده هنوز هم زنده نگه داشته است.

علاوه بر آن، علم و اصول زیست‌شناسی نیز امکان چنین چیزی را نفی نمی‌کند. عمر انسان حدود معینی ندارد که تجاوز از آن حد، غیرممکن باشد. هیچ یک از دانش‌مندان تا به حال نگفته‌اند که فلان مقدار سال، نهایت درجه‌ای است که انسان‌ها می‌توانند به آن نائل گردند و هنگامی که بدان پایه رسیدند، مرگ‌شان حتمی است. پس مرگ نیز، مانند سایر بیماری‌ها معلول علل و عوامل

۱. نک: دکتر فریدونی، زنده روزگاران.

۲. سوره عنکبوت، آیه ۱۴.

۳. سوره صافات، آیه ۱۴۴.

۴. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹.

طبیعی است که اگر شناخته شوند و از تأثیر آنها جلوگیری شود، می‌توان مرگ را به تأخیر انداخت و فرد را تا مدت زیادی زنده نگه داشت. بنابراین، عمر طولانی امام زمان علیه السلام را نباید ناممکن و غیرمعقول دانست، بلکه علم و دانش، عمر بسیار را با حفظ نیروی جوانی و شادابی، امری کاملاً ممکن می‌داند.

چگونه حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام با عمر طولانی، در چهل سالگی ظهور می‌کند؟

گفتنی است که منظور از چهل سالگی، مقدار سال‌های حیات ایشان از آغاز میلاد تا زمان ظهور نیست، بلکه منظور این است که در زمان ظهور، چهره و جمال ایشان چنین است. بنابراین، منظور، جوان بودن حضرت است، نه سن مشخص، چون قطعاً سن حضرت بیش از این است. البته حضرت پس از ظهور هم چهره‌ای جوان خواهد داشت و پیر نمی‌شود.

هم‌چنان که علامه مجلسی می‌فرماید: «در صورت و قیافه ظاهری چنین است، یعنی صاحب این امر، همیشه در چهل سالگی دیده می‌شود و پیری در او اثر نمی‌کند و قیافه‌اش را تغییر نمی‌دهد.»^۱

مشخصات ظاهری

مشخصات ظاهری امام زمان علیه السلام را بیان کنید.

برحسب روایات و برخی ملاقات‌های معتبر می‌توان گفت:

۱. حضرت، شبیه‌ترین مردم به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است؛
۲. زیبا و خوش‌چهره است؛
۳. سیمایی جوان، بین سی تا چهل سال دارد؛
۴. قامتی متوسط و باریک و قوی دارد؛
۵. رنگ چهره، سفید مایل به سرخ (گندم‌گون) است که کمی مایل به زردی است؛
۶. موی سر، بلند و کمی مجعد و چین و شکن دارد؛
۷. گونه‌های حضرت، کم‌گوشت است و بر گونه راست ایشان خالی سیاه وجود دارد و بر پیشانی وی اثر سجده نمایان است؛
۸. پیشانی بلند و درخشان دارد؛

۱. همان، ج ۵۲، ص ۲۸۷.

۹. ابروانی کشیده، بلند و کمانی دارد که نزدیک به هم هستند؛
۱۰. دارای چشمان درشت و براق به رنگ سیاه است که کمی فرورفته‌اند؛
۱۱. بینی ایشان، کشیده و باریک است؛
۱۱. دندان‌های پیشین، براق و از هم فاصله دارند؛
۱۲. شانه‌های قوی و بزرگ؛
۱۳. سینه‌ای فراخ؛
۱۴. ساق‌هایی باریک؛
۱۶. دستانی ستبر که بر کف دست راست خالی وجود دارد.^۱

چرا با وجود تصویرهایی از امامان، سیمایی از امام زمان علیه السلام وجود ندارد، با آن که افرادی در غیبت صغرا با ایشان ارتباط مستقیم داشته‌اند؟

تصویرهایی که از امامان دیگر علیهم السلام وجود دارد، واقعی نیست و هیچ عکس و تصویری واقعی در این باره وجود ندارد.

با وجود طولانی شدن غیبت، آیا سن و چهره حضرت مهدی علیه السلام تاکنون تغییر کرده و آثار کهولت در سیمای حضرت مشخص است یا خیر؟

گرچه به دلیل طولانی بودن زمان حیات آن بزرگوار و بر اثر جریان طبیعی، باید سیمای حضرت مثل افراد کهنسال باشد، اما از روایات، استفاده می‌شود که حضرت در زمان ظهور، مثل فردی ظاهر می‌شود که کمتر از چهل سال دارد. بنابراین، آثار کهن‌سالی در سیمای ایشان دیده نخواهد شد و حضرت، سیمایی جوان و بانشاط خواهد داشت و این از نشانه‌های ایشان است.

امام رضا علیه السلام فرمود: «از نشانه‌های مهدی سیمای جوان او در سن کهولت است که هر کس او را ببیند، چهل ساله یا کمتر تصورش می‌کند. نیز از نشانه‌های او این است که گذشت زمان در او اثر نمی‌کند و تا فرا رسیدن مرگش، آثار پیری در او ظاهر نمی‌شود».^۲

حضرت مهدی علیه السلام شبیه کدام امام یا پیامبران الهی می‌باشند؟

درباره شباهت‌های امام با پیامبران الهی، روایت‌های فراوانی داریم که به بعضی از آنها اشاره

۱. نک: جواد جعفری، مقاله «جمال یار» مجله تخصصی انتظار، شماره ۵، پاییز ۱۳۸۱.
 ۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵ و ۳۲۲.

می کنیم:

امام سجاد علیه السلام فرموده است: «در قائم ما چند سنت از پیامبران است. آن سنتی که از آدم و نوح علیهم السلام دارد، طول عمر است و از ابراهیم علیه السلام پنهان بودن ولادتش و دوری گزیدن وی از مردم و از موسی علیه السلام غیبت از مردم و از عیسی علیه السلام اختلافی که مردم درباره او دارند و از ایوب علیه السلام گشایش بعد از گرفتاری و از محمد صلی الله علیه و آله قیام با شمشیر.»^۱

از امام باقر علیه السلام چنین روایت شده است: «قائم آل محمد صلی الله علیه و آله پنج شباهت با پیغمبران دارد: شباهتی که به یوسف علیه السلام دارد، غیبت و پنهانی او از خواص و عموم مردم و برادرانش است و شباهتی که با موسی علیه السلام دارد، غیبت طولانی و مخفی بودن ماجرای ولادتش است و شباهت وی به عیسی علیه السلام، اختلافی است که مردم درباره او دارند، زیرا جماعتی گفتند او متولد نشده و عده‌ای گفتند او مرده و گروهی گفتند، او را کشته‌اند و شباهتی که به جدش محمد صلی الله علیه و آله دارد، قیام با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول و ستم‌گران است و وی به وسیله شمشیر و وحشتی که در دل‌ها پدید می‌آید، یاری می‌شود.»^۲

البته در روایات بسیاری آمده که حضرت از نظر چهره و اخلاق، شبیه‌ترین مردم به پیامبر اسلام است.

از امام عسکری علیه السلام چنین روایت شده: «او از جهت خلق و خلق شبیه‌ترین مردم به رسول خداست.»^۳

آیا امام زمان علیه السلام سایه دارند؟

در روایتی که شیخ صدوق^۴ نقل کرده است امام رضا علیه السلام در معرفی امام عصر علیه السلام و بیان نشانه‌های ایشان می‌فرماید: «هو الذی تطوی له الأرض و لایکون له ظل؛ قائم ما آن کسی است که زمین زیر پای او جمع می‌شود (طی الارض) و سایه ندارد.»

هم‌چنین در روایت دیگری از امام رضا علیه السلام - که نشانه‌های کلی امامت را بیان می‌دارد - آمده است: «للامام علامات: یکون اعلم الناس.... و لایکون له ظل؛ برای امام نشانه‌هایی است، از جمله

۱. کمال‌الدین، ص ۳۲۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷.

۳. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۱۱۸.

۴. همان، ص ۳۷۲، یک جلدی، چاپ دفتر مؤسسه نشر اسلامی (جامعه مدرسین)، محرم ۱۴۰۵ هـ. ق.



این که امام داناترین مردم است ... و سایه ندارد»^۱.

طبق این دو روایت، می‌توان گفت: امام زمان علیه السلام و سایر ائمه، هیچ یک سایه نداشته‌اند و این علامت برای شناختن امام از غیر امام است.

باید توجه داشت در کتاب‌های تاریخی‌ای که شرح حال ائمه علیهم السلام نوشته شده، چنین نشانی بیان نگردیده است. اگر چنین چیزی وجود می‌داشت، حتماً در کتاب‌های دیگر، حتی در کتاب‌های اهل سنت هم نقل می‌گردید. بنابراین، ممکن است ظاهر روایت، منظور و مراد امام نباشد و نبود سایه، کنایه از چیز دیگری باشد. مثلاً کنایه از این که وجود امام، خیر محض و همه نور است و با نور او عالم روشن می‌شود. در این صورت پیداست که وجود نورانی او هیچ تاریکی و سایه‌ای ندارد. پس در معنای روایت باید دقت کرد و نمی‌توان به ظاهر آن بسنده نمود. نکته قابل توجه در فهم این گونه احادیث، توجه به زبان آن است که معمولاً با کنایه سخن گفته‌اند و معنای حقیقی آن ارائه نشده است.

البته این مسئله و مسائل مشابه آن - که دانستن و ندانستن آن تأثیری در سعادت و شقاوت ما ندارد - اهمیت چندانی ندارد. بهتر است مسائل مهمی مثل وظایف منتظران در زمان غیبت، چگونگی فراهم شدن زمینه ظهور امام زمان علیه السلام و ... را جست‌وجو کنیم.

دوران امامت

امامت امام مهدی علیه السلام از چه زمانی آغاز شده است؟

امام زمان علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری قمری با شهادت پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام به امامت رسید. در آن زمان حضرت حدود پنج سال داشت.

امام زمان علیه السلام در چند سالگی وارد غیبت صغرا و غیبت کبرا شدند؟

با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری قمری، دوران امامت امام زمان علیه السلام آغاز شد و از همین زمان، غیبت کوتاه مدت آن حضرت (غیبت صغرا) شروع شد، یعنی حدود پنج سالگی وارد غیبت صغرا شدند و تا سال ۳۲۹ هجری قمری نزدیک به هفتاد سال ادامه یافت. غیبت کبرا از سال ۳۲۹ هجری آغاز شد. لذا امام زمان علیه السلام در حدود ۷۴ سالگی وارد غیبت کبرا شده‌اند. غیبت کبرا تاکنون ادامه دارد.

بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶.

پدر و مادر امام زمان علیه السلام در چه سالی متولد شده‌اند؟

پدر بزرگوار حضرت مهدی علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام، در روز هشتم یا چهارم یا دهم ربیع‌الثانی سال ۲۳۱ یا ۲۳۲ هـ. ق در مدینه متولد شده‌اند. اما سال تولد مادر بزرگوار آن حضرت، مشخص نیست و چیزی در این باره ثبت نشده یا حداقل به دست ما نرسیده است.

امام مهدی علیه السلام پدر و مادر خود را در چند سالگی از دست داد؟

حضرت مهدی علیه السلام پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری علیه السلام را در پنج سالگی از دست دادند.^۱ نرجس خاتون نیز در سال ۲۶۱ هجری^۲ و طبق نظر شیخ صدوق مادر آن حضرت قبل از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری درگذشته است.^۳ پس آن حضرت بیش از پنج سال نداشته که مادرشان را نیز از دست داده‌اند.

محل زندگی

آیا امام مهدی علیه السلام در میان مردم زندگی می‌کند و ما از شناخت او عاجزیم، یا این که در عالم دیگر است و ما او را نمی‌بینیم؟

می‌توان در کیفیت زندگی و غیبت امام مهدی علیه السلام سه فرض را تصور کرد:

۱. امام مهدی علیه السلام نه بر روی زمین، بلکه در عالمی غیر از عالم مادی حضور دارند؛
۲. امام مهدی علیه السلام روی کره زمین و در میان مردم زندگی می‌کند، ولی به خواست الهی چشم‌ها توانایی دیدن آن حضرت را ندارند (غیبت شخص)؛
۳. امام مهدی علیه السلام در میان مردم زندگی می‌کند و مردم هم ایشان را می‌بینند، اما کسی از هویت ایشان مطلع نیست. یعنی شخصیت ایشان بر مردم مخفی است، نه شخص ایشان (غیبت شخصیت).

آن چه از روایات پیشوایان دینی به دست می‌آید، فرضیه سوم است، یعنی حضرت در زمین و ناشناس در میان مردم زندگی می‌کند و مردم هم ایشان را می‌بینند، اما نمی‌شناسند. برخی از این

۱. محمد مهدی اشتهاردی، حضرت مهدی فروغ تابان ولایت، ص ۱۵ (به نقل از اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۲۷).

۲. مجتبی تونه‌ای، موعودنامه، ص ۷۳۰.

۳. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۱۵.

روایات عبارت‌اند از:

الف) امام صادق علیه السلام در تبیین کیفیت غیبت امام مهدی علیه السلام آن حضرت را به حضرت یوسف علیه السلام تشبیه کرده و فرموده‌اند:

«چرا مردم منکرند که خداوند با حجت خود چنان کند که با یوسف کرد؟ او (حجت خدا) در بازارهایشان راه می‌رود و بر فرش‌های آنان گام می‌نهد ولی مردم او را نمی‌شناسند؛ تا هنگامی که خداوند به او اجازه دهد که خود را معرفی کند»^۱.

ب) آن حضرت در روایت دیگری فرموده‌اند:

«شبهت امام مهدی علیه السلام با حضرت یوسف، در پس پرده بودن او است. یعنی خداوند کاری کرده که مردم او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند»^۲.

این دو حدیث به وضوح بر زندگی عادی امام مهدی علیه السلام در میان مردم (البته به طور ناشناخته) دلالت دارد.

ج) از محمد بن عثمان (نایب دوم امام زمان علیه السلام) که از احوال حضرت کاملاً آگاه بوده چنین نقل شده است:

«به خدا قسم، صاحب این امر (امام مهدی علیه السلام) هر ساله در موسم حج حاضر می‌شود و مردم را می‌بیند و می‌شناسد. آنان نیز او را می‌بینند، اما نمی‌شناسند»^۳.

هر جمعه در دعای ندبه می‌خوانیم: «بنفسی انت من مغیب لم یخل منا، بنفسی انت من نازح ما نرح عنا؛ جان فدایت! تو آن غایبی که از میان ما بیرون نیستی، جانم فدایت! تو آن دور شده از وطنی که از ما دور نیستی.»

بنابراین، طبق این روایات، فرضیه اول (زندگی کردن امام علیه السلام در عالمی دیگر) و فرضیه دوم باطل می‌گردند.

در روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام در مورد امام زمان علیه السلام چنین آمده است: «مردم دنبال او می‌گردند، ولی او را نمی‌یابند. اما به خدا قسم حجت خدا روی زمین است؛ در راه‌ها پیاده می‌رود، در خانه‌ها داخل می‌شود، در شرق و غرب حرکت می‌کند، سخنان را می‌شنود و بر جماعت سلام

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۱۰.

۲. همان، ص ۱۲۰.

۳. همان، ص ۳۴۰.

می کند، می بیند ولی دیده نمی شود.»^۱

خود امام مهدی علیه السلام هم به ابن مهزیار فرمودند: «پدرم با من عهد کرد نزدیک مردمی که خداوند به آنها غضب کرده نباشم، و به من دستور داد در کوه‌های سخت و صعب العبور و سرزمین‌های بی آب و علف زندگی کنم.»^۲

از این روایات استفاده می شود که حضرت حضوری همیشگی در جامعه داشته و با مردم دیدار و صحبت می کند؛ به منزل بعضی می رود، ولی مردم او را نمی شناسند. و این کارها را به طور ناشناس انجام می دهد اما محل زندگی و سکونت ایشان داخل شهرها نیست، بلکه در بیابان‌ها و کوه‌ها و محل‌های دور از مردم است.

همچنین حضرت دائماً در حال تغییر مکان خود هستند و جای ثابتی برای سکونت ندارند،^۳ اما بیشتر وقت‌ها در نزدیکی مکه^۴ و مدینه^۵ زندگی می کنند.

امام زمان علیه السلام کجاست؟

در زمان غیبت کبرا، مکان مشخصی برای سکونت حضرت علیه السلام ذکر نشده است. البته بعضی از مکان‌ها و مقام‌ها به نام مبارک ایشان مزین است؛ مانند مدینه منوره و مکه معظمه، چون حضرت هر ساله در مراسم حج حضور دارند. در مکان‌های خاص دیگری مانند مسجد مقدس جمکران، مسجد سهله، مسجد کوفه، مقام حضرت صاحب‌الامر در وادی‌السلام نجف، حرم ائمه معصومین و... نیز به طور پراکنده حضور دارند. البته باید توجه داشت که مکان‌های منتسب به حضرت، به معنای حضور و اقامت ایشان در آن جا نیست.

آیا صحت دارد که محل استقرار حضرت ولی عصر علیه السلام در کوه رضوا است؟ این کوه

کجاست؟

امام زمان علیه السلام در عصر غیبت کبرا مکان خاصی ندارد. نه در کوه رضوا ساکن است و نه در جای دیگر. البته ممکن است به آن کوه، مثل بعضی جاهای دیگر رفت و آمد کند. کوه رضوا از کوه‌های مدینه است که در نزدیکی شهر «ینبع» قرار دارد و فاصله بین آن کوه

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۴.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲.

۳. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۴.

۴. کمال‌الدین، ص ۴۴۷.

۵. کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۶.

تا مدینه چهل میل است.

آیا داستان جزیره خضرا واقعیت دارد یا خیر؟

اصل این قضیه به دو حکایت باز می‌گردد که در بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۱۳ و ج ۵۲، ص ۱۵۹ آمده است:

الف) حکایت اول از کمال‌الدین، احمد بن محمد یحیی انباری است که در سال ۵۴۳ هجری (حدود نهصد سال پیش) نقل شده است.^۱

ب) حکایت دوم را علی بن فاضل مازندرانی در سال ۶۹۹ هجری قمری (حدود هفتصد سال پیش) نقل کرده است.

نکات مشترک این دو حکایت:

محل سکونت فرزندان آن حضرت در جزیره‌ای در میان دریاست؛

امام زمان علیه السلام اکنون همسر و فرزند دارد؛

آن جزیره، بسیار خوش آب و هوا و سرسبز بوده و در نقاط دیگر دنیا نظیر ندارد؛

نظم اجتماعی، رفاه و کیفیت سلوک مردم در آن جزیره بسیار عالی است؛

ناقلان هر دو داستان (انباری و فاضل مازندرانی) ناشناخته هستند.

نظریات درباره این دو حکایت

گروهی بر این عقیده‌اند که داستان واقعی است.

برخی از کسانی که اصل داستان را پذیرفته‌اند، آن را با مثلث برمودا تطبیق داده‌اند.^۲

پژوهش‌گران سترگی چون شیخ جعفر کاشف الغطاء، آقابزرگ تهرانی، علامه شوشتری، علامه

سید جعفر مرتضی عاملی، محمد باقر بهبودی و... بر این عقیده‌اند که داستان جزیره خضراء

واقعیت ندارد. لذا بر هر دو حکایت، اشکالات متعدد سندی، تاریخی و محتوایی وارد نموده‌اند.

اینک جداگانه به ذکر برخی از مشکلات که به هر یک از این دو حکایت وارد شده، می‌پردازیم:

الف) حکایت علی بن فاضل مازندرانی

اشکالات سندی: مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار تصریح کرده که این حکایت را در

۱. این حکایت را ناشر بحارالانوار از محدث نوری در جنه المأوی نقل و به بحارالانوار اضافه کرده است.

۲. نک: ناجی نجار، جزیره خضراء و تحقیقی پیرامون مثلث برمودا، ترجمه علی‌اکبر مهدی‌پور؛ سید جعفر رفیعی، جزیره خضراء.

کتاب‌های معتبر نیافته و به همین علت آن را در بابی جداگانه نقل می‌کند.^۱

هیچ یک از علما و بزرگان معاصر علی بن فاضل مازندرانی، هم‌چون علامه حلی و ابن داوود^۲ اسمی از او و داستانش نبرده‌اند. از این رو این قضیه از چند حال خارج نیست: یا معاصران وی داستان او را دروغ و باطل تلقی کرده‌اند، یا اصلاً چنین داستانی را نشنیده‌اند و یا این که این داستان بعد از آنها بوده است.

در میان منابع موجود، کهن‌ترین مأخذی که برای این داستان به چشم می‌خورد، کتاب مجالس المؤمنین نوشته قاضی نورالله شوشتری است که در سال ۱۰۱۹ هجری قمری به شهادت رسیده است. در حالی که داستان جزیره خضراء مربوط به سال ۶۹۹ هجری است.^۳ (یعنی این کتاب، حدود ۳۰۰ سال بعد نوشته شده است).

بر این حکایت از نظر سندی اشکالات دیگری نیز وارد است که علاقه‌مندان می‌توانند به منابعی که در پایان معرفی می‌گردد، مراجعه کنند.

اشکالات محتوایی: در داستان علی بن فاضل، به مطالبی اشاره شده که با بسیاری از مسلمات دینی سازگاری ندارد و روایات بسیاری بر خلاف آن مطالب آمده است، که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. در متن روایات آمده که فاضل مازندرانی از شخصی به نام سیدشمس‌الدین می‌پرسد: چرا در میان برخی آیات قرآن ارتباط منطقی وجود ندارد؟ سیدشمس‌الدین می‌گوید: این قرآنی است که خلیفه اول (ابوبکر) جمع‌آوری کرده و بعضی آیات آن را حذف نموده است. او قرآن امام علی علیه السلام را نپذیرفت؛ به همین دلیل بعضی از آیات آن با هم سازگاری ندارد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، اگر کسی این بخش از حکایت را قبول کند، به تحریف قرآن کریم معتقد شده است. این مطلب به اجماع شیعه و سنی و به موجب تصریح آیه ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۴ البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و خود نیز آن را پاسبانی خواهیم نمود، باطل و مردود است. به علاوه، اهتمام و توجه زیاد مسلمانان به نوشتن و حفظ قرآن و تعدد

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۶۹.

۲. وی نویسنده کتاب رجال، معروف به رجال ابن داوود است، که در سال ۷۰۷ هجری قمری از تألیف کتاب رجال خود فارغ شده است. (به نقل از جزیره خضراء، افسانه یا واقعیت، ترجمه ابوالفضل طریقه‌دار).

۳. جعفر مرتضی‌عاملی، جزیره خضراء، افسانه یا واقعیت، ص ۱۹۰.

۴. سوره حجر، آیه ۹.

نسخه‌ها و شیوع آن در بین مسلمانان، از زمان پیامبر ﷺ و زیر نظر مستقیم آن حضرت تا حدی بود که تبدیل و تحریف آن، از امور ناشدنی و ممتنع به شمار می‌رفت.^۱

۲. در متن داستان آمده است: خمس بر تمام شیعیان حلال است و پرداخت آن واجب نیست. این نظریه نیز پذیرفتنی نیست؛ چون خلاف نظر مشهور فقهای اسلام است.

متن داستان بر وجود همسر و اولاد برای حضرت دلالت می‌کند. این نظریه را بزرگانی چون شیخ مفید، بیاضی و طبرسی پذیرفته‌اند و روایاتی که بر وجود اولاد برای حضرت دلالت می‌کند، از نظر سند رد کرده‌اند. علاوه بر آن روایاتی بر خلاف آن داریم. می‌توان برای مطالعه بیشتر در این موضوع به کتاب‌های مفصل رجوع کرد.^۲

ب) حکایت انباری

اشکالات سندی: داستان انباری فاقد هرگونه استناد است. چون خود صاحب کتاب التعازی^۳ آن را نقل نکرده است؛ بلکه استنساخ کننده ناشناخته‌ای آن را در پایان کتاب التعازی افزوده است که معلوم نیست این خبر را از کجا و از چه کسی نقل است.

هم‌چنین اشخاص مذکور در سند، شناخته شده نیستند و در کتاب‌های رجالی شیعه ذکری از آنان به میان نیامده و راوی خبر هم ناشناخته است و تنها به مسیحی بودن او تصریح شده است. اشکالات محتوایی: در متن داستان، از شهرهایی نام برده شده که در منابع جغرافیایی معتبر و کهن مانند معجم البلدان یا قوت حموی، اصلاً نامی از آنها برده نشده است. از آن‌جا که در این منبع، اسامی روستاهای دورافتاده هم از قلم نیفتاده، چگونه ممکن است از جزیره‌ای با این عظمت ذکری به میان نیامده باشد.

هم‌چنین در متن حکایت آمده که فرزند امام زمان ﷺ از یهود و نصارا جزیه گرفت، ولی اموال اهل سنت را مصادره کرد، یعنی با اهل سنت برخوردی سخت‌تر از یهود و نصارا داشت، در صورتی که چنین چیزی امکان ندارد.

علاقه‌مندان می‌توانند برای مطالعه بیشتر به کتاب‌ها و منابعی که در ذیل معرفی می‌گردد، مراجعه کنند:

۱. در این باره، علامه جعفر مرتضی، در کتاب حقایق هاقه حول القرآن الکریم، بحث‌های دقیقی کرده که علاقه‌مندان می‌توانند به آن مراجعه کنند.

۲. در این باره نک: جزیره خضراء؛ افسانه یا واقعیت، ترجمه ابوالفضل طریقه‌دار.

۳. این کتاب نوشته محمد بن علوی است که مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الذریعه، ج ۵، ص ۱۰۶ آورده است.

۱. محمد تقی شوشتری، سید جعفر مرتضی عاملی، ابراهیم امینی، جزیره خضراء، افسانه یا واقعیت، ترجمه ابوالفضل طریقه‌دار.

۲. غلامرضا نظری، جزیره خضراء، تحریفی در تاریخ شیعه.

۳. سید جعفر مرتضی عاملی، جزیره خضراء، در ترازوی نقد، ترجمه محمد سپهری.

۴. مجتبی کلباسی، بررسی افسانه جزیره خضراء، فصل نامه انتظار، شماره‌های ۴-۱.

آیا امام زمان علیه السلام در مثلث برمودا زندگی می‌کند؟

درباره این مسئله چند نکته جالب توجه است:

۱. در شمال غربی اقیانوس اطلس (نزدیک قاره امریکا) جزیره‌های کوچکی (حدود ۳۶۰ جزیره که ۲۰ جزیره آن مسکونی است) قرار دارد. این جزیره‌ها به برمودا معروف هستند؛ برمودا، نام یکی از جزایر بزرگ آن مجموعه است.^۱

۲. مثلث برمودا به منطقه‌ای مثلث‌شکل می‌گویند که یک رأس آن، جزیره برمودا (۳۳ درجه شمالی و ۶۴ درجه غربی) است، یک رأس آن بندر میامی در ساحل شرقی ایالت فلوریدا، از مهم‌ترین بنادر ایالات متحده است و رأس دیگر آن نیز سن‌خوان (سن‌ژوان) پایتخت پورتوریکو (یکی از جزایر بزرگ دریای کارائیب) است که در شرق کشور دومینیکن قرار دارد.^۲

۳. از آن چه گفته شد، وجود محلی به نام جزیره برمودا و ناحیه‌ای به نام مثلث برمودا ثابت می‌شود. این جزایر از لحاظ جغرافیایی، محل مشخصی دارد و در نقشه‌ها ثبت شده است.

۴. اصل ملاک درباره این جزیره و مثلث برمودا، اخباری است که مخبره و ثبت شده است. در حدود سال ۱۳۵۵ هـ. ش یعنی دو سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در تمام مطبوعات و رادیوها، اخباری شگفت از حوادث دردناک و اسرارآمیز این جزیره و منطقه اعلام شد و به تبع آن، در مجلات داخلی ایران نیز مطالبی ترجمه و بیان گردید، اما در سال‌های اخیر از چنین حادثه‌هایی سخن گفته نمی‌شود، در حالی که با گسترش ارتباطات باید اخبار بیشتر و دقیق‌تری ارائه می‌شد.

۵. بعضی درباره پخش گسترده این اخبار استدلال کرده‌اند که چون کشور کوبا رابطه خوبی با

۱. نک: ناجی‌النجار، جزیره خضراء، ص ۶۰ و ۶۱
۲. همان.

شوروی سابق داشت و از طرفی نزدیک بودن آن به ایالات متحده امریکا، خطر جدی برای امریکا به شمار می‌آمد و می‌توانست جایی برای نصب ابزار جاسوسی و جنگی و در واقع پایگاهی برای شوروی در نزدیکی آن کشور باشد، امریکا به این فکر افتاد که در نزدیکی کوبا (مثلث برمودا) با شایعه کردن این اخبار، منطقه خطرناک و ناامنی به وجود آورد و در آنجا پایگاهی بسازد که کوبا را از نزدیک زیر نظر بگیرد و اگر کسی خواست نزدیک آن شود، او را از بین برده و آن را به نیروهای اسرارآمیز منتسب سازد. بنابراین اخبار مخابره شده، همه جنبه سیاسی و امنیتی داشته و در واقع ساختگی بوده است. البته امکان دارد برای واقعی جلوه کردن، چند هواپیما و کشتی را از بین برده باشند؛ زیرا از آن جنایت‌کاران چنین کاری بعید نیست.

۶. متأسفانه بعضی با شنیدن این رویدادها، ادعا کردند یا احتمال دادند که آن منطقه، همان جزیره خضراء و محل زندگی امام زمان علیه السلام است؛ در حالی که این احتمالی بیش نبوده و عقیده‌ای شخصی است که از کج‌فهمی افراد خبر می‌دهد؛ زیرا وقتی اخبار دردآور و غم‌انگیز کشته شدن عده‌ای بی‌گناه که گاه راه را گم کرده‌اند یا سوار بر کشتی تجاری بوده‌اند، دنیا را فرا گرفت و همه ناراحت‌اند و اظهار هم‌دردی می‌کنند، معلوم است که وقتی کسی در این حال ادعا کند آن‌جا جزیره امام ماست و حضرت و یارانش چنین کارهایی را انجام داده‌اند، ناآگاه و بی‌خرد است. به راستی این ادعا به شنوندگان و خوانندگان چه پیامی منتقل می‌کند؟ آیا جز این است که بر خشونت‌طلبی و خون‌ریزی دین اسلام و پیشوایان دین تأکید می‌ورزد؟

۷. وقتی از مدعیان وجود جزیره خضراء می‌پرسند: چرا تا به حال کسی آن را روی کره زمین ندیده است، می‌گویند: خدا قدرت دارد که آن را از چشم‌ها دور کند و کسی آن را نبیند.^۱ باید از این افراد پرسید: اگر خدا چنین کاری را می‌کند، پس چه لزومی دارد که هواپیماها و کشتی‌ها در آن منطقه نابود شوند و چرا باید این افراد بی‌گناه کشته شوند؟ پس در صورت درستی داستان جزیره خضراء و کشته شدن دشمنان (که در آن روایات آمده)، آیا کسی که راه را گم کرده و اتفاقاً به آن‌جا رسیده، مستوجب قتل است؟ آیا ارائه چنین تصویری از اسلام و امام صحیح است؟

نتیجه:

۱. مثلث برمودا وجود دارد، اما اخبار نقل شده درباره آن ساختگی و برای اهداف سیاسی بوده است.

۲. تطبیق آن بر جزیره خضراء، ادعایی شخصی است و فقط از سوی فردی ناشناخته به نام ناجی‌النجار ابراز گردیده است. به نوشته او، فقط به دلیل تشابهاتی که بین جریان جزیره خضراء و اتفاقات نقل شده درباره مثلث برمودا وجود داشته، به این نتیجه‌گیری رسیده^۱ و طبیعی است که این نتیجه‌گیری، ارزش علمی ندارد.

۳. پذیرش چنین چیزی، خدشه‌دار کردن چهره دین و خطرناک معرفی کردن امام رحمت و رأفت است که با قوانین مسلم دین سازگاری ندارد.

پوشش امام

امام زمان علیه السلام در قبل و بعد از ظهور، چه نوع لباسی می‌پوشد؟ آیا لباس امام مثل لباس روحانیون است یا لباس عربی و شال سبز و عمامه سبز بر سر دارند؟
امام در زمان غیبت برای پنهان کاری از لباس‌های مختلف استفاده می‌نماید و در لباس‌های متعددی دیده شده است.

لباس امام مهدی علیه السلام در زمان ظهور مثل لباس پدران بزرگوارش علیهم السلام و پیامبر مکرم صلی الله علیه و آله است. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «به خدا سوگند، گویی او را با چشم خود می‌بینم که وارد مکه شده، در حالی که بُرد پیامبر صلی الله علیه و آله بر تن و عمامه‌ای زرد بر سر دارد. کفش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله اندازه پای او و نیزه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در دست اوست...»^۲

بنابراین، اگر ادعا شود که لباس امام زمان علیه السلام دقیقاً مثل لباس روحانیت است، ادعایی بی‌دلیل است اگر چه در روایات اسلامی، استحباب پوشیدن عمامه و عبا وارد شده است.

خوراک امام

آیا غذاهای امام زمان علیه السلام از دنیا است یا بهشت؟

در مورد خوراک ایشان، روایت خاصی نداریم، اما به طور عادی غذای ایشان طبیعی و از دنیا است؛ زیرا سنت و قانون الهی این است که غیر از موارد استثنایی، خلاف قانون عادی جهان آفرینش عمل نشود. پس امام بدن معمولی دارد و از غذای طبیعی استفاده می‌کند؛ هر چند ممکن

۱. همان، ص ۱۶۱.

۲. مجتبی تونه‌ای، موعودنامه، ص ۷۲۱.

است در بعضی مواقع، خداوند هدیه‌ای از بهشت برای آن حضرت بفرستد؛ چنان که این لطف شامل حضرت مریم علیها السلام و دیگران نیز شده است.

خانواده امام

آیا حضرت مهدی علیه السلام ازدواج کرده است و همسر و فرزند دارد؟

درباره ازدواج حضرت مهدی علیه السلام اختلاف است. بعضی علما از جمله مرحوم محدث نوری (نویسنده کتاب نجم الثاقب)، بر این عقیده‌اند که آن حضرت ازدواج کرده و فرزندی نیز دارد. عمده دلیل این گروه آن است که ازدواج، سنت مؤکد اسلامی است که مورد سفارش پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله بوده است و حضرت مهدی علیه السلام از هر شخصی شایسته‌تر است که به سنت پیامبر عمل کند.

در پاسخ می‌گوییم: امام مهدی علیه السلام در حال حاضر در غیبت به سر می‌برد و این یک حالت استثنایی است که ارتباط ایشان را با مردم محدود می‌کند. بنابراین، همین عذر می‌تواند مانع اجرای این سنت نبوی شود؛ زیرا به یقین گاه به دلیل شرایطی خاص، ممکن است حکم واجبی از عهده انسان برداشته شود، چه رسد به مستحبات و سنت‌ها. افزون بر این، ازدواج سنتی نبوی است که باید در طول زندگی انجام گیرد و هیچ اشکالی ندارد که حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور اقدام به این عمل نماید و در این صورت، ترک کننده سنت نبوی نیز نخواهد بود. از همین جا می‌توان استفاده کرد دعاهایی که در آنها به حضرت و خانواده او اشاره کرده، می‌تواند به دوران ظهور آن بزرگوار مربوط باشد، نه زمان غیبت.

در مقابل این نظریه، دیدگاه دیگری مطرح است که قاطعانه ازدواج حضرت را نفی می‌کند. عمده دلیل ایشان هم این است که لازمه ازدواج حضرت، یا طولانی بودن عمر همسر اوست که دلیلی بر آن نداریم، یا آن که حضرت پس از رحلت همسر، مجبور است با دیگری ازدواج کند، یا به دلیل ازدواج باید فرزندی داشته باشد که سرپرستی آنها موجب شناخته شدن حضرت گردد و... البته این مطالب هم، سست و بی‌اساس است. ممکن است حضرت در برهه‌ای از حیات خود - حتی در غیبت - همسری اختیار کند و آن زن از دنیا برود. در این صورت، ایشان هم به سنت نبوی عمل کرده و هم مشکلات و پی‌آمدهایی برای آن حضرت پیش نیاید.

بنابراین، ما نه دلیلی بر ازدواج حضرت داریم و نه سندی بر ازدواج نکردن او، ضمن این که

مبهم بودن این مسئله می‌تواند، دارای حکمتی باشد، چون در هر صورت، مشکلاتی پیش می‌آید. آن‌چه در روایات آمده این است که همواره سی نفر از بهترین انسان‌ها در خدمت امام زمان علیه السلام هستند و او را در حل مشکلات یاری می‌کنند و تنها آنان از محل زندگی امام با خبراند.^۱

آیا صحت دارد که اگر دختران با عفت باشند، امام زمان علیه السلام با دختران عقیف ازدواج می‌کند؟

این قضیه صحت ندارد بلکه بنابر توصیه قرآن مجید و روایات اهل بیت علیهم السلام، هر انسانی باید وظیفه خود را به خوبی بشناسد و خالصانه به وظیفه خود عمل نماید، به این امید که مورد رضایت و توجه خاص خداوند متعال و حجت او، قرار گیرد.

علم امام

آیا امام زمان علیه السلام از زمان ظهور خبر دارد؟

وقتی از امامان معصوم علیهم السلام درباره وقت ظهور پرسیده می‌شد، می‌فرمودند: «ما اهل بیت وقت تعیین نمی‌کنیم و کسانی که وقت تعیین کنند، دروغ گو هستند.»^۲

برخی از علما از این احادیث چنین دریافته‌اند که خود ائمه علیهم السلام نیز، از وقت ظهور خبر ندارند، اما چنین فهمی بسیار مشکل است و نمی‌توان گفت که ائمه علیهم السلام و امام زمان علیه السلام از زمان ظهور خبر ندارند؛ زیرا علم ائمه علیهم السلام به علم الهی متصل است و از سرچشمه علم الهی بهره می‌گیرند. از آن‌جا که هیچ چیزی بر خداوند مخفی نیست، بعید است امام زمان علیه السلام که خلیفه خدا، انسان کامل و مظهر اسما و صفات الهی است، از این علم بی‌بهره باشد و زمان ظهور را نداند.

البته توجه به این نکته ضرورت دارد که ظهور، علائمی دارد و هر وقت رخ دهد، ظهور اتفاق می‌افتد. کسب این شرایط (علائم) و فراهم کردن آن، (زمینه‌سازی ظهور) بر عهده تمام مردم است و اگر مردم غفلت کنند، ظهور به تأخیر می‌افتد.

بنابراین، خداوند تقدیم و تأخیر ظهور را به اعمال و کردار انسان‌ها مشروط کرده است، اما چنین چیزی، بدین معنا نیست که خداوند از چگونگی رفتار و کردار انسان‌ها آگاهی ندارد تا در نتیجه از زمان ظهور نیز بی‌اطلاع باشد؛ بلکه او از چگونگی اعمال و تصمیم‌های اختیاری و

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳، حدیث ۶؛ کافی (کتاب الحجج، باب فی الغیبه)، حدیث ۱۶.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۷.

انتخابی ما آگاه است، پس زمان فراهم شدن زمینه‌های ظهور را هم می‌داند و ظاهراً امام زمان علیه السلام نیز که مظهر علم الهی است، مطلع می‌باشد.

آیا عدم آگاهی امام زمان علیه السلام از زمان ظهور، نقصی برای امام و مقام امامت محسوب نمی‌شود؟

اولاً: دقیقاً معلوم نیست که امام زمان علیه السلام وقت ظهور را نداند؛ اگرچه از بعضی روایات فهمیده می‌شود که امام زمان علیه السلام وقت ظهور را نمی‌داند،^۱ اما این مسئله قطعی نیست. از طرف دیگر بعضی آیات^۲ و روایات^۳ هم دلالت بر علم امام بر همه چیز در صورت اراده امام دارد. ثانیاً: بر فرض عدم علم، خلل و اشکالی برای مقام امام ندارد، زیرا تنها خداوند است که نهان و آشکار موجودات عالم را می‌داند و اگر چیزی بر خداوند مخفی باشد علت نقص خداوند خواهد بود، اما غیر از خداوند، از جمله امامان، محدوداند و طبیعتاً علم و قدرت و سایر اوصاف آنها نیز محدود است و اگر چیزی را ندانند دلیل بر ضعف آنها نیست. بنابراین، برخی از علوم را تنها خدا می‌داند و هیچ کس حتی امامان از آن خبر ندارند؛ مثل زمان قیامت.

هنگام دعا کردن و امداد خواستن از امام زمان علیه السلام - با توجه به پهناور بودن جهان - چگونه

الساعة به ایشان الهام می‌شود؟

علم امام همانند علم ما نیست، زیرا انسان‌ها معمولاً علومشان کسبی است و در محدوده عالم شهود می‌باشد در حالی که علم امام منحصر به عالم شهود نیست، بلکه عالم به غیب نیز هست. لذا به راحتی و در کمترین زمان از دعاها و خواسته‌های ما اطلاع پیدا می‌کنند، مثلاً سید بن طاووس نقل می‌کند که شخصی طی نامه‌ای از امام رضا علیه السلام سؤال می‌کند: ما وقتی به شما احتیاج داریم چه کنیم؟ حضرت در جواب فرمودند: اگر حاجتی داری لب‌هایت را تکان بده، جوابت می‌رسد،^۴ یعنی اگر تنها زمزمه کنی و صدایت را هم کسی نشنود، من می‌شنوم.

برای توضیح این مطلب لازم است نکاتی را متذکر شویم:

۱. مأموریت امام از لحاظ زمان و مکان، بسیار گسترده است. او تنها امام زمین و زمان نیست،

بلکه امام ملک و ملکوت است.

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۲۷، ح ۶

۲. سوره جن، آیه ۲۸-۲۵

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۸، ح ۴۱

۴. همان، ج ۵۰، ص ۱۵۵، ح ۴۲

۲. مأموریت و تسلط امام تنها به ظاهر عالم ختم نمی‌شود، بلکه در برگیرنده ظاهر و باطن اجتماع و انسان‌ها نیز هست.

۳. علم امام حضوری است، نه کسبی و حصولی؛ یعنی ما به دلایل متعدد (مذکور در کتب کلامی شیعه) معتقدیم که علم امام موهبتی الهی و علم لدنی است.^۱

۴. علوم الهی نیز از ویژگی‌های خاصی برخوردارند که آنها را در مقایسه با سایر علوم ممتاز می‌کند:

الف) علم الهی روشن است و هیچ نقطه تاریکی در آن نیست. لذا در آن اختلافی وجود ندارد و چیزی به نام واضح و واضح‌تر در آن وجود ندارد؛

ب) علوم الهی نزد انبیا و ائمه علیهم‌السلام حاضر است، لذا آنان در هیچ پرسشی نگفتند بعداً جواب می‌دهیم و یا نیاز به تأمل و تفکر داریم؛

ج) علوم الهی نیازمند مقدمه‌چینی نیست، چون در آنها اختلافی دیده نمی‌شود، لذا بین انبیا و امامان در هیچ امری اختلاف نیست؛

د) علوم الهی نیاز به تجدید نظر ندارد، بلکه به قوت و ظهور آغازین خود، باقی است؛^۲

۵. روایات به کیفیت علوم ائمه علیهم‌السلام اشاره دارند:

الف) امام نسبت به هر چه درباره آسمان و زمین و بهشت و جهنم (تا قیامت) واقع می‌شود عالم است و چیزی نیست که ائمه علیهم‌السلام به آن علم نداشته باشند؛^۳

ب) جمیع علوم ملائکه و انبیا نزد ائمه علیهم‌السلام موجود است و هر امامی جمیع علوم امام قبل از خود را داراست؛^۴

ج) روایاتی داریم که دلالت دارند، بر این که ائمه علیهم‌السلام بر همه احتیاجات و اعمال بشر و بر احوال شیعیان آگاهی دارند، و حتی اگر بلا یا مصیبتی به آنان برسد آگاهند؛ یعنی به همه بلاها و منایا، (زمان و کیفیت آنها) آگاهی دارند؛ هم‌چنین به آنچه در دل انسان‌ها می‌گذرد، آگاهی دارند؛^۵ در این زمینه امام زمان علیه‌السلام در توقیعی که برای شیخ مفید (ره) فرستاده فرمودند:

«انا نحیط علماً بانبائکم ولن یعزب عنا شیء من اخبارکم؛ به همه خبرهای شما آگاهیم و

۱. حبیب‌الله طاهری، تحقیقی پرامون امامت عامه و خاصه، ص ۷۶-۸۵.

۲. محسن خرازی، بدایه المعارف، بحث صفات امام (علم امام).

۳. بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۱۰۹ (حدود ۲۲ روایت نقل شده است).

۴. همان، باب ۱۲، ص ۱۵۹ به بعد.

۵. همان، باب ۸ و ۹، ص ۱۳۲-۱۵۴.

چیزی بر ما پوشیده نیست.»

نکته آخر این که، اگرچه علم امام از ناحیه خداوند است، ولی بین علم خداوند و علم امام تفاوت وجود دارد؛ زیرا علوم الهی برای خداوند ذاتی و استقلالی است (علم غیب، ذاتی خداوند است). به عبارت دیگر، تنها کسی که ذاتاً و به خودی خود از غیب آگاه است، خدای سبحان است و این بدان معنا نیست که پیامبر ﷺ، ائمه یا ملائکه به غیب علم نداشته باشند؛ بلکه علم دارند، اما علم آنها ذاتی نیست، بلکه تبعی است و به خواست پروردگار، عالم‌اند.

آیا امام مهدی علیه السلام شاهد و ناظر اعمال است؟

در متون دینی ما آمده است که همه کس و همه چیز نزد امام زمان علیه السلام حاضر است و امام بر احوال مردم آگاه است.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ

...»^۱؛ بگو عمل کنید، خداوند و فرستاده او و مؤمنان اعمال شما را می‌بینند.

درباره این آیه شریفه، روایات بسیاری نقل شده و شاید به حد تواتر برسد^۲ که علاوه بر خداوند متعال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام از اعمال همه امت آگاه می‌شوند.

در اصول کافی در بابی با عنوان «عرضه اعمال» روایات متعددی در ذیل همین آیه شریفه

ذکر شده که مراد از «مؤمنون»، ائمه اطهار علیهم السلام هستند، از جمله این روایت:

شخصی خدمت امام رضا علیه السلام آمد و عرض کرد: برای من و خانواده‌ام دعا کنید. امام فرمود: مگر دعا نمی‌کنم؛ «والله ان اعمالکم لتعرض علی فی کل یوم و لیلة؛ به خدا سوگند، اعمال شما هر شب و روز بر من عرضه می‌شود.» روای می‌گوید: این سخن بر من گران آمد، امام متوجه شد و به من فرمود: «اما تقرأ کتاب الله عزوجل وقل اعملوا فسیری الله عملکم ورسوله و المؤمنون، و هو والله علی بن ابیطالب؛ آیا کتاب خداوند عزوجل را نمی‌خوانی که می‌فرماید: عمل کنید خدا و پیامبرش و مؤمنان، عمل شما را می‌بینند. به خدا سوگند! منظور از مؤمنان علی بن ابی‌طالب (و امامان دیگر از فرزندان او) هستند.»^۳

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۵.

۲. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۲۵.

۳. کافی، ج ۱، ص ۱۷۱، باب عرض الاعمال.

امام علی علیه السلام هم می فرماید: «لیس یغیب عنا مؤمن فی شرق الارض و لا فی غربها؛^۱ هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین از ما غایب نیست.»

امام صادق علیه السلام هم می فرماید: «ان الدنيا لتمثل للامام مثل فلقة الجوز فلا یغرب عنه شیء...»^۲ دنیا (آسمان و زمین) در نزد امام چون پاره گردویی حاضر و نمایان است.»

لذا امام مهدی علیه السلام به شیخ مفید (ره) می فرماید: «فانا نحیط علماً بانباتکم و لا یغرب عنا شیء من اخبارکم؛^۳ ما بر احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نیست.»

یک چشم زدن غافل از آن ماه نباشید شاید که نگاهی کند آگاه نباشید

روشن است که اعمال، اعم از جوارحی و جوانحی است، لذا امام از هر نوع نیت و عملی که در کارنامه انسان ثبت شود، آگاه است.

از عبدالرحمان پرسیدند: چرا شیعه شدی و به امامت امام هادی علیه السلام معتقد گشتی؟ گفت: چیزی دیدم که موجب شد چنین اعتقادی را بپذیرم. من مردی فقیر بودم. برای گرفتن کمک به دربار متوکل رفتم. آن روز متوکل دستور داده بود تا علی بن محمد بن الرضا علیه السلام احضار شود. به یکی از حاضران گفتم: این مرد کیست؟ گفت او مردی علوی است که رافضیان معتقد به امامت اش هستند و متوکل او را برای کشتن حاضر کرده است. دیدم امام سوار بر اسب آمد و مردم از سمت راست و چپ در دو صف ایستاده و به او نگاه می کنند. هنگامی که او را دیدم، محبتش در دلم افتاد. بنا کردم در دل خود برای او دعا کردن که خداوند شرّ متوکل را از او دفع کند. او پیشاپیش می آمد و به یال اسبش نگاه می کرد ولی به راست و چپ نگاه نمی کرد. من پیوسته در دل به او دعا می کردم. هنگامی که کنارم رسید، صورتش را به سویم گردانید. آن گاه فرمود: خداوند دعایت را مستجاب کند و عمرت را طولانی، و مال و فرزندان را زیاد گرداند. از هیبت او، بر خود لرزیدم و در میان رفقایم افتادم. پرسیدند چه شده؟ گفتم: خیر است و به هیچ مخلوقی نگفتم. خداوند متعال به برکت دعای او راهایی از مال و ثروت بر من گشود. من به امامت این شخص معتقدم که آن چه در دلم بود، دانست و خداوند دعایش را دربارهم مستجاب کرد.»^۴

۱. الزام الناصب، ص ۶۴ روزگار رهایی، ص ۶۴۸.

۲. شیخ مفید، اختصاص، ص ۲۱۷.

۳. قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۰۲.

۴. قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، باب معجزات امام هادی علیه السلام.

امام مهدی علیه السلام هم در این زمان، چشم خدا در میان خلائق است^۱ و بر احوال و اعمال ما آگاهی دارد.

آیا امام زمان علیه السلام ما را می بیند؟

طبق بعضی از آیات قرآن، خدای متعال در هر زمان و برای هر امتی، رهبرانی قرار می دهد که معصوم از خطا و اشتباهاند و در روز قیامت به اعمال آنها گواهی می دهند. کسی که شاهد بر اعمال امت باشد، نباید در شهادتش اشتباه کند و نیز باید احاطه علمی بر همه اعمال امت داشته باشد. بنابراین، امام زمان علیه السلام شاهد بر اعمال و رفتار ماست و اگر بخواهند می توانند ما را ببینند.^۲

آیا وقتی با امام زمان صحبت می کنیم، ایشان صدای ما را می شنود؟ در این صورت چرا

جواب ما را نمی دهد؟

با توجه به مضمون روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، امام زمان علیه السلام از شدت محبتی که به دوستان خود دارد هر زمانی که شخصی او را یاد کند، نگاهی به او می نماید و سزاوار است که یادکننده به جهت احترام و تعظیم، از جای خود برخیزد. هنگامی که مولای خویش او را به نظر مهر و عطوفت نگاه می کند، پس از جای خود برخیزد و از خدای تبارک و تعالی، تعجیل فرج ایشان را بخواهد.^۳

بنابراین قطعاً امام زمان علیه السلام صدای ما را می شنود، اما این که چرا حاجات ما را برآورده نمی کند، دلایل مختلفی دارد؛ مثلاً شرایط استجاب دعا را فراهم نمی کنیم که از جمله آنها ترک معصیت خداست یا این که برآورده شدن آن حاجت به صلاح ما نیست، مانند بیمار دیابتی ای که از ما درخواست شیرینی می کند. (از آن جا که او را دوست داریم به درخواست او توجهی نمی کنیم) به این ترتیب، امام زمان علیه السلام نیز که مهربان تر از پدر و مادر است، برای تربیت ما بسیاری از خواسته های ما را به خاطر خودمان اجابت نمی کنند.

چرا امام زمان علیه السلام رساله ندارد و به وسیله فقها رساله خود را در اختیار مردم قرار نمی دهند؟

علت این که امام زمان علیه السلام رساله ندارند این است که امام زمان علیه السلام در توقیع اسحاق بن یعقوب که به دست نایب دوم امام یعنی محمد بن عثمان صادر گشت فرمود: «و اما رویداد و

۱. السلام علیک یا عین الله فی خلقه، مفاتیح الجنان، دعای روز جمعه.

۲. همان، ص ۲۹۳-۲۹۲.

۳. علی اصغر رضوانی، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۳۷۹.

پیش آمدهایی که در آینده روی خواهد داد درباره آنها به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا ایشان حجت من بر شمايند و من حجت خدا می باشم.»^۱

علاوه بر این، دائماً مسائل جدیدی پیش می آید که نیازمند جواب امام است و از آن جا که دسترسی به امام ممکن نیست و نمی توان جواب آنها را از امام جویا شد، لذا باید به فقها رجوع کرد و احکام دین را از آنها آموخت.

آیا امام مهدی علیه السلام خداوند متعال را می بیند؟

برای پاسخ به این سؤال مضمون حدیثی را می آوریم که شخصی از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید: «یا امیرالمؤمنین! آیا هنگام عبادت خدایت را دیده ای؟»

امام علیه السلام فرمود: «آگاه باش! من هرگز خدایی را که ندیده باشم، عبادت نکرده ام.» آن شخص گفت: «خدا را چگونه دیده ای؟»

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بدان، خدا را با چشم نمی توان دید، ولی با قلب می توان او را درک کرد.»^۲ یعنی خدا را با چشم سر نمی توان دید، ولی با چشم قلب می توان پی به وجود خدا برد. بنابراین، امام مهدی علیه السلام نیز خدا را نه با چشم ظاهری بلکه با چشم عقل و قلب می بیند، زیرا خدا جسم نیست که با چشم ظاهری قابل دیدن باشد.

معجزات امام

معجزات امام مهدی علیه السلام چیست؟

معجزاتی که از ناحیه آن حضرت در غیبت صغرا به وقوع پیوسته بسیار است. در برخی روایات پاره ای از معجزات حضرت ذکر شده است که به صورت خلاصه و فهرست وار و با ارجاع به متن حدیث در ذیل می آوریم.

۱. سبز کردن چوب خشک؛
۲. نرم کردن سنگ سخت؛
۳. سخن گفتن پرنده ای به امر حضرت؛^۳

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳.

۲. شیخ صدوق، کتاب التوحید، تحقیق سیدهاشم حسینی تهرانی، ص ۱۰۶.

۳. عقدا لدرر، ص ۹۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹؛ الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۱۵۸ (به نقل از: نجم الدین طیبی، چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، ص ۸۸).



۴. جوشش آب و آذوقه از زمین؛^۱

۵. طی الارض و نداشتن سایه؛^۲

۶. کندی حرکت زمان؛^۳

۷. قدرت تکبیر؛^۴

۸. عبور از آب؛^۵

۹. ندای ابر.^۶

برای مطالعه بیشتر به فصل ششم از کتاب نجم الثاقب محدث نوری مراجعه کنید!

پرسش‌های تخصصی

چرا بعضی از تاریخ‌نگاران، مهدی موعود را از نسل امام حسن مجتبی و طباطبایی می‌دانند؟

در مورد نسب امام مهدی علیه السلام نیز روایات بسیاری وجود دارد. در مورد این که امام مهدی علیه السلام از نسل امام حسین علیه السلام است در کتاب منتخب‌الاثار نزدیک به پانصد روایت نقل شده است؛ در حالی که برای ثابت کردن این که امام مهدی علیه السلام از نسل امام حسن علیه السلام است، فقط یک روایت، آن هم در منابع اهل سنت آمده و سیدنا امر العمیدی با هفت دلیل ثابت می‌نماید که این حدیث ساختگی و جعلی است.^۷ البته به یک معنا امام مهدی علیه السلام از نسل امام حسن علیه السلام نیز هست، زیرا مادر امام باقر علیه السلام (فاطمه) دختر امام حسن مجتبی علیه السلام است. پس امام مهدی علیه السلام از طرف مادر، حسنی هستند.

در مورد طباطبایی بودن امام مهدی علیه السلام باید بگوییم چنین چیزی را به هیچ وجه نمی‌توان پذیرفت، زیرا چنان که بر حسینی بودن امام مهدی علیه السلام روایات و دلایل بسیاری داریم بر تکتک پدران امام مهدی علیه السلام تا امام حسین علیه السلام نیز روایت زیادی داریم که در کتاب منتخب‌الاثار و کتاب من هو المهدی (که با عنوان مهدی کیست ترجمه شده)، نقل شده‌اند. تعدادی از احادیث را از کتاب

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۳۱؛ نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۸؛ بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۵۸ و ج ۵۲، ص ۳۲۴.

۲. کمال الدین، ص ۳۷۲؛ اعلام الوری، ص ۴۰۸؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷.

۳. شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۶۵؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۴. یوسف بن یحیی، عقدالدرر، ص ۱۸۰.

۵. نعمانی، الغیبه، ص ۱۵۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۵؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۳۷.

۶. اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۵؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۴۰؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۶۱۵.

۷. نک: در انتظار ققنوس، ترجمه مهدی علیزاده.

من هو المهدي بيان می کنیم:

امام مهدی علیه السلام از فرزندان امام سجاد علیه السلام است (۱۳۹ روایت)؛ از فرزندان امام باقر علیه السلام است (۱۳۹ روایت)؛ از فرزندان امام صادق علیه السلام است (۱۳۷ روایت)؛ از فرزندان امام کاظم علیه السلام است (۱۳۳ روایت)؛ از فرزندان امام رضا علیه السلام است (۱۲۵ روایت)؛ از فرزندان امام جواد علیه السلام است (۱۲۳ روایت)؛ از فرزندان امام هادی علیه السلام است (۱۱۹ روایت)؛ فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است (۱۱۸ روایت).
البته آیت الله صافی در منتخب الاثر تعداد بیشتری را نیز نقل کرده است؛ مثلاً برای فرزند امام حسن عسکری علیه السلام بودن، ۱۴۶ روایت آورده و در این که نام پدر ایشان حسن است، ۱۴۷ روایت دیگر را نقل کرده است.

بعضی از مورخان نوشته اند فرزند امام حسن عسکری علیه السلام به نام محمد در سن ۶ یا ۷ سالگی شهید شده است، آیا صحت دارد؟

البته هیچ یک از مورخین شیعه چنین نظری ندارند و نه تنها مورخین شیعه که هیچ عالم شیعی چنین سخنی را نیاورده است. بلکه از بزرگان اهل سنت افرادی مانند محی الدین عربی هستند که به وجود و زنده بودن او گواهی داده اند و ما دلایل بسیار متعدد و فراوانی داریم که شهادت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام صحیح نیست. از جنبه عقلی برهان های متعددی مانند: برهان لطف، عنایت، علت غایی، امکان اشرف و... دلالت می کند که امکان ندارد زمین بدون امام باشد. البته محل بسط و بحث این دلایل در جای خود است؛^۱ اما این که این امام کیست؟ از حوزه عقل خارج است و به ناچار باید سراغ روایت رفت. آیت الله صافی گلپایگانی در کتاب منتخب الاثر بیش از نهصد روایت می آورد که بر دوازده گانه بودن امامان دلالت دارد و در بین آنها پنجاه روایت، اسامی ائمه علیهم السلام را برشمرده و بیان می دارد که دوازدهمین و آخرین امام کیست.

آیا با وجود این همه دلیل عقلی و دلایل نقلی می توان ذره ای شک نمود که امکان دارد چنین چیزی صحت نداشته باشد؟ آیا می توان با قول «بعضی»، حتی در صورت معتبر بودن منبع آن، از این همه مدارک و منابع دست کشید؟

طبیعی است که چنین قضاوتی نه علمی است و نه منصفانه و برای هیچ تحقیق کننده ای جای ابهامی باقی نمی گذارد، بلکه یقین به عقیده شیعه پیدا می کند که حضرت ولی عصر علیه السلام از سال

۱. در کتاب های کلامی شیعه این بحث ها مطرح شده است. نک: سیدمجید فلسفیان، علی و پایان تاریخ.

۲۵۵ (زمان تولد) بی شک تا زمان حال زنده است.

نام امام

نام اصلی امام زمان علیه السلام چیست؟

نام اصلی امام زمان علیه السلام «محمد» و کنیه اش «ابوالقاسم» است؛ یعنی حضرت، نام و کنیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دارد و از قبل، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وی را با نام و کنیه خود معرفی کرده است.

چرا نام امام زمان علیه السلام برده نمی شود و به صورت «محمّد» نوشته می شود؟

روایات فراوانی درباره پرهیز از بردن نام آن حضرت وجود دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: «لا یسمی حتی یظهره الله؛^۱ نام او برده نمی شود تا خداوند او را ظاهر گرداند.»

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده: «اما اسمہ فان حیبتی رسول الله عهد الی ان لا احدث به حتی یبعثه الله؛^۲ دوستم پیامبر از من پیمان گرفته است که نامش را نگویم تا زمانی که خداوند او را برانگیزد.»

۳. امام باقر علیه السلام فرموده: «لا یحل ذکره باسمه؛^۳ بردن نامش جایز نیست.»

۴. امام صادق علیه السلام فرموده: «ایاکم و التویبه باسم المهدی؛^۴ از آشکار کردن نام مهدی پرهیزید.»

۵. امام کاظم علیه السلام فرموده: «و لاتحل لهم بتسميته حتی یظهره الله؛^۵ بردن نام او جایز نیست، تا خداوند او را ظاهر گرداند.»

۶. امام رضا علیه السلام فرموده: «و لایسمی اسمہ؛^۶ نامش برده نمی شود.»

۷. امام جواد علیه السلام فرموده: «و تحرم علیهم تسميته؛^۷ بردن نام او حرام است.»

۱. محدث نوری، مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۰.

۲. همان، ص ۲۸۶.

۳. همان.

۴. همان، ص ۲۸۵.

۵. همان، ص ۲۸۲.

۶. کافی، ج ۱، ص ۳۳۳.

۷. محدث نوری، مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۳.

۸. امام هادی علیه السلام فرموده: «و لایحل ذکر اسمہ حتی یخرج؛^۱ تا زمان قیامش بردن نام او جایز نیست.»

۹. امام حسن عسکری علیه السلام فرموده: «و لایحل لهم ذکرہ باسمہ؛^۲ یاد کردن او به نام جایز نیست.»

۱۰. امام زمان علیه السلام نیز فرموده: «ان دلتهم علی الاسم اذاعوه؛^۳ اگر به نام راهنمایی کنی آن را فاش می کنند.»

با توجه با این نوع روایات، طبیعی است که نباید نام حضرت برده شود و در مواردی که لازم است اسم حضرت نوشته شود با حروف مقطعه (محمّد) نوشته شود تا تصریح به اسم نگردد. و هنگام خواندن، بی اختیار به زبان جاری نشود.^۴
درباره علت چنین حکمی باید گفت:

اولاً: بسیاری از احکام فقهی اسلام، تبعدی است که باید بدانها عمل کرد و دانستن علت آن ضرورتی ندارد. لذا ائمه نیز علت همه احکام را بیان نکرده اند.

ثانیاً: امام باقر علیه السلام می فرماید: اگر بنی فاطمه نام او را بدانند مصمم می شوند او را قطعه قطعه کنند.^۵

یکی از نواب خاص امام، محمد بن عثمان عمروی در این باره چنین توضیح می دهد:
حرام است بر شما که از اسم ایشان سؤال کنید. این حکم را من از خود نمی گویم، زیرا من حق حلال و حرام کردن ندارم، این سخن از طرف امام علیه السلام است و علت این را چنین بیان می کند: زیرا واقعیت در نزد خلیفه این است که امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفته و فرزندی نیز از او برجای نمانده است... و اگر اسم وی معلوم شود جست و جو شروع می شود. پس تقوا پیشه کنید و از سؤال کردن اسم خودداری کنید.^۶
از چنین روایاتی معلوم می گردد که علت حرمت بردن نام آن حضرت، ترس از تعقیب امام و اذیت کردن شیعیان است.

۱. همان.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۳۳.

۳. همان.

۴. برای دانستن تفصیل این بحث نک: نجم الدین طبری، «حکم تسمیه»، مجله انتظار، شماره ۳.

۵. نعمانی، الفیبه، ص ۲۸۸.

۶. کافی، ج ۱، ص ۳۲۹.

بر همین اساس عده‌ای از علما حرمت را مخصوص اوایل غیبت؛ خصوصاً دوران غیبت صغری می‌دانند.^۱

اما روایاتی هم وجود دارد که آن را تا زمان ظهور، حرام می‌دانند؛ مثل:

پیامبر ﷺ فرمود: «لا یسمیه باسمه ظاهراً قبل قیامه الا کافر به؛^۲ قبل از قیام، آشکارا نام او را نمی‌برد مگر منکر او.»

امام باقر علیه السلام فرمود: «لایسمی حتی یظهره امره؛^۳ نام برده نمی‌شود تا خداوند امر او را آشکارگرداند.»

امام رضا علیه السلام فرمود: «لایسمی باسمه بعد غیبتی احد حتی یراه و یعلن باسمه فلیسمه کل الخلق؛^۴ احدی نام او را بعد از غیبتش نبرد تا او را ببیند و اسمش را آشکار کند بعد همه مردم او را نام ببرند.»

امام عسکری علیه السلام فرمود: «و لایحل لاحد ان یسمیه او یکینه بکنیته الی ان یظهر الله دولته و سلطنته؛^۵ بر احدی جایز نیست او را به اسم یا کنیه بخواند تا آن که خداوند دولت و قدرت او را آشکار نماید.»

با توجه به این روایات عده دیگری از علما مانند علامه مجلسی^۶ و محدث نوری گفته‌اند: علت حرمت معلوم نیست و نمی‌تواند تقیه و ترس از تعقیب باشد. لذا حرمت ذکر نام ایشان هم‌چنان باقی است.^۷

البته طبیعی است که قائلین به جواز بردن نام حضرت این روایات را توجیه کرده‌اند.^۸ علاوه بر این که در بعضی از روایات و زیارات به اسم حضرت تصریح شده است.^۹

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۰.

۲. محدث نوری، مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۵.

۳. کافی، ج ۱، ص ۵۲۵.

۴. محدث نوری، مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۵.

۵. همان.

۶. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۱.

۷. محدث نوری، مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۰.

۸. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۱.

۹. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۴ و ۳۳۱، ۴۳۲، ۴۰۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۳.

لقب امام

امام زمان علیه السلام چند لقب دارند؟ بعضی از آنها را نام ببرید.

در روایات، لقب‌های متعددی برای امام زمان علیه السلام ذکر شده است که هر کدام به بخشی از صفات، ویژگی‌ها و آثار وجودی آن امام اشاره دارند. محدث نوری در کتاب نجم الثاقب، تعداد اسامی و القاب حضرت را تا ۱۸۲ مورد ذکر می‌کند^۱ که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. مهدی: مشهورترین لقب امام زمان علیه السلام مهدی است. این لقب را پیامبر گرامی اسلام تعیین کرده‌اند. امام باقر علیه السلام در مورد این که چرا به آن حضرت، مهدی می‌گویند، می‌فرماید: «او را مهدی نامیدند؛ زیرا وی مردم را به امر پنهان هدایت می‌کند.»^۲ امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «آن حضرت را مهدی می‌گویند؛ زیرا مردم را به امری که گم کرده‌اند (اسلام راستین) هدایت می‌کند.»^۳

۲. قائم: یعنی قیام کننده به حق. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «به این دلیل او را قائم نامیدند که پس از فراموش شدن نامش، قیام می‌کند.»^۴

۳. منصور: امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا» فرمود: او حسین بن علی علیه السلام است و منظور از ادامه آیه «فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»^۵ امام زمان علیه السلام است که نامش در این آیه «منصور» می‌باشد؛ چنان که خداوند احمد و محمد را محمود، و عیسی را مسیح خوانده است.^۶

چرا به آن حضرت بقیة الله می‌گویند؟ معنای آن چیست؟

بقیة الله یعنی بازمانده خدا، و به حضرت مهدی، بقیة الله می‌گویند، چون او آخرین حجت خداست؛ یعنی بعد از همه پیامبران و امامان، او تنها حجت خدا در زمین است که به اراده خداوند دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد.

۱. محدث نوری، نجم الثاقب، ص ۱۰۶، مسجد مقدس جمکران (به نقل از کتاب ارشاد، شیخ مفید).
۲. شیخ حر عاملی، اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۱۰ و ۱۶۹، ترجمه احمد جنتی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۳. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۶۵، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم.
۴. سوره اسراء، آیه ۳۵.
۵. تفسیر فرات کوفی، ص ۲۴۰، تحقیق محمد کاظم، دفتر انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران.

چرا لقب امام مهدی علیه السلام «اباصالح» است؟

آیت‌الله مکارم شیرازی در این باره می‌فرماید: این که به امام زمان علیه السلام اباصالح می‌گویند به سبب این نیست که فرزندی به نام «صالح» دارد، زیرا «اب» در لغت عرب، تنها به معنای پدر نیست بلکه به معنای صاحب نیز هست. «اباصالح»؛ یعنی کسی که صالحانی در اختیار دارد. لقب اباصالح از آیه قرآن گرفته شده است؛ «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱. چون آیه، بشارتِ حاکمیت جهان را داده و این بشارت برای صالحان است که امام زمان علیه السلام صاحب و فرمانده آنهاست.

البته امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «هرگاه راه را گم کردی، صدا بزن "یا صالح" یا بگو "یا اباصالح" ما را به راه راست هدایت کنید تا خدا شما را مورد رحمت قرار دهد»^۲.
بنابر روایت ذکر شده که در کتاب‌های معتبر روایی آمده، معلوم می‌شود، اگر انسان در راهی حرکت کند و به هر دلیلی راه را گم کند و نداند که از کدام سو باید برود، می‌تواند «صالح» یا «اباصالح» را صدا بزند و درخواست راهنمایی کند.

در روایت آمده است: «یا اباصالح ارشدونا»، لفظ «ارشدونا» جمع است که معلوم می‌شود گروهی به این کار (هدایت مردم) مشغول هستند. از برخی روایات می‌توان نتیجه گرفت که عده‌ای از این افراد، از جنیان هستند؛^۳ خداوند آنها را موکل زمین، برای راهنمایی مردم قرار داده است. علامه مجلسی از پدر خویش نقل می‌کند: وقتی امیراسحاق استرآبادی در راه گم می‌شد، همین جمله را به زبان می‌آورد. آن‌گاه کسی به او کمک می‌کرد. امیراسحاق می‌فهمد که او امام زمان علیه السلام بوده است.^۴

محدث نوری در حکایت دیگری از ملاعلی رشتی چنین نقل می‌کند: یکی از اهل تسنن، مادری شیعه داشت و از او شنیده بود که لقب امام زمان علیه السلام «اباصالح» است و گم‌شده‌ها را هدایت می‌کند. روزی او راه را گم می‌کند و از «اباصالح» کمک می‌طلبد. آن‌گاه کسی را می‌یابد که وی را تا نزدیکی روستایشان هدایت می‌کند و او نیز شیعه می‌شود.^۵

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۸، ح ۲۵۰۶.

۳. سید بن طاووس، الامان من اخطار الاسفار، باب نهم، ص ۱۲۳.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۶.

۵. جنه المأوی، حکایت ۴۷.

بنابر دو حکایتی که سند معتبری دارند، «اباصالح» شامل امام زمان علیه السلام نیز می‌شود. حتی می‌توان گفت، ایشان فرد اصلی این روایت هستند و جنیان و دیگران به فرمان ایشان، مردم را هدایت می‌کنند و گاهی نیز خود حضرت این امر را عهده‌دار می‌شود و گمراهان را هدایت می‌کند. برای اطلاع بیشتر می‌توانید به کتاب امام زمان علیه السلام اباصالح چرا؟ (نوشته علی هجرانی، چاپ قم، چاپ اول، ۱۳۸۰ هـ. ش) رجوع نمایید.

کنیه امام

چرا کنیه امام زمان علیه السلام ابوالقاسم است؟

روایات زیادی بر این مطلب تصریح کرده‌اند؛ مثلاً:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: «کنیته کنیتی؛^۱ کنیه او کنیه من است.»

امام صادق علیه السلام فرموده: «اسمه محمد و کنیته ابوالقاسم؛^۲ اسمش محمد و کنیه‌اش ابوالقاسم

است.»

امام جواد علیه السلام فرموده: «هو سمی رسول الله و کنیه؛^۳ او هم‌نام و هم‌کنیه پیامبر است.»

امام عسکری علیه السلام فرموده: «هو سمی رسول الله و کنیه؛^۴ او هم‌نام و هم‌کنیه پیامبر است.»

اما علت این که لقب ایشان ابوالقاسم است می‌توان به سه دلیل اشاره کرد که البته تصریح روایات نیست، بلکه از باب تطبیق است:

۱. چون مقسم اموال است: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کنیه من ابوالقاسم است، چون خدا عطا می‌کند و من تقسیم می‌کنم.^۵ در مورد امام زمان علیه السلام نیز آمده است که در دوران حکومت خویش اموال را مساوی بین مردم تقسیم می‌کند،^۶ یا بدون شمارش، اموال را تقسیم می‌کند.^۷
۲. چون ملاک تقسیم بهشت و جهنم است: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ابوالقاسم هستم چون خداوند

۱. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۸۶.

۲. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۵.

۳. محدث نوری، مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۳.

۴. همان، ص ۲۸۰.

۵. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۱۳.

۶. همان، ج ۵۱، ص ۸۱.

۷. صحیح مسلم، نقل از کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۸۳.

در روز قیامت جهنم را جدا می‌کند: «فمن كفر بي من الاولين و الاخرين ففى النار؛ پس کسی که به من کافر شود از اولین و آخرین در آتش خواهد بود.» و بهشت را جدا می‌کند: «فمن آمن بي و أقر بنبوتى ففى الجنة؛^۱ پس هر کس به من ایمان آورد و به پیامبری من اعتراف کند در بهشت خواهد بود.»

در روایت دیگری پیامبر ﷺ در مورد امام زمان عجل الله فرمود: «و من انكره فى غيبته فقد انكرنى و من كذبه فقد كذبنى و من صدقه فقد صدقنى؛^۲ هر کس هنگام غیبت او منکرش شود مرا انکار کرده است و هر کس او را تکذیب کند مرا تکذیب کرده است و هر کس او را تصدیق کند مرا تصدیق نموده است.» لذا انکار امام زمان عجل الله یا ایمان به ایشان همان انکار یا ایمان به پیامبر ﷺ است که باعث تقسیم بهشت و جهنم است. پس او نیز ابوالقاسم است.

۳. چون مهربان است: امام رضا عجل الله فرمود: شفقت و مهربانی پیامبر بر امت خود، شفقت پدر بر اولاد است و حضرت علی که قاسم نار و جنت است افضل امت است. لذا پیامبر ابوالقاسم است.^۳ در برخی روایات آمده است: «الوالد الشفيق»^۴ با این که این خصلت تمام امامان است، اما امام زمان سرآمد ائمه عجل الله در مهربانی و رحمت است؛ چنان که تنها در مورد پیامبر و ایشان عبارت «رحمة للعالمين»^۵ وارد شده است. خود امام نیز در تویح زیارت آل یاسین می‌فرماید: الرحمة الواسعة.^۶

علت برخاستن

چرا هنگام شنیدن نام امام زمان عجل الله بلند می‌شوند؟

وجود دو روایت، دلیل چنین کاری است که یکی قول امام و دیگری فعل امام است:

۱. امام صادق عجل الله می‌فرماید: «فليقم و ليطلب من الله تعجيل فرجه؛^۷ پس برخیز و از خداوند

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۹۴.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۱.

۳. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۹۵.

۴. کافی، ج ۱، ص ۱۹۸. پدر دلسوز

۵. همان، ص ۵۲۷.

۶. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱.

۷. آیت الله صافی، منتخب الاثر، ص ۶۴۱ (به نقل از الزام الناصب).

تعجیل در فرجش را طلب نما.»

۲. امام رضا علیه السلام می فرماید: «وضع الرضا علیه السلام یدہ علی رأسہ و تواضع قائماً و دعی لہ بالفرج؛^۱

امام رضا علیه السلام دستش را بر سرش نهاد و با ایستادن فروتنی نمود و فرجش را طلب کرد.»

از این دو روایت استفاده می شود که هنگام برده شدن نام امام زمان علیه السلام باید برخاست و برای فرج حضرت دعا کرد. البته در روایت اول برخاستن ویژه لقب «القائم» است و تنها به بلند شدن و دعا کردن دلالت می کند. اما روایت دوم برای لقب خاص نیست بلکه هرگاه یادی از امام شود باید برخاست و دعا کرد و دست روی سر نهاد.

در روایت اول که سبب این کار را از امام صادق علیه السلام پرسیده اند، فرموده: زیرا غیبت ایشان طولانی است و چون رأفت امام به کسانی که دوستش دارند زیاد است هر کس او را به این لقب که اشاره به دولت و حسرت بر غربت ایشان دارد، یاد کند، امام به او نظر می کند و از جمله چیزهایی که نشان تعظیم است، برخاستن بنده هنگام نگاه کردن مولی به اوست.^۲ از این روایت به دست می آید که برخاستن، نشان احترام و بزرگ شمردن امام است و در مورد روایت دوم نیز هرچند کلام امام نیست، اما برداشت راوی که در مجلس حاضر بوده، همان تواضع است. راوی می گوید: امام برای تواضع به پا خواستند.

فواید امام غایب

امام غایب چه فایده‌ای برای مسلمانان دارد؟

هرگز غیبت حضرت، مانع از برکت‌های آن حضرت نیست. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده‌اند: «بهره و انتفاع مردم از حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت، مانند نفع و بهره بردن انسان از آفتاب است در زمانی که زیر ابر پنهان است.»^۳

در ذیل به بعضی از فواید به صورت فهرستوار اشاره می شود:

۱. امام در نظام هستی محور و مدار است و بی وجود او برکات الهی بر زمینیان نازل نمی شود.

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «اگر زمین بدون امام بماند هر آینه فرومی ریزد.»^۴

۱. همان، ص ۶۴۰

۲. همان، ص ۶۴۱-۶۴۰

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

۴. کافی، ج ۱، ص ۲۰۱.



۲. اگر چه وجود امام، غایب است ولی عامل جدی‌ای برای حفظ مکتب شیعه و اسلام واقعی می‌باشد؛

۳. وجود امام در عالم، موجب امید به آینده‌ای روشن و سراسر شور و اشتیاق است؛

۴. چون امام ناظر اعمال ماست، پس این موجب خودسازی و... می‌شود؛

۵. رابطه عالم ملکوت با انسان‌ها، به ویژه مسلمانان از طریق امام معصوم است و او واسطه فیض الهی به بندگان است.^۱

امام زمان علیه السلام در زمان غیبت چگونه ما را راهنمایی می‌کند؟

در واقع دو نوع هدایت داریم:

۱. هدایت مستقیم که غالباً با حضور امام حاصل می‌گردد؛

۲. هدایت باطنی که در این هدایت، به حضور حضرت و ملاقات مردم با او نیاز نیست و در واقع همان دست‌گیری از راه باطن و هدایت انسان از راه درون است که با غیبت حضرت نیز امکان دارد. به علاوه برخی از انواع هدایت که حضرت مهدی علیه السلام در حق شیعیان انجام می‌دهد مانند هدایت گم‌شدگان و شفای بیماران، در واقع متوقف بر حضور و ملاقات‌های مقطعی است، هم‌چنین شیعه باور دارد که اعمالش به دست امام می‌رسد و امام، آنها را می‌بیند. این امر باعث توفیق بیشتر در خودسازی می‌شود.

۱. برای آگاهی بیشتر نک: زیارت جامعه کبیره.

غیبت

معنای غیبت

آیا این سخن صحیح است که بگوییم: امام زمان علیه السلام غایب نیست، در اصل ما غایب هستیم و

امام زمان علیه السلام منتظر واقعی است، یعنی ما غایب هستیم و او منتظر آمدن ماست؟

این جمله، جمله‌ای ادبی است.

آن حضرت را غایب نامیده‌اند، چون «ظاهر» نیست، نه آن که «حاضر» نیست. غیبت به معنای «حاضر نبودن» تهمت ناروایی است که به آن حضرت زده‌اند و آنان که بر این پندارند، فرق میان «ظهور» و «حضور» را نمی‌دانند. آمدن آن حضرت به معنای «ظهور» است، نه «حضور».

بنابراین، معنای جمله این است که امام زمان علیه السلام ما را می‌بیند، ولی ما او را نمی‌بینیم. پس غیبت او به معنای «حاضر نبودن» نیست و امام زمان علیه السلام منتظر این است که به وظایف خودمان عمل کنیم و زمینه را برای ظهور ایشان آماده سازیم. پس او منتظر ماست.

گفتم که روی خوبت از من چرا نهان است گفتا تو خود حجابی، و نه رخ عیان است

البته بر اساس آیات و روایات، امام زمان علیه السلام غایب است و ما منتظر ظهور ایشان هستیم.

آیا مسئله غیبت امام زمان علیه السلام و دو مرحله ای بودن آن، توسط امامان قبلی مطرح شده

روایات فراوانی بر غیبت امام زمان علیه السلام دلالت می‌کنند و در تمام کتاب‌های معتبر شیعی نقل شده است.

بسیاری از اصحاب ائمه کتاب الغیبة داشته‌اند که اساساً عنوان کتاب، خبر از وقوع چنین حادثه‌ای در آینده می‌داد و نام این کتاب‌ها در کتب رجال مانند رجال نجاشی ثبت است. حتی ابن صباغ که از علمای اهل سنت است در کتاب الفصول المهمة می‌گوید: «و کان الخبر بغیبتہ ثابتاً قبل وجوده؛^۱ خبر غایب شدن امام دوازدهم قبل از ولادتش ثابت شده است.»

دو مرحله‌ای بودن غیبت نیز در روایات امامان گذشته مورد اشاره بوده است و در کتاب‌های روایی‌ای که قبل از ولادت امام نوشته شده، موجود است. تا مردم با غیبت صغرا برای غیبت کبرا آماده شوند. ابن صباغ نیز به این دو مرحله اشاره دارد: «و له قبل قیامه غیبتان.»^۲ بنابراین دو مرحله‌ای بودن غیبت، از همان اول مطرح بوده است.

زمان شروع غیبت

غیبت امام مهدی علیه السلام از چه زمانی آغاز شده؟

غیبت حضرت علیه السلام به دو دوره صغرا و کبرا تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی نیز، یکی به دلیل مقطع زمانی کوتاه‌مدت و طولانی‌مدت این دو دوره است و دوم به سبب تفاوت‌هایی است که از نظر تعیین و کیلان و نایبان خاص و نیز ارتباط علنی حضرت در برخی موارد با بعضی از پیروان خاص خود در غیبت صغرا بوده است. این نمایندگی خاص، در دوره غیبت کبرا به نمایندگی عام فقیه جامع‌الشرایط تبدیل گردید و ارتباط علنی با حضرت قطع شد.

آغاز غیبت صغرا از سال ۲۶۰ (ه. ق.) و هم‌زمان با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام بوده و پایان آن نیز در سال ۳۲۹ (ه. ق.) و هم‌زمان با وفات آخرین نایب خاص حضرت است. البته برخی از تاریخ‌نگاران، آغاز غیبت صغرا را از سال ولادت حضرت مهدی در سال ۲۵۵ (ه. ق.) می‌دانند.

۱. ابن صباغ، الفصول المهمة، ج ۲، ص ۱۰۹۷.
۲. همان.

براساس این نظر، دوره غیبت صغرا ۷۵ سال و برپایه نظریه اول که بیشتر علما شیعه به آن معتقدند، حدود هفتاد سال خواهد بود.

غیبت کبرا از سال ۳۲۹ (ه. ق) آغاز شد و تا زمانی که خداوند بخواهد و مردم لیاقت و آمادگی ظهور و پذیرش حکومت عدل حضرت را پیدا کنند، ادامه خواهد داشت.

آیا امام زمان علیه السلام در کودکی هم غایب می‌شد؟

ابتدا باید منظور از غیب و غایب بودن امام را بدانیم. غیبت امام، به معنای نیست شدن و عدم حضور ایشان در بین ما نیست، بلکه غیبت یعنی ناشناس بودن امام؛ حضرت در جامعه حضور دارد، در کوچه و خیابان رفت و آمد می‌کند و مردم او را می‌بینند، اما کسی او را نمی‌شناسد. هر کس امام زمان علیه السلام را می‌بیند، گمان می‌کند یک فرد عادی را دیده است. بنابراین می‌گوییم امام غایب است، و آن حضرت از زمان تولدش ناشناس بوده‌اند.

امام زمان علیه السلام از بدو تولد تا پنج سالگی نزد پدر بزرگوار خویش بوده و امام عسکری علیه السلام ایشان را مخفی می‌نموده و تنها به شیعیان امین نشان می‌داده است. امام بعد از شهادت پدرشان، در پنج سالگی به امامت رسید و از آن زمان تا پایان غیبت صغرا (حدود هفتاد سال)، کسی غیر از نایبان خاص امام با ایشان ارتباط نداشت و بعد از این دوران در ۷۵ سالگی، غیبت کبرا آغاز شد. ارتباط با ایشان قطع شده، و کسی از محل اقامت ایشان خبردار نگشت. اما در روایات آمده است، که امام در میان جامعه حضور دارند و شاهد اعمال و گفتار مردم هستند.^۱

مکان شروع غیبت

محل غیبت امام مهدی علیه السلام کجاست؟

امام بعد از آن که در شهر سامرا بر جنازه پدر بزرگوارشان نماز خواند، به منزل (منزل پدرشان) رفته، وارد زیر زمین منزل شدند. وقتی مأموران دنبال ایشان رفتند و وارد خانه شدند، ایشان را نیافتند. محل غیبت امام، معروف به سرداب مقدس است که همان زیر زمین منزل امام عسکری علیه السلام می‌باشد.

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۳، ج ۴ و ص ۱۴۴.

فلسفه و علت غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟

پدیده غیبت حضرت علیه السلام چنان که در روایات نیز به آن اشاره شده، اسرار و حکمت‌های زیادی دارد که فقط بعد از ظهور قابل درک است، لذا دلیل اصلی غیبت برای ما روشن نیست و امامان فرموده‌اند: دلیل اصلی، سرّی از اسرار خداست که اجازه گفتن آن را نداریم. منتها در منابع روایی، برخی از این حکمت‌ها بازگو شده است:

الف) حفظ جان امام؛ خداوند او را برای دوری از دست‌رسی دشمنان، تا زمانی که جهان آماده استقبال از حضرت علیه السلام و عمل به برنامه‌های او گردد، از نظرها مخفی کرده است؛

ب) سازش ناپذیری با حکومت‌های ستم پیشه (بیعت نکردن با حاکمان ستم‌گر)؛

ج) ناسپاسی مردم؛

د) آزمایش مردم؛ و ...

مهم‌ترین علت ادامه غیبت، عدم آمادگی جهانی برای درک زمان ظهور و یاری امام در اجرای برنامه‌های گسترده و همه‌جانبه است.

چرا خلیفه عباسی تصمیم گرفته بود تا امام زمان علیه السلام را بعد از تولد، بکشد؟

امام حسن عسگری علیه السلام با سه تن از خلفای عباسی (معتز، مهتدی و معتمد) معاصر بودند. معتمد عباسی کینه شدیدی از اهل بیت به دل داشت. به همین دلیل، بلافاصله پس از وفات آن حضرت، مأموران خود را به منزل آن حضرت فرستاد و دستور داد تا همه جا را دقیقاً بگردند تا امام مهدی علیه السلام را به چنگ آورند. در حالی که امام فقط پنج سال داشت. معتمد می‌دانست که این کودک همان امامی است که تخت طاغوتیان را واژگون خواهد کرد و زمین را پر از عدل و داد خواهد ساخت. به این علت می‌خواست آن حضرت را بکشد؛ همان‌طور که فرعون می‌خواست حضرت موسی علیه السلام را بعد از تولدش از بین ببرد.

چه ضرورتی دارد که امام مهدی علیه السلام سال‌ها پیش از ظهور و قیامش خلق شود؟ چرا امام

مهدی علیه السلام در گذشته دور برای آینده‌ای دورتر به دنیا آمده‌اند؟ چرا خداوند متعال او را در

همان زمان که احتیاج به اوست خلق نمی‌کند؟

به دلایل متعدد عقلی، زمین هیچ‌گاه نمی‌تواند خالی از امام باشد.^۱ افزون بر دلیل عقلی، احادیث فراوانی نیز وجود دارد که زمین بدون امام باقی نمی‌ماند.^۲

با توجه به این دلایل (عقلی و نقلی) معلوم می‌شود که امام حتی در حال غیبت نیز محور هستی است و اثر او در عالم وجود، بسیار اساسی و حیاتی است و امکان ندارد حتی برای لحظه‌ای در جهان هستی نباشد. لذا چگونه می‌توان ملتزم شد که امام مهدی علیه السلام در زمان امام عسکری علیه السلام متولد نشود و زمین خالی از امام بماند در حالی که عقلاً و نقلاً امکان ندارد.

به چه دلیل می‌توان گفت آن امام که زمین به خاطر او باقی است همان امام مهدی علیه السلام و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است؟

با دلایل فراوان حدیثی این مطلب ثابت می‌شود، زیرا عقل در بخش تعیین فرد نمی‌تواند نظر دهد.

بیش از نهصد روایت وجود دارد که ضمن منحصر کردن تعداد امامان در دوازده نفر مشخصات نسب آنها را بیان می‌دارد. و ما با تاریخ قطعی می‌دانیم که یازده نفر از این بزرگان از دنیا رفته‌اند. از طرفی گفتیم زمین بدون امام نمی‌ماند پس حتماً باید نفر دوازدهم زنده باشد. و این دلیلی بسیار متقن و محکم بر وجود امام مهدی علیه السلام است، زیرا طبق روایات فراوان، نفر دوازدهم کسی جز فرزند امام حسن عسکری علیه السلام یعنی حضرت مهدی علیه السلام نیست. پس فرزند امام حسن عسکری علیه السلام از همان زمان موجود و زنده است و در کره خاکی زندگی می‌کند.^۳

گفتنی است، امام مهدی علیه السلام در این زمان منشأ خیرات و برکات فراوانی برای جهانیان است که از آن به عنوان «آثار و فواید امام غایب» در کتاب‌ها بحث شده است. ضمن آن که وجود و غیبت ایشان با فلسفه و فرهنگ انتظار هم‌آهنگ است و امید انسان‌ها محسوب می‌شود. اصولاً تفاوتی که منجی ما شیعیان با سایر منجی‌ها دارد، همین است؛ ادیان دیگر، آمدن منجی را در آینده می‌دانند و نقشی برای منجی در این زمان قائل نیستند. برخی از اهل سنت نیز می‌گویند: در آخرالزمان متولد می‌شود. لذا تلاش و تکاپویی که در فرهنگ شیعه هست در هیچ مذهب و دینی مشاهده نمی‌شود.

۱. نک: علی‌اصغر رضوانی، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۲۶۷.
۲. کافی، ج ۱، ص ۱۷۸ تعداد ۱۳ حدیث را در این موضوع نقل می‌کند.
۳. برای آگاهی بیشتر، نک: صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت؛ علی‌اکبر مهدی‌پور، او خواهد آمد.

چه می‌شد اگر امام زمان علیه السلام غایب نبودند؟ و چرا خداوند که قدرت مطلق دارد، ایشان را از هر خطری حفظ نمی‌کند تا زمینه حضور امام فراهم شود؟

درست است که خدا چنین قدرتی را دارد، ولی کارها باید طبق اسباب و روال عادی انجام گیرد، چون بنا نیست که خداوند برای حفظ جان انبیا و ائمه علیهم السلام و ترویج دین، همیشه از راه معجزه پیش برود. چون در آن صورت، دنیا دار تکلیف و اختیار و امتحان نخواهد بود.^۱ به عبارت دیگر: جریان و حوادث عالم بر اساس قاعده سبب و مسبب است و گرنه باید دائماً معجزه رخ دهد. غیبت سپر جان امام خواهد بود و در این صورت، نه نظم عالم به هم می‌خورد و نه اختیار از انسان‌ها سلب می‌شود. البته غیبت امام حکمت‌های متعددی دارد و حفظ جان امام، تنها یکی از آنها است. علت‌های دیگری مانند عدم پذیرش و آمادگی مردم، فراهم نبودن شرایط جهانی برای تشکیل حکومت فراگیر امام علیه السلام و امثال آن نیز وجود دارد که بسیاری از آنها به ذهن بشریت خطور نمی‌کند و تنها خداوند متعال بدان‌ها علم دارد.

علاوه بر آن، نباید تصور شود که اگر امام حضور داشتند، همه مشکلات جامعه از جمله فساد و... حل می‌شد، همان طوری که در دوره امامان قبلی نیز با وجود امام معصوم، باز هم مشکلات اخلاقی، اعتقادی و... کاملاً حل نشد.

چرا امام زمان علیه السلام زنده ماندند و خداوند، ایشان را از دست دشمنان حفظ کردند؟ چرا پیامبران و بقیه امامان، مانند امام زمان علیه السلام غیبت نکردند تا به شهادت نرسند؟

غیبت، پدیده‌ای نیست که برای اولین بار و تنها درباره آخرین حجت پروردگار روی داده باشد، بلکه از روایات فراوان استفاده می‌شود که تعدادی از پیامبران بزرگ الهی، بخشی از زندگی خود را پنهانی و در غیبت بوده‌اند، این امر به جهت حکمت و مصلحت خدایی بوده، نه خواسته شخصی و یا مصلحت خانوادگی.

پس غیبت یکی از سنت‌های الهی به شمار می‌رود که در زندگی پیامبرانی مثل ادریس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی، شعیب، الیاس، سلیمان، دانیال و عیسی علیهم السلام جریان یافته است و هر یک از آنها به تناسب شرایط، سال‌ها در غیبت بوده‌اند.^۲

در روایات غیبت حضرت مهدی علیه السلام، یکی از سنت‌های پیامبران است. لذا یکی از دلایل غیبت

۱. ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۱۴۹-۱۴۸.
۲. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۵۴-۳۰۰، باب اول تا هفتم.

آن حضرت، اجرا شدن سنت انبیا علیهم السلام در زندگی ایشان برشمرده می‌شود. علاوه بر آن خداوند عالم، هیچ کار کوچک و بزرگی را جز براساس حکمت و مصلحت انجام نمی‌دهد، خواه این مصلحت و حکمت را بشناسیم یا نشناسیم. پس غیبت آن حضرت نیز مطابق حکمت و مصلحت است، اگر چه آن را ندانیم. مردی علت غیبت را از امام صادق علیه السلام سؤال کرد، آن حضرت فرمودند: «غیبت به سبب امری است که اجازه نداریم آن را برای شما بیان کنیم... غیبت سرّی از اسرار الهی است، ولی چون می‌دانیم که خداوند بزرگ، حکیم است می‌پذیریم که همه کارهای او بر اساس حکمت است، اگر چه علت آن کارها برای ما معلوم نباشد.»^۱

بنابراین خداوند، امام زمان علیه السلام را برای اجرای عدالت و برپایی دین ذخیره کرده است لذا باید حفظ شود تا این مأموریت را به انجام رساند. اما پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر امامان علیهم السلام چنین مأموریتی نداشتند، لذا شهادت ایشان مأموریت آنها را ناتمام نمی‌کرد؛ پس لازم نبود که غایب شوند.

طولانی شدن غیبت

علت طولانی شدن غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟

به تأخیر افتادن ظهور، علت‌های مختلفی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. عدم پذیرش جهانی:

برای این که قیام حضرت به نتیجه برسد، لازم است بیشتر مردم آمادگی پذیرش حکومت امام زمان علیه السلام را بیابند و با جان و دل، به دستورهای ایشان گردن نهند. این پذیرش جهانی زمانی روی می‌دهد که مردم از تمام حکومت‌های برپا شده ناامید شوند و ببینند که افراد عادی نمی‌توانند عدالت و معنویت جامعه را تأمین کنند. در این صورت، خودبه‌خود به این نتیجه می‌رسند که فقط امامی معصوم که به اسرار عالم آفرینش و انسان‌ها آگاه است، می‌تواند حکومت عدل را برپا کند. هم‌چنین در می‌یابند که عدالت، لازم‌ترین چیزی است که باید به آن پای‌بند بود و حتی در موارد ضرر به خود نیز، نباید روی عدالت پا گذاشت و ظلم بر دیگران را روا دانست. بعد از فراهم آمدن این مقدمات، مردم سراسر جهان احکام اسلام و فرمان‌های امام زمان علیه السلام را که عین اسلام است،

۱. همان، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱۱، ص ۲۰۴.

به جان می‌پذیرند.

۲. نبودن یاران حقیقی:

برای پیروزی قیام و نهضت، باید یارانی پاک‌باخته و مجاهد وجود داشته باشند؛ به طوری که تمام هستی خود را در راه تحقق اسلام و عدالت فدا کنند و در راه خدمت به دین و مردم آماده تحمل هرگونه سختی باشند؛ افرادی دانا، توانا، باتقوا و دارای روحیه گذشت و ایثار که با تلاش شبانه‌روزی، دستورهای حضرت را اجرا کنند و هدف قیام را تحقق بخشند.

۳. فراهم نبودن زمینه تشکیل حکومت جهانی:

بعضی معتقدند پیشرفت‌های صنعتی و فن‌آوری و نیز وجود گسترده و قوی وسایل ارتباط جمعی، زمینه‌ساز ظهور به شمار می‌آیند و برای حکومت جهانی، باید چنین ابزاری نیز به طور گسترده در تمام جهان فراهم آید تا مردم دنیا به درستی از وضعیت نظام ظلم و جور حاکم بر جهان آگاه گردند و از طرف دیگر، با نظام الهی و نجات‌بخش اسلام به طور صحیح آشنا شوند. در نتیجه، قدرت تشخیص حق از باطل را یافته و برای تحقق دولت حق به تلاش و جنبش افتند؛ افزون بر این که برای کنترل و اداره جهان به دست دولتی مرکزی، به چنین وسایل پیشرفته‌ای نیاز جدی است.

مدت غیبت

غیبت امام مهدی علیه السلام تا چه زمانی طول خواهد کشید؟

در مورد زمان دقیق پایان غیبت حضرت و وقت ظهور، کسی اطلاعی ندارد و اگر کسی مدعی تعیین وقت ظهور و پایان غیبت بشود، دروغ‌گو است؛ زیرا موضوع پایان غیبت حضرت و اعلام ظهور، فقط به اراده الهی بستگی دارد و خود حضرت مهدی علیه السلام هم منتظر دستور و فرمان ظهور از سوی خداوند است.

به همین دلیل، نه تنها در روایات، زمانی برای ظهور تعیین نشده، بلکه تعیین‌کنندگان به شدت دروغ‌گو خوانده شده‌اند. فردی به نام مهزم از امام صادق علیه السلام پرسید: فدایت شوم! ظهور قائم آل محمد علیهم السلام و تشکیل دولت حق به درازا کشید؛ پس چه وقت روی می‌دهد؟ حضرت پاسخ داد: «تعیین‌کنندگان وقت ظهور دروغ می‌گویند، تعجیل‌کنندگان هلاک می‌شوند، و تسلیم‌شوندگان

نجات می‌یابند و به سوی ما باز می‌گردند.»^۱

تعیین وقت نکردن از سوی معصومان علیهم‌السلام و تکذیب وقت‌گذاران، با توجه به اسرار و حکمت‌هایی است که در نامعلوم بودن آن نهفته است. یکی از آن حکمت‌ها، جلوگیری از سوء استفاده اشخاص ناپاک از این قضیه است. البته سخن از نزدیک شدن به عصر ظهور، چنان‌که در روایات نشانه‌های ظهور مطرح شده، با این مطلب منافات ندارد؛ زیرا آن‌چه در روایات ممنوع و تکذیب شده، اظهار نظر قطعی در مورد وقت ظهور از نظر سال و ماه و روز است، نه نزدیک دانستن ظهور.

البته ظهور امام مهدی علیه‌السلام شرایطی دارد. در زمانی که این شرایط محقق شود، ظهور نیز تحقق می‌یابد. مهم‌ترین این شرایط و زمینه‌ها، فراهم شدن یاوران مخلص و توانمند و آمادگی جهانی برای پذیرش رهبر معصوم است.

پرسش تخصصی

برخی از مورخان، غیبت صفرا و کبرا، نواب اربعه و داستان جعفر کذاب را دیدگاه متکلمین شیعه و شاگردانشان می‌دانند؟

این ادعا بدون دلیل است، زیرا ما برای عقیده خود دلایل و مدارک فراوانی داریم. برای اطلاع از وجود جعفر کذاب و اقدامات او در عصر غیبت صفرا می‌توانید به کتاب تاریخ عصر غیبت، تألیف پورسیدآقایی و دیگران، (انتشارات حضور، ص ۲۶۲) مراجعه فرمایید.

مسئله غیبت صفرا و کبرا نیز در روایات، قبل از تولد امام مهدی علیه‌السلام بیان شده است.^۲ اما نواب اربعه و سازمان و کالت و نهاد سفارت از زمان امام صادق علیه‌السلام توسط خود ائمه تشکیل شده است و در زمان ائمه دیگر نیز مشغول فعالیت بوده و در زمان غیبت صفرا بروز و ظهور جدی و کامل‌تری پیدا کرده است و شخص امام هادی و امام حسن عسکری علیه‌السلام نیز در زمان حیات خود، شیعیان را به مراجعه به نواب خاص امام مهدی علیه‌السلام در زمان غیبت راهنمایی کرده‌اند.^۳

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۱.

۲. برای آگاهی بیشتر، نک: سامی البدری، پاسخ به شبهات احمد الکاتب، ترجمه ناصر ربیعی، ص ۳۹۳.

۳. نک: شیخ طوسی، الغیبه، (قسمت سفراء ممدوحین)، از صفحه ۳۵۲ به بعد، چاپ مؤسسه معارف اسلامی قم.

چنین نیست که بعدها ساخته شده باشد.^۱

۱. نک: محمدرضا جباری، سازمان وکالت، انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره).

سفیران امام

مشخصات

سفیران خاص امام زمان چه کسانی بودند؟

به وکیلان خاص، نواب اربعه هم اطلاق می‌شود. در تمام مدت غیبت صغرا این چهار نفر میان امام زمان علیه السلام و مردم واسطه بودند و در واقع سفیران چهارگانه امام زمان علیه السلام در غیبت صغرا بودند که عبارت‌اند از:

۱. ابو عمرو عثمان بن سعید عمروی؛
۲. ابو جعفر محمد بن عثمان عمروی؛
۳. ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی؛
۴. ابوالحسن علی بن محمد سمری.

چرا سفیران خاص امام زمان علیه السلام از فقها و مجتهدان نبودند؟

هم‌چنان که می‌دانید امام دهم و یازدهم کاملاً زیر نظر حکومت عباسی بودند،^۱ یعنی حکومت برای تسلط کامل بر این دو امام، آنها را در محیط بسته و مشخص که تمام همسایگان و ساکنان شهر افراد نظامی و شناخته شده بودند، نگاه‌داری می‌کرد. تمام رفت و آمدها به منزل امام کنترل می‌شد. حال در چنین محیطی که همه چیز دقیقاً کنترل می‌شد، آیا فقیه سرشناسی می‌توانست به خانه امام رفت و آمد کند و مردم نیز با منزل آن فقیه در ارتباط باشند و مسائل خود را اعم از مالی و غیره مطرح نمایند؟ بدیهی است که چنین کاری ممکن نبود و افراد دست‌گیر و بازجویی می‌شدند، لذا صحیح‌ترین راه این است که افرادی که گمان نمی‌رود واسطه امام باشند و مطالب را رد و بدل کنند، به کار گرفته شوند و فعالیت نمایند. اگر کسی زندگی دو نایب اول (عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان) را مطالعه نماید، در می‌یابد که آنها مأمور تأمین روغن سامرا و از کسانی بودند که آذوقه پادگان را فراهم می‌کردند و اصلاً گمان نمی‌شد که نایب امام باشند و چنان که در کتاب سازمان و کالت^۲ به‌طور مفصل و تحقیقی بیان شده، نامه‌های امام علیه السلام و نامه‌های مردم داخل ظرف‌های روغن قرار می‌گرفت و مردم به بهانه خرید و فروش روغن، ظرف‌های حاوی پول و نامه را رد و بدل می‌کردند. بدیهی است که چنین کاری توسط یک فقیه امکان نداشت، چون فضای حاکم بر آن دوران، تقیه و مخفی‌کاری بوده است نه محیط باز برای فعالیت عالمان و فقهای دین.

از طرف دیگر اگر عالم و فقیهی ادعای نیابت می‌کرد، این احتمال داده می‌شد که برای گذران زندگی و جلب مال دنیا چنین کاری کرده است. اما کسی که کسب و درآمد دارد خیلی بعید است که دست به چنین کار خطرناکی بزند و برای پول بیشتر خود را با حکومت درگیر کند. بنابراین، کاسب بودن نایبان دلیل بر صدق مدعای آنهاست، نه دروغ بودن ادعایشان، لذا همین مسئله تا غیبت صغرا ادامه یافت.

البته تذکر این نکته نیز لازم است که هر چند آنان فقیه و عالم برجسته نبوده‌اند، کاسب بودن آنها به معنای کم‌سوادی یا عوام بودنشان نیست. نایبان طبق گواه تاریخ، افرادی بسیار والامقام و

۱. لقب «عسکری» نیز به سبب نگاه‌داری آنها در پادگان نظامی (عسکر) به آن دو امام داده شده است.

۲. نوشته دکتر جباری.

دارای کشف و کرامت^۱ و پرورش یافته مکتب امامان معصوم بوده‌اند و هرگز دور از دین و معرفت نبوده‌اند.

پس معلوم می‌شود که چرا شیخ کلینی که عالمی برجسته و شناخته شده بود، برای نیابت از امام برگزیده نشده است.

به هر حال نایبان خاص تنها نقش واسطه داشتند و هرچه مردم می‌گفتند یا می‌آوردند، آنها را به امام می‌رساندند و در مقابل، پیام یا کمک مالی امام را به مردم می‌دادند، اما بر کسی ولایت نداشتند و هرگز اهل فتوا یا صدور حکم از جانب خویش نبوده‌اند.

مدت نیابت

چرا نیابت خاص امام زمان علیه السلام پس از هفتاد سال تمام شد؟

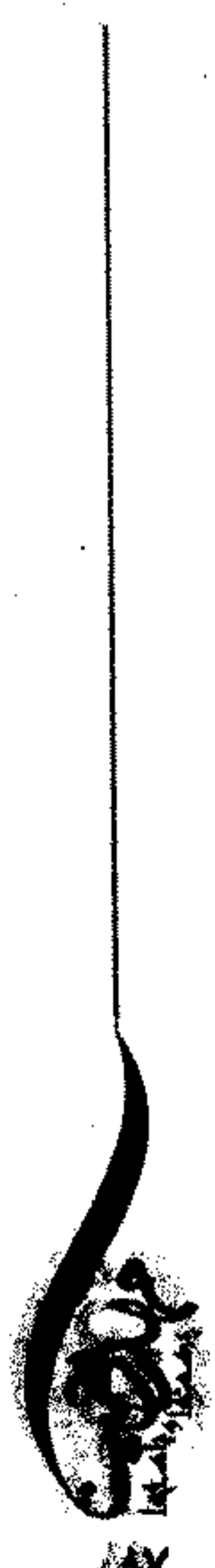
امام معصوم علیه السلام برای هدایت مردم، با انتخاب خداوند متعال برگزیده می‌شود و برای انجام این مهم، باید امام در میان امت ظاهر و با آنها ارتباط مستقیم داشته باشد، چنان که در یازده امام گذشته چنین بوده است. بنابراین، غیبت حضرت مهدی علیه السلام امری است که تحت وضعیت خاص و بنابه ضرورت و حکمت الهی اتفاق افتاده است. از سوی دیگر غیبت امام، امری است که شوکی شدید به جامعه اسلامی وارد می‌کند و برای جلوگیری از انحرافات باید برای غیبت زمینه‌سازی شود؛ به همین جهت مسئله غیبت ابتدا به شکل غیبت صغرا اتفاق می‌افتد که در این زمان (حدود هفتاد سال) چهار نفر نایب خاص بوده‌اند که امت اسلامی به واسطه آنان با امام و رهبر خود در ارتباط بوده است تا به تدریج به مسئله غیبت عادت کند و واقعیت آن را بپذیرد؛ یعنی از اول، غیبت صغرا مقدمه و زمینه‌سازی بوده است و قرار بود به زمانی معین محدود باشد؛ یعنی تا زمانی که شیعیان به غیبت امام عادت نمایند. بنابراین، پس از گذشت این مدت دیگر ضرورتی برای بودن نیابت خاص نبود و ارتباط با امام از طریق نایبان عام (مجتهدان جامع‌الشرايط) جواب‌گوی نیازهای فکری و دینی شیعه بوده است.

بنابراین، جایی برای این پرسش نیست که چرا این دوران تمام شد، زیرا از اول محدود بوده است. افزون بر این به خاطر مشکلاتی که دشمنان برای نایبان خاص حضرت ایجاد می‌کردند، امر نیابت به شکل عام ادامه یافت و مردم از طریق مراجع تقلید، هم حقوق مالی امام را می‌پردازند و

۱. نک: شیخ طوسی، التبیه.

هم مسائل دینی و روزمره خود را از ایشان سؤال می‌نمایند و تقلید می‌کنند و در واقع به وظایف دینی خود آشنا می‌شوند.

البته در غیبت صغرا هم مردم از طریق نایبان خاص، امکان ارتباط با حضرت را داشتند و قطعاً سعادت دیدار با امام و گفت‌وگویی با او تنها برای معدودی از شیعیان خاص حاصل شد و توده مردم آن زمان، مثل ما، از دیدار با امام محروم بودند و تنها به وسیله نایبان، حقوق مالی را به دست امام می‌رساندند و سؤال‌های علمی خود را جواب می‌گرفتند.



نایبان امام

بیان حقیقت دین

آیا حقیقت مفهوم دین اسلام و مبانی واقعی آن همین است که توسط مراجع دینی برداشت می‌شود؟ به عبارت دیگر، در زمان غیبت، علما در تبیین حقیقت شریعت چقدر موفق بوده‌اند؟ باید توجه داشت که دین اسلام سه بخش اساسی دارد: عقاید، اخلاق و فقه یا احکام عملی. بخش عقاید، مربوط به اصول دین، اثبات خداوند، پیامبر، امام، جهان آخرت و سایر مباحث مربوط به این موضوعات است و با دلایل قطعی ثابت می‌شود و از حوزه تقلید و حکم مراجع دینی خارج است.

بخش اخلاق، عهده‌دار مسائل بایدها و نبایدهاست، مانند ایثار، صداقت، عدالت یا کبر، غرور، دروغ و... بخش اخلاق نیز از حوزه افتاء و حکم خارج است، علاوه بر اساس تفکر تشیع و برخلاف اشاعره، اخلاق فرادینی است. لذا پیامبر فرمود: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق».^۱ پیامبر برای تکمیل مسائل اخلاقی مبعوث شد، نه تأسیس و ابداء آن.

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰.

بخش احکام، قسمتی از دین اسلام و مربوط به حوزه واجب، حرام، مستحب و مکروه است. احکام عملی، ظاهر دین محسوب می‌شود و در این بخش بسیاری از احکام اصلی، روشن و قطعی است که جای شک و بحث ندارد و تنها اندکی از فروعات فقهی اختلافی است که مراجع دینی باید بررسی کنند و نظر دهند.

با توجه به این مطلب، مراجع در قسمت کمی از بخش سوم دین اجتهاد می‌نمایند و درصد بسیار زیادی از دین اسلام روشن و بدون شک است. بنابراین، نمی‌توان پرسید که آیا مراجع حقیقت دین را درست گفته‌اند یا نه؛ زیرا حقیقت و اساس دین روشن است و در حوزه اجتهاد و تقلید نمی‌گنجد و همه مسائل آن اجماعی و اتقاقی است. اجتهاد تنها در احکام عملی و در موارد فرعی و جزئی انجام می‌گیرد که بخش اندکی از دین را شامل می‌شود.

ولایت فقیه

چرا در زمان غیبت، حکومت اسلامی به دست ولی فقیه است؟

از یک سو می‌دانیم که در دوران غیبت، هیچ کدام از احکام اسلام تعطیل نمی‌شود و باید تا آمدن امام عصر علیه السلام به تکالیف دینی خود عمل کنیم و از سوی دیگر، به امام معصوم هم دست‌رسی نداریم. به همین سبب، ائمه و وظیفه ما را در زمان غیبت مشخص کرده‌اند که باید به فقهای جامع‌الشرایط، که احکام دینی را از راه قرآن و روایات به دست می‌آورند و اسلام را بهتر از دیگران می‌شناسند، مراجعه کنیم. در نتیجه می‌توان گفت که وظیفه مردم، در زمینه امور اجتماعی و سیاسی اطاعت از فقیهی است که بزرگان شیعه او را «ولی فقیه» می‌دانند. او باید در زمان غیبت حکومت تشکیل دهد. بر همین اساس، بیشتر فقهای شیعه تشکیل حکومت اسلامی را واجب می‌دانند و بر این باورند که اگر یکی از فقها، حکومت تشکیل داد بر دیگران واجب است از او پیروی کنند. حال اگر تشکیل حکومت اسلامی جز از راه قیام دسته‌جمعی امکان‌پذیر نباشد، همگان باید بدین مهم اقدام کنند و در صورتی که تشکیل حکومت ممکن نباشد، باز هم تکلیف ساقط نیست و باید به اندازه توان، احکام اسلامی را اجرا کنند. پس به هیچ روی، انتظار فرج و حکومت جهانی مهدوی با قیام‌های پیش از ظهور ناسازگاری ندارد، بلکه برخی از قیام‌ها و حکومت‌ها، زمینه‌ساز قیام و حکومت جهانی حضرت خواهند بود.

فقهای دین بر چه اساسی در زمان غیبت کبرا بر دیگران ولایت دارند؟

یکی از دلایل نقلی ولایت فقیه، علاوه بر دلایل عقلی آن، روایت امام صادق علیه السلام است که فرمود: «ینظران الی من کان منکم ممن قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فلیرضوا به حکماً فإنی قد جعلته علیکم حاکماً فإذا حکم بحکمنا فلم یقبله منه فإنما استخف بحکم الله و علینا رد و الراد علینا الراد علی الله و هو علی حد الشکر بالله؛ نگاه کنند به هر کس از شما که راوی حدیث ماست و در حلال و حرام صاحب نظر است و احکام ما را می داند پس حاکمیت او را بپذیرند؛ زیرا من او را بر شما حاکم قرار دادم، پس هرگاه مطابق حکم ما حکم کند و از او پذیرفته نشود، امر خداوند خوار شمرده شده است و ما (اهل بیت) را رد کرده اند و رد کردن ما، رد کردن خداوند است و آن شخص به منزله مشرک است.»^۱

لذا این ولایت را ائمه معصومین علیهم السلام سالیان طولانی قبل از نیابت خاصه به فقها داده اند. به تصریح این نوع روایات^۲ مجتهد جامع الشرایط حتی در زمان حضور امام معصوم و در همان شهر می تواند فتوا بدهد و مردم موظف اند از او اطاعت کنند. بنابراین، ولایت فقیه ویژه دوران غیبت نیست که ادامه نیابت خاصه باشد. آری، هنگام حضور امام، رهبری جامعه بر عهده اوست و فقها یاوران امام هستند، اما در نبود ظاهری ایشان، رهبری جامعه نیز بر عهده فقیه جامع الشرایط است. اما این امر، سعه و ضیق ولایت است، نه اصل ولایت.

امام خمینی علیه السلام

چرا امام خمینی (ره) را نایب امام زمان علیه السلام نامیده اند؟ عشق و دلدادگی امام علیه السلام برخاسته از چه بود؟ مهم ترین ویژگی های ایشان را بنویسید؟

اوضاع پر اختناق و امتناع مردم سبب شد که امام زمان علیه السلام از نظرها پنهان گردد، اما طبیعی است که حضرت در زمان غیبت صغرا که حدود هفتاد سال به طول انجامید، مردم را به حال خود

۱. کافی، ج ۱، ص ۶۷ حدیث ۱۰.

۲. در یک روایت امام باقر علیه السلام با آن که خود در مدینه است، به ابان بن تغلب می فرماید: «در مسجد مدینه بنشین و فتوا بده»؛ (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۱۶). در روایت دیگر می فرماید: «بر دیگران واجب است از فقها تقلید کنند»؛ (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۵).

رها نکرد. امام مهدی علیه السلام اشخاص معین و مشخصی را نایب خود قرار داد و به اسم و رسم، آنها را معرفی نمود. حضرت در طول غیبت صغرا به وسیله چهار سفیر مخصوص خود با مسلمانان در ارتباط بود و پس از غیبت صغرا، دوران نواب خاص به پایان رسید و نیابت عام آغاز شد. بدین صورت که چند روز پیش از مرگ علی بن محمد سمری که آخرین نایب خاص حضرت بود، از ناحیه مقدسه آن حضرت توقیعی (نامه‌ای) برای وی صادر شد که در آن ابلاغ شده بود که تا شش روز دیگر از دنیا خواهد رفت و پس از آن باب نیابت خاصه بسته و غیبت کبرا شروع می‌شود.

اسحاق بن یعقوب، از حضرت مهدی علیه السلام درباره تکلیف شیعیان در غیبت کبرا و پایان دوره نیابت خاصه سؤال کرد. حضرت پاسخ دادند: «در پیش آمدهایی که برای شما رخ می‌دهد، باید به راویان اخبار ما (علما) رجوع کنید؛ ایشان حجت من بر شما و من حجت خدا (بر آنان) هستم.»^۱

امام حسن عسکری علیه السلام در ضمن یک روایت می‌فرمایند: «هر یک از فقها که بر نفس خود مسلط باشد و امر خدا را اطاعت نماید و... بر همگان لازم است که از او تقلید کنند.»^۲

مسلمانان باید پس از پایان دوران غیبت صغرا و شروع غیبت کبرا از نواب عام حضرت که مراجع عظام به شمار می‌آیند، مسائل و احکام دینی خود را تقلید و در مسائل جدید و مستحدثه از آنان تبعیت کنند؛ زیرا امام زمان علیه السلام آنان را نماینده و جانشین خود در بین مردم قرار داده است. بنابراین، اطاعت از آنان، اطاعت از امام زمان علیه السلام است، زیرا حکم آنان، حکم امام زمان علیه السلام است؛ مراجع ولایت و سرپرستی بر مردم را از طرف امام زمان علیه السلام عهده‌دار هستند.

حضرت امام خمینی (ره) از مصادیق آشکار نایبان عام امام عصر علیه السلام بود، زیرا آن بزرگ‌مرد، تمام ویژگی‌های ذکر شده در کلام امام حسن عسکری علیه السلام برای نایبان امام علیه السلام را در حد کمال دارا بود. او نفس خویشتن را مواظبت می‌کرد؛ هوا و هوس خود را کاملاً مهار کرده بود و هیچ‌گاه آن را بر رضای خدا ترجیح نمی‌داد بلکه اصلاً هوا و هوسی نداشت. او خود را در خدا و مولایش امام زمان علیه السلام فانی کرده بود و خواسته‌ای جز خواسته و رضای آنان نداشت. کاملاً مطیع امر خدا و امام زمان علیه السلام بود و این شور و دل‌دادگی، او را از خود بی‌خود می‌نمود؛ به طوری که به جز رضای خدا و رضای او چیزی نمی‌دید، و جز رضایت و خواست امام زمان علیه السلام (که همان خواست و رضایت خداوند تعالی است) خواسته‌ای نداشت. از این‌رو، از همه چیز خود در راه خدا و امام

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۲۴۷، باب ۴۵، ج ۴ و ص ۴۸۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱، حدیث ۳۳۴۰۱.



زمان علیه السلام گذشت، و در عوض، خدای تعالی نیز به او عزت و کرامت بخشید. او ابرمردی شجاع، قهرمان، دانشمند، فقیه، مجاهد، عارف، زاهد، بلند همت و بلند نظر، حاکم بر هوای نفسانی خویش، فانی در خدا، مطیع (کامل) امام زمان علیه السلام و... بود. از این رو، او به حق «نایب امام زمان علیه السلام» به شمار می‌رفت؛ نماینده و جانشین تام‌الاختیار آن حضرت در زمان غیبت کبرا. آن بزرگوار، اسلام و شیعه و مکتب امام زمان علیه السلام را در جهان زنده کرد و ان شاء الله حکومتش، زمینه‌ساز حکومت امام زمان علیه السلام خواهد بود! همان گونه که آن بزرگوار خود فرمودند: «ان شاء الله این حکومت را به دست صاحب اصلی آن (امام زمان علیه السلام) بسپاریم.»

آیت‌الله خامنه‌ای

آیا درست است که آیت‌الله خامنه‌ای نایب امام زمان علیه السلام هستند؟ مدرک و منابع اطلاعات

شما در این زمینه چیست؟

همان گونه که غیبت به دو مرحله صغرا و کبرا تقسیم می‌شود، نیابت نیز به خاص و عام تقسیم می‌شود؛ یعنی، نیابت خاصه در غیبت صغرا و نیابت عامه در غیبت کبرا است.

امام زمان علیه السلام در زمان غیبت صغرا اشخاص معینی را نایب خود قرار داده بود و آنها را به اسم و رسم معرفی نموده و هر یک را به وسیله نایب پیش از خود به مردم شناسانده بود.

در نیابت عامه، بر اساس یک ملاک و معیار کلی که خود امام زمان علیه السلام معین فرموده، هر فردی که آن ضابطه را از همه جهت و در همه ابعاد دارا باشد، نایب امام علیه السلام شناخته می‌شود و به نیابت از امام زمان علیه السلام رهبر جامعه خواهد بود؛ پس این مقام و نیابت توسط خود حضرت مهدی علیه السلام به عالمان واجد شرایط داده شده است.^۱

شیخ طوسی، شیخ صدوق و شیخ طبرسی از اسحاق بن عمار نقل کرده‌اند که مولای ما حضرت مهدی علیه السلام (درباره وظیفه شیعیان در زمان غیبت) فرموده است: «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم؛ در حوادث و رخدادهایی که

۱. مسعود پورسیدآقایی، تاریخ عصر غیبت، ص ۴۵-۴۷، چاپ دوم: ۱۳۸۳.

واقع می‌شود، به روایت‌کنندگان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنانم.»

طبرسی نیز در کتاب الاحتجاج، از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است: «و اما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً لهواه و مطيعاً لامر مولاه فللعوام ان يقلدوه؛ هر يك از فقها كه مراقب نفسش و نگهبان دينش و مخالف هوا و هوسش و مطيع فرمان مولایش (ائمه علیهم السلام) باشد، بر عوام لازم است كه از او تقليد كنند.»

بدین ترتیب امور مسلمین در زمان غیبت کبرا به دست ولی فقیه سپرده شده است. منصب فتوا، قضاوت و حکم برای فقیهان گذشته، توسط ائمه معصومین علیهم السلام جعل شده بود، ولی رسمیت مرجعیت و زعامت فقهای اسلام از این تاریخ پدید آمد و تا ظهور آن حضرت ادامه داشت.^۱ بنابراین، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، در این برهه از زمان، نایب عام امام زمان علیه السلام هستند که فقهای دیگر (مجلس خبرگان) ایشان را ولی فقیه دانسته و به این سمت منسوب شده‌اند و ایشان مسئولیت اداره حکومت اسلامی و اجرای احکام دین را به عهده دارند، زیرا اسلام، مسلمانان را در زمان غیبت کبرا بی‌سرپرست نگذاشته و مردم را به اطاعت از فقها ملزم کرده است.

ارتباط نایبان

آیا نواب عام امام عصر علیه السلام در زمان غیبت کبرا با آن حضرت ارتباط دارند؟

در زمان غیبت کبرا که غیبت تام و کامل است، فلسفه و حکمت غیبت اقتضا می‌کند که هیچ‌کس با امام ارتباط دائم و اختیاری نداشته باشد. همان‌گونه که آن حضرت در آخر عمر نایب چهارم خود به او فرمود: «از این پس، کسی را جانشین خود قرار مده، زیرا دوران غیبت کبرا شروع شده و...»^۲.

بنابراین، در دوران غیبت کبرا، هیچ‌کس به اراده و خواست خود به حضرت دست‌رسی ندارد. به عبارت دیگر، حضرت تحت اراده و خواسته هیچ‌کس به جز خداوند نیست. اگر خدا بخواهد، به

۱. همان، ص ۴۸-۴۷.

۲. کمال‌الدین و تمام النعمه، ص ۵۱۶، ح ۴۴.

جهت مصالحی از جمله پیش‌گیری از خطا، رفع شبهه و... ممکن است حضرت با فرد یا افرادی تماس گیرد و خود را به آنها نشان دهد و با آنان سخن گوید و احیاناً پیامی به آنها برساند، اما این ارتباط یک سویه بوده و فقط در اختیار حضرت است نه دیگران. این قاعده عمومیت دارد و شامل نواب عام (فقهای جامع‌الشرائط) نیز می‌شود. البته حضرت حجت علیه السلام به نایب یا نایبان عام خود عنایت ویژه‌ای داشته است.

انتظار و منتظران

چیستی انتظار

انتظار واقعی چیست؟

انتظار در لغت به معنای درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده است.^۱ در اصطلاح و در فرهنگ اسلام و تشیع، انتظار اصیل و حقیقی، انتظاری است که سبب حرکت، پویایی، عمل و آمادگی وسیع می‌گردد. از این‌رو، در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، انتظار را عمل و از برترین عمل‌ها^۲ یا عبادت و از محبوب‌ترین عبادت‌ها معنا کرده‌اند.^۳

انتظار، اعتراض به وضعیت موجود و نپذیرفتن آن و به دنبال گشایش بودن است؛ یعنی داشتن بید، حرکت، تلاش، مقاومت، سازندگی و آماده‌سازی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام.

علت سختی انتظار چیست و چرا می‌گویند انتظار زیباست؟ زیبایی انتظار در چیست؟

انتظار دو جنبه دارد: رسیدن به هدف و دیگری در راه بودن. این دو جهت انتظار برای همه چیز

حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، جلد ۱۲، ص ۱۶۶.
«افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل» و «انتظار الفرج من اعظم العمل»: کمال‌الدین، ج ۲، باب ۵۵.
«انتظار الفرج عبادة». و ... همان؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

وجود دارد و تنها مربوط به امر فرج امام زمان علیه السلام نیست.

کسی که منتظر رسیدن به درجه پزشکی یا مهندسی است، سخت درس می‌خواند. خود درس خواندن (همان در راه بودن و مقدمات و زمینه را فراهم کردن) سخت است. باید شب‌ها بیدار ماند و درس خواند و روزها از تفریح و سرگرمی صرف‌نظر کرد و مطالعه نمود. همه اینها سخت است، اما چون برای رسیدن به درجات بالای علمی است، همین سختی برای انسان، زیبا و لذت‌بخش می‌شود.

کسی که منتظر میهمان بسیار محترم و محبوبی است، در تهیه مقدمات به سختی می‌افتد. هنگام تمیزی منزل، عرق از سر و روی او می‌ریزد، اما از درون شاد است. همین زحمات برای او لذت‌بخش و زیباست. شهادت و جان دادن در راه محبوب، سخت، اما زیبا و لذت‌بخش است. پس لذت همیشه در آسایش و راحتی نیست، بلکه برعکس گاهی آسایش موجب آزار است. کسی که به جای مطالعه همیشه در حال خواب و استراحت است، هر چند راحتی بدنی دارد، به خاطر عاقبت بدی که در پایان سال تحصیلی در انتظار اوست، در عین راحتی، احساس رنج و بدی می‌کند. اما شاگردی فعال در عین کوشش فراوان احساس شادی و لذت می‌کند. بنابراین، سختی با زیبایی و لذت در تضاد نیست.

انتظار امام زمان علیه السلام و منتظر واقعی بودن، زمینه ظهور را فراهم کردن، ترک گناه و عمل به واجبات سخت است اما با توجه به هدف والا و اجر و ثواب بسیار زیاد آن، کاری زیبا و لذت‌بخش به شمار می‌آید.

وظایف فردی منتظران

وظایف ما در دوران غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟

بعضی از وظایف منتظران به این قرار است:

۱. معرفت: منتظر واقعی باید هر روز بر دانش و شناخت خود بیفزاید و به چند چیز شناخت پیدا کند: الف) خودشناسی؛ ب) خداشناسی؛ ج) شناخت پیامبر؛ د) معرفت به امام زمان تا گمراه نشود؛
۲. محبت: منتظر واقعی باید بین خود و امام خود رابطه‌ای معنوی برقرار کند، به این صورت که همیشه به یاد امام باشد، مراسمی برای امام برگزار یا در آنها شرکت کند (دعای ندبه، جشن

نیمه شعبان و...)، برای سلامت امام صدقه دهد، دعا کند، زیارت‌نامه‌های ایشان را بخواند، به اماکن منتسب به آن حضرت برود؛ دعای عهد را بخواند و...؛

۳. اطاعت: کسی که منتظر واقعی است، افزون بر شناخت و ارتباط، باید در عمل نیز فرمان‌بردار امام باشد. اطاعت از امام هم عمل به دین است، یعنی تقوا پیشه کند، به واجبات عمل نماید، از محرّمات دوری گزیند، فرهنگ و آداب اسلامی را رعایت کند، اهل امر به معروف و نهی از منکر باشد، با عالمان دینی ارتباط داشته باشد و از علوم آنها استفاده کند، از ولی فقیه پیروی و حمایت نماید و دیگران را نیز به ایمان و شناخت امام زمان عجل الله فرجه توصیه کند. اگر کسی این اعمال را انجام داد، منتظر واقعی است.

وقتی ما خود و امام را شناختیم، می‌دانیم که چه باید بکنیم و هر قدر وظایف دینی اعم از فردی و اجتماعی خود را بهتر انجام دهیم و از طرفی همیشه به یاد امام باشیم و دعاها و زیارت‌های ایشان را بخوانیم، می‌توانیم ارتباطی قوی داشته باشیم. در یک کلام، کسی که به درستی به وظایف منتظران عمل کند، ارتباطی قوی با امام خواهد داشت.

ویژگی‌های منتظران واقعی در این دوران چیست؟

اگر امام مهدی عجل الله فرجه و اهداف قیام و انقلاب او به درستی شناخته شود، ویژگی‌های منتظران واقعی هم معلوم خواهد شد. امام مهدی عجل الله فرجه سفیر الهی برای نجات جامعه بشری از ظلم و بی‌عدالتی و تباهی است. ارمغان ظهورش، عدالت گستری در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی، بجاد حیات عقلانی و خردمندانه، هدایت انسان به مسیر فطرت پاک خدایی و رها شدن ازنجیرهای بندگی غیر خداست.

حال، منتظر واقعی نیز باید در جهت تحقق اهداف و آرمان‌های او حرکت کند و آنچه را بر خلاف خواسته حضرت است و ظهورش را به تأخیر می‌اندازد، ترک و با آنها مقابله کند. منتظر نین روی دادی، باید در مجموعه‌هایی قرار گیرد که به تحقق دولت مهدوی کمک کند و از نکیلات ستم‌گران و تبه‌کاران دوری بجوید؛ چرا که کمک به آنها و هم‌سویی با چنین ریان‌هایی، با اهداف امام عصر عجل الله فرجه سازگاری ندارد. بر این اساس، برخی از ویژگی‌های منتظر واقعی به اختصار چنین است:

۱. معرفت و شناخت امام عصر عجل الله فرجه: شخص منتظر اگر امام را به درستی بشناسد، جذب هیچ

د یا گروهی نخواهد شد که هدفی جز امام عصر عجل الله فرجه دارند؛

۲. شناخت اهداف آن حضرت علیه السلام و روش‌های او: اگر چنین باشد، دیگر گرفتار مکتب‌ها، ایسم‌های انحرافی و گروه‌های منحرف از صراط مستقیم الهی نخواهد شد؛
۳. یاد امام عصر علیه السلام: منتظر واقعی در پرتو یاد زلال او، دل و جان را از بدی‌ها پاک می‌کند و به عنصری ارزشی و آماده ظهور خوبی‌ها تبدیل می‌شود؛
۴. خودسازی: منتظر واقعی برای قرار گرفتن در زمره یاران مهدی علیه السلام خود را از گناهان و آلودگی‌ها پاک نگه می‌دارد و به فضیلت‌ها و ارزش‌ها می‌آراید؛ چون یاور مهدی علیه السلام باید به آن حضرت شباهت داشته باشد؛
۵. اثرگذاری بر محیط: منتظر واقعی، مانند چراغی درخشانده به محیط اطراف خود نور می‌دهد و در همه جا و در برابر همه بدی‌ها واکنش مناسب نشان می‌دهد. او همچنان که در ترویج خوبی‌ها و انتشار ارزش‌ها می‌کوشد، در کسادی بازار بدی‌ها و ضد ارزش‌ها هم تلاش می‌کند (امر به معروف و نهی از منکر می‌کند).

دانش‌آموزان چگونه باید منتظر امام زمان علیه السلام باشند؟

- با مطالعه کتاب‌های مفیدی که درباره امام زمان علیه السلام نوشته شده است، آگاهی و شناخت خود را به حضرت و اهداف‌شان، روز به روز افزایش دهند؛
- با اهمیت دادن به واجبات به ویژه نماز، حجاب، احترام به پدر و مادر و دوری از هر کار بد و زشت، دل امام زمان علیه السلام را خشنود کنند؛
- تا می‌توانند، به یاد او باشند و ثواب کارهای خوب را به مادر حضرت یا خود ایشان هدیه کنند؛
- برای سلامت و زودتر آمدنشان دعا کنند؛
- سعی کنند دیگران را نیز با امام علیه السلام آشنا سازند.

برای ایجاد ارتباط قلبی با امام زمان علیه السلام به جز تکالیف شرعی و دینی چه اعمالی لازم است

تا یقین حاصل شود، امام زمان علیه السلام از رفتار و کردار ما رضایت دارد؟

این امور برای ایجاد و تقویت پیوند معنوی با حضرت باید مورد توجه قرار گیرد:
الف) انجام دادن واجبات و ترک محرمات با نیت جلب رضایت حضرت؛

ب) اهدای ثواب اعمال صالح و عبادات به ویژه کمک به یتیمان و فقرا به اهل بیت علیهم السلام و همین طور اهدای ثواب کار خیر به نرگس خاتون علیها السلام، مادر امام زمان علیه السلام؛

ج) همواره به یاد حضرت باشیم تا حضرت نیز بیشتر به ما توجه فرمایند.

اما برای اطلاع از رضایت حضرت، اگر هنگام مواجه شدن با دوراهی‌های عقل و هوای نفس و نیز امور دنیوی و اخروی، راهی را برگزیدیم که رضایت حضرت در آن است و به جای توجه به رسم و رسوم و سخن دیگران، حضرت مهدی علیه السلام را در نظر گرفتیم، به شرط استقامت و استمرار در راه حق، قطعاً بدانیم که حضرت از ما رضایت دارد.

چه کنیم که وجود امام زمان علیه السلام را در زندگی خود حس کنیم؟

پرسش بسیار مهمی است و خوشا به حال کسی که چنین دغدغه‌ای دارد و آرزوی او این است که امام زمان را در زندگی حس کند و پیوسته خود را در محضر او بداند. روشن است که اگر آدمی به چنین نعمت بزرگی دست یابد، معنای واقعی زندگی را خواهد چشید و هویت حقیقی خود را خواهد یافت. اما برای رسیدن به این نقطه نورانی باید کارهایی را انجام داد:

۱. لازم است آگاهی و شناخت ما از حضرت مهدی علیه السلام که امام و حجت خداست، عمیق‌تر گردد. بسیاری گمان می‌کنند که غیبت حضرت به معنای نبودن ایشان در این عالم است، حال آن‌که غیبت او به معنای نهان‌زیستی اوست، و گرنه او در همین زمین ما زندگی می‌کند. اگر امام را آن‌گونه که باید بشناسیم، خواهیم دانست که او به زمان و مکان محدود نیست، بلکه به اذن الهی، زمان‌ها و مکان‌ها در اختیار اوست؛ پس شرق و غرب عالم پیوسته تحت تصرف او و زیر نظر مبارک آن حضرت است. اگر او را واسطه فیض خدا و سبب همه نعمت‌های الهی بدانیم، درمی‌یابیم که نه تنها ما و خاندان ما، که همه عالم به برکت وجود او زنده‌اند و روزی می‌خورند. پس حضور حضرتش در کنار هر نعمت کوچک و بزرگ مادی و معنوی و در دفع هر بلای فردی و اجتماعی قابل لمس و مشاهده خواهد بود.

اگر او را باب خدا و یگانه راه نجات بدانیم، در هر مشکل مادی و معنوی، و فردی و اجتماعی، او را واسطه درگاه حضرت حق قرار می‌دهیم و بدین‌گونه، پیوسته زیر خیمه لطف او قرار می‌گیریم و وجود پرچودش را با همه وجود لمس می‌کنیم. از این دست معرفت‌ها و آگاهی‌ها بسیار است که درک حضور حضرت او را نزدیک و نزدیک‌تر می‌کند تا ما را کنار او و در چشم‌انداز نگاه پر مهر او می‌نشانند؛



۲. باید تلاش کرد که یاد و نام او پیوسته در زندگی ما جریان یابد. هم در خانه، کارخانه، دانشگاه، ورزشگاه، خیابان و هر نقطه و در هر حالی که هستیم، با یاد او و حال و هوای او به سر بریم و آن معرفت که پیش از این گفته شد، می‌تواند ما را به این حال نیکو برساند؛

محافل خود را با یاد او شروع کنیم و به پایان برسانیم. برای سلامت حضرتش پیوسته صدقه دهیم، به نیابت از او اعمال نیک به جا آوریم، در شب و روز با او تجدید عهد کنیم و به ساحت مقدسش درود و سلام بفرستیم و هر روز، ساعتی با او نجوا کنیم و به مکان‌های منتسب به او مثل جمکران رغبت نشان دهیم و...؛

۳. ظهور او را در صدر نیازهای خود بدانیم؛ همه آرزوهای خود را در آمدن او ببینیم و فراق او برای ما از هر غصه دیگری بزرگ‌تر و جدی‌تر باشد. مبدا به غیبت و ندیدنش خو بگیریم و به دوری از حکومت عدالت‌گسترش عادت کنیم یا ظهور او را دور بشماریم، بلکه پیوسته ببندیشیم و بر این باور باشیم که همین روز که در آن هستیم، می‌تواند روز ظهور باشد و هیچ چیز نمی‌تواند مانع ظهور اراده الهی شود.

در این صورت، وظیفه مهم ما این است که خود را برای ظهورش آماده سازیم و کاری کنیم که ظهورش نزدیک‌تر شود و چنان باشیم که حضرتش برای ما اهمیت قائل شود و بکوشیم که در توفان نامردی‌های نامردان و بی‌مهری نامهربانان، مایه روشنی چشم او باشیم و در این مسیر، دیگران را هم دعوت کنیم و پیوسته بکوشیم که فرد دیگری به یاران و همراهان او بیفزاییم. ... و هر چه از این دست کارها و اندیشه‌ها، بیشتر داشته باشیم، وجود او را در زندگی خود بیشتر حس خواهیم کرد و البته لطف او کارسازتر از همه این راهها و رفتارهاست.

چه کنیم تا مورد توجه امام عصر علیه السلام قرار گیریم و وجودمان نورانی شود؟

در قرآن و روایات به صورت صریح تأکید شده، که پس از برخورداری انسان از اعتقاد صحیح، نوبت به عمل می‌رسد و آن چه می‌تواند آدمی را به خدا و حجت او نزدیک و نزدیک‌تر کند، تلاش در راه انجام دادن وظایف (تعهد به واجبات و محرمات الهی) است.

حضرت مهدی علیه السلام براساس یکی از توقیعات رسیده از ایشان فرمودند: «اگر شیعیان ما - که خداوند آنها را به اطاعت خویش موفق بدارد - بر ادای عهد و پیمان ما یکدل و همراه می‌شدند، هرگز سعادت دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد.»^۱

۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۵.

هم‌چنین فرمودند: «هر یک از شما به گونه‌ای عمل کند که به محبت ما نزدیک شود و از کارهایی که او را به خشم و غضب ما نزدیک می‌کند، برحذر باشد.»^۱

این سخنان نورانی می‌رساند که بهترین وسیله برای نزدیکی به خدا و جلب عنایت امام عصر علیه السلام، تلاش برای سازندگی فردی است. البته یاد امام عصر در هر شب و روز، در این مسیر بسیار راه‌گشا خواهد بود. چه خوب است که روزمان را با یاد آن حضرت و توسل به او شروع کنیم و به همین گونه به پایان رسانیم. نیز چه زیباست که پیوسته ساعتی را برای عرض سلام و ارادت به ساحت مقدسش اختصاص دهیم و چه به‌جا است که به نیابت از آن حضرت، کارهای عبادی (مثل نماز، روزه و صدقه) انجام دهیم.

البته در کنار خودسازی و یاد امام عصر، لازم است به دنبال تحقق اهداف امام در عرصه اجتماعی باشیم و در این راستا تلاش کنیم. زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت، بسترسازی برای بروز ارزش‌های اسلامی و انسانی در جامعه، و تلاش برای فراگیرشدن فرهنگ انتظار و ضرورت حاکمیت الهی، از جمله این تلاش‌هاست.

به راستی آیا می‌شود آدمی این‌گونه زندگی کند و مورد توجه و عنایت امام عصر علیه السلام قرار نگیرد؟!

امام زمان علیه السلام از نوجوانان جامعه امروز چه انتظاری دارند؟

امام زمان علیه السلام از نوجوانان جامعه امروز انتظار دارد تا علاوه بر ادای تکالیف دینی (ترک محرمات و انجام دادن واجبات)، با تحصیل عالی، مقدمات خدمت به اسلام و قرآن را فراهم سازند و با عمل به دستورهای نورانی اسلام، دنیا و آخرت خود را آباد سازند و در حفظ و حراست از کیان تشیع، کوشا بوده، لحظه‌ای از مستضعفان و محرومان غافل نباشند و تا حد امکان از مکروهات دوری و در عمل به مستحبات تلاش کنند.

امام زمان علیه السلام چه جوانانی را دوست دارد؟ چه کنیم تا مورد توجه و عنایات خاصه حضرتش

قرار بگیریم؟

همه انسان‌ها کارهای خوب و بد را تشخیص می‌دهند؛ هر چند میان مهم‌تر و مهم‌اشتباه کنند. همه می‌دانند دروغ بد و امانت‌داری خوب است. درس خواندن خوب و تقلب (دزدی) بد است.

۱. همان، ص ۲۲۴ - ۲۲۳.

امام مهدی علیه السلام انسان‌ها و جوانانی را دوست دارد که عمل به دستوره‌های اسلامی و انسانی (کارهای خوب) را سرلوحه کارشان قرار دهند و تمایل به نیکی‌ها داشته باشند.

بنابراین، اگر طالب توجه و عنایات او هستیم، باید اعمالی انجام دهیم که قلب نازنین او شاد بشود. او از کارهای ما آگاه است. نامه اعمال ما را می‌بیند. اگر در گرداب گناه و آلوده به زشتی‌ها باشیم و هیچ توجهی به وی و خواسته‌های او نداشته باشیم، او نیز به ما توجه و عنایتی ندارد. اگر ما او را یاد کنیم قطعاً او نیز به یاد ما خواهد بود. در روایتی آمده است:

«یاد و ذکر آن حضرت در هر حال و در هر صورتی، ذکر و یاد خداوند متعال است.»^۱ پس اطاعت او امر الهی، موجب رضایت ولی امر علیه السلام می‌شود و رضایت او موجب توجه و عنایتش به ما می‌گردد؛ مثلاً ما که می‌دانیم آهنگ‌های مبتذل خلاف شرع است و اگر گوش دهیم موجب نارضایتی امام زمان علیه السلام می‌شود، آیا گوش کردن به چنین موسیقی‌ای می‌تواند سبب جلب عنایت او شود؟ قطعاً این طور نیست.

شایان ذکر است که عمل به وظایف منتظران هم برای جلب عنایت امام عصر علیه السلام بسیار کارگشاست.

انسان چگونه می‌تواند بفهمد که ارتباط روحی با امام پیدا کرده است؟

برای این که بدانیم ارتباط روحی با امام داریم ابتدا باید معنا و منظور آن را بدانیم. منظور از ارتباط معنوی، توجه قلبی یافتن است، یعنی انسان، قلب و فکر، احساس و اندیشه‌اش را متوجه امام نماید و با تمام وجود رو به امام کند و حضور قلب داشته باشد و امام مهدی علیه السلام را در تمام لحظات زندگی احساس کند و خود را در محضر حضرت ببیند. برای ارتباط معنوی با امام زمان می‌توانیم، زیارت آل یاسین، دعای فرج، دعای ندبه، نماز امام زمان و همه اعمالی که مربوط به امام عصر علیه السلام است، انجام دهیم. اگر هنگام خواندن این دعاها حضور قلب داشتیم و کلمات را با توجه خواندیم، ارتباط معنوی با امام یافته‌ایم و اگر هنگام خواندن، فقط الفاظ را به زبان آوریم و حواسمان جای دیگری باشد، ارتباطی نیافته‌ایم.

در نتیجه، اگر دعا و زیارت را با حضور قلب (توجه به متن و معنای جملات) می‌خوانید، ارتباط روحی با امام دارید، البته از آثار آن نیز می‌توان فهمید که ارتباط وجود دارد یا نه؛ به این صورت که اگر خواندن این دعاها و هر دعای دیگری باعث شود بیشتر خود را در محضر آن امام مهربان

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۹۶.

بینیم و بیشتر به یاد او باشیم و ما را هر روز، بیشتر از دیروز به ترک گناه و معصیت وادارد و به انجام دادن واجبات و مستحبات علاقه‌مندتر شویم، معلوم می‌شود ارتباط وجود دارد، چون ثمربخش شده است.

البته همه اینها با تمرین میسر می‌شود و وظیفه ما این است که با توجه کامل این اعمال را انجام دهیم. اگر کسی در حد توان تلاش کرد، بقیه آن با توجه حضرت حل می‌شود و به تدریج این احساس معنوی را درک می‌کند، اما اصل این است که باید آهسته و پیوسته باشد، یعنی کم، اما همیشه عمل کند و برای نتیجه عجله ننماید.

در زمان ظهور یا غیبت امام، تزکیه نفس و کمالات روحی چگونه است؟

هم در زمان غیبت و هم در زمان ظهور، یگانه راه سعادت انسان، تزکیه نفس و راه تحقق آن هم در هر دو زمان، عمل به قرآن و دستورهای اهل بیت علیهم‌السلام است. بنابراین، فرقی بین غیبت و ظهور از این جهت نیست. البته در زمان غیبت، تزکیه نفس مشکل‌تر است، زیرا عوامل انحرافی و وسوسه‌های شیطانی فراوان‌تر است، ولی در زمان ظهور بستر و زمینه برای تزکیه نفس مناسب‌تر است؛ زیرا امام معصوم، ظاهر و فساد عمومی ریشه‌کن شده است. در هر حال، تزکیه امری است که به اختیار انسان انجام می‌گیرد. در زمان ظهور هم همین‌گونه است، نه این‌که اجباری و خارج از اختیار باشد.

در روایت آمده است که به مؤمنان و صالحان زمان غیبت اجر بیشتری داده می‌شود، چون برای حفظ دین، سختی بیشتری تحمل کرده‌اند.

انسان با چه اعمالی با امام زمان علیه‌السلام دوست یا دشمن می‌شود؟

هر عمل حرام و خلاف شرعی که انسان را از خدا دور می‌کند از امام زمان علیه‌السلام نیز دور می‌نماید و خود به خود مهر امام از دل او می‌رود و هر عمل خیر و خوبی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند، مایه نزدیکی و دوستی با حضرت نیز می‌شود.

آیا برای دوست داشتن امام زمان علیه‌السلام باید از محبت به دیگران خودداری کرد؟

همان‌قدری که به محبت امام امر کرده، به دوست داشتن دیگران نیز فرمان داده است. لذا دوست داشتن افراد عادی مانند پدر و مادر، خانواده، فامیل، دوست و... منافاتی با دوست داشتن امام زمان علیه‌السلام ندارد و انسان می‌تواند همه را دوست داشته باشد.

نکته مهم این است که باید محبت و دوست داشتن امام خیلی بالاتر و بیشتر از محبت به افراد عادی باشد^۱ و نشان دوست داشتن بیشتر امام این است که ما به خاطر هیچ کس راضی به ناراحتی کردن امام زمان علیه السلام نشویم و از آن جا که انجام دادن کارهای حرام یا ترک واجبات باعث ناراحتی امام می شود باید از این اعمال خودداری کرد.^۲ دین اسلام که آیین مهر و محبت است، به ما توصیه کرده تا همه انسان ها و حتی طبیعت، گیاهان و حیوانات را دوست داشته باشیم، اما هرگز آنها را بر خدا و امامان علیهم السلام برتری ندهیم یا مساوی ندانیم، بلکه همواره سخن خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام را بر گفتار دیگران مقدم نماییم.

گفته اند: شیعه کسی است که زمینه های ظهور را آماده کند و این انتظار او مؤثر و مثبت باشد، منظور از این موارد چیست؟

ظهور امام زمان علیه السلام به شرایط و مصالح خاصی بستگی دارد، ولی آن چه مربوط به شیعیان آن حضرت می شود این است که:

اولاً: نفس خود را اصلاح و خود را آماده پذیرش حکومت جهانی امام نمایند؛

ثانیاً: برای ظهور حضرت، زمینه سازی و سعی کنیم مردم را اصلاح نماییم (با امر به معروف و نهی از منکر) تا شرایط فراهم شود و به دست توانای آن حضرت، موانع برطرف و شرایط اساسی، برای حکومت عدل جهانی ایجاد شود؛

ثالثاً: هرگز دعا و استغاثه به درگاه الهی را فراموش نکنیم که بر اساس روایات، برای تعجیل در ظهور حضرت تأثیر بسیاری دارد؛^۳

انتظار یعنی چشم به راه بودن. ظهور حضرت مهدی علیه السلام و انتظار فرج به معنای انتظار گشایش کارها و حل آنها از جانب خداوند است.

انتظار مثبت، انتظاری است که در آن هر فرد، نسبت به خود و جامعه، مسئول است. این انتظار، عبادت شمرده می شود و باعث ایجاد امید در بین مؤمنان می گردد. منتظر واقعی کسی است که با امید و انگیزه، منتظر پیروزی حق بر باطل و مظلوم بر ظالم است و هیچ گونه یأس و ناامیدی به خود راه نمی دهد و یقین دارد که وعده خدا قطعی است و سرانجام، امام زمان علیه السلام ظهور خواهد کرد.

۱. سوره بقره، آیه ۱۶۵.

۲. سوره توبه، آیه ۲۴.

۳. علی اصغر رضوانی، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، ص ۴۱۸.

آیا لعن بر دشمنان اهل بیت علیهم السلام تأثیری در امر ظهور دارد؟

لعن نماد تبرا، و یکی از وظایف منتظران است و در امر ظهور، بی تأثیر نیست. مرحوم سید محمد تقی موسوی اصفهانی هشتاد وظیفه برای شیعیان در عصر غیبت بیان کرده که هفتاد و هشتمین وظیفه را لعن بر دشمنان اهل بیت علیهم السلام شمرده و می نویسد: «دلیل بر این کار است که این عمل مایه تقرب به مولایمان و از محبوب ترین و مهم ترین اعمال است.»^۱ شیخ صدوق از امیرالمؤمنین علیه السلام در ذکر مناقب هفتادگانه اش فرموده:

«و اما پنجاه و چهارم: پس به درستی که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: ای علی! بنی امیه تو را لعنت خواهند کرد و فرشته ای به شمار هر لعنت آنان، هزار لعنت بر ایشان برمی گرداند، پس هر گاه قائم علیه السلام به پا خیزد، چهل سال آنها را لعنت خواهد کرد.»^۲

ایشان در ادامه مطالب سودمندی در این باره بیان می کند، مثلاً لعن را در این ایام از اقسام یاری نمودن امام علیه السلام با زبان می داند. منتها این مسئله بسیار دقیق و ظریف است. اگر لعن بر دشمنان، سبب ناراحتی و توهین به سایر برادران مسلمان شود، قطعاً مورد رضایت خدا نمی باشد. خلاصه آن که لعن بر دشمنان، مهم است ولی تأثیر مستقیم بر پدیده ظهور ندارد، چون لعن بر دشمنان، از شرایط ظهور نیست.

درس خواندن بهتر است یا کار فرهنگی برای رضایت حضرت مهدی علیه السلام انجام دادن؟

عمل به وظایف و دستورهای اسلامی باید جامع باشد. اگر فردی بخواهد فقط به یک جنبه پردازد و از سایر تکالیف غافل باشد، انسانی تک بُعدی و قطعاً کارش ناقص است. مثلاً برخی افراد مریض (تالاسمی) فقط قسمتی از بدنشان رشد می کند و این عیب محسوب می شود. احکام اسلامی و وظایف انسان ها مانند یک پیکر است. قرار نیست انسان تنها به قسمت خاصی از پیکر پردازد و از قسمت های دیگر غافل بماند. قطعاً امام مهدی علیه السلام خوب درس خواندن را می پسندد و همه ما هم وظیفه داریم برای او کاری انجام دهیم. اگر تراحمی صورت گرفت، وظیفه، عمل کردن به مهم ترین کار است. اگر امام مهدی علیه السلام یار باسواد و دانشمند و متفکر داشته باشد، بهتر است از این که یار او بی سواد و جاهل باشد.

بنابراین، اولین و مهم ترین وظیفه دانش آموزان، خوب درس خواندن است تا بتوانند با آموختن و

۱. موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۵۶۰.

۲. شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۵۷۹، باب سبعین، ج ۱.

رشد و شکوفایی، بهترین روش خدمت به امام علیه السلام را تشخیص بدهند؛ اما در کنار آن باید از مسئولیت‌های مهمی که در قبال امام زمان علیه السلام برعهده دارند نیز غفلت نورزند. دانش‌آموزان می‌توانند با برنامه‌ریزی و حذف کارهای غیرضروری و زاید به خوبی هم درس بخوانند و هم وظایفی را که در قبال امام زمان علیه السلام دارند به نحو احسن انجام دهند.

آیا صدقه دادن برای امام زمان علیه السلام صحیح است؟

هر انسانی درباره امام زمان خود وظایفی دارد^۱ که یکی از آنها صدقه دادن است. انسان به دو گونه برای امام زمان علیه السلام صدقه می‌دهد: به نیابت و برای سلامت ایشان. هر دو نوع صحیح است و ثواب و برکات فراوان دارد.

خداوند متعال اجر رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را مودت اهل بیت علیهم السلام بیان می‌فرماید: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». ^۲ یکی از جلوه‌های این مودت، صدقه دادن است. بنابراین، علمای دین به این عمل سفارش می‌کنند، چنان که سیدبن طاووس به فرزندش می‌گوید: «صدقه دادن برای امام زمان علیه السلام را پیش از صدقه دادن برای خود و عزیزانت قرار بده... که سبب می‌شود به تو توجه و احسان فرماید.»^۳

آن‌گاه که علی بن ابی حمزه از امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره حج و نماز گزاردن و صدقه دادن برای زندگان و مردگان پرسید، امام علیه السلام فرمودند: «برای آنها صدقه بده و نماز بگذار که به دلیل صله و پیوندت به آنها، پاداش دیگری برایت خواهد بود.»^۴

در روایت دیگری امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «چه چیز شما را از نیکی به والدینتان در حالی که زنده‌اند و پس از فوتشان، باز می‌دارد؟ برای آنان نماز بگذارید، از طرف ایشان صدقه بدهید، حج به جای آورید و روزه بگیرید. پس آن‌چه انجام داده‌اید، برای آنان خواهد بود و مثل آن ثواب برای شما خواهد بود، و خداوند عزوجل به دلیل نیکی و صله‌اش، خیر بسیاری برای او خواهد افزود.»^۵

از این دو روایت مشخص می‌شود که نیابت برای انسان‌های زنده، صحیح و دارای اجر و ثواب

۱. موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۲، هشتاد وظیفه را در این باره بیان فرموده‌اند.

۲. سوره شوری، آیه ۲۳.

۳. کشف المحجّه، ص ۵۱.

۴. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۶۸، ج ۹.

۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۹، باب الوالدین، ج ۷.

است. فقیه بزرگ شیعه، صاحب جواهر در این باره می‌گوید: «از نصوص شرع فهمیده می‌شود که هدیه کردن ثواب در تمام مستحبات، به زندگان و مردگان حایز است.»^۱

شیخ صدوق (ره) به سند خود از پیامبر ﷺ چنین نقل نموده است: «هیچ بنده‌ای ایمان نمی‌آورد تا این که من نزد او از خودش، خاندانم از خاندانش، و عترت من از عترتش، و ذات من از ذاتش نزد خود او محبوب‌تر باشد.»^۲

وظایف خانوادگی منتظران

خانواده‌ها چگونه می‌توانند رابطه جوانان را با امام زمان عجل الله تعالی فرجه تقویت کنند؟

خانواده نخستین کانون و مجموعه‌ای است که هر انسانی بیشترین و بهترین روزهای عمر خود را در آن می‌گذراند؛ اولین و خصوصی‌ترین نهادی است که افراد در آن پرورش می‌یابند و نیروهای درونی و استعدادهای طبیعی خود را شکوفا می‌سازند.

بی‌شک راه‌های متفاوتی برای ایجاد ارتباط، تقویت و آموزش مفاهیم مهدوی برای انسان وجود دارد، اما نقش خانواده بسیار برجسته‌تر است؛ زیرا اولین نهاد تربیت و آموزش، کانون خانواده است.

امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «نقش خانواده و به خصوص مادر، در نونهالان و پدر، در نوجوانان بسیار حساس است و اگر فرزندان در دامن مادران و حمایت پدران متعهد، به طور شایسته و با آموزش صحیح تربیت شده و به مدارس فرستاده شوند، کار معلمان نیز آسان‌تر خواهد بود. اساساً تربیت از دامن پاک مادر و جوار پدر شروع می‌شود و با تربیت اسلامی و صحیح آنان، استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه‌ریزی می‌شود.»^۳

راه کارهای تقویت رابطه فرزندان با مهدویت عبارت‌اند از:

۱. عامل وراثت: افراد می‌توانند قبل از تشکیل خانواده با دقت در انتخاب همسر، لقمه حلال،

آداب بارداری و مانند آن، در راه تحقق این مسئله گام مهمی بردارند؛

۱. جواهر، کتاب الوکاله.

۲. شیخ صدوق، امالی، ص ۲۰۱.

۳. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۶۱.



۲. الگوی مناسب: معمولاً فرزندان، افرادی را الگو و سرمشق خود قرار می‌دهند که بتوانند آنها را به انسانیت و فطرت اولیه انسان نزدیک سازند؛ مثل والدین، دوستان، معلم و... والدین می‌توانند با دقت در رفتار خود و یا معرفی الگوی مناسب، زمینه را برای تقویت باورهای مهدوی فرزندان فراهم آورند؛

۳. فرهنگ‌سازی: والدین با ارزش دادن به مسائل مهدوی مانند تعظیم و تکریم حضرت، انجام دادن وظایف دینی و اجتماعی، نام‌گذاری فرزندان به اسامی مهدی، برپایی جلسات مهدوی در منزل و تشویق فرزندان در این راستا، حضور در مکان‌های مهدوی مانند جمکران، هدیه دادن به فرزندان در مناسبت‌های مهدوی و... می‌تواند فرهنگ مهدویت را در خانه احیا و اجرا نمایند و فرزندان خویش را با آن آشنا کنند.

بنابراین اولین و مهم‌ترین نهاد تشکیل و تقویت باورهای مهدوی، خانواده است و مدرسه در مرتبه بعد قرار دارد. به اجتماع مانند مدرسه و محیط نیز در ایجاد و تقویت باورهای مهدوی سهم مهم و بسزایی دارد، ولی در مقایسه با خانواده در مرتبه دوم قرار دارد؛

۴. تلاش برای آشنایی بیشتر آنها با امام مهدی عج: بی‌شک هرچه آشنایی و شناخت به امام عصر و کمالات آن حضرت و زیبایی‌های شخصیتی او بیشتر باشد، ارتباط با آن حضرت نیز بیشتر و عمیق‌تر خواهد بود. بنابراین، والدین باید بکوشند تا بچه‌ها را با امام زمان عج آشنا کنند و یکی از راه‌ها تهیه کتاب‌های مناسب برای مطالعه بچه‌ها و شرکت دادن آنها در مجالس اهل بیت علیهم‌السلام است (مجالسی که در آنها تنها به مداحی و روضه‌خوانی بسنده نمی‌شود، بلکه از جهت آگاهی و معرفت‌بخشی مؤثر باشد).

بعضی از کتاب‌های مفید برای نوجوانان و جوانان عبارت‌اند از:

۱. نگین آفرینش، نوشته بالادستیان، یوسفیان، حائری‌پور؛

۲. صبح امید، جواد محدثی (برای نوجوانان)؛

۳. دادگستر جهان، نوشته ابراهیم امینی؛

۴. حکومت جهانی مهدی عج، نوشته آیت‌الله مکارم شیرازی؛

۵. سیمای آفتاب، نوشته طاهری.

چه کنیم تا فرزندان جزء سربازان امام زمان علیه السلام باشد؟

آن چه مسلمان و شیعه مهدی را رستگار و موفق می کند، عمل به دستورهای قرآن و اهل بیت علیهم السلام است. بنابراین، جلب رضایت آن بزرگوار، در گرو گفتار و کردار نیک است. پس باید کاری کنیم که عملمان بر اساس سیره آن بزرگوار باشد و در این صورت - ان شاء الله - نامشان در دفتر امام زمان علیه السلام ثبت خواهد شد.

وظایف حکومتی منتظران

چگونه دانش آموزان را با امام زمان علیه السلام آشنا کنیم؟

آن چه برای کودک و نوجوان حدود پنج تا سیزده سال اهمیت دارد، فضا سازی است. برای این گروه سنی، فضا و محیطی که او در آن قرار گرفته، بیشترین تأثیر را دارد. بنابراین، لازم است از بهترین مکان ها مانند جمکران و مناسب ترین زمان ها مانند صبح جمعه، شب چهارشنبه، نیمه شعبان و نهم ربیع الاول که ارتباط ویژه ای با امام زمان علیه السلام دارند، استفاده ببریم.

بعد از آماده ساختن محیط از لحاظ زمان و مکان، نوبت به طرح موضوعات می رسد. این مسئله، به شناسایی دقیق موضوعات مورد نیاز این مخاطبان و یافتن مباحث مهدویت در این زمینه احتیاج دارد البته کاری است بسیار دقیق و پرظرافت.

گام بعدی ایجاد فضای عاطفی است. در این باره، رعایت توصیه هایی ضروری است:

۱. هنگام صحبت از امام زمان علیه السلام لباس مرتب و تمیز داشته باشیم؛
۲. از لحاظ نظافت در حد عالی یا خوب باشیم؛
۳. با لبخند و ملایمت صحبت کنیم؛
۴. حوصله و تحمل سوالات پی در پی را داشته باشیم. حتماً به پرسش ها پاسخ دهیم و آنها را به آینده نسپاریم.

چگونه یاد و نام امام زمان علیه السلام را همیشه در خاطر دانش آموزان زنده نگه داریم؟

دانش آموزان سطوح مختلفی دارند که برای هر سطحی باید کارهای متناسب با آن صورت گیرد. این که فضای زندگی دانش آموز در خانه و مدرسه باید امام زمانی باشد، در همه سطوح قابل

اجراست. برای این کار خوب است متناسب با درک و دریافت آنان کارهای زیر به عمل آید:

۱. نصب تابلوهای زیبا درباره حضرت مهدی علیه السلام در قالب‌های متنوع (گفتار خود امام، کلام سایر معصومان علیهم السلام درباره ایشان، منظره‌ها و مکان‌ها مقدس منسوب به حضرت مثل جمکران)؛
 ۲. پخش دعاها و زیارت‌ها با صدای دل‌نشین و جذاب از بلندگوی مسجد، مدرسه یا حتی در فضای خانه؛
 ۳. تشکیل گروه‌های سرودی که در مناسبت‌های مختلف، درباره امام زمان علیه السلام هم‌خوانی کنند؛
 ۴. مسابقه کتاب‌خوانی با اهدای جایزه‌های نفیس (در سطح راهنمایی و دبیرستان)؛
 ۵. مسابقه مقاله‌نویسی، داستان‌نویسی، شعر، قطعات ادبی، خط و نقاشی؛ به همراه اهدای جایزه‌های نفیس و ارائه کار در نمایش‌گاه مدرسه و بعد در سطح شهر و استان؛
 ۶. استفاده از زنگ انشا برای نوشتن درباره امام زمان علیه السلام (مثل این موضوع: احساس خود را درباره امام زمان علیه السلام بنویسید)؛
 ۷. اجرای برنامه روزنامه‌دیواری نویسی برای هر کلاس و تشویق و راهنمایی دانش‌آموزان در این جهت (که قدرت خلاقیت و اطلاعاتشان را هم بالا خواهد برد)؛
 ۸. تشکیل اردوهای جمکران با هدف انس بیشتر با امام عصر علیه السلام؛
 ۹. برگزاری مراسم دعا، مثل دعای عهد یا زیارت آل یاسین در مدرسه یا شرکت دادن دانش‌آموزان در چنین محافلی که در خور آنان باشد؛
 ۱۰. برگزاری مراسم جشن و سرور در مناسبت‌های مربوط به امام عصر علیه السلام از جمله ایام نیمه شعبان یا نهم ربیع‌الاول.
- آن چه مهم است این که در همه این موارد، باید محور برنامه‌ها دانش‌آموزان باشند و آنها خود برگزار کننده و هم‌آهنگ کننده برنامه‌ها باشند و معلم، مربی و اولیا تنها نظارت و آنها را یاری کنند. نکته دیگر این که برنامه‌ها در شکل‌ها و قالب‌های مختلف به صورت یک جریان جاری در زندگی باشد (تا بچه‌ها احساس کنند که با امام عصر علیه السلام زندگی می‌کنند) نه مقطعی و گذرا.
- مربیان، معلمان و اولیای گرامی باید سعی کنند اطلاعات خود را درباره معارف مهدوی به گونه‌ای تقویت کنند که در فضای به وجود آمده - که طبعاً جای سؤال و جواب در آن پیدا خواهد شد - توانایی پاسخ‌گویی به سؤالات را داشته باشند یا دست‌کم به منابع مربوط آگاهی داشته و پس از مراجعه، پاسخ‌گو باشند.

نکته‌های زیر نیز قابل دقت است:

- زمانی که از امام زمان صحبت به میان می‌آید، از شوخی و حرف‌های سبک درباره ایشان اجتناب شود تا برای کودک و نوجوان این‌گونه تداعی گردد که شخصیت امام با همه انسان‌ها فرق می‌کند.

- از هر راه‌کاری تنها به مدت مناسبی استفاده گردد. باید در نظر داشت که برای هر انسانی فقط بعضی از این موارد کارساز است.

- استفاده از وسایل هنر، کارتون، سی‌دی مهدویت، کتاب، شعر، نقاشی و... بسیار ضروری است.

نکته قابل توجه این که کودک، معنای انتظار را نمی‌داند و نباید به دنبال ایجاد این معنا در او باشیم. مسئله مهم برای کودک محبت امام است. بنابراین، مهم‌ترین عامل موفقیت، مخاطب‌شناسی و شناخت نیازهای اوست.

مسئولان حکومت برای بالا بردن سطح معلومات مردم چه وظایفی دارند؟

اولین و مهم‌ترین وظیفه، برعهده مسئولان وزارت ارشاد است. آنها با حمایت‌های همه‌جانبه و پشتیبانی از محصولات فرهنگی تولید شده در موضوع مهدویت سهم بسزایی در این‌باره دارند. آنان با پشتیبانی و رساندن محصولات فرهنگی به مردم، خدمت بزرگی به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان می‌نمایند. مثلاً مؤسسه یا فردی که سی‌دی، کتاب یا جزوه‌ای مناسب درباره امام مهدی علیه السلام تولید کرده، نمی‌تواند آن را با تولید انبوه در اختیار همگان قرار دهد و مردم هم قادر به تهیه آن نیستند، مثلاً در کشور هفتاد میلیونی ما کدام کتاب مهدوی به بیست میلیون تیراژ می‌رسد؟ لذا ضروری است کتاب‌های بسیار خوب مهدویت با تیراژ میلیونی به دست مردم برسد، مسابقه برگزار شود، خلاصه مطالب آن به صورت بروشور توزیع گردد، وزارت ارشاد از نویسندگان مربوطه حمایت کند، پایان‌نامه‌های موضوع مهدوی را چاپ و نشر دهد و تمام محصولات فرهنگی مهدوی را حمایت کند.

وزارت‌خانه‌های بعدی که سهم بسزایی در این خصوص دارند، آموزش و پرورش و وزارت علوم هستند. آنان با گنجانیدن مطالب مهدوی در کتب درسی و اختصاص دادن چند واحد درسی در دانشگاه‌ها، می‌توانند مدرسه و دانشگاه را با فرهنگ مهدویت آشنا سازند.

شایان ذکر است که تمام نهادهای تعلیم و تربیت - مانند حوزه‌های علمیه، صدا و سیما و... -

این وظیفه را به عهده دارند. به نظر می‌رسد چنانچه تمام وزارت‌خانه‌ها، دغدغه‌های مهدوی داشته باشند، می‌توانند با مشاوره‌های خود برنامه‌هایی در راستای اهداف خود فصل‌بندی، تصویب و اجرا نمایند. در این باره آقای قرائتی مطالبی درباره وظایف سازمان‌ها و نهادهای کشور ایران در ترویج فرهنگ مهدویت نگاشته است که می‌توانید آن مطالب را در فصل‌نامه انتظار شماره پنجم، صفحه ۵۷ مطالعه فرمایید.

کشور امام زمان علیه السلام چگونه کشوری باید باشد؟

کشوری که به امام زمان علیه السلام منسوب است یا خود را به آن حضرت متعلق می‌داند، دست‌کم باید میان فضای عمومی آن و آن چه حضرت علیه السلام می‌خواهد و درصدد تحقق آن است، تا حد امکان شباهت وجود داشته باشد که مهم‌ترین آن، توجه به ارزش‌های دینی و اجرای عدالت است، زیرا مهم‌ترین ویژگی حکومت حضرت، حاکمیت دین و اجرای عدالت در همه ابعاد آن و موضوع عدالت، زیربنای دیگر امور است. عدالت، هم زمینه و بستر رشد فضیلت‌های اخلاقی را در جامعه فراهم می‌کند و هم انواع ظلم، فساد و تبعیض را می‌زداید. بدیهی است برنامه‌ریزان و مسئولان کشور، بیش از دیگران در این زمینه‌ها مسئولیت دارند.

آثار

آثار فردی و اجتماعی انتظار امام زمان علیه السلام کدام است؟

بشر در زندگی فردی و اجتماعی خود از نعمت انتظار بهره‌مند است و اگر از آن تهی شود و به آینده امید نداشته باشد، زندگی برایش مفهومی نخواهد داشت و گرفتار بی‌هدفی و پوچی می‌گردد. اسلام با تعالیم مترقی‌اش، سعی دارد نگاه به آینده جوامع را در نگاه آدمیان و به ویژه مسلمانان بسیار روشن و پرگشایش جلوه دهد و شاید از این جهت است که گزاره «افضل اعمال امتی انتظار الفرج» به کار می‌رود. روایات فراوانی درباره انتظار وجود دارد که نشان از اهمیت آن است. در این جا به اختصار به آثار و پی‌آمدهای فردی و اجتماعی انتظار می‌پردازیم:

الف) آثار فردی انتظار

۱. امید به آینده: انسان به امید زنده است. بدون امید نمی‌توان آینده‌نگر بود و به تحولات

آینده نظر انداخت. امروزه روان‌شناسان در تلاش‌اند که امید را در انسان‌ها زنده نگه دارند، و مهدویت، زاینده امید است؛

۲. خودسازی: منتظر واقعی کسی است که آلودگی‌های درون را پالایش کند و عوامل تأخیر در انتظار را در خود بپیراید. نمی‌توان در حق خود و دیگران ظلم روا داشت و منتظر مصلح جهانی و ایجاد عدالت بود. باید خانه دل را از زنگار گناه و ناپاکی‌ها پاک کرد و مهر محبوب را بر جای آن نشاند و آن‌گاه به انتظار نشست؛

یک صبح ز اخلاص بیا بر در ما
گر ناید اگر کام تو از ما گله کن

۳. بصیرت در معارف مهدوی: اولاً: معرفت اساس اعتقاد صحیح است. هر گاه اعتقاد صحیح شکل نگیرد نمی‌توان پی‌آمد مثبت از آن انتظار داشت، و اعتقاد صحیح، بدون شناخت حضرت حجت علیه السلام امکان ندارد. از این‌رو در روایات آمده است: هر که بدون معرفت امام زمانش بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است. همچنین فرموده‌اند: عملی را قبول می‌کنند که همراه با معرفت ما ائمه اطهار علیهم السلام باشد. ثانیاً: صرف محبت به حضرت کارگشا نیست. محبتی ارزش دارد که با معرفت همراه باشد، زیرا اگر محبت در پرتو شناخت شکل گیرد، با شبهات دشمنان آفت نمی‌زند و پراستحکام خواهد بود؛

۴. منحل نشدن در فساد محیط: اگر اعتقاد به شکل صحیح در انسان ایجاد و پایه‌های آن مستحکم شود، چنین اعتقادی انسان را در برابر لغزش‌های محیطی حفظ می‌کند و مانع درآمیختن او در فساد محیط است؛

۵. پایداری در برابر حاکمان فاسد: بزرگ‌ترین پی‌آمد انتظار صبر و مقاومت است. اگر بخواهیم جامعه‌ای مقاوم و پایدار داشته باشیم، ابتدا لازم است افراد آن به چنین صبر و مقاومتی دست یابند. زیرا آرمان مهدوی ابتدا درون انسان‌ها نهادینه می‌شود و در مرحله بعد به جامعه سرایت می‌کند؛

۶. فرهنگ‌سازی: انسان منتظر موظف است تلاش کند تا دیگران هم مانند او منتظر امام زمان علیه السلام باشند.

البته آثار دیگری نیز وجود دارد که به همین اندازه اکتفا می‌کنیم.

(ب) آثار اجتماعی

آثار اجتماعی انتظار جدای از پی‌آمدهای فردی آن نیست، زیرا اجتماع از افراد شکل می‌گیرد و

هرچه آثار فردی بیشتر و کارآمدتر باشد، تأثیرش در جامعه و نهادهای اجتماعی جلوه فزون‌تری خواهد داشت. شاید بتوان گفت که پی‌آمد اجتماعی انتظار، در گرو تحقق پی‌آمد فردی آن است. حال به برخی از این آثار اجتماعی اشاره می‌کنیم:

۱. امیدواری: در جامعه منتظر، همه افراد آن امیدوارند و از هر گونه عوامل ناامیدی به دور، زیرا مهدویت یعنی نگاه روشن به آینده، پس تاریکی از دل‌ها رخت برمی‌بندد و این بزرگ‌ترین ارمغان اجتماعی انتظار است. جوامعی که به وعده الهی امیدوار باشند ... با توجه به پایان ناپذیری امید الهی ... ناکام نمی‌گردند، و به موفقیت و کام‌یابی دست خواهند یافت؛

۲. حرکت: حرکت، ره‌آورد طبیعی انتظار است و با امید به آینده، حرکت به سمت مطلوب شکل می‌گیرد، زیرا امید چنان نیرویی به کالبد اجتماع می‌بخشد که نمی‌تواند در جا بایستد، مگر آن‌که گرفتار آفت انتظار منفی شود. ثمره این حرکت، می‌تواند دعوت مردم به امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به سوی خدا، آماده‌سازی زمینه ظهور امام عصر^{علیه السلام} و برپایی دولت جهانی او و ایجاد آمادگی‌های بینشی، ایمانی و تشکیلاتی و ایجاد توانایی در نسل مؤمنانی باشد که برای یاری امام و برای زمینه‌سازی ظهورش قیام می‌کنند؛

۳. مقاومت: اگر امید بود و حرکت به دنبالش تحقق یافت، و اگر افراد جامعه بصیرت روشنی درباره منتظر خود داشته و مهدی‌باور باشند و حضورش را لمس کنند و در تکاپوی حضرت باشند، دیگر جایی برای عقب‌نشینی نیست، بلکه نیروی لازم برای مقاومت در برابر جبهه باطل فراهم خواهد شد. اصولاً نتیجه همه امیدها و حرکت‌ها، همان مقاومت در برابر جریان باطلی است که در مقابل انتظار صف‌آرایی کرده است. مانند کسی که در حال غرق شدن است و ناگهان از دور، گروه نجات را می‌بیند که به سوی او در حرکت‌اند. در این حالت فرد، بر امواج آب غلبه خواهد کرد و برای این کار نیرویی شگرف در خود احساس می‌کند؛

۴. اصلاحات اجتماعی: جامعه منتظر در صدد اصلاحات اجتماعی است، زیرا شخصی که جامعه ما در انتظار اوست، خود یک مصلح و اصلاح‌گر است. اگر جامعه به سمت اصلاحات حرکت نکند، بسترهای ظهور تحقق نمی‌یابد و هر قدر جهت جامعه به سوی اصلاحات باشد، زمینه‌سازی بیشتری برای ظهور صورت می‌گیرد. این زمینه‌سازی‌ها و اصلاحات چند شاخص دارد: اول، شناخت ویژگی‌های جامعه آرمانی مهدوی؛ دوم، شناسایی نقاط ضعف اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم؛ سوم، برنامه‌ریزی برای دگرگونی و اصلاحات با توجه به ویژگی‌های جامعه مطلوب و

آرمانی.

منتظران حضرت مهدی علیه السلام که در قرن‌های گذشته از دنیا رفته‌اند، بدون این که انتظارشان پایان پذیرد، حال چه تضمینی وجود دارد که انتظار ما به ثمر برسد، بلکه ممکن است ما هم از دنیا برویم؟ پس چندان اصرار نوزیم و خود را به زحمت نیندازیم؟
تصور ناصحیح از معنای انتظار باعث چنین طرز فکری می‌شود.

از آن جا که ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام امری بسیار عظیم است، نیازمند آمادگی و تمهیدات فراوانی است. چقدر افرادی که اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام جمع شدند اما تحمل یاری نداشتند و روی برتافته، کافر شدند. بنابراین، اگر کسی می‌خواهد امام را یاری کند باید از حالا این ظرفیت و آمادگی را در خود ایجاد کند.

اما این که گفته می‌شود انتظار ما نیز مانند گذشتگان بی‌فایده است، صحیح نیست، زیرا انتظار یک مقدمه نیست که اگر ذی‌المقدمه حاصل نشده به تنهایی هیچ سودی نداشته باشد، بلکه انتظار ظهور، فواید و آثار فراوانی دارد که اگر ظهور هم اتفاق نیفتد منتظر از آنها بهره می‌برد. در ذیل به پاره‌ای از آثار انتظار اشاره می‌کنیم:

۱. ایجاد امید و نشاط: منتظر ظهور امام است اعتقاد دارد که هر زمان ممکن است فردی قیام کند و تمام سختی‌ها را رفع نماید. لذا امیدوار است و در سخت‌ترین لحظات زندگی، دچار ناامیدی و یأس و روی آوردن به افیون یا خودکشی نمی‌شود؛ چون معتقد است «الفرج بعد الشدة؛ گشایش، بعد از گرفتاری است.»^۱

۲. غرق نشدن در فساد جامعه: منتظران با امام رابطه معنوی دارند و می‌دانند اگر امام بیاید با بدی‌ها مقابله خواهد کرد. لذا هرگز در گناه، هم‌رنگ جماعت نمی‌شوند و حتی در صورت تنهایی هم پاک و سالم زندگی می‌کنند؛

۳. مبارزه با ظلم و نپذیرفتن آن: کسی که هر زمان منتظر ظهور قائم عدل و انصاف است هرگز در مقابل ظلم سر خم نمی‌کند، از مبارزه با ظلم خسته نمی‌شود و تسلیم جور نمی‌گردد.

البته باید گفت که این فواید و صدها فایده دیگر انتظار، ساخته و پرداخته فکر ما نیست، بلکه بسیاری از متفکران دنیا نیز بدان معترف‌اند؛ مثلاً دارمستر، شرق‌شناس معروف فرانسوی می‌گوید:

۱. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۳۸۶.

«وقتی من دیدم مردم حله هر جمعه اسبی را آماده کرده، به صحرا می‌برند تا امامشان ظهور کند، فهمیدم همه مردم این شهر را با جنگ و خون‌ریزی می‌توان کشت اما نمی‌توان تابع و تسلیم خود کرد.»^۱

در کنفرانس صهیونیست‌ها در اسرائیل به این نتیجه رسیدند که عامل بقای تمدن شیعه و پویایی آن، اعتقاد به قیام سرخ (عاشورا) و انتظار سبز است. این اعتراف سی‌صد شیعه‌شناس است که این قدرت را برای عقیده به انتظار بیان می‌کند.^۲

نویسنده‌ای می‌گوید: علت به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی ایران و نبود مشابهی برای آن در سایر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، این است که آنها به امام غایب و انتظار عقیده دارند. نویسنده دیگری می‌گوید: در اکثر انقلاب‌های مسلمانان، ریشه مهدویت را می‌توان یافت. بنابراین، انتظار به خودی خود منشأ بسیاری از فواید است که اگر به ظهور هم نینجامد آن فواید نصیب منتظران می‌شود.

علاوه بر اینها انتظار خود یک عمل عبادی بلکه به تعبیر روایات، برترین اعمال است. در روایات آمده: کسی که منتظر باشد و در حال انتظار از دنیا برود مانند کسی است که در کنار قائم ما در چادرش است.^۳ پس مانند یک عمل عبادی اجر و ثواب فراوانی دارد. لذا این تصور صحیح نیست که بگوییم: منتظر بی‌بهره و ناکام از دنیا می‌رود.

چرا انتظار فرج، بهترین عمل است؟

انتظار، انسان را امیدوار می‌کند، به او قدرت و نشاط می‌دهد، او را در یافتن راه کمک و اراده او را در ادامه راه تقویت می‌کند. در یک کلمه، تمام کارهای مثبت از انتظار سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، بهترین عمل است.

آیا انتظار موجب انفعال جامعه نمی‌شود؟

برخلاف عقیده برخی نویسندگان، انتظار از نظر شیعه، منفعلانه نیست، بلکه به اعتراف دشمنان، فعال‌ترین و مؤثرترین انتظار، انتظار شیعه است.^۴ مگر انقلاب بزرگ ایران به رهبری امام

۱. مجله تخصصی انتظار، ش ۱، ص ۸۷ و ۸۶؛ مقاله نگاهی دوباره به انتظار، مجید حیدری نیک، با کمی تصرف.

۲. همان، ش ۵، مقاله مهدی انکاری، انتظار ستیزی، محمدصابر جعفری، با کمی تصرف.

۳. کافی، ج ۵، ص ۲۳.

۴. در کنفرانس تل‌آویو شرق‌شناسان اعتراف کردند عنصر محوری تمدن شیعه انتظار و عاشورا است. فهمی الهودی می‌گوید: «کلید فهم انقلاب ایران در مفاهیمی مانند امام غایب و ولایت فقیه است و...»؛ برای اطلاع از اعترافات دشمنان در مورد کارایی انتظار شیعه، نک: مجله تخصصی انتظار، ش ۱، پاییز ۱۳۸۰، مقاله نگاهی دوباره به انتظار.

راحل جز برای زمینه‌سازی ظهور بود؟ مگر امام راحل بارها فرمود: «ما برای زمینه‌سازی ظهور قیام کرده‌ایم و ان شاء الله این انقلاب را به دست صاحب اصلی آن خواهیم داد!»

اگر انتظار و مهدویت، بی‌خاصیت و سست‌کننده است، چرا دشمن این همه بر ضد مهدویت می‌تازد^۱ و مزدورانی قلم به دست را اجیر می‌کند تا چهره مهدویت را مخدوش کنند؟

شیعه، نه تنها منتظران ظهور را، منزوی، گنه‌کار و ستم‌خواه نمی‌داند، بلکه از او می‌خواهد تا در مقابل جهل و ظلم ایستادگی کند و مردم دنیا را به تعقل، تفکر و تلاش و کوشش دعوت می‌نماید. شیعه یکی از منابع به دست آوردن احکام الهی را عقل می‌داند، چون عقل را حجت باطن و هم‌تراز پیامبران (حجت‌های ظاهری) می‌داند. افتخار شیعه این است که مهم‌ترین، معتبرترین و قدیمی‌ترین کتاب او (کافی) با بحث عقل آغاز می‌شود و قبل از علم از عقل سخن می‌گوید.

۱. برای اطلاع از فعالیت دشمنان مهدویت شیعه، نک: مجله تخصصی انتظار، شماره ۵، مقاله مهدی انکاری، انتظارستیزی.

نماز و دعا

امام مهدی علیه السلام و نماز

سیمای نماز در بیان حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟

نماز ستون دین است، و یکی از نشانه‌های بزرگ اسلام است لذا اقامه آن یکی از وظایف دولت اسلامی است. چنان که خداوند متعال در آیه ۴۱ سوره حج می‌فرماید: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» اگر مؤمنان در زمین قدرت یابند نماز را برپا می‌دارند. در روایتی درباره این آیه، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هذه الآية لآل محمد عليهم السلام و المهدي و اصحابه؛ این آیه مربوط به اهل بیت عليهم السلام و امام مهدی علیه السلام و یاران اوست.»^۱

بنابراین، از کارهای مهمی که امام زمان علیه السلام پس از ظهور انجام می‌دهد، برپا داشتن نماز و مطرح کردن آن در سطح جامعه و فراخواندن مردم به سوی آن است. آن هم نمازی که هیچ

پیرایه و بدعتی در آن نباشد. در دعای ندبه می‌خوانیم: «أَيْنَ الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ؛ كجاست کسی که واجبات و مستحبات را احیا و زنده می‌دارد.» یعنی امام زمان علیه السلام با ظهور خود نماز را زنده می‌گرداند و مردم را به پاداشت یکی از ارکان دین فرامی‌خواند.

علاوه بر اصل نماز، در اول وقت اقامه شدن آن نیز مورد تأکید فراوان امام زمان علیه السلام است. حضرت در خطاب به فردی می‌فرماید: «مَلْعُونٌ، مَلْعُونٌ مِّنْ آخِرِ الْعِشَاءِ إِلَى أَنْ تَشْتَبِكَ النُّجُومُ وَ مَلْعُونٌ، مَلْعُونٌ مِّنْ آخِرِ الْعَدَاةِ إِلَى أَنْ تَنْقُضِيَ النُّجُومُ؛ لعنت شده و ملعون است کسی که نماز عشا را به قدری تأخیر اندازد که همه ستارگان آسمان دیده شوند؛ و ملعون است کسی که نماز صبح را به قدری به تأخیر اندازد که ستارگان دیده نشوند.»^۱

این جملات صریح، اهتمام امام زمان علیه السلام به نماز اول وقت را نشان می‌دهد؛ و کسانی را که در نماز خود اهمال می‌کنند، به شدت سرزنش نموده، آنها را از رحمت خداوند به دور می‌داند. علاوه بر این روایت، تأکید ایشان بر نماز اول وقت در ملاقات‌ها و حکایت‌های تشرفات به محضر ایشان نیز، نقل گردیده است؛^۲ و نیز تعقیباتی برای نماز ایشان نقل شده است.^۳ علاوه بر این تعقیبات، حضرت مهدی علیه السلام نیز نمازهای مستحبی برای توسل به خوشان یاد داده‌اند؛ مانند نماز امام زمان علیه السلام که هم در مسجد جمکران و هم در هر مکان دیگری خوانده می‌شود.^۴

حضرت خود اهل تهجد و شب زنده‌داری هستند. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «اسمر اللون يعتاده مع سمرته صفرة من سهر الليل بابي من ليله يرعى النجوم ساجداً و راکعاً؛ رنگ چهره حضرت گندم‌گون است اما زردی نیز به چهره ایشان عارض شده که در اثر شب زنده‌داری است. پدرم فدای کسی که شب‌ها را با سجده و رکوع به صبح می‌رساند.»^۵

ما نیز در زیارت آل یاسین عرض می‌کنیم: «السلام عليك حين تصلي و تقنت، السلام عليك حين ترکع و تسجد؛ سلام بر تو زمانی که نماز می‌خوانی و در قنوتی؛ سلام بر تو زمانی که در رکوعی و سجودی.»

۱. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۱۳.
۲. شیفتگان حضرت مهدی، ج ۲، ص ۹۴.
۳. همان، ج ۱، ص ۱۳۳.
۴. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۵۳۶.
۵. فلاح السائل، ص ۲۰۰.

این سلام‌ها نیز قداست و عظمت نماز و خصوصاً نماز ایشان را می‌رساند. این که ما در هر حالت نماز ایشان، به حضرتش سلام می‌دهیم نشان از عظمت نماز دارد. نمازی که توسط ایشان اقامه می‌شود نیز امام نمازهاست و ما باید بکوشیم تا نماز خود را به نماز ایشان نزدیک کنیم.

جالب این که این زیارت از ناحیه مقدس امام عصر علیه السلام رسیده و شخص آن حضرت خواسته است که با این جملات به ایشان توجه کنیم و اگر چیزی جز نماز و حالتی نیکوتر از حالات نماز در نظر شریف او برتر و بالاتر بود، از همان یاد می‌کرد. پس این که بخشی از زیارت به حالات عرفانی امام در نماز اختصاص یافته و در عباراتی بدیع، ایشان را در اجزای مختلف نماز توصیف کرده و حکایت از اهمیت فوق‌العاده نماز و بالاتر، جزء جزء این واجب مهم دینی دارد و یکی از پیام‌های آن می‌تواند توجه دادن زایر به نماز و ارکان مهم آن باشد. پس سعی کن در نماز و رکوع و سجود و قنوت و تسلیم آن مانند امام خویش، غرق دریای خدا باشی تا شایسته درود و سلام امام خود و فرشتگان مقرب خدا گردی.

نماز صاحب الزمان علیه السلام را به طور دقیق شرح دهید؟

در کتب ادعیه، برای امام زمان علیه السلام چند نماز ذکر شده است که معروف‌ترین آنها، نماز صاحب الزمان علیه السلام است. کیفیت این نماز بدین شرح است: دو رکعت نماز به نیت نماز صاحب الزمان علیه السلام خوانده می‌شود که در رکعت اول آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» را صد بار قرائت کند و سپس ادامه سوره حمد را بخواند و پس از آن سوره توحید «قُلْ هُوَ اللَّهُ» را یک بار بخواند و به رکوع و آن گاه به سجده رود و ذکر رکوع و سجود را هر کدام هفت بار بگوید. رکعت دوم را نیز به همین صورت انجام دهد و بعد از سلام نماز، یکبار تهلیل (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) و سپس تسبیحات حضرت زهرا را یعنی ۳۴ مرتبه الله اکبر، ۳۳ مرتبه الحمد لله و ۳۳ مرتبه سبحان الله را بگوید و بعد از آن به سجده رود و صد مرتبه صلوات فرستد!^۱

البته نماز دیگری نیز برای امام زمان علیه السلام نقل شده است که در نیمه شب جمعه بعد از غسل به جا آورده می‌شود و کیفیت آن کمی با آن چه در مورد نماز حضرت در مسجد جمکران اشاره شد، تفاوت دارد و بعد از فارغ شدن از نماز، دعای مخصوصی سفارش شده است که خوانده می‌شود.^۲

۱. مفاتیح الجنان، ص ۴۲۷، ترجمه موسوی دامغانی، چاپ اول: انتشارات فیض کاشانی، ۱۳۷۱ ش.

۲. همان.

آیا هنگام اذان گفتن، می‌توان نماز اول وقت را به امام زمان اقتدا کرد و خواند؟

وجود مقدس امام عصر علیه السلام نماز خود را در اول وقت به جا می‌آورد، ولی مسئله اقتدا به آن حضرت، تابع احکام شرعی است. می‌دانید که در جماعت، لازم است از نظر ظاهری، محل ایستادن انسان به طور مستقیم یا به واسطه افرادی دیگری که جلوتر ایستاده‌اند، به محل ایستادن امام جماعت متصل باشد و بدون اتصال ظاهری، جماعت تشکیل نمی‌شود.

بله، همین که موفق به نماز اول وقت شویم و هم‌زمان با نماز امام عصر علیه السلام نماز بخوانیم، توفیق بزرگی است و می‌توانیم به قبولی نمازمان امید بیشتری داشته باشیم، زیرا نماز آن حضرت به یقین بالا می‌رود و مورد پذیرش خداوند متعالی قرار می‌گیرد. بنابراین، امید است همراه با نماز ایشان، نماز ناقص ما نیز بالا رود و پذیرفته شود.

دعای امام

تعدادی از دعاهای امام زمان علیه السلام را در مورد شیعیان بنویسید؟

یکی از جلوه‌های مهر و محبت امام مهدی علیه السلام نسبت به شیعیان دعاهای اوست^۱ که به برخی از نمونه‌های آن اشاره می‌شود:^۲

خدایا! کسانی که برای یاری دین تو، از من پیروی می‌کنند، نیرومند کن و آنان را جهادگر در راه خودت قرار بده و بر بدخواهان من و ایشان، پیروزشان گردان.^۳

خدایا! به حق آن که با تو مناجات کرد و به حق آن که در خشکی و دریا تو را خواند، بر فقرای مؤمنین غنا و ثروت و بر بیمارانشان شفا و سلامت و بر زندگانشان لطف و کرم و بر امواتشان مغفرت و رحمت و بر مسافران و غریبانشان بازگشت به وطن تفضل فرما.^۴

خدایا! شیعیان ما را از شعاع نور و بقیه طینت ما خلق کرده‌ای؛ آنها گناهان زیادی با اتکای بر محبت به ما و ولایت ما انجام داده‌اند، اگر گناهان آنها گناهی است که در حق توست از آنها درگذر که ما راضی هستیم و آنچه از گناهان آنها درباره خودشان است، خودت بین آنها را اصلاح فرما...^۵

۱. رک: سید مسعود پور سید آقایی، میرمهر، ص ۳۱.

۲. برای آگاهی از دعاهای امام زمان علیه السلام نک: جواد قیومی اصفهانی، صحیفه المهدی، انتشارات جامعه مدرسین قم؛ عیسی اهری، صحیفه المهدی، انتشارات سیمای آفتاب قم.

۳. مهج الدعوات، ص ۳۰۲.

۴. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲.

۵. همان.

دعا برای امام

آیا دعا کردن برای سلامت امام زمان علیه السلام صحیح است؟

با توجه به برخی روایات، امام زمان علیه السلام مانند انسان‌های دیگر، زندگی طبیعی داشته و در میان مردم رفت و آمد دارد و ممکن است مانند پیامبران الهی و دیگر ائمه علیهم السلام به بیماری یا مشکلات دیگر دچار شود. بنابراین، دعا و صدقه و صلوات برای سلامت امام علیه السلام بی‌تأثیر نیست و محفوظ ماندن ایشان توسط خداوند - که در روایات آمده - به معنای حفظ جان ایشان است، نه محافظت از بیماری و مشکلات دیگر.

علاوه بر آن که ائمه اطهار علیهم السلام هم در بهترین حالات خود (مناجات) برای حفظ و سلامت امام زمان علیه السلام دعا کرده‌اند و به ما آموخته‌اند که چگونه برای او دعا کنیم. مثلاً امام رضا علیه السلام پیوسته به دعا کردن برای امام زمان علیه السلام با این دعا امر می‌کرد: «اللهم اذفع عن ولیک... و اعذه من شرّ جمیع ما خلقت و عن یمینہ و عن شمالہ و من فوقہ و من تحتہ بحفظک الذی لا یضیع من حفظتہ به؛ خداوندا هر گونه بلا را از ساحت ولی خود دورگردان... و او را در پناه خود از شر تمام آنچه آفریده و ایجاد و انشا و صورت‌گری فرموده‌ای، محفوظ بدار؛ و او را از پیش رو و پشت سر و راست و چپ و از بلایای آسمانی و زمینی محفوظ بدار؛ حفظ کردنی که هر کس را آن طور محفوظ گردانی، از بین نرود.»^۱

امام حسن عسکری علیه السلام نیز در قنوت نمازهایشان این گونه دعا می‌فرمود: «فاجعله اللهم فی حصانة من بأس المعتدین... فاجعله اللهم فی أمن مما نشفق علیه منه و ردّ عنه من سهام المكائد ما یوجهه اهل الشنان الیه؛ خداوندا، او (امام مهدی علیه السلام) را در پناه‌گاهی قرار ده تا از شر متجاوزان در امان باشد! خدایا، او را از چیزهایی در امان بدار که برایش می‌ترسیم، و تیرهای نیرنگ را که کینه‌توزان و بدخواهانش به سوی او پرتاب می‌کنند، برطرف ساز.»^۲

بنابراین، با توجه به سیره اهل بیت علیهم السلام دعا برای سلامت امام زمان علیه السلام صحیح می‌باشد. بله، خداوند متعال خلیفه و ولی خودش را حفظ و حمایت می‌فرماید، ولی ما وظیفه داریم برای سلامت

۱. مصباح المجتهد، ص ۴۰۹؛ صحیفه مهدیه، ص ۴۳۴.

۲. مصباح المجتهد، ص ۱۵۶؛ صحیفه مهدیه، ص ۱۶۵.

آن حضرت سعی و دعا کنیم.^۱ در حقیقت کوشا بودن برای سلامت ایشان، مفهومیست این است که ما حاضر نیستیم مانند اجداد بزرگوارش به سختی بیفتد.

گفتنی است این اعمال نیز قبل از آن که برای حضرت حجت علیه السلام فایده و اثر داشته باشد برای شخص دعا کننده تأثیر دارد. اگر کسی برای حجت خدا، کاری انجام دهد، او این اعمال را بدون پاسخ نمی گذارد، بلکه او نیز برای سلامت این شخص دعا می کند.

آیا دعای سلامت امام زمان علیه السلام وجود دارد؟ مگر حضرت دچار بلایای طبیعی می شوند؟

دعای سلامت همان دعای «اللهم کن لولیک...» است و چون امام زمان علیه السلام نیز مانند ما بدنی طبیعی و معمولی دارند و ممکن است بر اثر سرما و گرما و دیگر عوامل بیماری دچار بیماری شوند. البته عمر طولانی داشتن به معنای سلامت جسمی به طور دائم نیست. لذا ممکن است حضرت نیز مانند دیگران بیمار یا مصدوم شوند و حادثه ای برایشان پیش آید و ما برای جلوگیری از این آسیب ها دعا می کنیم، صدقه می دهیم، نذر می کنیم و... .

آیا ذکر، دعا یا عمل خاصی برای جلب عنایت امام عصر علیه السلام وجود دارد؟

پاسخ این سؤال، گسترده است، در کتاب سودای روی دوست مطالب خوبی در این باره وجود دارد.^۲ در این جا به طور خلاصه به نکاتی اشاره می شود:
ذکر و دعا بر دو قسم است: ذکر لسانی و ذکر قلبی.
ذکر لسانی قرآنی عبارت اند از:

الف) امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه قرائت نماید، نمی میرد تا آن که حضرت قائم علیه السلام را درک نماید و جزو یاوران آن حضرت گردد.»^۳
ب) امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هر کس قبل از خواب، در هر شب سوره های مُسَبِّحات (حدید، حشر، صف، تغابن و جمعه) را قرائت کند، نمی میرد مگر آن که حضرت قائم علیه السلام را درک می کند و آن گاه که می میرد در همسایگی پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله خواهد بود.»^۴
ذکر لسانی غیر قرآنی عبارت اند از:

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۰۹.

۲. مرتضی آقانهانی، سودای روی دوست. برای تهیه این کتاب با شماره تلفن ۰۲۵۱-۲۹۳۲۳۲۸ تماس حاصل فرمایید.

۳. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۸۱.

۴. کافی، ج ۲، ص ۶۳۰.

الف) امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هر کس بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: "اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم" نخواهد مرد تا آن که قائم آل محمد علیه السلام را درک نماید.»^۱

ب) سید بن طاووس در تعقیبات نماز عصر روز جمعه تأکید بر «صلوات ضراب اصفهانی»^۲ دارد و می فرماید: «این صلوات را به جهت امری که خداوند متعال ما را از آن مطلع کرده است، هرگز ترک نکن.»^۳

شخصی از آیت الله بهجت، سؤال کرد: برای زیارت حضرت ولی عصر علیه السلام چه دعایی کنم؟ ایشان می فرماید: «صلوات زیادی به وجود مقدس اهدا نمایید و مقرون با دعای تعجیل فرجش باشد.»^۴

ذکر قلبی:

آیت الله بهجت می گوید: «به نظر حقیر، بالاترین ذکر، ذکر عملی است، یعنی ترک معصیت در اعتقاد و در عمل. همه چیز محتاج به این است و این محتاج به چیزی نیست و مولد خیرات است.»^۵

آیا جن ها هم برای ظهور امام زمان علیه السلام دعا می کنند؟

جن ها نیز مانند انسان ها مکلف هستند^۶ و تکلیف از آنها ساقط نیست. جن ها مانند انسان ها مسلمان و غیر مسلمان دارند.^۷ جن های مسلمان، همان گونه که در روز عاشورا برای یاری امام حسین علیه السلام اعلام آمادگی کردند (البته حضرت بنابه مصالحی نپذیرفت) الان نیز برای برپایی حکومت عدل الهی دعا و تلاش می کنند. از طرف دیگر، جن های کافر هم به تلاش هایی برای ایجاد فساد و غافل کردن مردم دست می زنند.^۸ اما باید توجه داشت که انسان اشرف مخلوقات

۱. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۷۷.

۲. صلواتی است که امام زمان علیه السلام به شخصی به نام ضراب اصفهانی یاد داد.

۳. مفاتیح الجنان، اعمال روز جمعه، صلوات ضراب اصفهانی.

۴. به سوی محبوب، ص ۵۸.

۵. فریادگر توحید، ص ۶۴.

۶. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي» جن و انس را فقط برای عبادت و بندگی خلق کردم (یعنی شناخت و معرفت خود و خدا و رسیدن به مقام عبودیت و بندگی که مساوی با سلطنت بر عالم هستی است)؛ سوره ذاریات، آیه ۵۶.

۷. پس ای انس و جن، کدامین نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؛ سوره الرحمن، آیه ۱۳ و ...

این آیات و آیات دیگری همچون آیات (۳۱، ۳۵، ۳۹ و ۴۱) از همین سوره بر مکلف بودن این دو گروه (جن و انس) دلالت می کنند. آیات دیگری از قرآن کریم نیز بر این موضوع دلالت دارند. در احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز احادیث فراوانی بر این مطلب دلالت می کنند.

۸. سوره جن، آیات ۱-۱۵، بر مکلف بودن آنان، تابع بودنشان از انسان ها و بر مسلمان بودن عده ای و کافر بودن عده ای دیگر از آنان دلالت می کند. در سوره احقاف آیه های ۲۹-۳۲ نیز دال بر این مطالب است. آیات دیگری نیز بر این مطالب دلالت دارند.

۸. سوره انعام، آیه ۱۱۲؛ و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطان های انس و جن بر گماشتیم...

است^۱ و جنیان تابع انسان‌ها هستند. ما انسان‌ها می‌توانیم شرایط ظهور را فراهم کنیم یا با کارهایمان آن را به تأخیر اندازیم. تلاش جن‌ها در حاشیه قرار دارد. آن‌گونه که فعالیت انسان‌ها مؤثر است، تلاش آنها اثرگذار نیست.

دلیل دعا

اگر حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند، سرانجام کشته می‌شود، پس چرا ما باید برای تعجیل در ظهورش دعا کنیم؟

حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور، حکومت اسلامی تشکیل می‌دهند و معنویت و عدالت را در جهان رونق می‌بخشند و با ظلم و فساد مبارزه می‌کنند تا آن‌جا که زمین محل امنی برای بندگان خدا می‌گردد.

بنابراین، هدف آن حضرت، به ثمر رساندن رسالت انبیا و ائمه علیهم السلام است؛ هدفی که هزاران سال پیامبران و افراد صالح به دنبال آن بوده‌اند و خون‌های پاک‌ی در راه تحقق آن ریخته شده است، به این امید که روزی این وعده الهی در زمین تحقق یابد. البته باید به این نکته هم توجه کرد که خود آن حضرت نیز منتظر آن واقعه است و به همین دلیل به مردم بارها توصیه کرده است تا برای تعجیل ظهورش دعا کنند،^۲ چون حضرت مهدی علیه السلام نمی‌تواند این همه ظلم و ستم و فساد و معصیت الهی را ببیند و ساکت باشد، در حالی که یک انسان عادی وقتی گوشه‌ای از ظلم و جنایت‌های مستکبران را می‌بیند، ناراحت می‌شود و گاهی قادر به مشاهده آنها نیست!

آیا درست است که بگوییم: بهتر است این وضعیت ادامه داشته باشد اما حضرت مهدی علیه السلام چند سالی بیشتر عمر کند؟! در حالی که انسان‌های معمولی هم راضی‌اند تا با شهادت خود ریشه ظلم و فساد و جنایت را از بین ببرند. امام حسین علیه السلام فرمود: در جامعه‌ای که به حق عمل نشود و باطل ترک نگردد، مؤمن مشتاق لقای پروردگار خود می‌شود.^۳

به طور خلاصه باید گفت:

۱. تمام آیاتی که با تعبیر «سَخَّرَ لَكُمْ» و «خَلَقَ لَكُمْ» آمده، مثل آیات (۶۵ حج، ۲۰ لقمان، ۱۳ جاثیه و ۲۹ بقره) بر اشرفیت انسان و اصل بودن او نسبت به دیگر موجودات دلالت دارد. زیرا خداوند متعال در این آیات می‌فرماید: «ما همه چیز را برای شما خلق کردیم؛ و همه چیز را در تسخیر و تحت اراده شما در آوردیم». آیات دیگری از قرآن و روایات زیادی از معصومان علیهم السلام بر این موضوع دلالت دارد.

۲. کمال‌الدین، ص ۴۸۵، ح ۴.

۳. تحف العقول، ص ۲۴۵.

۱. تحمل وضع کنونی برای آن حضرت بسیار سخت است و ما نباید راضی به ادامه این حال باشیم؛ چنان که خود حضرت راضی نیستند.

۲. دست‌آوردهای ظهور و قیام آن حضرت بسیار عظیم است، یعنی حاصل تلاش‌های هزاران پیامبر الهی است که در طول تاریخ آمده و زحمت کشیده‌اند.

۳. این طور نیست که حضرت به زودی از دنیا برود، بلکه خود حضرت مدتی طولانی حکومت می‌کند و بعد از ایشان نیز حکومت ادامه خواهد داشت.

۴. ما تنها برای رهایی و آسایش خود این فرج را طلب نمی‌کنیم (هر چند که عده‌ای چنین هستند)، بلکه خواهان غلبه دین حق و به اهتزاز در آمدن پرچم توحید هستیم که آرزوی خود امام مهدی علیه السلام نیز می‌باشد.

علاوه بر این به شهادت رسیدن امام مهدی علیه السلام قطعی نیست، زیرا در برخی از روایت‌ها آمده است که آن حضرت به مرگ طبیعی رحلت می‌کنند.^۱ لذا طبق این فرض، پرسش مذکور جایی ندارد.

هنگام ظهور امام، همه عالم را ظلم و ستم فرا گرفته، پس چرا باید دعا کنیم تا در زمان ظهور زنده باشیم؟ در حالی که ممکن است ما نیز دچار ظلم و تباهی شویم و عفت و پاک‌دامنی خود را از دست بدهیم؟

همیشه باید با توکل بر خدا به وظایف دینی و اجتماعی خود عمل و با دوری از گناه و معصیت، محبت امام زمان علیه السلام را نسبت به خود جلب نمایید و مطمئن باشید که حضرت مهدی علیه السلام که مظهر مهر و محبت هستند، عنایت زیادی به شیعیان و محبان خود دارند. اگر ما یک قدم به طرف ایشان برداریم، یقیناً ایشان چندین قدم به طرف ما برمی‌دارند. همین دغدغه شما گویای لطف و عنایت حضرت به شماست. بنابراین، نباید هرگز از رحمت و رأفت آن بزرگوار مایوس شوید.

علاوه بر آن، همان‌طور که باید برای تعجیل در ظهور و زنده ماندن خود تا زمان ظهور دعا کنیم، برای حفظ ایمان و عاقبت به خیری خود نیز باید دعا کنیم.

ضمناً بر شدن جهان از ظلم و فساد به معنای آن نیست که همه انسان‌ها ظالم و فاسد خواهند شد، همان‌طور که حکومت عدل امام زمان علیه السلام هم به این معنا نیست که همه انسان‌ها پاک و بی‌گناه‌اند و هیچ کس مرتکب گناه نمی‌شود.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۳، ح ۱۰۳.

اگر در برخی روایات، سخن از ظلم و فساد شده، در روایات دیگری هم سخن از یاوران فراوان حضرت به میان آمده (که تنها ۳۱۳ نفر حلقه اول یاران هستند) و به جمعیت‌هایی که بر ولایت حضرت استوار می‌مانند، بشارت داده است.

پس حتماً افراد زیادی از امت اسلامی و حتی غیرمسلمانان شایستگی هستند که زمینه‌سازان ظهور و یاوران حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود و همه شیعیان می‌توانند جزء همین گروه باشند. حضرت مهدی علیه السلام نیز توجه خاصی به ما دارند و ما را حمایت می‌کنند. ما هم باید دعا کنیم که از خوبان باشیم و در عمل نیز همت کنیم که از گناه دوری نماییم.

شرایط دعا

دعای فرج را چگونه و با چه حالات روحی باید خواند تا مؤثر واقع شود؟

دعای فرج مانند دعا‌های دیگر است و هر قدر شرایط دعا رعایت شود، اثرش نیز بیشتر می‌شود؛ مثل حضور قلب و توجه، دانستن معنای جملاتی که می‌گوییم و التزام عملی و رفتاری به خواسته‌های مطرح شده در دعا (ترک گناه، عمل به واجب، تلاش در فراهم کردن زمینه ظهور و اصلاح خانواده و جامعه).

البته باید توجه داشت که هیچ دعایی بی‌تأثیر نیست و حاصل نشدن مقصود به معنای هدر رفتن دعا نیست، بلکه اگر در مورد درخواست نیز اثر نکند در موارد دیگر مؤثر می‌افتد. اساساً دعای فرج خواندن، یاد کردن حضرت مهدی علیه السلام است که آثار بسیار مبارکی به دنبال خواهد داشت.

چگونه دعا کنیم تا خداوند فرج امام زمان علیه السلام را نزدیک گرداند و ما را از یاران ایشان قرار

دهد؟

خداوند بزرگ، شرایطی را برای قبول کردن دعا بیان کرده است که هر قدر این شرایط بیشتر فراهم گردد، دعا بهتر و زودتر قبول می‌شود. از شرایط مهم، این است که آن‌چه درخواست می‌شود، خواست قلبی باشد و فقط از سر زبان نباشد. همین‌طور اگر برای ثواب دعا کند و در واقع چیزی از خدا نخواهد، این دعا هم اثری ندارد.

شرط مهم دیگر این است که در عمل نیز این خواسته خود را نشان دهد. مثلاً کسی که دعا می‌کند در امتحان قبول شود، اما تلاشی برای قبول شدن نکند، معلوم است که در ظاهر دعا

می کند و در باطن نمی خواهد. کسی که برای ظهور امام زمان علیه السلام دعا می کند، در عمل نیز باید زمینه ظهور امام زمان را فراهم نماید؛ سعی کند از مسائل حرام و گناه دوری گزیند و به واجبات و وظایف خود عمل نماید و دیگران را نیز به این کار دعوت کند. علاوه بر این، برای شناخت امام زمان علیه السلام و مسائل دینی بکوشد و در برقراری رابطه معنوی بین خود و امام زمان علیه السلام همت کند. یعنی به اندازه توانایی خود برای امام زمان علیه السلام دعا بخواند، به یاد حضرت در مراسم حضور یابد و بکوشد از ولی فقیه، نایب عام امام زمان علیه السلام پیروی و پیامها و رهنمودهای او را به دقت گوش کند و عمل نماید.

روشن است که وقتی با عمل، گفتار خود را تصدیق نماید و انتظار خود را در عمل نشان دهد، دعای او نیز قبول خواهد شد.

اما چگونه می توان از یاران حضرت بود؟ باید دنبال راهی بود تا از یاران حضرت و کمک کنندگان ایشان به شمار آییم. این کار به مراتب بهتر و بالاتر از دعا کردن است، زیرا اگر کسی یار امام زمان علیه السلام باشد، دعایش نیز پذیرفته می شود.

برای این که جزء یاران حضرت شویم، باید صفاتی را که برای یاران حضرت بیان شده، در خود ایجاد کنیم؛ هر قدر این صفات را در خود تقویت نماییم، به همان میزان به یاری کردن حضرت نزدیک تر می شویم. بعضی از صفات یاران امام زمان علیه السلام از این قرار است:

۱. آگاهی و آشنایی با مسائل اسلامی و وظایف دینی؛
۲. داشتن تقوا، یعنی عمل به واجبات و ترک محرمات؛
۳. اهل عبادت و راز و نیاز بودن؛
۴. اهل مقاومت و پایداری در برابر ظلم و ستم؛
۵. مبارزه با فساد و انحرافها و دفاع از ارزشهای اسلامی؛
۶. ساده زیستی و دوری از تجملات؛
۷. کمک به محرومان و افراد ضعیف جامعه؛
۸. خیرخواهی و دل سوzy نسبت به مؤمنان و بلکه نسبت به همه مردم.

به طور کلی سعی کنیم رضایت خدا و امام زمان علیه السلام را جلب کنیم و باعث خوشنودی و افتخار

امام زمان علیه السلام باشیم.

آثار دعا

چگونه دعا برای فرج امام زمان علیه السلام باعث فرج خود ما می‌شود؟

امام زمان علیه السلام در نامه‌ای فرموده‌اند: «وَ أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛ برای

تعجیل فرج بسیار دعا کنید، زیرا مایه فرج شماست.»^۱ این فرج می‌تواند دو معنا داشته باشد:

۱. وقتی دعا می‌کنیم امام ظهور کند، طبیعی است که ظهور ایشان باعث گشایش امر شیعیان

و آسایش ما می‌شود و مشکلات ما حل خواهد شد. پس فرج امام باعث فرج ما نیز می‌شود؛

۲. دعا برای ظهور ایشان باعث جلب توجهات امام به ما می‌شود و آن حضرت در حق ما دعا

می‌کند و مشکلات ما با توجه امام حل می‌شود. بنابراین، دعا برای ظهور، باعث گشایش کارهای

ما می‌شود، هر چند خود ظهور، اتفاق نیفتد.

هم‌چنین دعا کردن، روح امید را در انسان زنده نگه می‌دارد و امید داشتن، خود موجب گشایش

است، زیرا ناامیدی باعث به بن بست رسیدن است.

اجابت نشدن دعا

من همیشه و در همه مواقع برای امامان به خصوص امام زمان علیه السلام صلوات می‌فرستم و برای

سلامتی آقا امام زمان علیه السلام و تعجیل در ظهورش دعا می‌کنم و وقتی که گرفتارم و خواسته‌ای

دارم، امامان را صدا می‌زنم و از آنها کمک می‌خواهم اما آنها جواب مرا نمی‌دهند، شاید بگویید

که با خلوص نیت دعا نمی‌کنید، اما امامان می‌فهمند من چه مشکلی دارم و نیتم چیست. نمی‌دانم

چرا هر چه از آنها کمک می‌خواهم و هر چه آنها را صدا می‌زنم صدای مرا جوابی نمی‌دهند؟

ما نباید انتظار داشته باشیم همه خواسته‌های ما به همان صورت که می‌خواهیم اجابت شود.

وایاتی هست که می‌فرماید: وقتی خداوند کسی را دوست دارد، حاجتش را دیر برآورده می‌کند و

دوست دارد این ناله و مناجات تکرار شود. روایتی هست که گاهی حاجت انسان به صلاح او نیست

۱. کمال‌الدین، ص ۴۸۵، باب توقیعات، ح ۴.

و خداوند حاجت دیگری را برای او برآورده می‌کند. گاهی خداوند خواسته‌ای را اجابت نمی‌کند، ولی بلا و گرفتاری را از انسان دفع می‌کند. حتی روایتی داریم که انسان روز قیامت آرزو می‌کند که ای کاش هیچ یک از دعاهایش مستجاب نمی‌شد، چون می‌بیند که در ازای دعاهای اجابت نشده، چیزهای بهتری به او عطا می‌کنند. پس دعا کردن و حاجت خواستن و از خدا طلب کردن، پسندیده است، بلکه دعا مغزِ عبادت است و ارتباط داشتن با خدا و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام و واسطه قرار دادن آنها، عملی صالح و خیر است؛ اجابت شود یا نشود و اصرار هم نباید داشت که حتماً باید اجابت شود. همین ارتباط، دعا و توسل، توفیق است. بنابراین، نباید مأیوس شد، باید امیدوار و خوش‌بین بود.

چرا توسل و دعای بعضی از انسان‌ها مانند فقیران بی‌پاسخ است؟ اما دعای برخی مانند

ثروت‌مندان به اجابت می‌رسد؟

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛^۱ بخوانید مرا تا اجابت کنم

شما را.

این کلام الهی مقید به اشخاص خاصی نیست و هر کس (فقیر یا ثروت‌مند) دعا و توسل داشته باشد، خداوند متعال می‌شنود و اجابت می‌فرماید.

ائمه اطهار علیهم‌السلام هم در اجابت کردن خواسته‌های افراد، بین فقیر و ثروت‌مند هیچ فرقی نمی‌گذاشتند؛ شما چگونه ادعا می‌کنید که خداوند متعال یا ائمه علیهم‌السلام تنها به درخواست‌های پول‌داران جواب می‌دهند، ولی به فقیران توجهی ندارند؟! با دیدن چند مورد، قاعده کلی به دست نمی‌آید، زیرا هزاران هزار فقیر هم از جانب ائمه علیهم‌السلام حاجت گرفته‌اند.

شما می‌دانید که گرفتن حاجت از خداوند متعال، هیچ ربطی به ثروت دنیوی ندارد؛ بلکه برای استجابت دعا شرایطی وجود دارد که هر کس آنها را رعایت کند، خداوند متعال، حاجت او را می‌دهد. چه بسا یک شخص ثروت‌مند شرایط را داشته باشد، اما یک فقیر آن شرایط را نداشته باشد؛ مثل ترک گناه. برای روشن‌تر شدن پاسخ این سؤال دو مطلب لازم است:

۱. «قانون املا»؛ از آیات قرآن استفاده می‌شود که خداوند گاهی به برخی افراد نعمت‌های فراوانی می‌دهد و هنگامی که غرق نعمت و لذت هستند، ناگهان همه چیز را از آنها می‌گیرد، تا

۱. سوره غافر، آیه ۶۰

حداکثر سختی و شکنجه را در زندگی دنیوی ببینند، زیرا جدا شدن از چنین زندگی مرفهی، بسیار ناراحت کننده است: «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ»؛ هنگامی که پندهایی را که به آنها داده شده بود، فراموش کردند، درهای هر خیری به روی آنان گشودیم تا شاد شوند، ناگهان هر چه داده بودیم از آنها باز گرفتیم. لذا فوق العاده ناراحت و غمگین شدند.^۱

در حقیقت این گونه اشخاص، همانند کسی است که ظالمانه از درختی بالا می رود و هر قدر بالاتر رود، خوش حال تر می شود، تا آن هنگام که به بالای درخت می رسد، ناگهان طوفانی می وزد و از آن بالا چنان سقوط می کند که تمام استخوان هایش در هم می شکنند.

خداوند متعال در آیه دیگری می فرماید: «وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُطَمِّلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُطَمِّلِي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»؛ آنها که کافر شدند، تصور نکنند که اگر به آنها مهلت می دهیم به سود آنهاست. ما به آنان مهلت می دهیم تا بر گناهان خود بیفزایند و عذاب خوارکننده ای برای آنهاست.^۲

این آیه اخطار و درس بسیار مهمی است. هرگز گمان نشود که اگر امکاناتی را خداوند متعال در اختیار برخی انسان ها گذاشته و گاهی نیز پیروزی هایی نصیبشان می کند، دلیل بر این است که کارشان درست است و افراد خوبی هستند و آنهایی که توسلشان نتیجه نمی دهد، افراد بدی هستند.

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا همین آیه را تلاوت فرمود و زینب کبری علیها السلام نیز در شام به همین آیه استدلال می کند. تا این که اگر انسان بدی ظاهراً در دنیا پیروز می شود، همگان بدانند، این مهلتی برای آنان است تا غرق تباهی شوند.

۲. «مصلحت نبودن استجابت»؛ خداوند برخی از دعاها و نیایش ها را به ظاهر اجابت نمی کند که این قبول نشدن علت های فراوانی دارد؛^۳ یکی از آنها این است که اجابت آن خواسته، به صلاح دعا کننده نیست؛ مثلاً شما وقتی بچه ای را به بازار می برید، او به هر چیز نگاه کند، دوست دارد آن را برایش بخرید. حتی گریه می کند؛ ولی شما که دل سوز هستید، برای او نمی خرید؛ چون

۱. سوره انعام، آیه ۴۴.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۷۸.

۳. نک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۳ ج ۶ ص ۲۰۹؛ ج ۲، ص ۱۴۰.



می‌خواهید او را تربیت کنید؛ می‌دانید برایش ضرر دارد.

بنابراین، اگر شخص فقیری توسلش نتیجه نمی‌دهد، به سبب این است که ائمه علیهم‌السلام قصد تربیت او را دارند.

خلاصه باید گفت: اگر ثروتمندی در توسل، نتیجه می‌بیند ولی فقیر، جواب نمی‌گیرد، نشانه آن نیست که فقیر آدم خوبی نیست یا ائمه به او کمک نمی‌کنند. ضمن آن که برخی انسان‌ها (جدای از فقر و ثروت) عوامل استجاب دعا را نیز رعایت نمی‌کنند.

اماکن مقدس

محل‌های منسوب

محل‌های منتسب به امام زمان علیه السلام در کجا هستند؟

بر اساس روایات در برخی از مکان‌های مقدس برای دعا به امام زمان سفارش خاص شده است؛ از جمله:

۱. مسجدالحرام و عرفات در شهر مکه؛
۲. حرم عسگریین و سرداب مقدس در شهر سامرا؛
۳. محل‌های منسوب به حضرت در شهر کوفه از قبیل مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد
بصعه؛

۴. حرم هر یک از امامان مخصوصا حرم امام حسین علیه السلام و حرم امام رضا علیه السلام؛

۵. مسجد مقدس جمکران در شهر قم.

مسجد مقدس جمکران

تاریخچه مسجد مقدس جمکران چیست؟

در کتاب نجم الثاقب محدث نوری به طور مفصل تاریخچه مسجد مقدس جمکران آمده است، اما در این جا به صورت مختصر بیان می کنیم:

شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید: من شب سه شنبه هفدهم ماه مبارک رمضان سال ۲۷۳ (ه. ق.) در خانه خود خوابیده بودم که ناگهان عده‌ای از مردم به در خانه من آمدند و در حالی که نیمی از شب گذشته بود مرا بیدار کردند و گفتند: «برخیز و خواسته امام مهدی علیه السلام را اجابت کن که تو را می خواند.» حسن بن مثله جمکرانی می گوید: برخاستم و به در خانه آمدم. جماعتی از بزرگان را دیدم؛ سلام کردم، جواب دادند و آن گاه مرا آوردند تا جایگاهی که اکنون مسجد است. دیدم تختی گذاشته‌اند و فرش‌ی بر آن پهن کرده‌اند و...؛ جوانی سی ساله بر آن بالش‌ها تکیه کرده و شخصی پیر در مقابل او نشسته و کتابی در دست گرفته و می خواند. آن پیرمرد حضرت خضر بود.

آن پیرمرد مرا نشانید و امام به من فرمود: «برو و به حسن بن مسلم بگو که تو چند سال است که در این زمین می کاری و ما خراب می کنیم و پنج سال است که زراعت می کنی و امسال دوباره زراعت کردی، دیگر اجازه نداری که در این زمین زراعت کنی و باید هر نفعی که از این زمین برده‌ای، برگردانی تا در این مکان مسجد بنا کنند. به او بگو: حق تعالی این زمین را از میان زمین‌های دیگر برگزیده است و تو آن را همراه زمین خود گرفتی و حال آن که خداوند به سبب این عمل تو، دو پسر جوانت را از تو گرفت و تو بیدار نشدی.»

حسن بن مثله گفت: ای مولای من، باید دلیل و نشانی بر گفته شما داشته باشم تا مردم حرف مرا تصدیق کنند.

حضرت فرمود: ما در این جا علامت‌گذاری می کنیم، تا تو را تصدیق کنند. تو نزد سیدابوالحسن برو و بگو تا حسن بن مسلم را حاضر کند و درآمد چند ساله این زمین را از او بگیرد و خرج بنای این مسجد کند و مابقی مخارج مسجد را از رهق (یکی از روستاهای کاشان) بیاورد و مسجد را تمام کند.

کیفیت نماز مسجد جمکران چگونه است؟

حضرت دستور خواندن دو رکعت نماز تحیت و دو رکعت نماز صاحب الزمان را به این ترتیب

۱. دو رکعت تحیت مسجد که در هر رکعتی یک بار حمد و هفت بار توحید و ذکر رکوع و سجود را هفت بار بخواند؛

۲. دو رکعت نماز صاحب الزمان علیه السلام هنگام خواندن سوره حمد، آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» را صد بار بگوید و بعد از آن حمد را تا آخر بخواند و رکعت دوم نیز همین طوری بخواند و ذکر رکوع و سجود نیز هفت بار بگوید و چون نماز تمام شد یک بار لا اله الا الله و سپس تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بخواند و بعد از آن سر به سجده بگذارد و صد مرتبه صلوات بفرستد.

چرا مردم شب‌های چهارشنبه بیشتر به مسجد مقدس جمکران می‌روند؟

چون در حکایت حسن بن مثله جمکرانی و سفارش حضرت مهدی علیه السلام به وی برای تأسیس مسجد مقدس جمکران آمده است که امام زمان علیه السلام فرمودند: «فردا شب (شب چهارشنبه) آن ئوسفند را همین جا (مکان مسجد جمکران) بیاور و ذبح کن و روز چهارشنبه که هجدهم ماه رمضان است، گوشت آن را به بیماران انفاق کن که خداوند متعال، آنها را شفا عنایت می‌کند.»^۱ لذا این سخن و دستور امام علیه السلام به حسن بن مثله سبب شده تا مردم برای شب چهارشنبه زش خاصی قائل شوند و در این شب از شهرهای دور و نزدیک به مسجد مقدس جمکران شرف شوند.

چهل بار رفتن به مسجد مقدس جمکران چه حسنی دارد؟

عدد چهل و چله‌گیری، ریشه مذهبی دارد و تکرار چهل بار در بعضی از اعمال مستحب، وارد شده است. بعضی از علما و مؤمنان نیز در بعضی اماکن نظیر مسجد سهله و ... برای برآوردن حاجات خود چهل شب بیتوته می‌کنند؛ چنان که در امت‌های گذشته نیز حضرت موسی علیه السلام چهل شب در کوه طور به عبادت خداوند مشغول بوده است. البته دلیل روایی خاصی مبنی بر چهل بار رفتن به جمکران وجود ندارد، ولی در مجموع رفتن به جمکران و نماز و عبادت در آن جا، سفارش شده و بزرگان و مؤمنان همواره به انجام دادن آن همت داشته‌اند.

درباره چاه عریضه در مسجد جمکران توضیح دهید.

عریضه‌نویسی و به عبارتی عرض توسل و تقاضای حاجت از خداوند، از روایاتی سرچشمه

داستان جمکران در بسیاری از کتاب‌ها آمده است. برای نمونه نک: فصل‌نامه انتظار شماره ۵، ص ۳۳۳.

گرفته که در این باره نقل شده است.

در برخی کتاب‌ها، درباره عریضه به محضر مقدس ولی عصر علیه السلام متن عریضه و شیوه طرح آن، نکاتی آمده است. مرحوم محدث قمی می‌نویسد: «هر کس در ضریح ائمه علیهم السلام عریضه و کاغذی را ببندد و مهر کند و آن را در نهر یا چاه آب و یا برکه‌ای بیندازد و به نیت حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام حاجت خود را ذکر کند، آن بزرگوار عهده‌دار برآورده شدن حاجات وی می‌شود.»^۱

بر همین اساس، چاهی در مسجد مقدس جمکران وجود دارد. اما این چاه خصوصیتی ندارد و انسان می‌تواند برای توسل و عرض حاجت به محضر حضرت، در آن چاه یا چاه و نهر دیگری، عریضه خود را بیندازد. پس نباید تصور کرد که این چاه جزئی از مسجد جمکران به شمار می‌آید و به دستور حضرت حفر و بدین منظور لحاظ گردیده است و حضرت علیه السلام نامه‌هایی را که در آن انداخته می‌شود حتماً می‌خواند. بلکه بعدها برای آسان شدن عریضه نویسی، چاهی در مسجد جمکران حفر شد.

چه کراماتی از مسجد جمکران دیده شده است؟

کرامات زیادی دیده شده است؛ مثلاً حضرت آیت‌الله فاضل فرمودند: «در دوران طلبگی، خیلی به مسجد جمکران می‌رفتم. شاید بیشتر از پانصد مرتبه باشد و کرامات زیادی در این مسجد مقدس دیده و شنیده‌ام.»

شخصی در اثر عمل جراحی لال شده بود و دکترها جوابش کرده بودند. آقای علوی فرمود: «چهل شب چهارشنبه به مسجد جمکران برو. اگر شفایی هست در آن جاست.» او نیز تصمیم جدی می‌گیرد تا برای چهل هفته با هواپیما از مشهد مقدس به تهران رفته و شب چهارشنبه به مسجد جمکران بیاید. در هفته سی و هشتم در حال سجده، یک وقت می‌فهمد که همه جا نورانی شده است و آقای وارد شد و مردم به دنبالش می‌گویند حضرت حجت علیه السلام است. خیلی ناراحت می‌شود که نمی‌تواند سلام کند، لذا کنار رفته، ولی عصر علیه السلام نزدیک او می‌آید و می‌فرماید: سلام کن! اشاره به زبان می‌کند که من لال هستم و گرنه بی‌ادب نیستم.

حضرت بار دوم می‌فرماید: سلام کن! بلافاصله زبانش باز می‌شود و سلام می‌کند و به برکات مسجد جمکران، حضرت او را شفا می‌دهد.^۲

۱. منتهی الآمال، ص ۳۳۴.

۲. عباس عزیزی، نماز و عبادت امام زمان، ص ۶۳-۶۴.

۱. آیا سرداب محل ظهور امام زمان علیه السلام است؟

از دیرباز، مخالفان و معاندان اهل بیت علیهم السلام می پنداشته اند که شیعیان محل ظهور امام زمان علیه السلام را سرداب می دانند.^۱ با وجود این هیچ یک از این مدعیان، مطلبی یا گفته ای را از شیعیان نقل نمی کنند که این عقیده شیعیان را بنماید.

به رغم این اتهام، در روایات و کتب شیعه آمده است که حضرت مهدی علیه السلام از مکه مکرمه و مسجد الحرام ظهور می کند.^۲

بنابر روایاتی، اولین جایگاه بیعت قبل از قیام امام مهدی علیه السلام مسجد الحرام و بین رکن و مقام خواهد بود.^۳ این مسئله از اهل سنت نیز بدان معتقد و معترف اند و از نکات مشترک بین تمام مسلمانان به شمار می رود.

۲. آیا سرداب محل سکونت امام مهدی است؟

نویسندگان متقدم اهل سنت می پندارند که شیعه سرداب را محل ظهور می داند، اما نویسندگان بعدی به جای تتبع، رفع خطا و بیان حقیقت، پا را فراتر نهاده اند و ادعا نموده اند که شیعه معتقد است امامشان سالیان متمادی در سرداب به سر می برد و در همان جا زندگی می کند.^۴

مرحوم علامه امینی در کتاب الغدير در پاسخ به این بهتان می فرماید: «تهمت سرداب زشت تر است. در حالی که شیعه عقیده ندارد که امام در سرداب مخفی شده و از آن جا ظهور می کند. ای کاش آنان که این تهمت را زده اند دست کم حرفشان را یکی می کردند. ابن بطوطه در سفرنامه اش می گوید:^۵ در حله است. قرمانی در اخبار الدول می گوید در بغداد و دیگران می گویند در سامرا و قصیمی نمی داند کجا است، لذا جایی را نام نمی برد تا عیبش آشکار نشود.»^۶

۱. نک: سمعانی، انساب، ج ۳، ص ۲۰۲؛ حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۷۳؛ زرکلی، الاعلام، ج ۶، ص ۸۰ و ابن اثیر، البدایة و النهایة، ج ۹، ص ۴۹ و تفسیر، ج ۲، ص ۳۴ و تاریخ، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۱؛ اصول کافی، ج ۸، ص ۲۲۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶؛ ح ۷۸؛ ص ۳۰۴؛ ح ۷۳؛ ص ۲۹۴؛ ح ۴۲؛ ص ۲۹۰؛ ح ۳۰؛ ص ۳۳۴؛ ح ۶۴.

۴. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۳۹۱؛ ابن حجر، الاصابة، ج ۲، ص ۴۳۸ و عبدالله علی القصیمی، الصراع بین الاسلام و الوثنية، ج ۱، ص ۲۷۴.

۵. الغدير، ج ۲، ص ۱۹۸.

۶. همان ج ۳، ص ۳۰۹ و ۳۰۸.



همچنین آیت‌الله صافی گلپایگانی در مورد محب‌الدین (خطیب مدینه منوره) می‌فرماید: «از اشتباهات فاحش ایشان به تبع گذشتگانش این است که عقیده در سرداب بودن امام را به شیعه نسبت داده و گمان کرده است که وکلای امام باب سرداب بوده‌اند. در حالی که کتاب‌های شیعه در دست است، حتی آنها که قبل از ولادت امام نوشته شده‌اند و در آنها از این بهتان اثری نیست. اما آنها عادت به تحقیق ندارند و هر چه دلشان بخواهد می‌گویند.»^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «صاحب این امر میان مردم رفت‌وآمد می‌کند در بازارشان راه می‌رود و بر فرش‌های آنها قدم می‌گذارد، در حالی که مردم او را نمی‌شناسند.»^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «به پروردگرم سوگند! حجت خدا، روی زمین راه می‌رود و در خانه‌ها وارد می‌شود... سخنان را می‌شنود و بر مردم سلام می‌دهد.»^۳

طبق روایات مربوط به محل زندگی حضرت، ایشان غالباً اطراف مدینه منوره حضور دارند و نیز ملاقات‌های فراوان و معتبری که با حضرت در مکان‌های مختلف اتفاق افتاده همه گویای حضور حضرت در جامعه و میان مردم است و وجود ایشان در سرداب را نفی می‌کند.

۳. آیا سرداب محل غیبت امام زمان است؟

محل غیبت دو معنای متفاوت دارد که اگر به معنای مخفیگاه و محل زندگی آن حضرت باشد، درست نیست، اما اگر به معنای محل غایب شدن باشد (آخرین مکانی که حضرت در آن دیده شده و بعد کسی او را ندیده) حرف صحیحی است. غیبت امام مهدی علیه السلام از سرداب آغاز شد، نه آن که آن جا هم ادامه می‌یابد.

احتمالاً بعضی از عبارات نویسندگان اهل سنت بر همین معنای دوم دلالت می‌کند^۴ که در این صورت حرف درستی است، اما بعضی آن را اشتباه فهمیده‌اند و محل غایب شدن را به مخفیگاه امام تفسیر کرده‌اند.

بنابراین، عبارت‌های آنان گویای شروع غیبت از سرداب است، نه وجود همیشگی حضرت در سرداب. بنابر روایت‌های تاریخی، وقتی پدر بزرگوار امام از دنیا رفت، ایشان در مقابل چشم همگان بر جنازه پدر نماز خواند، و همین امر باعث شد تا مأموران برای دست‌گیری امام علیه السلام به منزل امام

۱. مجموعه الرسائل، ج ۲، ص ۴۰۵.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۴، ج ۴.

۳. همان، باب ۱۰، ص ۱۲۴، ج ۱۰.

۴. ابن خلدون، تاریخ، ج ۴، ص ۳۰. و ابن صباغ، الفصول المهمه، ص ۲۹۳.

قرار داد. البته این مسئله شامل همه معصومان می‌شود. برای مثال، خطاب به امام حسین علیه السلام زیارت عاشورا می‌خوانیم.

در پایان گفتنی است که شیخ محمود ابوریه، از علمای معاصر و اهل تحقیق و تتبع اهل سنت می‌گوید: «من نشنیده‌ام که شیعه‌ای در مورد سرداب غیبت که در حله یا سامراست، بگوید امام در آن جا پنهان است، یا در آن جا زندگی می‌کند و یا از آن جا ظهور خواهد کرد. شاید سرداب سامرا، مکان نماز امام هادی و عسکری علیهما السلام بوده که تا به حال باقی مانده است.^۱»

منبر امام زمان علیه السلام

آیا صحت دارد که در حرم امام رضا علیه السلام منبری وجود دارد که متعلق به امام زمان علیه السلام است؟ اگر صحت دارد آن منبر کجاست؟

در ایوان مقصوره مسجد گوهرشاد، منبر صاحب‌الزمان علیه السلام قرار دارد. این منبر در سال ۱۲۴۳ هجری قمری به شیوه منبت‌کاری از چوب گردو ساخته شده و آهن و میخ در آن به کار نرفته است. البته سازنده، منبر را به نیت امام زمان علیه السلام ساخته، ولی گزارش نشده که امام زمان علیه السلام از آن استفاده کرده باشد.

۱. أضواء علی السنه المحمدیه، ص ۲۳۶.

دیدار

دیدار یا زیارت

چگونه می‌توان امام مهدی علیه السلام را زیارت کرد؟

اگر منظور از زیارت حضرت، زیارت معنوی و توسل به ایشان باشد، این امر هیچ‌گونه ودیعی ندارد و هر کس می‌تواند با شناخت و معرفت صحیح حضرت و توجه قلبی، از هر مکان هر زمانی به ایشان متوسل شود و با تقدیم صلوات و سلام به پیشگاه آن حضرت، با آن وار ارتباط برقرار کند. البته بهتر است به هنگام توسل، دعاها و زیارت‌های منقول از ومان علیه السلام، مثل زیارت آل یاسین، دعای عهد، دعای فرج و... را که در کتاب مفاتیح الجنان نقل بخواند.

با اگر منظور از زیارت حضرت، تشریف به محضر امام زمان علیه السلام و درک حضور آن بزرگوار

باشد، باید توجه داشت که در عصر غیبت، بنای حضرت بر مخفی بودن از دیدگان مردم است؛ مگر در موارد خاص که حضرت بنابه مصالحی، برای برخی افراد شایسته، ظاهر می‌شود و آن شخص امام علیه السلام را می‌بیند. اما در غیر این موارد استثنایی، حضرت با کسی ارتباط علنی ندارد و هیچ راه و روش مشخصی نیز برای دیدن حضرت وجود ندارد - «تا یار که را خواهد و میلش به که باشد.»

آیا می‌توان همیشه امام زمان علیه السلام را زیارت کرد؟

آری می‌توان در تمام لحظات با خواندن زیارت‌نامه با ایشان ارتباط معنوی داشت. اما اگر منظور ملاقات و دیدار باشد باید گفت: مسئله غیبت، اقتضا می‌کند که آن حضرت از دیده‌ها پنهان باشد مگر این که مصلحت مهمی در میان باشد تا احتمال ملاقات با آن حضرت پیش آید. اما تشخیص این مصلحت با خود امام است. بنابراین، ما نمی‌توانیم هرگاه بخواهیم، آن حضرت را زیارت کنیم. البته این که مشتاق دیدار باشیم کار خوبی است.

احادیث دیدار

درباره ملاقات با امام زمان علیه السلام چه احادیث و روایاتی وجود دارد؟

اگر منظور تعداد روایاتی است که به ملاقات با امام سفارش کرده و یا راه‌های ملاقات با آن حضرت را بیان کرده باشد در پاسخ باید گفت: ما روایتی نیافتیم که به منتظران امام زمان علیه السلام سفارش کرده باشد تا در پی دیدن آن حضرت باشند، زیرا اولاً: آن چه مسلمان و شیعه مهدی علیه السلام را رستگار می‌کند، دیدار آن حضرت نیست بلکه جلب رضایت آن بزرگوار، عمل به دستورهای قرآن و اهل بیت علیهم السلام است. ثانیاً: مسئله غیبت اقتضا می‌کند که آن حضرت از دیده‌ها پنهان باشد و اگر مصلحتی مهم در میان باشد که برای کسی رخ بنماید، در این صورت ظاهر و ملاقات محقق می‌گردد. اما این امر به مصلحتی بستگی دارد که خود امام زمان علیه السلام تشخیص می‌دهد. بنابراین، تنها راه حقیقی تحقق دیدار نیست و نباید خود را در این امر به زحمت بیندازیم. اشتیاق دیدار او و اظهار آن در دعا و زیارت و کوشش جلب رضای او در گفتار و کردار کافی است. به امید آن که سعادت دیدارش فراهم گردد و اگر مصلحت ندانست، باید تسلیم آن بزرگوار باشیم و هیچ شکوه‌ای نکنیم.

هدف دیدار

انگیزه حضرت از دیدار با مردم چیست و چه فایده‌ای دارد؟

حضرت از دیدار با مردم، انگیزه‌های مختلف دارد؛ از جمله:

۱. اثبات وجود و حضور خویش؛
۲. هدایت شخص و امانده در راه؛
۳. حل برخی از مسائل که بر علما دشوار می‌شود، همان‌گونه که مقدس اردبیلی برای حل مسائل مشکل، خدمت حضرت مشرف می‌شد؛
۴. شفای مریض‌هایی که زمین‌گیر شده و پزشکان آنها را جواب کرده‌اند و...

انواع دیدار

تشرفات به محضر حضرت ولی عصر علیه السلام در زمان غیبت چگونه است؟

در سه حالت می‌توان حضرت را زیارت کرد:

۱. خواب: گروهی امام زمان علیه السلام را در خواب زیارت می‌کنند (باید توجه داشت که خواب به تنهایی دلیل و ملاک عمل نیست)؛
۲. مکاشفه: مکاشفه حالتی بین خواب و بیداری است. یک ارتباط روحی است که بعضی در این حالت، امام زمان علیه السلام را زیارت می‌کنند. مکاشفه نیز همانند خواب، به تنهایی حجت نیست و می‌تواند ملاک عمل باشد؛
۳. بیداری: یعنی در حالت عادی و به طور طبیعی امام زمان علیه السلام را زیارت می‌کند.

کسی که در حال بیداری امام زمان علیه السلام را ملاقات می‌کند، یا اصلاً امام زمان علیه السلام را نمی‌شناسد اما در آن حال نمی‌شناسد. اما پس از اتمام ملاقات و جدایی، ایشان را خواهد شناخت. عده بسیار کمی (بنابر نقل) هستند که در همان زمان ملاقات، امام را می‌شناسند و با علم به امام بودن شان، با او صحبت می‌کنند. البته، این افراد بسیار اندک هستند.

در زمان غیبت کبریا، هیچ‌کس به اراده و خواست خود به حضرت حجت علیه السلام دسترسی ندارد و ملاقات، امری یک سویه است. یعنی اگر عنایت خداوند شامل حال هر کس شود و قابلیت و لیاقت دار حضرت در هر کس پدید آید، حضرت به دیدار او می‌آید و خود را نشان می‌دهد؛ نه این‌که

هرگاه خودش خواست بتواند به دیدار حضرت برسد.

همچنین ارتباط دایم (در این دوران) برای هیچ کس اتفاق نمی‌افتد. بنابراین، هرکس ادعا کند که هرگاه بخواهد به خدمت حضرت می‌رسد، دروغ می‌گوید و اگر کسی ادعا کند که واسطه بین مردم و امام زمان علیه السلام است نیز دروغ می‌گوید و باید او را تکذیب کرد. ملاقات‌ها اموری اتفاقی و پیش‌بینی‌ناشدنی هستند. چون بنابر حکمت و فلسفه غیبت کبرا، حضرت در پس پرده غیبت است و کسی با حضرت ارتباط دایم و به دل خواه خود ندارد.^۱

رؤیت حضرت به چند طریق امکان دارد و تشخیص صدق و کذب آن چگونه است؟

رؤیت حضرت در عصر غیبت کبرا به سه صورت ممکن است:

الف) در عالم خواب؛

ب) در حال مکاشفه؛

ج) در حال بیداری.

که در حال بیداری از نظر کیفیت و نحوه دیدار سه گونه دارد:

۱. دیدار با حضرت با عنوان غیر حقیقی؛ به گونه‌ای که دیدارکننده هنگام ملاقات و بعد از آن، هیچ‌گونه توجهی به شخص حضرت ندارد و ایشان در این دیدار، فردی عادی و ناشناس تلقی می‌شود. این رؤیت ممکن است برای بسیاری از افراد به طور تصادفی و ناشناس رخ دهد و حضرت با افراد برخورد داشته باشد، ولی هرگز او را نمی‌شناسند.^۲
۲. دیدار حضرت همراه با شناخت؛ یعنی شخص دیدارکننده حضرت را به هنگام دیدار بشناسد. این نوع رؤیت، بسیار اندک و انگشت‌شمار است. زیرا چنین رؤیتی با فلسفه غیبت، منافات دارد و در عصر غیبت، اصل بر این است که حضرت از چشمان مردم پنهان باشد، مگر در مواردی که مصلحت مهم‌تری اقتضا کند و حضرت بنابه مصالحی خود را بشناساند که این نوع دیدار فوق‌العاده اندک است.

۳. رؤیت حضرت در حال غفلت از حضور امام علیه السلام؛ یعنی شخص امام علیه السلام را ملاقات می‌کند ولی در آن حال به حضور حضرت توجهی ندارد و وی را فردی عادی می‌پندارد، اما پس از ملاقات

۱. برای مطالعه بیشتر، نک: خراسانی، المهدی المنتظر؛ مسعود پورسیدآقایی، میر مهر.

۲. مؤید این مطلب، جمله‌ای است که می‌گویند: «پس از ظهور حضرت، بسیاری از مردم می‌گویند: ایشان برای ما آشناست و ما قبلاً او را دیده بودیم».

با توجه به دلایل و شواهد موجود، یقین پیدا می‌کند که وی امام عصر علیه السلام بوده است. بیشتر تشریفاتی که در کتاب‌ها نقل شده از این نوع است و نشناختن نیز یا به دلیل غفلت نخص دیدارکننده در آن حال است و یا به دلیل این که حضرت در او تصرفات تکوینی و ولایی نرده و اجازه شناخت را به وی نمی‌دهد؛ ولی بعد از جدایی، از قراین دیگر قطع پیدا می‌کند که وی امام بوده است.

اما تشخیص صدق و کذب چنین رؤیت‌هایی، به دلیل یقینی و صدق گوینده نیاز دارد. چنین عاھایی از افراد ناموثق و بی‌تقوا، پذیرفتنی نیست و اصل بر تکذیب مدعی چنین دیدارهایی است، مگر این که به صحت گفتار وی یقین داشته باشیم.

چرا افراد هنگام ملاقات امام را نمی‌شناسند؟

زیرا غیبت که به معنای ناشناس بودن حضرت است، اقتضا می‌کند که دیگران حضرت را ناسند. پس نشناختن حضرت در چنین ملاقات‌هایی طبق قانون غیبت بوده، دلیل نمی‌خواهد؛ با ایشان در حال غیبت‌اند و نباید غیبت و ناشناس بودن، به ظهور و شناسایی تبدیل گردد.

در عین حال با این که در زمان غیبت به دلایلی که موجب غیبت شده، امام مهدی علیه السلام باید از هها مخفی باشند، ممکن است کسانی که مشکل بزرگی دارند یا به مقامات معنوی عالی دست تھاند، به محضر آن حضرت شرف‌یاب گردند. البته این شرف‌یابی می‌تواند متفاوت باشد. برخی برت را می‌بینند ولی نمی‌شناسند؛ گروهی می‌بینند و می‌شناسند و حضرت هم با آنان سخن گوید؛ برخی او را می‌بینند و می‌شناسند و اجازه می‌یابند که با ایشان سخن بگویند. این تها به دلیل اختلاف درجات معنوی افراد است.

در هر حال دلیل این که افراد کمی هنگام ملاقات، آن حضرت را می‌شناسند، آن است که ستگی دیدن همراه با شناخت، در افراد کمی وجود دارد.

آیا امام زمان علیه السلام به شکل زن نیز دیده شده است؟

فردادی که به حضرت متوسل شده‌اند و از آنان دست‌گیری شده است، هر کدام چهره دل‌ریا و ف حضرت را به شکلی توصیف نموده‌اند و این جلوه‌ای از مهر و محبت ایشان است^۱ که برای و مهربانی و جلوگیری از وحشت و نگرانی، با لباس‌های همان محل دیده شده‌اند یا با لهجه

۱: سید مسعود پورسیدآقایی، میرمهر.

همان فرد یا زبان قابل فهم آن شخص سخن گفته‌اند.^۱

ولی تاکنون هیچ کس نقل نکرده که امام زمان علیه السلام را به شکل یک زن دیده است؛ حتی کتاب‌هایی که در زمینه ملاقات بانوان با امام زمان علیه السلام نوشته شده، هیچ اشاره‌ای به این موضوع نکرده است^۲ و اگر کسی چنین ادعایی داشته باشد نباید پذیرفته شود؛ زیرا پوشیدن لباس زن بر مرد و بالعکس (شبيه شدن به جنس مخالف) شرعاً حرام است، و هیچ‌گاه امام کاری را که مخالف امر الهی باشد انجام نمی‌دهد.

شرایط دیدار

آیا دیدن امام زمان علیه السلام دارای شرایط خاصی است و نصیب هر کسی می‌شود؟ و آیا ندیدن

آن حضرت مصلحتی دارد؟

دیدن امام زمان در عصر غیبت کبرا امکان داشته و اگر کسی توفیق یابد، سعادت بزرگی نصیبش شده است. اما همه سعادت این نیست که انسان شبانه‌روز تلاش کند و خواهان دیدن امام باشد. البته دیدن حضرت سبب نمی‌شود که انسان، گناه نکند، زیرا برخی انسان‌های معاصر دیگر امامان علیهم السلام با وجود دیدن امام معصوم باز هم گناه می‌کردند و حتی گاهی با آنها مخالفت می‌نمودند.

دیدن حضرت تأیید بر کردار درست انسان نیست؛ اگر چه نصیب هر کس نمی‌شود. ندیدن حضرت هم دلیل بر خرابی اعمال نیست. بسیاری از بزرگان، علما و مجتهدان امام زمان علیه السلام را ندیدند، ولی چه بسا افرادی که مسلمان هم نبودند، ولی چون به مقام اضطرار رسیدند، حضرت از آنها دست‌گیری نموده و از این جهت امام را دیده باشند.

مهم این است که اگر ما او را نبینیم، او ما را می‌بیند و همین اعتقاد برای ترک گناه کافی است.

احمد بن حسن بن ابی‌صالح خجندی، مدتی در جست‌وجوی امام زمان علیه السلام شهرها را می‌گشت و بسیار جدی بود و اصرار داشت که به حضور آن حضرت مشرف شود. عاقبت نامه‌ای از طریق

۱. نک: علی‌اکبر نهبوندی، عبقری الحسان، یا خلاصه آن سیدجواد معلم، برکات حضرت ولی عصر.
۲. جعفر رفیعی، ملاقات بانوان با امام زمان علیه السلام؛ مهدی شمس‌الدین، ملاقات بانوان با امام زمان علیه السلام.

حسین بن روح به این مضمون برای حضرت مهدی علیه السلام نوشت: «دل من، شیفته جمال تو گشته و همواره در فحوص و طلب تو می کوشم. تمنا دارم جوابی مرحمت فرمایید که قلب من ساکن شود و استوری در این باره فرمایید.»

جواب آمد که: «هر کس در خصوص من جست و جو و تجسس کند مرا می طلبد و هر کس مرا یابد به دیگران بنماید و هر کس مرا به دیگران بنماید مرا به کشتن دهد و هر کس مرا به کشتن هد، مشرک گردد.»

بنابراین، احتمال دارد که به صلاح ما نباشد آن حضرت را ملاقات نماییم، چه بسا دیدار حضرت مایه عجب، تکبر و خودپسندی ما شود که خود مایه هلاکت انسان است.^۱

آیا اگر از گناه اجتناب کنیم و منتظر واقعی باشیم، امام زمان علیه السلام به ما سر می زند؟

قطعاً گناه کردن، مهم ترین علت محرومیت از امام زمان علیه السلام است. امام مهدی علیه السلام نیز در بیع شریفشان به شیخ مفید (ره) می فرماید: «ما را از ایشان چیزی محبوس نکرده است، مگر ناهان و خطاهایی که از ایشان به ما می رسد و ما آن را ناخوش می داریم و از ایشان بی پسندیم.»^۲

آیت الله بهجت نیز بیان فرموده اند: «اگر بفرمایید: چرا به آن حضرت دسترسی نداریم؟ جواب ما این است که چرا به انجام واجبات و ترک محرمات ملتزم نیستید؟ او به همین از ما راضی است، زیرا "اورع الناس من تورع عن المحرمات"^۳ پرهیزکارترین مردم کسی است که از کارهای زام بپرهیزد." ترک واجبات و ارتکاب محرمات، حجاب و نقاب دیدار ما از آن حضرت است.»^۴ براین، اگر ما از گناه اجتناب کنیم و منتظر واقعی باشیم، به مقامی می رسیم که غیبت و حضور یمان فرقی ندارد. امام سجاد علیه السلام به ابو خالد کابلی می فرماید: «ای ابو خالد! به درستی که مردم آن غیبت حضرت مهدی علیه السلام، آنان که معتقد به امامت هستند و در انتظار ظهور او به سر برند، با فضیلت ترین مردم همه زمان ها هستند؛ به دلیل این که خداوند متعالی عقل و فهمی به عنایت کرده که غیبت در نزد آنان به منزله ظهور و مشاهده گشته است.»^۵

برای اطلاع بیشتر نک: محمدجواد خراسانی، مهدی منتظر، ص ۹۳-۱۰۰.

بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۴۶۳: «فما يحسبنا عنهم الا ما يتصل بنا مما نكرهه و لا نوتره منهم».

کافی، ج ۲، ص ۷۷.

شش صد نکته از محضر آیت الله العظمی بهجت، ص ۳۶۲.

بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲: «...صارت به الغيبة عند بمنزلة المشاهدة...».

از این رو، در حدیث دیگری امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «من سرّه ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق؛ هر کس دوست دارد که از یاران حضرت قائم علیه السلام گردد، باید که منتظر باشد و در عین حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو مشغول گردد.» بنابراین، اگر کسی ترک گناه کند و منتظر امامش باشد، از یاران واقعی حضرت به شمار می آید. آن گاه اگر بزرگترین توفیق الهی او را دریابد، غیبت و ظهور حضرت برایش تفاوت نخواهد داشت.

یک چشم زدن غافل از آن ماه نباشید شاید که نگاهی کند آگاه نباشید

شوق دیدار

بسیار علاقه مندم که امام زمان علیه السلام را ملاقات کنم، آیا ممکن است که او به دیدن من آید؟
اشتیاق ملاقات با حضرت بسیار نیکوست. این اشتیاق را همه علاقه مندان حضرت دارند. ولی عجله نکنید؛ تسلیم رضا و قضای الهی باشید. در زمان غیبت باید به وظایفمان عمل کنیم. اگر حضرت صلاح بداند، خودش به دیدن ما می آید. وظیفه ما این است که در عمل به اخلاق و احکام الهی تلاش و خود را در تمام جهات به حضرت نزدیک کنیم و موجبات رضایت ایشان را فراهم نماییم.

علاوه بر همه این مسائل، ملاقات حضور با امام معصوم، آن هم در اوضاع فعلی، آمادگی روحی بسیار بالایی می خواهد؛ مثلاً برای ملاقات خصوصی با رهبر انقلاب تسلط روحی و آمادگی کامل می خواهد، در حالی که همیشه حداقل از طریق تلویزیون با چهره و صدای ایشان آشنایی داریم؛ پس به طریق اولی ملاقات امام زمان علیه السلام آمادگی بسیار بالا می خواهد.

راه دیدار

چه کار کنم که آقا را ببینم و با ایشان صحبت کنم؟

واقعیت این است که هیچ نسخه ای نداریم که به طور حتم سبب شود آدمی در خواب یا بیداری امام زمان را ببیند و با او صحبت کند. البته اشتیاق شما به دیدن امام زمان علیه السلام بسیار خوب است و



می‌تواند سبب خیلی از خوبی‌ها شود، ولی باید بپذیرید که الان، زمان غیبت است و جز در مواردی که مصلحت باشد، دیداری - در خواب یا بیداری - رخ نمی‌دهد. گرچه همیشه جای امیدواری هست، به ویژه در مکان‌هایی مانند جمکران که منسوب به امام زمان علیه السلام است؛ مهم این است که خود امام زمان علیه السلام از ما عمل شایسته و خدایی می‌خواهد و از این که به وظایف الهی خود عمل کنیم، خوش حال می‌شود و این سبب نزدیکی بیشتر ما به آن حضرت می‌گردد. هر چه به او نزدیک‌تر شویم، از وجود او بهره بیشتری خواهیم برد.

نکته مهم و قابل توجه دیگر این است که فردی به نام احمد بن ابراهیم، مشتاق دیدار امام زمان علیه السلام بود و چون در دوران غیبت صغرا زندگی می‌کرد به دومین نایب خاص امام زمان علیه السلام محمد بن عثمان عمروی) عرض کرد: «من اشتیاق زیادی برای دیدار امام زمان علیه السلام دارم.» نایب ناص فرمودند: «به خاطر این شوق خداوند به شما اجر بدهد و ان شاءالله امام را ببینی. اما زمان بییت است. پس اصرار به دیدار نکن و با خواندن زیارت‌نامه متوجه ایشان شوید.»

چنان که ملاحظه می‌کنید نایب خاص امام زمان علیه السلام احمد بن ابراهیم را از اصرار به ارتباط لاهی منع و او را به ارتباط معنوی راهنمایی می‌نماید.

بنابراین، بهتر است شما نیز بیشتر به دنبال ارتباط معنوی باشید و با خواندن دعاها و زیارت‌نامه‌های امام زمان علیه السلام متوجه ایشان شوید. علاوه بر این با صدقه دادن برای سلامت امام زمان علیه السلام و صدقه دادن از طرف ایشان می‌توانید ارتباطی نزدیک‌تر داشته باشید.

البته دستورهایی برای دیدار و درک دولت امام مهدی علیه السلام نقل شده است که بیان می‌شود:

۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر کس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید اللهم صل علی محمد و

محمد و عجل فرجهم، نمی‌میرد تا امام زمان علیه السلام را درک کند.»^۱

۲. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «کسی که همه سوره‌های مستبحات (سوره‌هایی که با سبح یا یسبح

روع می‌شود) را قبل از خواب بخواند، نمی‌میرد تا امام زمان علیه السلام را درک کند و اگر بمیرد در کنار

میر علیه السلام خواهد بود.»^۲

۳. در روایت آمده هر کس این دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند و بر آن استمرار ورزد به قدری عمر

مصباح المجتهد، ص ۲۶۸.

الکافی، ج ۲، ص ۶۲۰.

می کند که به دیدار امام زمان علیه السلام مشرف شود: «اللهم صل على محمد و آل محمد، اللهم ان رسولك الصادق المصدق صلواتك عليه و آله قال: انك قلت: ما ترددت في شيء أنا فاعله كترددى في قبض روح عبدى المؤمن يكره الموت و أنا أكره مساءته، اللهم فصل على محمد و آل محمد و عجل لاوليائك الفرج و النصر و العافية و لا تسؤنى في نفسى و لا فى فلان» به جای فلانى نام هر کس را خواست بگوید؛^۱

۴. فرمود کسی که بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند امام زمان علیه السلام را در خواب یا بیداری می بیند.

«بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان اينما كان و حيثما كان من المشارق الارض و مغاربها، سهلها و جبلها، عنى و عن والدى و عن ولدى و اخوانى التحية و السلام، عدد خلق الله، و زنة عرش الله، و ما أحصاه كتابه و احاط علمه اللهم انى اجدد له فى صبيحة هذا اليوم و ما عشت فيه من ايام حيوتى عهداً و عقداً و بيعة له فى عنقى لا أحول عنها و لا أزول، اللهم اجعلنى من انصاره و انصاره الذابين عنه، و الممثلين لاوامره و نواهيه فى ايامه، و المستشهدين بين يديه، اللهم فان حال بينى و بينه الموت الذى جعلته على عبادك حتماً مقتضياً فأخرجنى من قبرى مؤتزرأً كفى، شاهراً سيفى، مجرداً قناتى، ملبياً دعوة الداعى فى الحاضر و البادى. اللهم أرنى الطلعة الرشيدة، و الغرة الحميدة، و اكحل بصرى بنظرة منى إليه، و عجل فرجه، و سهل مخرجه، اللهم اشدد أزره، و ظهره، و طول عمره، اللهم اعمر له بلادك، و أحي به عبادك، فانك قلت و قولك الحق ظهر الفساد فى البر و البحر بما كسبت ايدى الناس فأظهر اللهم لنا وليك، و ابن بنت نبيك المسمى باسم رسولك، صلواتك عليه و آله، حتى لا يظفر بشئ من الباطل الا مزقه، و يحق الله الحق بكلماته و يحققه، اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الامة بظهوره، إنهم يرونه بعيداً و نراه قريباً، و صلى الله على محمد و آله.»^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند نمى میرد تا امام زمان علیه السلام را درک کند و از اصحاب او باشد.»^۳

۱. شیخ طبرسى، مكارم الاخلاق، ص ۲۸۴.
 ۲. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۶۱.
 ۳. محمد بن مسعود العياشى، تفسير عياشى، ج ۲، ص ۲۷۶.



چگونه می‌توان با حضرت مهدی عج انس گرفت به حدی که بتوان ایشان را ملاقات کرد؟
 بعد از شناخت حضرت باید ارتباط روحی با ایشان داشت تا محبت بین ما و امام تقویت گردد.
 برای ارتباط با حضرت و انس گرفتن به ایشان، باز اولین قدم این است که تا حد توان گناه و تکاب کارهای حرام را ترک کنیم و از طرفی تا حد امکان وظایف دینی خود را بیشتر بشناسیم و آنها عمل کنیم (مانند خواندن رساله احکام مرجع تقلید) و بدانیم عمل خیر، بدون ترک گناه اثر ندانی ندارد. همراه ترک گناه و عمل به واجب کارهای زیر نیز به ما کمک می‌کند تا بیشتر این س و الفت ایجاد شود:

۱. خواندن دعاها و زیارت‌های امام زمان عج (دعای عهد که در مفاتیح نیز آمده است: «اللهم ب النور العظیم...»، دعای ندبه، زیارت آل یاسین: «سلام علی آل یاسین...»، نماز امام زمان عج و رکعت در هر رکعت صد بار ایاک نعبد و ایاک نستعین.»؛)
۲. رفتن به مکان‌های مربوط به امام زمان عج (جمکران، سامراء، حله)؛
۳. صدقه دادن برای امام زمان عج و از طرف امام زمان عج؛
۴. توسل به حضرت در همه زمان‌ها و مکان‌ها. امام زمان عج واسطه فیض الهی بوده و لازم است که انسان پیوسته به آن حضرت توجه کند و در همه امور آن حضرت را واسطه درگاه خداوند بدهد؛ چه در موقع نیایش و دعا و چه به هنگام کارهای دیگر. این توجه و ارتباط حتی با یک دم خالصانه می‌تواند برقرار شود؛ مثلاً بگوید: «السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه.» این توجه و عمل می‌تواند به کارهای انسان رنگ خدایی بخشیده و عنایت و مدد الهی را به دنبال داشته باشد؛
۵. احساس حضور: همیشه این نکته را به خودمان یادآور شویم که امام در جامعه حضور دارد و تمام کارهای ما آگاه است و پرونده ما نیز در هر هفته یک یا چند بار به محضر ایشان برده شود. لذا در تمام کارها و حرف‌های خود حضور و اطلاع امام را در نظر بگیریم. امید است ان شاء الله همه ما در نزدیکی روزافزون به امام زمان عج، کوشا و موفق باشیم.

چگونه نامه‌ای به امام زمان بنویسیم که تنها خودشان بخوانند؟

عریضه‌نویسی و به عبارتی عرض توسل و تقاضای حاجت از خداوند، از روایاتی سرچشمه

ای دیدن اعمال و ادعیه امام زمان عج نک: مجتهدی سیستانی، صحیفه مهدیه.

می‌گیرد که در این باره نقل شده است.

در برخی کتاب‌ها، درباره عریضه به محضر مقدس ولی عصر علیه السلام متن عریضه و شیوه طرح آن، نکاتی آمده است. مرحوم محدث قمی می‌نویسد: «هر کس در ضریح ائمه علیهم السلام عریضه و کاغذی را ببندد و مهر کند یا آن را در نهر یا چاه آب و یا برکهای بیندازد و به نیت حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام حاجت خود را ذکر کند، آن بزرگوار عهده‌دار برآورده شدن حاجات وی می‌شود»^۱.

بر همین اساس، انسان می‌تواند برای توسل و عرض حاجت به محضر حضرت، در چاه آب و نهر، عریضه خود را بیندازد.

دلیل ملاقات نکردن

چرا ما نمی‌توانیم سرورمان امام زمان علیه السلام را ببینیم؟

پنهان بودن حضرت حجت علیه السلام از دیدگان عمومی، براساس روایات، حکمت‌های فراوانی دارد که بعضی از آنها گفته شده و بسیاری از آنها نیز فقط در زمان ظهور حضرت درک می‌شود. بنابراین، این حکمت‌ها ایجاب می‌کند که کسی نتواند در زمان غیبت کبرا حضرت را به طور معمول مشاهده کند و با او ارتباط داشته باشد؛ مگر در مواردی خاص که به طور استثنایی، بنابه مصالحی، خداوند چنین اجازه‌ای می‌دهد. در این موارد هم دیدار حضرت به صورت ناشناس یا شناخته شده فقط برای برخی افراد است؛ نظیر این که در مواردی، حضرت صلاح بداند بعضی بیماران را شفا دهد، نیازهای علمی افراد را پاسخ دهد، گم‌شده‌ای را هدایت کند و... .

نکته مهم در مورد مسئله دیدار حضرت این است که خود امام زمان علیه السلام و دیگر معصومان علیهم السلام هیچ‌گاه ما را موظف نکرده‌اند درصدد جست‌وجوی دیدار حضرت باشیم؛ گرچه به ما توصیه فرموده‌اند از فراق، دوری و محرومیت ایشان به شدت محزون و اندوه‌گین گردیم. پس آنچه از ما خواسته‌اند، عمل به وظایف دینی، فردی و اجتماعی است، نه چیز دیگر.

۱. منتهی‌الآمال، ص ۳۳۴.

دیدار کنندگان

نام تعدادی از افرادی را که در زمان حاضر زنده‌اند و با امام عصر ارتباط دارند بیان کنید!
در زمان غیبت کبرا بعضی از خوبان و صالحان به محضر امام عصر مشرف می‌شوند و حتی از زکات وجود آن حضرت بهره‌مند می‌گردند، ولی به مصداق

هر که را اسرار حق آموختند
مهر کردند و دهانش دوختند
این افراد خود را به دیگران معرفی نمی‌کنند و راز دل را باز نمی‌گویند. بنابراین، شناسایی آنها بسیار مشکل است. روشن است که اگر کسی ادعایی کند و خود را صاحب مقام ارتباط با حضرت معرفی نماید، سخن او پذیرفته نیست و چه بسا افرادی که از این راه به شیادی و دنیاداری داخته‌اند.

درباره رجوع در مسائل، تذکر این نکته لازم است که در مسائل اسلامی، باید به کارشناسان اسلامی و فقیهان و عالمان متعهد رجوع کرد. به یقین اینان امنای پیامبران^۱ و همان‌ها هستند که حضرت ولی عصر^{علیه السلام} سفارش فرمود در مسائل پیش آمده به آنها رجوع کنید،^۲ ولی اگر کسی ادعا بد که من به سبب ارتباط با امام عصر، حکمی شرعی یا وظیفه‌ای دینی را فهمیده‌ام و خواست ، را وظیفه‌ای اسلامی خود به حساب آورد و برای شما و دیگران طرح کند، قطعاً او را تکذیب ید که هیچ سندی بر درستی سخن او نیست و اگر کسی طبق آن عمل کند، نزد خدا حجتی نخواهد داشت. همه می‌دانیم که اگر قرار باشد امور اسلام و مسلمانان براساس ادعای این و آن غلیم گردد، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و گمراهی و هرج و مرج در جامعه اسلامی پدید آید.

آیا اکنون هم مانند گذشته افرادی با حضرت دیدار می‌کنند؟ در صورت امکان نام آنها را بر کنید؟

این که افرادی مورد عنایت خاص امام زمان^{علیه السلام} بوده و حتی ملاقات داشته‌اند قابل انکار است. حتی به طور عادی (نه مکاشفه) حضرت را دیده و صحبت کرده‌اند، ولی این‌گونه افراد نشت‌شمار بوده‌اند و بسیاری از افرادی که این‌گونه ارتباط داشته‌اند این قضایا را بازگو نمی‌کنند.

در روایت است که پیامبر فرمود: «العلماء امانة الرسل علی عباده؛ دانش‌مندان امانت‌داران پیامبران بر بندگان خدایند»؛ مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۴۶۴.

کمال‌الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۴، ج ۴، باب توقیعات.

گاهی بعد از وفاتشان برخی از افراد نزدیک این افراد این قضایا را بازگو کرده‌اند و برای ما باقی مانده است. مثل، سید بن طاووس یا سید بحر العلوم و... .

ولی متأسفانه افرادی هم هستند که به دروغ ادعا می‌کنند با امام زمان علیه السلام ارتباط داشته‌اند و عده زیادی را گمراه می‌کنند. باید مراقب این گونه افراد بود و فریب آنها را نخورد. شما می‌توانید از زندگی نامه آیت‌الله مرعشی نجفی یا آیت‌الله بهاء‌الدینی و امثال آنها اطلاعات مناسبی کسب کنید. هم‌چنین برای اطلاع بیشتر به کتاب میر مهر نوشته آقای پورسیدآقایی از انتشارات حضور مراجعه فرمایید.

نقل دیدار

آیا اشکالی دارد خوابی که در مورد امام زمان علیه السلام دیده‌ام برای دیگران تعریف کنم؟ آیا

نباید برای اطلاع مردم از وجود امام زمان علیه السلام این گونه خواب‌ها را نقل کرد؟

چند نکته درباره این سؤال جالب توجه است:

۱. باید توجه داشت که خواب هیچ‌گونه حجیت شرعی ندارد. از این رو، عمل نکردن به محتوای آن نه تنها برای بیننده عیبی ندارد، بلکه بر دیگران هم لازم نیست به آن عمل کنند.
۲. به یقین برخی خواب‌ها در شمار رؤیاهای صادق است. بر این اساس انسان با دیدن خواب‌های ناگوار، با صدقه دادن می‌تواند دفع بلا کند. منتهی خواب شما که خوب و شیرین است، ذکر آن برای صاحب آن هیچ اشکال ندارد و چه بسا مایه دل‌داری و تسلاهی آنان و دیگران باشد؛ البته برای دچار نشدن به غرور و خجالت، می‌توانید خواب را از زبان خود نگویید؛ مثلاً بگویید: شخصی چنین خوابی دیده است.
۳. برای آشنا کردن مردم با امام زمان علیه السلام لازم نیست انسان تنها به نقل خواب اکتفا کند، بلکه آیات و روایت و گفتار علما و دانش‌مندان و کتاب‌های مفید و سودمندی در این باره وجود دارد که می‌توان از آنها بهره گرفت. شما که مربی نونهالان پاک و معصوم هستید، سعی کنید با کتاب‌هایی که در خصوص آشنایی نونهالان با امام زمان علیه السلام است، بیشتر مأنوس شوید و بذر شناخت و محبت به امام زمان علیه السلام را در جان بچه‌ها بکارید.
۴. خواب‌هایی که انسان می‌بیند، قطعاً با عمل کرد و فعالیت روزانه او کاملاً ارتباط مستقیم دارد. بر این پایه شما که مربی کودکان هستید، حضرت مهدی علیه السلام را به شکل کودکی مشاهده

رده‌اید، و فرمایش ایشان نیز یادآور این است که به خانواده شهدا توجه داشته باشید و اگر نونهالی مهد کودک از نعمت پدر یا مادر محروم است، به او بیشتر توجه کنید.

ادعای دیدار

بعضی از افراد ادعا دارند امام زمان علیه السلام را در خواب دیده‌اند؛ به نظر شما آیا باید سخن آنها پذیرفت؟

ما هم‌اکنون در دوران غیبت کبرای امام مهدی علیه السلام به سر می‌بریم. این دوران هم‌چنان که از توان آن پیداست، زمان پنهان بودن امام مهدی علیه السلام از دیدگاه همه است و کسی توفیق ملاقات حضرت را ندارد. اما در موارد استثنایی، کسانی که از نظر تقوا و فضیلت مراتب عالی داشته باشند، بن سعادتی را می‌یابند که جمال نورانی آن حضرت را ببینند. البته این گروه، اندک و نشت‌شمارند. از این رو، در دوران غیبت کبرا و به مقتضای غایب بودن حضرت، روال طبیعی این است که کسی حضرت را نبیند و ملاقات با آن حضرت جنبه استثنایی دارد. بنابراین، ما هم باید بنا بر این بگذاریم که کسی حضرت را ندیده است و اگر کسی هم ادعای ملاقات کرد، تنها در صورتی که مطمئن شویم از نظر معنویت مراتب بالایی دارد، سخن او را می‌پذیریم. در این باره توجه شما را به دو نکته جلب می‌کنیم:

۱. تقوا و معنویت چیزی نیست که بتوان آن را از ظاهر افراد و با برخوردی معمولی شناخت. در مقام پی بردن به تقوا و فضیلت، به ظاهر افراد اعتماد نکنید. البته منظور این نیست که مردم سوءظن داشته باشید، اما چون شرط ملاقات با امام مهدی علیه السلام داشتن مراتب عالی است، تا به این شرط یقین پیدا نکردید، ادعای کسی را باور نکنید.

۲. اساساً کسانی که اهل تقوا و فضیلت‌اند و توفیق شرف‌یابی به محضر مبارک امام زمان علیه السلام می‌یابند، رازدار و سر‌نگه دارند. روش بزرگان در طول تاریخ هم این بوده که برای پرهیز از برت و جلب نکردن توجه دیگران، ملاقات خود را مخفی می‌داشته‌اند و تنها در صورت ضرورت موردی که مصلحت مهمی در میان بوده، آن را برای دیگران ابراز می‌کردند.

«آن را که خبر شد خبری باز نیامد»

هر که را اسرار حق آموختند مهر کردند و دهانش دوختند

بنابراین، باید به کسانی که ادعای شرف‌یابی به محضر امام مهدی علیه السلام را دارند و همیشه از



ملاقات و ارتباط با آن حضرت دم می‌زنند، سوءظن داشته باشیم؛ مگر این که با رفت‌وآمد و ارتباط پیوسته و چندین ساله، او را کاملاً بشناسیم و در تقوا و فضیلت او کمترین تردیدی نکنیم. توجه داشته باشیم که فراوان‌اند شیادانی که دنبال کسب جاه و مقام‌اند و در راه رسیدن به شهرت و مقام از عواطف و احساسات پاک مردم نیز نمی‌گذرند؛ پس باید مواظب باشیم بازی چه دست چنین افرادی نشویم.

البته باید به این نکته نیز توجه داشت که بعضی افراد که ادعای ارتباط و ملاقات با امام عصر علیه السلام را دارند، افرادی ساده و بدون کَلک‌اند، ولی چون زودباور و تا حدودی خیالاتی هستند، زود یقین پیدا می‌کنند. بنابراین، ادعاهای چنین افرادی با این که پذیرفتنی نیست (چرا که دچار خیالات شده و مثلاً یکی از مؤمنان و صالحان را دیده و خیال کرده‌اند او امام زمان علیه السلام است)، اما چون قصد و غرض سوئی هم ندارند، گناه‌کار نیستند. البته ادعای آنها برای ما حجت و دلیل نمی‌شود و نمی‌توانیم به چنین ادعاهایی ترتیب اثر بدهیم، مگر آن که همراه با شواهد و قرینه‌های معتبر باشد.

بعضی از افرادی که صلاحیت ندارند، ادعا می‌کنند امام زمان علیه السلام را دیده‌اند. چگونه می‌توان حرف آنها را قبول یا رد کرد؟ نوری که در بعضی از زمان‌های خاص مانند شب قدر یا در مکان‌های خاص مانند امام‌زاده دیده می‌شود، آیا دلیل بر حضور یا گذر امام است؟

ادعای دیدن امام زمان از افراد بی‌صلاحیت به هیچ وجه قابل اعتماد نیست. حتی دیدن نور در شب‌ها و مکان‌های خاص هم دلیل قطعی بر حضور امام زمان علیه السلام در آن جا نیست. شاید عنایتی داشته‌اند، ولی حضور قطعی حضرت را نمی‌توانیم مطمئن باشیم. باید احتیاط کرد که شیادها در کمین هستند.

ظهور

کلام امام

امام زمان علیه السلام درباره ظهور خود چه فرموده‌اند؟

مهم‌ترین سخن آن حضرت در این باره مطلبی است که از طریق محمد بن عثمان (دومین ، خاص) در پاسخ به نامه اسحاق بن یعقوب، بیان فرموده‌اند. در آن جا آمده است: «... و اما ، ظهور من به اراده خداوند متعال بستگی دارد. کسانی که وقت آن را تعیین می‌کنند، دروغ‌گو نند...»^۱ ابوعلی می‌گوید: از محمد بن عثمان عمروی شنیدم که می‌گفت: «... و پرسیدم که کی خواهد بود؟ پاسخ آمد: تعیین کنندگان وقت، دروغ می‌گویند.»^۲

در بیان امام مهدی علیه السلام و روایات سایر ائمه علیهم السلام نیز تعیین وقت برای ظهور مردود شمرده شده ، البته حضرت فرموده‌اند: «برای تعجیل فرج، زیاد دعا کنید.»

مام و ظهور

یا خود امام زمان علیه السلام مایل و منتظر ظهور است؟

اید بدانیم که امام زمان علیه السلام از همه ما بیشتر آرزوی ظهور دارد و برای آن دعا می‌کند و بارها یعیان نیز فرموده: برای تعجیل در ظهورم دعا کنید.^۳ آن حضرت با دیدن این همه ظلم و

ال‌الدین، ج ۲، ص ۲۳۷.

ان، ص ۲۳۶، ج ۳.

ان، ص ۲۸۵، ج ۴.

فساد بیش از ما ناراحت می‌شود^۱ و منتظر روزی است که بتواند عدالت و معنویت و اسلام را در تمام جهان حکم فرما نماید. طبق روایت امام صادق علیه السلام منظور از مضطر (ناچار) در آیه ۶۲ سوره نمل، امام زمان علیه السلام است،^۲ یعنی ایشان در دوران غیبت در حال ناچاری به سر می‌برند و هر آن منتظر پایان این دوران است.

امام زمان علیه السلام هنگام ظهور به چه زبانی صحبت می‌کنند؟

برای نوع گویش امام مهدی علیه السلام دلیل و مدرک خاصی نداریم، اما بر اساس روایات مربوطه، امام معصوم به همه زبان‌ها آگاه است و با هر کس به زبان خودش سخن می‌گوید؛ مقتضای امامت نیز همین است. ضمن آن که حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت و در تشرفات نیز به زبان شخص مخاطب سخن گفته است. زیرا مقتضای ایجاد ارتباط کلامی نیز همین است. آری، شاید با توجه به این که زبان قرآن و سنت (زبان اسلام)، عربی است، در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام نیز زبان رسمی زبان عربی باشد (همان گونه که در دنیای امروز انگلیسی، زبان بین‌المللی است) و همه مردم یا غالب آنها به زبان عربی آشنا خواهند شد.

زمان ظهور

آیا می‌توان وقت ظهور را پیش‌بینی کرد؟

ظهور امام زمان علیه السلام به اراده الهی بستگی دارد که در صورت فراهم بودن شرایط، به دستور خداوند تحقق می‌یابد. بنابراین، تاریخ آن را فقط خداوند می‌داند و هیچ کس نمی‌تواند تاریخ دقیق آن را پیش‌بینی کند. در روایات بیان شده که هر کس وقتی را برای ظهور مشخص کند، دروغ‌گوست.

مہزم اسدی از امام صادق علیه السلام پرسید: «فدایت شوم! ظهور قائم آل محمد علیہم السلام و تشکیل دولت حق که در انتظارش هستید، طول کشید؛ این امر کی تحقق خواهد یافت؟» حضرت فرمود: «تعیین کنندگان وقت ظهور دروغ‌گویند؛ عجله‌کنندگان هلاک می‌شوند و کسانی که تسلیم هستند، نجات می‌یابند.»^۳ خود امام زمان علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «ظهور فرج، به اراده خداوند متعالی

۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸. (در این نامه امام زمان علیه السلام می‌فرمایند به دلیل به شک افتادن گروهی از شما ناراحت شدیم).

۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۲۹.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۳.

ستگی دارد و کسانی که برای ظهور وقت تعیین می کنند، دروغ گو هستند.»^۱
 بنابراین، هیچ کس نمی تواند زمان ظهور را پیش بینی کند. البته ما باید همیشه و در هر لحظه
 منتظر ظهور باشیم و از عجله، تعیین وقت و گوش سپردن به سخن کسانی که وقت مشخص
 می کنند، بپرهیزیم و همواره تسلیم امر خداوند باشیم.

آیا ظهور نزدیک است؟

در این که ما در دوره آخرالزمان به سر می بریم تردید نداریم؛ اما در چه مقطعی از آخرالزمان،
 بلوم نیست و تحقق نشانه های عمومی ظهور، دلیل بر تحقق شرایط ظهور نیست، زیرا در
 مانده های عمومی، چون علائم غیر حتمی و دارای مراتب اند، احتمال های دیگری هم وجود دارد.
 بدوایم که ان شاء الله ظهور حضرت نزدیک باشد.

آیت الله بهجت، حتی به پیران نیز بشارت داده که ظهور نزدیک است؟

آیت الله بهجت چنین مطلبی را نفرموده اند، البته این که همه - چه پیر و چه جوان - باید به
 ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام امیدوار باشند، سخن درستی است و مژده ظهور هم کار پسندیده ای
 است و در دعاهای مربوط به حضرت ولی عصر علیه السلام آمده که «انَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً» یعنی
 همان ظهور فرج را دور می بینند، ولی ما (شیعیان) آن را نزدیک می بینیم و نیز در روایت سفارش
 است که هر صبح و شام، منتظر ظهور آن حضرت باشید. بنابراین، همه امیدوایم که روزی شاهد
 ظهور حضرت باشیم و از این رو برای آمدن ایشان لحظه شماری می کنیم.

آیا صحت دارد که روز ۲۵ ذی القعدة روز ظهور امام زمان علیه السلام خواهد بود؟

در روایات به بعضی روزها به منزله روز ظهور اشاره شده است؛ مثل روز جمعه،^۲ شنبه،^۳ یا روز
 وز^۴ و روز عاشورا.^۵ البته چنانچه دقت شود این روایات اختلافی با هم ندارند. می تواند روز
 نورا در نوروز و جمعه یا شنبه اتفاق افتد. البته روایات جمعه قوی تر هستند، اما درباره روز
 والارض (۲۵ ذی القعدة) روایتی در این باره یافت نشد.

البته مرحوم سید بن طاووس می فرماید: «شیخ صدوق در کتاب ثواب الاعمال روایتی نقل

کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴.
 حارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۹، ح ۱.
 نعمان، ص ۲۹۰، ح ۳۰.
 نعمان، ص ۳۰۸، ح ۸۴.
 شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۷۴.



کرده که روز ۲۵ ذی القعدة روز قیام قائم علیه السلام است.^۱ اما چنین روایتی در کتاب‌های چاپ شده ثواب الاعمال وجود ندارد. بنابراین، نمی‌توان گفت این روز، روز قیام امام زمان علیه السلام است.

آیا امام زمان علیه السلام جمعه ظهور می‌کند؟

روز جمعه از چند جهت اختصاص به امام زمان علیه السلام دارد: یکی آن که ولادت حضرت در آن رو بوده و دیگر آن که ظهور آن حضرت در روز جمعه خواهد بود،^۲ ولی وقوع ظهور در روز جمعه امری قطعی نیست؛ اگرچه طبق بعضی از روایات ظهور در روز جمعه خواهد بود.

چرا امام زمان علیه السلام در روز جمعه ظهور می‌کنند؟

اولاً: حکمت بعضی مسائل برای ما روشن نیست و ممکن است در آینده روشن شود؛
ثانیاً: از نظر اسلامی، جمعه، عید است و شرافت بسیاری دارد. از این جهت مناسبت دارد که ظهور مهدی علیه السلام که از اشرف حوادث عالم است، در چنین روز شریفی واقع شود. همان‌گونه که میلاد باسعادتش در جمعه واقع شده است.^۳ زیارت آن حضرت در روز جمعه مستحب به شمار می‌رود و سفارش گردیده است؛
ثالثاً: مسئله وقوع ظهور در روز جمعه امری قطعی و تغییرناپذیر نیست.

مکان ظهور

محل وقوع ظهور کدام کشور است؟

بر اساس روایات، محل ظهور حضرت و اعلام آن به جهانیان مکه معظمه است. در این خصوص روایات زیادی وارد شده که به یک نمونه اشاره می‌کنیم: امام باقر علیه السلام در این خصوص فرموده‌اند: «چون امام مهدی علیه السلام قیام کند، به مسجدالحرام می‌رود و پشت به کعبه می‌ایستد و ۳۱۳ مرد نزد او حاضر می‌شوند و نخستین سخنی که به زبان جاری می‌کند این آیه است: ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾.^۴ نیز بر پایه روایات دیگر، حضرت در مسجدالحرام ضمن اعلام ظهور، خود را به جهانیان معرفی و همگان را به پیروی از خود و پذیرش دین الهی دعوت می‌کند.

۱. اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۹.

۳. همان.

۴. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ص ۶۰۴ ح ۱۶.

امام زمان کجا ظهور می کند و آیا از همان ابتدا دست به قیام می زند؟ چرا و چه موقع به قم و کوه خضر خواهد آمد؟

امام مهدی علیه السلام در مکه ظهور می کنند و بنابر نظر مشهور، در همان موقع قیام می نماید، ولی تشریف فرمایی ایشان به شهر مقدس قم و کوه خضر، روایت معتبری وجود ندارد.

البته گفتنی است که در روایات ائمه اطهار علیهم السلام از شهر مقدس قم و مردم با فضیلت این مین، خصوصاً در عصر غیبت به بزرگی یاد شده است؛ از جمله این حدیث:

عفان بصری می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «آیا می دانی که قم را به چه سبب «قم» نهاند؟ گفتیم: خدا و پیامبر و شما دانایان هستید. فرمود: از این جهت قم نامیده شد که اهل آن در ف قائم آل محمد علیه السلام گرد می آیند و در رکاب او قیام و او را یاری می کنند و در یاری او نامت می ورزند.»^۱

اطلاع از ظهور

در زمان ظهور امام زمان علیه السلام جهانیان چگونه از آمدن ایشان باخبر می شوند؟

ظهور امام مخفیانه نیست تا ابتدا افراد خاصی بدانند و بعد به سایرین خبر دهند؛ بلکه وقتی ر اتفاق بیفتد همه مردم دنیا از آن مطلع می شوند.^۲ به همین دلیل به ما گفته شده: خبر ظهور کسی قبول نکنید، زیرا اگر ظهور اتفاق بیفتد همه می فهمند و احتیاجی به خبر دادن نیست.

ما این که چگونه ممکن است همه با هم بفهمند؟ در پاسخ می گوییم: یکی از علامت های امام زمان علیه السلام ندای آسمانی^۳ است. همه مردم جهان آن را خواهند شنید و حتی کسانی که باند بیدار شده، آن را می شنوند^۴ و از آن پس نام امام زمان علیه السلام بر سر زبان ها می افتد و همه می شنوند.^۵

علاوه بر این، علامت هایی مانند قیام فرد پلیدی به نام سفیانی و نیز فرد با تقوایی به نام یمانی

۱- بارالانوار، ج ۶ ص ۲۱۶ (به نقل از زندگانی کریمه اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۶۸).

۲- مان، ج ۵۳، ص ۶؛ امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: کسی او را نمی بیند مگر همه با هم او را می بینند. پس هر کس غیر این را به ما گفت، تکذیبش کنید.

۳- نبی قبل از ظهور، صدایی از آسمان نام امام زمان علیه السلام و نام پدرش را صدا زده، خواهد گفت: از امام مهدی علیه السلام پیروی کنید. امام صادق علیه السلام می فرماید: گوینده ای از آسمان صدا می کند که آگاه باشید حق با علی علیه السلام و شیعیان اوست و این صدا و پیام آسمانی را همه دم دنیا با زبان های مختلف می شنوند و می فهمند. (شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۶۶).

۴- مانی، الغیبه، ص ۲۶۲، ج ۱۳.

۵- زان الحکمه، ج ۱، ص ۱۸۶، ج ۲۴۷.

نیز در چند ماه قبل از ظهور اتفاق می افتد^۱ و مردم را آماده ظهور می کند.

شناخت امام

اگر حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند ما او را چگونه بشناسیم و چه کاری باید انجام دهیم؟

در روایات، اوصاف جسمانی حضرت به خوبی بیان شده است. وقتی حضرت ظهور می کند، اعلام ظهور حضرت با نشانه‌هایی نظیر ندای آسمانی همراه است که همگان آن را می شنوند.^۲ خود حضرت هم در نخستین روز ظهور، خویشان را به طور شفاف به جهانیان معرفی می کند. افزون بر این، معجزه‌هایی که به دست حضرت آشکار می شود، می تواند یکی از راه‌های شناخت آن حضرت به شمار آید. در این هنگام، حجت بر همگان تمام می شود و همه به پیروی از دعوت حضرت و اطاعت از او موظف هستند.

اگر شخصی ادعا کند که امام زمان علیه السلام است، چگونه باور کنیم و راه شناخت او چیست؟

مطمئن باشید وقتی امام زمان علیه السلام ظهور کند همه می فهمند. ظهور اتفاق کوچکی نیست که عده‌ای بفهمند و دسته دیگری نفهمند و یک عده به عده دیگر خبر دهند. هنگام ظهور، همه مردم دنیا به یکباره مطلع خواهند شد به همین دلیل هر کس خبر از ظهور امام زمان علیه السلام دهد، دروغ می گوید و نباید از هیچ کس، خبر ظهور امام زمان را قبول کرد. برای مثال یکی از علامت‌های قبل از ظهور، شنیده شدن نام امام از آسمان است که همه مردم دنیا به زبان خودشان نام امام مهدی علیه السلام را می شنوند و این که صدای آسمانی می گوید: حق با امام مهدی علیه السلام است. بنابراین، تا چنین اتفاقات مهمی که همه با هم از آن با خبر می شوند اتفاق نیفتاده ظهوری در کار نخواهد بود. بنابراین، نباید حرف کسی را در این باره باور کرد. اما اگر منظور قبل از ظهور باشد، یعنی در زمان غیبت، کسی بتواند امام زمان علیه السلام را ببیند باید بگوییم: در دوران غیبت، دیدن امام زمان علیه السلام بسیار کم اتفاق می افتد و در مواقع خاص ممکن است کسی توفیق دیدار امام را پیدا کند. لذا اگر کسی بگوید: من، مرتب امام را می بینم فرد دروغ‌گویی است. اگر حضرت بخواهد خودش را معرفی کند باید دلیلی بیاورد که افراد عادی از

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۱، ح ۹۶.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: گوینده‌ای از آسمان صدا می کند که آگاه باشید حق با علی علیه السلام و شیعیان اوست و این صدا و پیام آسمانی را همه مردم دنیا با زبان‌های مختلف می شنوند و می فهمند. (شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۶۶).

نام دادن یا فهمیدن آن چیز مخفی عاجزند و با چنین دلیلی امام بودن خود را ثابت کند و گرنه این دلیل محکم و قطعی این ادعا از کسی پذیرفته نیست. مثلاً مریض لاعلاجی را شفا دهد یا درون قلب ما از حاجتی که به هیچ کس دیگر نگفته‌ایم خبر دهد و امثال این موارد که افراد بی‌قادر به آن نیستند. علاوه بر این حضرت مشخصات ظاهری معین دارد که می‌توان از آنها چهرهٔ حضرت را تشخیص داد.

تأثیر ظهور

ظهور امام زمان علیه السلام چه تأثیری در جهان دارد؟

امام مهدی علیه السلام دو کار اساسی انجام می‌دهد:

۱. دولت‌های باطل را سرنگون می‌سازد؛
۲. جهان را با تشکیل حکومت اسلامی، پر از عدل و داد می‌کند.

در دولت مهدی موعود علیه السلام و در سایه اجرای درست و کامل تعالیم حیات‌بخش اسلام و احکام ید و خردپسند قرآن به کسی ظلم نمی‌شود و بشر استثمار نمی‌گردد؛ سطح فکری بشر به‌ترین درجه می‌رسد؛ بیماری، بی‌کاری، پریشانی و سرگردانی از بین می‌رود و از تمامی منابع و ها استفاده می‌شود. انسان‌ها در سراسر گیتی از سنت رفاه، آسایش، امنیت، عدالت، صلح و صفا بردار خواهند شد. آزادی، آسایش، خوشی، لذت، اتحاد، اتفاق، برابری و برادری که از آغار ت، همه انسان‌ها در جست‌وجوی آن هستند، در حکومت واحد جهانی آخرین وصی خدا پدید آید.

چرا حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌کند؟

مام زمان علیه السلام آخرین حجت الهی است که برای اجرای کامل برنامه‌های دینی و رشد و تکامل ن‌ها به بالاترین درجات کمال و پیشرفت ذخیره شده‌اند و بعد از ظهور، جهان را پر از عدل و می‌کنند و در سایه حکومت جهانی آن حضرت دیگر از ستم، فقر و فساد در زمین خبری ت. آن حضرت زمینه خوش‌بختی واقعی همه مردم از نظر مادی و معنوی را فراهم می‌آورد که ، سعادت دنیا و آخرت است و مردم از خیر و برکت زمین و آسمان بهره‌مند می‌شوند.

ظهور صغرا و کبرا

ظهور صغرا و ظهور کبرا برای امام زمان علیه السلام چگونه است و چه چیزی پیش درآمد ظهور کبرا

شمرده می شود؟

ظهور حضرت مهدی علیه السلام نظیر غیبت صغرا و کبرا دو مرحله ای نیست، بلکه حضرت علیه السلام یک ظهور بیشتر ندارد و آن عبارت از قیام و ظهور آشکار حضرت برای برپایی حکومت عدل الهی در سراسر جهان است. در روایاتی که از ظهور حضرت سخن به میان آمده نیز همین مطلب بیان شده است؛ یعنی قیام حضرت همان چیزی است که همگان در انتظار تحقق آن به سر می برند.

با گذشت زمان و مشاهده برخی آثار و نشانه ها که روایات آنها را نشانه های نزدیک شدن عصر ظهور مطرح کرده اند، این بینش و احساس برای انسان پدید می آید که گویا افق های ظهور کم کم پدیدار می گردد و جهان به تدریج به این سمت پیش می رود و بشریت نیز نیاز به چنین حکومتی را بیش از گذشته احساس می کند. از این منظر می توان این حرکت تدریجی و رونق روزافزون نام و یاد حضرت بر سر زبان ها و در محافل علمی و جهانی را ظهور صغرا و پیش درآمد ظهور حضرت تلقی کرد؛ اما اصل رخداد ظهور حادثه ای یک مرحله ای است که با فراهم شدن شرایط، به فرمان الهی روی می دهد.

ظهور و قیامت

آیا ظهور امام زمان علیه السلام با قیامت همراه است؟

طبق روایات دو قیامت وجود دارد:

۱. قیامت صغرا یا رجعت: قیام حضرت مهدی علیه السلام همراه با زنده شدن عده ای از مردگان است. پس نام دیگر رجعت، قیامت صغراست. البته ظهور حضرت و مسئله رجعت دو رویداد مستقل از هم هستند که ابتدا ظهور حضرت و بعد رجعت انجام می گیرد. پس قیامت صغرا بر هر دو رویداد منطبق می گردد؛

۲. قیامت کبرا یا روز قیامت و برانگیخته شدن همه مردم: این قیامت، بعد از ظهور حضرت و رجعت صورت می گیرد.^۱ در واقع ظهور حضرت و رجعت یکی از نشانه های قیامت است که قیامت بعد از رجعت و رجعت بعد از ظهور حضرت خواهد بود.

۱. سیدفخرالدین موسوی، سؤال از امام مهدی علیه السلام در روایات، ص ۲۷۶.



علت این که ظهور امام زمان علیه السلام را روز قیامت یا یوم‌المحشر می‌خوانند چیست؟

در روایات، در مورد ظهور حضرت علیه السلام تعبیر روز قیامت یا یوم‌المحشر وجود ندارد. البته گاهی ظهور آن حضرت قیامت صغرا گفته می‌شود. یعنی قیامت کوچک و قیامت در همین دنیا، شاید مت این نام‌گذاری، اتفاقات شگفتی است که در زمان ظهور آن حضرت پدیدار می‌شود؛ مثل زنده شدن گروهی از مردم. از آن جا که این امور به هنگام قیامت انجام می‌گیرد و از امور مربوط به قیامت است، به این دوره زمانی نیز که با دوران گذشته متفاوت است و به دوران بعد شباهت دارد، مت صغرا می‌گویند.

حضور در مکه

چگونه می‌توان پس از ظهور امام زمان علیه السلام به مکه رفت؟

در زمان ظهور همه به مکه نمی‌روند تا جای این سؤال باشد که چگونه باید رفت. در روایات، گروه ذکر شده که به محضر امام زمان علیه السلام می‌رسند:

گروه اول، اصحاب خاص که ۳۱۳ نفر هستند، در حالی که آنها در یک لحظه به صورت جزه‌آسا در مکه حاضر می‌شوند،^۱ یعنی وقتی شب در رخت‌خواب خود خفته‌اند ناگهان خود را در مکه می‌بینند،^۲ بنابراین، در مورد آنها این مشکلات وجود ندارد.

گروه دوم، ده - پانزده هزار نفر یاران حضرت هستند که بعد از این ۳۱۳ نفر به مکه می‌رسند. این گروه نیز با طی الارض به مکه می‌روند،^۳ یعنی پیاده حرکت می‌کنند، اما چند قدم برداشته به مکه می‌رسند و در طی مسیر قدرت فوق‌العاده‌ای دارند، بنابراین، آنها نیز به گذرنامه و هواپیما احتیاج ندارند و دوری برای آنها بی‌معناست. اینها یارانی هستند که با حضور آنها در مکه، حضرت، ظهور و حرکت خود را آغاز می‌نماید، اما سایر مردم نیز لازم نیست در مکه باشند. هر کس که می‌خواهد با حضرت یا نمایندگان ایشان می‌رسند، مردم با آنها بیعت می‌کنند.

۱- همان، ص ۲۸۸، ج ۲۶؛ کافی، ج ۸، ص ۳۱۳، ج ۴۸۷.
۲- حارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸، ج ۱۵۳.
۳- وضه‌الواعظین، ص ۲۶۳.

شرایط ظهور

شرایط کلی

شرایط تحقق حکومت عدل جهانی چیست؟

مقصود از ظهور، تحقق حکومت عدل جهانی است که پیدایی آن، چهار شرط دارد:

۱. وجود رهبر جهانی؛

۲. برنامه و استراتژی حرکت و حکومت؛

۳. یاوران؛

۴. پذیرش جهانی.

هر حکومتی به رهبری شایسته نیاز دارد که توانایی اداره نظام را داشته باشد و نیز برنامه‌ای جامع لازم است که همه نیازهای جامعه را برآورد. در حکومت جهانی مهدی علیه السلام، هم رهبر شایسته و هم برنامه جامع، فراهم گردیده است؛ زیرا قرآن که عالی‌ترین نسخه حکومت و حکومت‌داری را بیان کرده، برنامه حکومت مهدی علیه السلام است. امام مهدی علیه السلام که نماینده خدا و آخرین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله است رهبری حکومت را بر عهده دارد.

شرایط و زمینه‌های حکومت که نیاز به تحقق دارد، وجود یاوران لایق و پذیرش جهانیان به حاکمیت عدل الهی است. به عبارت دیگر، برای تحقق حکومت عدل جهانی، یاوران، از نظر کمی (تعداد) و کیفی (اوصاف و ویژگی‌ها)، باید به گونه‌ای باشند که بتوانند حاکمیت بزرگ حضرت مهدی علیه السلام را عهده‌دار شوند. چنان که در بعضی از روایات آمده، یاوران ۳۱۳ تن هستند که مقصود هسته مرکزی یاوران است. در روایات دیگر به حلقه‌های بی از یاوران حضرت اشاره شده که گرد هم خواهند آمد.

جهانیان برای تحقق شرایط حکومت جهانی، باید برای پذیرش حاکمیت معصوم علیه السلام آماده و از آن استقبال کنند. در آن زمان، مردم جهان همه مکاتب بشری و حکومت‌ها را تجربه و ناکامی آنها را در تحقق بخشیدن به آرزوهای بزرگ بشر، در عمل دیده‌اند و همه امیدشان بی حاکمیت منجی آسمانی است.

مه وظیفه داریم که در جهت تقویت جبهه یاوران امام مهدی علیه السلام بکوشیم و با فرهنگ‌سازی، خود و جامعه جهانی را برای پذیرش حکومت الهی و عدالت قرآنی آماده کنیم.

رابط ظهور چیست و آیا باید همه آنها فراهم شود یا عوامل تسریع دیگری وجود دارد؟

رابط متعددی برای ظهور باید فراهم شود، زیرا ظهور نیز مانند هر پدیده دیگر، به زمینه برای بروز و نتیجه دادن احتیاج دارد و بدون آن شرایط، ظهور اتفاق نمی‌افتد. بنابراین، دیگری غیر از فراهم شدن شرایط و زمینه‌های ظهور نمی‌تواند موجب ظهور یا تسریع آن البته عواملی هست که با وجود آن، این شرایط سریعتر به وجود می‌آید و در نتیجه ظهور اتفاق می‌افتد، اما به هر حال باید این شرایط فراهم شود.

دو شرط از شرایط مهم ظهور اشاره می‌کنیم که شرایط دیگر نیز در درون آن خواهد بود: وجود یاران کارآمد: چنان که روشن است وجود رهبر، هر چند بسیار آگاه و کارآمد باشد، به کافی نیست، زیرا باید کسانی باشند که دستورها و اهداف آن رهبر را اجرا کنند و به عرصه آورند بنابراین، برای این که قیام ثمربخش باشد، باید افرادی باشند که اوامر امام زمان علیه السلام را و همان‌گونه که امام می‌خواهد انجام دهند یعنی افرادی عالم و آگاه و در عین حال اهل تقوا و ص باشند تا از موقعیت خود سوءاستفاده ننمایند؛ فداکار و جان‌نثار، اهل مبارزه و مقاومت و از هیچ چیزشان در راه اطاعت از امام دریغ نکنند و با تمام وجود، در خدمت امام باشند و اوقف او نمایند؛

۲. آمادگی مردمی: اگر رهبر و افراد فرمان بر باشند، اما توده مردم آنها را نپذیرند و حاکمیت آنها را قبول نکنند، باز قیام و حرکت اثری نخواهد داشت. بنابراین، شرط دیگر ظهور این است که مردم واقعاً طالب حکومت مهدوی باشند و تن به عدالت دهند و برای اجرای عدالت و اسلام و دین از چیزی دریغ نکنند؛ عدالت را فقط زمانی که به نفع آنهاست نخواهند. بلکه ارزش عدالت و دین را بفهمند و برای برقراری عدالت و معنویت سرمایه گذاری نمایند. این وقتی اتفاق می افتد که مردم اولاً بفهمند تنها راه نجاتشان برقراری معنویت و عدالت است و ثانیاً به این علم و فهم خود عمل کنند؛ یعنی عملاً برای آن اقدام نمایند. البته عواملی وجود دارد که این علم را تسریع می کند مثل وجود وسائل ارتباط جمعی و رسانه های جهانی که می تواند پرده از چهره مدعیان دروغین حقوق بشر، مبارزه با تروریسم، مبارزه برای امنیت و غیره بردارد و مردم زودتر بفهمند که اینان توان به سعادت رساندن انسان را ندارند و بلکه بیشتر آنها را گمراه می کنند و باید سراغ راه دیگری بروند. و از طرفی دیگر به این نتیجه برسند که با سیاست کاری و باندبازی و فامیل گرایی و رشوه و صد عامل دیگر نمی توان کشور و جامعه ای سالم داشت و به سعادت رسید؛ بلکه تنها راه، اجرای عدالت است.

آن گاه برای معنویت و عدالت بپا خواهند خاست و هر نوع فساد و بی عدالتی را محکوم و برای عدالت فداکاری خواهند کرد. در این زمان می توان گفت زمینه برای ظهور فراهم شده است و مردم حاضرند حکومت مهدوی را بپذیرند.

البته نباید گمان کرد که چنین چیزی به این زودی ها اتفاق نمی افتد، زیرا نشانه هایی وجود دارد که مردم هر روز بیشتر و بیشتر تشنه عدالت می شوند و به دنبال افراد عادل می گردند.

امام زمان علیه السلام آمدنی است یا آوردنی؟ (چرا امام زمان علیه السلام ظهور نمی کند؟)

باید توجه داشت که اصل ظهور و آمدن امام مهدی علیه السلام و پر کردن زمین از عدل و داد، از وعده های الهی است و خداوند هرگز برخلاف وعده اش عمل نمی کند. بنابراین، ظهور حتماً اتفاق خواهد افتاد و چیزی نمی تواند مانع شود. تا این حد را می توان آمدنی دانست و کسی نمی تواند آن را تغییر دهد.

اما این که امام زمان علیه السلام چه وقت ظهور می کند؛ زود یا دیر، این به دست مردم و بسته به شرایط است. هر چه شرایط زودتر فراهم شود امام سریع تر ظهور می کند. همین طور با تأخیر شرایط، ظهور نیز به تأخیر می افتد. از این لحاظ می توان گفت حضرت آوردنی است و برای تعجیل



ظهورش باید تلاش کرد.

برخی از شرایط که باید فراهم شوند از این قرارند:

۱. یاران لایق: اگر نهضت و قیامی بخواهد ثمر ببخشد، به افرادی دل داده احتیاج دارد که اوامر هبر را با تمام توان به جا آورند و در راه خدمت، سر از پا نشناسند؛ خود را فدای هدف و برپایی عدالت و معنویت کنند؛ بصیر و آشنا به مسائل دینی و در همان حال اهل جهاد، مبارزه، کار و خدمت باشند. بنابراین، باید عده‌ای خود را به این سطح از علم، معرفت، خدمت، فداکاری و تلاش رسانند تا یکی از شرایط و زمینه‌های ظهور فراهم آید؛

۲. پذیرش عمومی: یکی از عوامل دیگر پیروزی یک نهضت، مقبولیت مردمی است، یعنی باید جامعه در سطحی باشد که پذیرای اوامر امام بوده، به آنها عمل کند. جامعه‌ای عدالت‌خواه و منویت‌طلب باشد؛ مردم عدالت را بپذیرند، هر چند به ضررشان باشد، از جان و دل، پیشرفت منویت و ارزش‌های الهی و انسانی در جامعه را بخواهند و به این باور رسیده باشند که غیر از امام بصوم، کسی نمی‌تواند جهان امروز را نجات دهد.

اما کی و چه وقت مردم به این عقیده و بینش می‌رسند؟ وقتی به این نتیجه می‌رسند که تمام کومت‌ها و گرایش‌ها را تجربه کنند و همه مدعیان با انواع تفکر، به مرور زمان بر سر کار آیند و بسایی و ناتوانی همگی آنها برای مردم آشکار گردد. از این رو در روایات آمده است: «دولت بدی آخرین دولت است»^۱ تا عده‌ای نگویند اگر قدرت دست ما بود ما هم می‌توانستیم. وقتی دم از تمام مکتب‌ها و حکومت‌ها قطع امید کردند (چنان که این اتفاق در غرب در حال وقوع است) خواهان منجی الهی می‌شوند و این ظرفیت را در خود ایجاد می‌کنند که هر چه منجی الهی ید، با جان و دل بپذیرند و به جا آورند. چنین جامعه‌ای، جامعه منتظر است و با چنین شرایطی، توان توقع ظهور داشت.

آیا امام زمان علیه السلام هنگامی که ۳۱۳ یار داشته باشد، ظهور می‌کند؟

در روایتی جناب عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام نقل می‌فرمایند: «... یجتمع الیه من اصحابه من اهل بدر، ثلاث مائة و ثلاثة عشر رجلاً من اقصى الارض... فاذا اجتمعت له هذه العدة من

شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۸۵.

اهل الاخلاص أظهر الله امره...؛ ۳۱۳ نفر از اصحاب امام مهدی علیه السلام به تعداد اهل بدر، از اطراف زمین به سوی حضرت می آیند و اطرافش جمع می شوند... وقتی این عده از اهل اخلاص جمع شوند، خداوند امرش را آشکار می کند.^۱

برخی بر اساس این روایت معتقدند: «اگر امام زمان علیه السلام فقط ۳۱۳ یار مخلص داشته باشند، ظهور می کنند.»^۲

اما حقیقت آن است که تکمیل شدن این تعداد یار برای امام مهدی علیه السلام تنها شرط و علت تامه برای ظهور نیست، بلکه یکی از شرایط ظهور، وجود یاران است. ظهور امام مهدی علیه السلام شرایط دیگری مانند آمادگی و استقبال جهانی نیز دارد. بنابراین، زمینه ظهور و حکومت جهانی فقط وجود یاران نیست.

رابطه ظلم و ظهور

با وجود این همه ستم و فسادى که در دنیا رایج شده و خود امام زمان علیه السلام هم شاهد آن هستند؛ چرا ظهور نمی کنند؟ (امام عصر وقتی بیاید ظالمان و مستکبران را نابود می کند. اما چرا این کار وقتی صورت می گیرد که جهان پر از ظلم شود؟ مگر پیش گیری بهتر از درمان نیست؟) باید توجه داشت که آن چه موجب ظهور آقا امام زمان علیه السلام می شود، آمادگی مردم برای پذیرش حکومت امام و هم چنین وجود یاران مخلص و فداکاری است که دستورهای امام را دقیقاً اجرا کنند و در این راه از هیچ کوششی فروگذاری ننمایند.

بنابراین، وجود ستم و پر شدن عالم از آن، باعث ظهور نمی شود. آری، در روایات آمده که حضرت زمانی ظهور می کند که زمین پر از ستم شود؛ اما معنای این روایت ها این نیست که پر شدن جهان از ظلم و ستم، علت ظهور است، بلکه می فرماید: هنگام ظهور وضع جهان چنین خواهد بود و حضرت در اوج بیداد و ستم ظهور خواهد کرد. به عبارت دیگر، این احادیث گویای اوضاع جهان در زمان ظهور است، نه بیان کننده علت ظهور.

پس اگر بخواهیم ظهور هر چه سریع تر اتفاق بیفتد، باید زمینه پذیرش حکومت عدل امام مهدی علیه السلام را در خود و جامعه به وجود آوریم و به جایی برسیم که بدانیم به جز امام زمان علیه السلام

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۷، باب ۳۶، ح ۲.

۲. آفتاب در غربت، ص ۳۳۲.

می‌تواند ما را به نیک‌بختی برساند و هر چه امام امر کند، به سود ماست؛ گرچه این عدالت
وی، گاه به ضررمان نیز تمام شود. البته پر شدن جهان از ستم نیز انسان را برای هرچه زودتر
نتیجه رسیدن، یاری می‌رساند.

نکته بعد این که باید دریابیم پیشرفت صنعت و علم، بدون معنویت و انسانیت، به تنهایی
تواند برای مردم عدالت و سعادت بیاورد؛ بلکه انسانی الهی لازم است تا به کمک علم و
توانمندی او، نیازهای واقعی بشر پاسخ گفته شود و او راه سعادت را به همه نشان دهد. بنابراین، برای
حضرت مهدی علیه السلام آمادگی عمومی جامعه برای حق‌پذیری و ظلم‌ستیزی آنان و فراهم
کردن یاران مخلص و فداکار، ضروری‌ترین شرط ظهور است و در غیر این صورت، امام به تنهایی
تواند کاری انجام دهد؛ چنان‌که ائمه گذشته نتوانستند جامعه را اصلاح کنند.

مسئله مهم، فراهم شدن زمینه ظهور است که در رأس آنها، آمادگی جامعه انسانی برای پذیرش
آن کاملاً حق‌گرا و ظلم‌ستیز، بر اساس فرمان‌های الهی قرار دارد؛ وگرنه، هر اندازه هم بیدار
باشد، امام ظهور نخواهد کرد؛ چون زمینه ظهور فراهم نشده است و ایشان نمی‌تواند برنامه
خود را اجرا کند.

توجه به مطالب یاد شده، روشن شد که برای تسریع در ظهور امام زمان علیه السلام، باید یاوران
شما و توانمندی تربیت شوند، و در فضای جامعه و در سطح بین‌الملل، نام و یاد حضرت
شما یابد و فرهنگ مهدویت تبلیغ شود، تا مردم مشتاق و آماده پذیرش حکومت عدل جهانی
مهدی علیه السلام گردند.

**گونه امام زمان علیه السلام در عصری که فساد و تباهی همه عالم را فرا گرفته و جز عده کمی بر
خود باقی نمانده‌اند، ظهور می‌کند؟**

سخن این مسئله را در بررسی ریشه‌های هر انقلاب می‌توان یافت. انقلاب بزرگ و جهانی
حضرت مهدی علیه السلام نیز یکی از این انقلاب‌ها خواهد بود. با این تفاوت که این انقلاب، جهانی
از وحی نشئت گرفته و آخرین وصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را بدون خطا و اشتباه برقرار خواهد

رشته علل و عوامل برای بروز هر انقلابی لازم است:

به ستوه آمدن مستضعفان؛

توانمندی رهبر در به هم ریختن وضع موجود و اتحاد امت در ایجاد انقلاب.

روایات زیادی به این دو عامل در عصر پیش از ظهور اشاره دارند. گروهی از روایات به ناامنی‌های پیش از ظهور دلالت می‌کنند، مثل جنگ، کشتار، فتنه‌ها، اسیر شدن مسلمانان، مرگ‌های ناگهانی، جنایات هولناک، هرج و مرج و...؛ نیز گروهی به وضعیت نابسامان اقتصادی و گسترش فساد و تباهی، مانند کمبود باران و یا باریدن باران‌های بی‌موقع، خشک شدن دریاچه‌ها و رودها، گسترش گرانی، گرسنگی، فقر، رکود تجارت، مبادله زنان در مقابل مواد غذایی و... اشاره می‌نمایند؛ گروهی دیگر از روایات به زمینه‌سازان قیام و انقلاب جهانی مهدوی به رهبری عالمان و دانش‌مندان شیعه به خصوص اهل قم، مرکز نشر فرهنگ اسلامی، اشاره می‌کنند. دیگر نشانه‌ها از این شمار است: وجود مؤمنان حقیقی و رهبران نستوه مانند: جوانی خوش‌سیما از بنی‌هاشم^۱ به نام سید خراسانی و یا جوانی خوش‌رو از ناحیه دیلم به نام سیدحسینی^۲ و هم‌چنین یمانی و... که اینان پرچم را به صاحب اصلی‌اش حضرت مهدی علیه السلام تقدیم خواهند نمود.

بنابراین، در روایات علاوه بر گسترش ظلم و فساد و تباهی به نکات روشن و روزنه‌های امید نیز اشاره شده است؛ حضور مؤمنان در سراسر گیتی و در تمامی اعصار، حتی در اوضاع سخت پیش از ظهور.

انسان‌ها از نظر صفات اخلاقی متفاوت‌اند: کسانی که صالح و قیام‌گر واقعی هستند و در تمامی اعصار با ظلم و فساد مبارزه کرده‌اند، در قیام امام زمان علیه السلام نیز مشارکت جدی خواهند داشت، اما خیلی از افراد ناصالح نیز بصیرت یافته، آثار سوء و منفی فساد و تباهی و ناهنجاری را در خود و جامعه مشاهده خواهند نمود و به انقلابی‌ها خواهند پیوست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره چگونگی بقا و فنای حکومت‌ها فرموده‌اند: «الملكُ یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم»^۳ بنابراین، ظلم از عوامل زوال حکومت‌هاست.

پس کثرت ظلم و فساد نه تنها از عوامل استبعاد قیام نبوده بلکه از عوامل شتاب‌زا برای هر انقلاب اصلاحی به شمار می‌آید. در ضمن کیفیت نیروهایی که وارد عمل می‌شوند، خیلی بالا و زیاد است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «به هر یک از آنها توان چهل مرد داده شود»^۴ در روایات به ایمان راسخ، اطاعت محض از امام علیه السلام، قدرت و توان‌مندی، هوش‌یاری، کاردانی، شجاعت،

۱. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۲۷۰، حدیث ۷۹۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵.

۳. شیخ مفید، امالی، ص ۳۱۰؛ محمدصالح مازندرانی، شرح اصول کافی، ج ۹، ص ۳۸۶.

۴. اختصاص، ص ۸؛ ینابیع الموده، ص ۵۰۹، چاپ نجف.

ست، سخت کوشی و سایر صفات حسنه و ممتاز آنان اشاره شده است که به جهت اختصار از آنها صرف نظر کردیم.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

﴿...كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾؛^۱ چه بسیار گروه اندک که است و یاری خداوند بر سپاهی بسیار بزرگ غالب آمده‌اند و خداوند یار و مددکار صابران «

ترچه تعداد فاسدها و منحرفان زیاد هم باشد، اراده خداوند بر پیروزی صالحان و مستضعفان خواهد گرفت، زیرا:

۱. مؤمنان سخت مقاومت خواهند نمود و تسلیم نخواهند شد (وجود یاران فداکار و با ایمان)؛
۱. سطح آگاهی مردم به طوری بالا می‌رود که از وضعیت موجود ناراضی و خواهان ایجاد عدل الهی هستند (آمادگی عمومی برای ظهور و قیام)؛
خداوند متعال نیز یاری و امدادهای غیبی (مثل وارد کردن رعب و ترس در دل دشمنان) می‌رساند.

ن سه عامل اصلی، باعث پیروزی حضرت و شکست دشمنان است.

خیر ظهور

• چیزی موجب تأخیر ظهور امام زمان علیه السلام می‌شود؟

مهم‌ترین عامل تأخیر ظهور حضرت، آماده نبودن جهان برای پذیرش حکومت الهی امام علیه السلام است، زیرا سنت الهی بر این است که در صورت آمادگی بندگان، لطف و عنایت خود را دریغ نکند. ضمن این که هیچ‌گاه این امر اجباری نیز نخواهد بود؛ بلکه وعده‌های الهی در انتخاب و اختیار مردم تحقق خواهد یافت. در منابع دینی به منظور ایجاد چنین آمادگی و ن آن، ائمه علیهم السلام به جامعه شیعی توصیه کرده‌اند که در عصر غیبت، همواره حالت انتظار و برای ظهور و یاری آن حضرت را داشته باشند و زمینه‌های دعوت و استقبال از ایشان را در پدید آورند. به همین جهت در فرهنگ شیعی، عصر غیبت را «عصر انتظار» به حساب

بقره، آیه ۲۴۹.

امام سجاد علیه السلام می فرماید: «ان اهل زمان غیبه القائلون بامامته المنتظرون لظهوره افضل اهل کل زمان؛^۱ مردمی که در زمان غیبت مهدی علیه السلام به سر می برند و معتقد به امامت وی هستند و خود را آماده ظهور او کرده اند، بهتر و شایسته تر از مردم هر زمان دیگرند.»

این برتری و فضیلت با توجه به شرایط خاص زمانی عصر غیبت است که وظایف ویژه ای را بر عهده شیعیان می گذارد، زیرا در چنین موقعیتی، ثبات قدم در راه آن حضرت و دفاع از مکتب تشیع کاری دشوار است. رسالت مهم شیعه در این دوران اولاً: معرفت صحیح به آن حضرت و ترویج آن و ثانیاً: عمل به وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی و دوری از گناه و آلودگی به فساد است، زیرا هم چنان که عمل به احکام دینی و اجرای امر به معروف و نهی از منکر در اصلاح جامعه و زمینه سازی برای ظهور حضرت موثر است، گناه و آلودگی به فسادهای اخلاقی، سیاسی و اجتماعی نیز ظهور حضرت را به تأخیر انداخته، محرومیت جامعه از ایشان را بیشتر می کند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲ (باب فضل انتظار الفرج و فضل الشیعه فی زمان الغیبه)، ص ۱۲۲.

نشانه‌های ظهور

تعریف نشانه‌ها

علائم ظهور چیست؟

علائم ظهور، نشانه‌هایی است که قبل از ظهور امام زمان به وقوع می‌پیوندد و از نزدیک شدن نتمی بودن ظهور خبر می‌دهد و مایه امید مؤمنان و ترس و وحشت کافران می‌شود.

فواید نشانه‌ها

علائم ظهور چه فواید دارد؟

با بررسی و تأمل در روایات علائم ظهور، به فواید آن در جامعه پی خواهیم برد که به برخی از اشاره می‌شود:

۱. آگاهی امت از پرچم‌ها و دعوت‌های گمراه‌کننده؛
۲. بشارت به ظهور دعوت‌های حق و قیام‌هایی که در آن مردم را به حق دعوت می‌نمایند؛
۳. اخبار غیبی از آن جهت که خرق عادت است، از اهم دلایل نبوت و امامت به شمار می‌آید، شر و تحقق آنها یقین را در قلوب مسلمانان بیشتر می‌کند؛

۴. بعد از تحقق هر یک از علائم، اطمینان مردم به اصل ظهور بیشتر خواهد شد؛
۵. محرک مسلمانان در زمینه‌سازی برای ظهور است و به آنان آمادگی روحی، سیاسی و جهادی برای شرکت در حکومت آن حضرت خواهد داد.

تعداد نشانه‌ها ظهور

کلیه علائم ظهور را بیان کنید؟

اعتقاد به آمدن مصلح در آخرالزمان از دل تاریخ سرچشمه می‌گیرد. و مخصوص اسلام و تشیع نیست. به عبارت دیگر همه ادیان ظهور منجی را انتظار می‌کشند. ولی در این میان اسلام و به ویژه مذهب تشیع - بر خلاف ادیان و مذاهب دیگر - از ظهور حضرت مهدی تفسیر و تصویر روشنی ارائه داده به گونه‌ای که حتی حوادث و رویدادهای پیش از ظهور را نیز بیان نموده است. از مجموعه حوادث و رویدادها و تحولات پیش از ظهور یا هم‌زمان با آن به «نشانه‌ها یا علائم ظهور» تعبیر می‌شود.

منابع دینی بسیاری از رخدادهای طبیعی و دگرگونی‌های سیاسی - اجتماعی را از نشانه‌های ظهور یاد کرده‌اند. بدیهی است که درجه اعتبار و درستی همه این نشانه‌ها یکسان نیستند. برخی در منابع معتبر آمده و از جهت سند و دلالت استوار است و برخی در کتب اهل سنت و از منابع درجه دوم به حساب می‌آید.

بنابراین، به طور دقیق و یقینی نمی‌توان تعداد علائم ظهور را تعیین کرد. ولی مجموعه این روایات به ما اطمینان می‌دهند که در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام حوادثی رخ خواهد داد. از میان این علائم برخی قطعی هستند که به «علائم حتمی ظهور» یا «نشانه‌های قطعی ظهور» معروفند. یعنی اولاً: پدیدار شدن آنها بدون هیچ قید و شرطی قطعی و الزامی خواهد بود و ثانیاً: ظهور حضرت حتماً پس از وقوع آن علائم خواهند بود و همه آنها در نزدیکی ظهور (حدود شش ماه قبل از ظهور) اتفاق خواهد افتاد. برخی دیگر نیز غیرحتمی هستند. امام باقر علیه السلام در این باره فرمودند: «نشانه‌های ظهور دو دسته است: یک دسته نشانه‌های غیرحتمی و دسته دیگر نشانه‌های حتمی...»^۱

۱. نعمانی، الغیبه، ترجمه آقای غفاری، باب ۱۸، ص ۴۲۹.

نشانه‌های حتمی:

۱. خروج سفیانی: سفیانی نام مردی جنایت‌کار است که از شام قیام می‌کند و لشکرهایی برای نتن شیعیان به مدینه و کوفه می‌فرستد و خودش هم به سمت بیت‌المقدس حرکت می‌کند؛ امام اذق علیه السلام فرمود: «اگر سفیانی را ببینی، پلیدترین مردم را دیده‌ای.»^۱
۲. خسف بیداء: خسف یعنی فرو رفتن در زمین و بیداء نام بیابانی میان مکه و مدینه و به نای نابودی است. وقتی لشکر سفیانی پس از فتح مدینه از آن‌جا خارج می‌شوند و به سوی مکه حرکت می‌کنند، همه در بیابان بیداء به زمین فرو رفته، به طور معجزه‌آسا دفن می‌شوند؛
۳. ندای آسمانی: منظور صدایی است که در شب و روز بیست و سوم ماه مبارک رمضان از مان شنیده می‌شود و همه دنیا و هر کس به زبان خود آن را می‌شنود. امام صادق علیه السلام فرمود: «دهنده‌ای از آسمان به نام قائم علیه السلام و نام پدرش آواز می‌دهد.»^۲
۴. قتل نفس زکیه: نفس زکیه یعنی انسان پاک و بی‌گناه؛ یکی از نشانه‌های حتمی، کشته شدن فردی بی‌گناه از سادات در مسجدالحرام (بین رکن و مقام) است. امام صادق علیه السلام فرمود: «بن قیام قائم آل محمد علیهم السلام و کشته شدن نفس زکیه، تنها پانزده شب فاصله دارد.»^۳
۵. قیام یمانی: یمانی سرداری نیک‌نهاد و درست‌کار و طرفدار امام مهدی است و از «سرمین یمن کمی پیش از ظهور قیام می‌کند. او با تباهی‌ها می‌ستیزد. امام باقر علیه السلام بوده: «در میان بیرق‌هایی که پیش از قیام مهدی علیه السلام بلند می‌شود، پرچمی هدایت‌کننده‌تر از بزم یمانی وجود ندارد که آن پرچم هدایت است، چون شما را به سوی صاحب‌تان دعوت کند.»^۴ یمانی، هم زمان با سفیانی قیام می‌کند.^۵

نشانه‌های غیرحتمی:

علائم غیرحتمی، علائمی است که تحقق آن مشروط است. شاید به خاطر تغییر اوضاع جهان

همان، ج ۲، ص ۵۵۷.

همان، ص ۱۸۷.

روایات چنین بر می‌آید که چندین ندا به گوش می‌رسد.

کمال‌الدین، ج ۲، ص ۵۵۴.

عمانی، العیبه، ص ۲۶۴.

در کتب روایی ما، این پنج مورد در حدیثی از امام صادق علیه السلام یک جا و از علامات حتمی ذکر شده است. کمال‌الدین، باب علامات ظهور، حدیث ۷.

اتفاق نیفتد و همچنین معلوم نیست که پس از اتفاق افتادن، چه مدت طول خواهد کشید تا ظهور امام زمان علیه السلام به وقوع پیوندد. علائم غیرحتمی زیاد است؛ تعدادی از آنها اتفاق افتاده و تعدادی نیز امکان دارد اتفاق بیفتد. اما نکته قابل توجه این است که انسان باید از تطبیق کردن پرهیز نماید و اتفاقات جاری را به آسانی همان نشانه ظهور نداند، زیرا این ادعا دلیل قاطع و یقینی می‌خواهد و نمی‌توان آن را با سلیقه خود تعیین کرد. چه بسا چنین برداشتی باعث امید کاذب و واهی یا باعث بدبینی و یأس گردد. همان‌طور که قبلاً یادآوری گردید، نشانه‌های غیرحتمی بسیار است و در صحت و دلالت نیز با یک‌دیگر تفاوت دارند و برخی از علائم قیامت می‌باشند، نه ظهور.

در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- بیرون آمدن پرچم‌های سیاه از طرف خراسان؛

- خسوف و کسوف در یک ماه رمضان؛

- باران‌های پیاپی؛

- جنگ‌های خونین؛

- گسترش ظلم و فساد؛

- آمدن غربی‌ها به سرزمین عراق؛

- فتنه و آشوب در سوریه؛

- اختلاف در میان امت اسلام؛

- انقراض سلسله بنی‌عباس؛

- بالا آمدن آب دجله؛

- قیام سید حسنی؛

- گرانی و بالا رفتن قیمت‌ها و ...

در پایان باز تذکر می‌دهیم که انسان نباید با شنیدن علائم ظهور و یا خواندن آنها در جایی، این نشانه‌ها را قاطعانه بر اوضاع فعلی جهان تطبیق دهد، زیرا معلوم نیست که روایت به کدام واقعه اشاره دارد، زیرا در روایات، نشانه‌ها به گونه کلی بیان شده و قابل تطبیق بر موارد متعدد است. همچنین روشن است که علامات حتمی و نزدیک به قیام حضرت هنوز اتفاق نیفتاده است. در روایات، از علائم و نشانه‌های حتمی دیگری نیز سخن به میان آمده است؛ مثل خسوف و کسوف ماه و خورشید برخلاف عادت معمول در ماه مبارک رمضان، که در فاصله چند ماه مانده به

هور حضرت مهدی علیه السلام اتفاق می‌افتد. پیداست که این علامت‌ها نیز محقق نشده است. به نشانه‌های حتمی، نشانه‌های قریب (نزدیک به ظهور) نیز گفته می‌شود؛ چرا که همه آنها در سله کمتر از یک سال مانده به ظهور اتفاق می‌افتند.^۱

پدیده‌های غیرمتعارف قبل از ظهور کدام‌اند؟

ابتدا باید گفت که در روایات، علائم بسیاری برای ظهور نقل شده است؛ چه از طریق امامان ما چه از سوی اهل سنت؛ به گونه‌ای که جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از آنها کار بسیار دشواری است. ب‌های متعددی درباره علائم ظهور نوشته شده که گاهی یک عنوان از آن کتاب‌ها چند جلد است. این کتاب‌ها حاوی اخبار حوادث عجیب و غریبی است که قبل از ظهور اتفاق خواهد افتاد. نمی‌توان گفت همه این نقل‌ها صحیح است و هرچه در روایات آمده اتفاق خواهد افتاد، زیرا بی‌از این نقل‌ها اساساً مخدوش است و قابل اعتماد نیست و در برخی دیگر هم ممکن است حاصل شود، یعنی ابتدا مقدر بوده که با شرایطی اتفاق بیفتد، اما بعد در اثر عوض شدن یط، مقدرات نیز عوض شده و آن حادثه واقع نخواهد شد. البته درباره بعضی از نشانه‌ها تصریح است، که حتمی است و یقیناً واقع خواهد شد.

با توجه به این مقدمه، به بعضی از وقایع غیرمتعارف که در اخبار آمده اشاره می‌کنیم:

این وقایع بیشتر در شش ماهه پایانی قبل از ظهور اتفاق خواهد افتاد:

۱. ندای آسمانی: یکی از وقایع غیر متعارف، شنیده شدن صدایی از آسمان است که نام امام را ندا می‌دهد.^۲ امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «منادی ندا می‌دهد: آگاه باشید که حق از آن آل مد است.»^۳ در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام است که منادی فریاد می‌زند: حق با علی و بان اوست.^۴

نکته این است که همه این صدا را به زبان خود می‌شنوند. این علامت از علامت‌های حتمی شده است. محتوای این پیام آسمانی، دعوت به حق و حمایت از مهدی علیه السلام و بیعت با اوست.

۲. خَسَف بیداء: بیداء نام بیابانی بین مکه و مدینه و خَسَف به معنای فرورفتن در زمین است.

۱. آشنایی بیشتر با نشانه‌های ظهور و شرح آنها، نک: محمدجواد خراسانی، مهدی منتظر.

۲. نعم‌الدین طوسی، چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، ص ۶۴ (احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۲۴).

۳. طوسی، الغیبه، ص ۴۵۳ - ۴۵۴.

۴. مانی، الغیبه، ص ۲۵۲؛ منتخب الاثر، ص ۴۵۹؛ شهید محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، ص ۵۰۲ - ۴۰۹.

سفیانی که از انسان‌های شریر است و قبل از ظهور امام زمان علیه السلام به کشورهای مختلف لشکرکشی می‌کند، لشکری نیز به مدینه می‌فرستد؛ آنها بعد از قتل و غارت در مدینه، راهی مکه می‌شوند که در بین راه به گونه‌ای معجزه‌آسا همه در زمین فرو می‌روند. این علامت نیز از نشانه‌های حتمی ظهور شمرده شده است؛

۳. جمع شدن یاران: درباره ۳۱۳ نفر یاران اولیه امام زمان علیه السلام آمده است که به صورت غیرمتعارف در مکه جمع می‌شوند. یعنی شب که خوابیده‌اند بدون قرار قبلی، به ناگاه خود را در مکه حاضر می‌بینند و خانواده آنها صبح جایشان را در رخت‌خواب خالی می‌یابند. بعضی با طی‌الارض و برخی سوار بر ابر^۱ خود را به مکه می‌رسانند.

۴. خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی در ماه رمضان به صورتی غیرطبیعی و بر خلاف سیر معمول نجومی.

علاوه بر این نشانه‌ها، نشانه‌های دیگری هم نقل شده است که غیر متعارف‌اند؛ مانند نمایان شدن دستی در آسمان که به چیزی اشاره می‌کند؛ توقف خورشید از حرکت به مدت سه ساعت؛ نمایان شدن یک سر و سینه در خورشید.^۲

نشانه‌های مادی و معنوی ظهور کدام‌اند؟

بسیاری از نشانه‌های ظهور امام مهدی علیه السلام که در گفتار پیشوایان دینی، برشمرده شده، جنبه معنوی دارد و انحطاط اخلاقی و معنوی انسان‌های آخرالزمان را نشان می‌دهد. با وجود آن که بیشتر نشانه‌ها با اخلاق و معنویت انسان‌ها ارتباط دارد، نشانه‌های ظهور را به نشانه‌های معنوی و مادی می‌توان تقسیم کرد:

الف) نشانه‌های معنوی:

- فراگیری ظلم و ستم؛

- مهجور ماندن قرآن؛

- حلال شدن محرّمات الهی؛

- تفسیر معارف دینی بر پایه خواسته‌های شخصی؛

۱. ممکن است کنایه از هواپیما و امثال آن باشد.
۲. شایان ذکر است که بعضی از محققان، وقایع اخیر را از نشانه‌های قیامت (اشراط الساعه) می‌دانند نه از علایم ظهور حضرت مهدی علیه السلام.
۳. برای اطلاعات بیشتر، نک: مجتبی‌السادق، شش ماه پایانی، ترجمه محمود مطهری‌نیا، انتشارات موعود.



- دشواری دریافت حقایق قرآن و آسانی دریافت سخنان باطل؛

- زینت کاری مساجد؛

- بی توجهی به نماز و ...

(ب) نشانه‌های مادی:

- فراوانی امکانات مادی و روی آوردن دنیا به مردم؛

- حاکمیت زنان؛

- گسترش رشوه‌خواری کارکنان دولت؛

- آشکار شدن قمارها و ...^۱

چند علامت دیگر تا ظهور امام زمان علیه السلام باقی مانده است؟

به طور کلی علامت‌های ظهور به دو دسته تقسیم می‌شوند: حتمی و غیر حتمی.

(الف) علامت‌های غیر حتمی:

علامت‌هایی است که وقوع آن حتمی و قطعی نیست، یعنی به وضع جهان بستگی دارد؛ اگر باشد اتفاق می‌افتد و اگر موقعیت آن فراهم نباشد اتفاق نمی‌افتد.^۲ بیشتر علامت‌هایی که ظهور شمرده شده، از این قسم است. بنابراین، نمی‌توان گفت چند علامت مانده است تا بر اتفاق بیفتد. چون واقعاً معلوم نیست چند علامت از علامت‌های غیر حتمی اتفاق خواهد افتاد. طرف دیگر، نمی‌توان گفت اتفاق‌هایی که در دنیا رخ می‌دهد، همان علامت‌هایی است که در امت آمده، زیرا این حرف به دلیل‌های محکمی احتیاج دارد که معمولاً به دست آوردن آنها آسان است و امکان دارد در آینده شبیه همان اتفاق دوباره تکرار شود. پس نمی‌توان گفت علامت ذکر شده، به کدام واقعه اشاره دارد. بنابراین، نباید هر اتفاقی را به سادگی بر علامتی که در روایات، منطبق کرد یا حرف کسانی را که تطبیق می‌دهند پذیرفت.

(ب) علامت‌های حتمی:

علامت‌هایی هستند که امامان ما فرموده‌اند حتماً و با فاصله کمی از ظهور، اتفاق خواهند افتاد. آن‌ها پنج علامت‌اند و همگی در نزدیکی ظهور (حدود شش ماه

حارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.

مکن است منظور از علامت‌های غیر حتمی، آنهایی باشد که وقوعشان، ظهور حضرت را فوراً و با فاصله نزدیک به دنبال ندارد؛ چرا که نشانه‌های غیر حتمی یک امر کلی و بسیار عام و دارای مراتب و درجات مختلف است. مثل زیاد شدن ظلم و فساد که در هر دوره‌ای و در هر مردم هر دوره گمان می‌کردند که ظلم و فساد عالم‌گیر شده و دیگر بالاتر از این مرتبه نیست؛ اما ای بسا که در دوران بعد، ظلم و فساد به مراتب بیشتر از دوران قبلی بشود.



مانده به ظهور) اتفاق می‌افتند و تا به حال هیچ کدام اتفاق نیفتاده است.

درباره علامت‌های غیرحتمی هم باید دقت کرد و هر اتفاقی را علامت ظهور ندانست و چنین سخنانی را به آسانی قبول نکرد.

سفیانی چه کسی است؟

پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام، مردی از نسل ابوسفیان از منطقه شام خروج می‌کند و با تظاهر به دین‌داری، گروه زیادی از مردم را فریب می‌دهد و بر بخش گسترده‌ای از سرزمین‌های اسلامی مثل سوریه، فلسطین، اردن و عراق تسلط می‌یابد. آن‌گاه که از ظهور حضرت مهدی علیه السلام آگاه می‌شود، سپاهی عظیم به طرف مکه گسیل می‌دارد و در منطقه «بیداء» (بین مکه و مدینه) به امر خداوند قهار، همه لشکریان او به جز چند نفر در زمین فرو می‌روند. از این حقیقت به «خسف در بیداء» یاد شده است. از روایات استفاده می‌شود خروج سفیانی، از نشانه‌های حتمی ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

آیا دشمن امام زمان علیه السلام (سفیانی) در حال حاضر زنده است، یا آن‌که متولد خواهد شد؟ وی

از چه طایفه‌ای و اهل کجاست؟

بنابر روایات، سفیانی شش ماه قبل از ظهور قیام می‌کند.^۱ اما از آن روی که هنگام ظهور مشخص نیست، نمی‌توان درباره متولد شدن سفیانی چیزی گفت، در روایات آمده که سفیانی از نسل ابوسفیان یعنی طایفه بنی‌امیه است.^۲ محل تولدش نیز در روایات بیان نشده اما از شام و سوریه قیام می‌کند^۳ و لشکری نیز^۴ برای مبارزه با امام مهدی علیه السلام به مدینه و لشکری را برای قتل عام شیعیان به سوی عراق می‌فرستد.^{۵ و ۶}

آیا این ادعا که سفیانی در ارتش سوریه دیده شده، صحیح است؟

از مرحوم بهلول نقل شده که فردی به نام عثمان بن عنبسه را در آن پیرامون دیده است. هر چند در روایات آمده که سفیانی، عثمان بن عنبسه نام دارد اما به صرف هم‌نام بودن، نمی‌توان

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۹، ح ۱۰۶ و ص ۲۰۴، ح ۳۲؛ در روایت اول آمده که سفیانی و حضرت در یک‌سال خواهند بود و در روایت دوم خروج سفیانی در ماه رجب بیان شده است و با توجه به قیام حضرت در محرم (عاشورا) معلوم می‌شود که شش ماه فاصله خواهد شد.

۲. همان، ص ۲۱۳، ح ۶۵.

۳. همان، ج ۵۱، ص ۲۱۷، ح ۶.

۴. همان، ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۱.

۵. همان، ص ۲۱۵، ح ۷۲ و ص ۲۲۲، ح ۸۷.

۶. برای اطلاعات بیشتر در مورد سفیانی، نک: نصرت‌الله آیتی، سفیانی از ظهور تا افول.

فت او سفیانی است. به علاوه روایتی که نام او را عثمان بن عنبسه گفته، قابل اعتماد نیست. لذا ن سخن هیچ مطلبی را ثابت نمی کند و وجود سفیانی را در ارتش سوریه یا هر جای دیگر سی رساند.

سید حسنی کیست؟

روایات چند نفر را سید حسنی یاد کرده اند؛ از جمله شخصی که نزدیک ظهور در مکه قیام کند و به دست اهل مکه به شهادت می رسد و سرش را برای شام می فرستند. این شخص، همان نفس زکیه، یکی از نشانه های حتمی ظهور است. دیگری که به احتمال بسیار زیاد همان سید حسنی است که از نشانه های ظهور معرفی شده، سی است که از طرف دیلم خروج می کند، ستم گران را می کشد و وارد کوفه می شود. وقتی خبر هور و قیام حضرت مهدی علیه السلام به او می رسد، نزد حضرت می آید و پس از درخواست نشانه و امت از حضرت مهدی علیه السلام، او و بسیاری از سپاهیان با حضرت بیعت می کنند و به خیل عظیم باهیان آن حضرت می پیوندند.

آیا تعبیر از آیت الله خامنه ای به سید حسینی درست است؟

اولاً، روایات، شخصی را به عنوان سید حسینی نقل نکرده اند تا بتوان برای او مصداقی پیدا کرد. ثانیاً، تطبیق یکی از آسیب های مهدویت است، زیرا تطبیق دلیل کافی و قطعی لازم دارد در سی که چنین دلایلی وجود ندارد و معمولاً افراط در تطبیق علائم ظهور بر وقایع، باعث ایجاد د کاذب یا ناامیدی و شک در مردم می شود و باید از چنین کارهایی پرهیز کرد.^۱

سید خراسانی چه کسی است؟

مسئله دیگری که در برخی روایات از نشانه های ظهور خوانده شده، خروج خراسانی است. در ان سالی که سفیانی قیام می کند، سید خراسانی از سمت مشرق قیام کرده، به سمت کوفه رود. در روایات این شخص به خوبی معرفی نشده، ولی ظاهراً پرچمدار حق است که برای زه با ظلم قیام می کند.

دجال چه کسی است؟

دجال به معنای کذاب و دروغ گو، ستم کاری است که در آخر الزمان مردم را گمراه می کند. در

رای آشنایی بیشتر، نک: فصل نامه انتظار موعود، ش ۱۵ مقاله آقای محمدصابر جعفری.

منابع روایی، ظهور این شخص، حادثه‌ای هم‌زمان با ظهور حضرت مهدی علیه السلام به شمار آمده است. در مورد این که دجال شخص خاصی است یا به معنای هر کس یا هر جریان انحرافی است که موجب گمراهی مردم شود، در میان علمای شیعه و همین‌طور علمای اهل سنت دو دیدگاه وجود دارد: برخی به دیدگاه اول عقیده‌مندند، در حالی که گروهی دیگر بر دیدگاه دوم پافشاری می‌کنند. در جمع‌بندی این دیدگاه‌ها می‌توان گفت با توجه به این که در روایات از دجال‌های متعدد سخن به میان آمده، هر شخص یا جریانی که موجب گمراهی مردم گردد، دجال شمرده می‌شود؛ اما در میان این دجالان، شخص فریبنده و حيله‌گری است که سرآمد همه دجالان و فتنه‌گران است و این دجال از نشانه‌های ظهور حضرت به شمار می‌آید.

از آن جا که دجال قبل از امام زمان علیه السلام می‌آید، آیا می‌توانیم به سخنان او گوش دهیم؟

نام دجال، بیشتر در کتاب‌های اهل سنت آمده است و شیعه فقط اشاره‌ای به آن دارد. این که دجال فرد خاصی است یا به هر فرد دروغ‌گو نیز دجال می‌گویند، هر دو احتمال وجود دارد. اما در هر صورت، منظور این است که فردی دروغ‌گو و فریب‌کار قبل از امام مهدی علیه السلام قیام می‌کند و مردم را فریب می‌دهد و گروهی هم فریب او را می‌خورند.

اما وظیفه ما این است که نباید به سخن دروغ‌گو و فریب‌کار گوش دهیم و از او پیروی کنیم، بلکه باید مقاومت کرده، در برابر او به مبارزه برخیزیم. اما راه شناخت این که چه کسی راست می‌گوید، چیست؟

اهمیت آموختن مسائل و معارف دین، مخصوصاً مسائل مربوط به مهدویت در همین جا روشن می‌شود. کسانی که مسائل را در زمان غیبت فرا گیرند و بدانند اسلام چه می‌گوید و پیام دین چیست، آن گاه سخن را تشخیص می‌دهند و دروغ‌گو را می‌شناسند. بنابراین، افرادی که جاهل هستند و از دین چیزی نمی‌دانند، فریب دجال و هر فرد مکار دیگری را می‌خورند، اما افراد دانا هرگز از اینها پیروی نمی‌کنند.

صحت نشانه‌ها

آیا قبل از ظهور امام زمان علیه السلام کافران از مؤمنان جدا می‌شوند؟

امام باقر علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند حتماً از یک‌دیگر بازشناخته می‌شوید! به خدا قسم باید پاک‌سازی شوید! به خدا قسم حتماً بوجاری و غربال خواهید شد همان‌گونه که «زؤان» (دانه‌ای

وچک است که میان گندم‌ها می‌روید) از گندم غربال می‌شود!»^۱

بنابراین، خیلی از مردم در دوران غیبت امام عصر علیه السلام از صراط مستقیم منحرف و دچار تردید گردند و فریب ابلیس و پیروان او را می‌خورند و از مذاهب و مکاتب انحرافی گوناگونی پیروی کنند. فقط مؤمنان حقیقی که به کتاب خدا و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله تمسک کرده‌اند، نجات می‌یابند. فتنه‌ها و امتحانات آخرالزمان، هیچ خللی در عزم و اراده پولادین آنها ایجاد نمی‌کند؛ به قول اعر:

ناز پرورده تنعم نبرد راه به دوست عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد

خوش بود گر محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در او غش

اصولاً شخصیت واقعی انسان‌ها در گذر زمان و در مواقع امتحانات و بلاهای گوناگون، ظاهر و

من یا کافر بودن نیز در مواقع سخت نمایان می‌شود؛ آن وقت سره از ناسره معلوم می‌گردد.

آیا هنگام ظهور امام عصر علیه السلام خورشید از مغرب طلوع می‌کند؟

برای ظهور امام زمان علیه السلام علامت‌هایی را از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام نقل کرده‌اند که بعضی از آنها حتماً اتفاق خواهد افتاد و برخی دیگر احتمال دارد اتفاق بیفتد، یعنی علائم حتمی و غیرحتمی. با توجه به بسیاری از روایات معلوم می‌شود که طلوع خورشید از مغرب از نشانه‌های برپایی امت است، نه از علائم ظهور امام زمان علیه السلام، یعنی قبل از شروع قیامت، خورشید از مغرب طلوع اهد کرد.^۲

البته یکی از یاران امام علی علیه السلام فرموده است: «منظور از خورشیدی که از مغرب طلوع می‌کند زمان علیه السلام است.»^۳ اما چون اکثر روایات طلوع خورشید از مغرب را از نشانه‌های قیامت بیان ده‌اند ما نیز آن را از نشانه‌های قیامت می‌دانیم، نه ظهور امام عصر علیه السلام.

درست است که می‌گویند: پیراهن امام حسین علیه السلام دست امام زمان علیه السلام است و هر لحظه که ن از آن پیراهن جاری شود، هنگام ظهور است؟

عمانی، الغیبه، ص ۲۹۳.

شیخ صدوق، خصال، ص ۴۳۱، ح ۱۳؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۱۵، ح ۳۳۶؛ بحارالانوار، ج ۵۵، ص ۱۴۵، ح ۳.

شیخ صدوق، کمال‌الدین، ص ۵۲۸، ح ۱: ان الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه هو التاسع من ولد الحسین بن علی علیه السلام و هو الشمس لطالعه من مغربها؛ کسی که حضرت عیسی پشت سر او نماز خواهد خواند، نهمین نسل امام حسین علیه السلام و او همان خورشید طلوع‌کننده از مغرب است.



روایات بر این که پیراهن امام حسین علیه السلام نزد حضرت مهدی علیه السلام است، دلالت می‌کند^۱، ولی ادامه کلام مبنی بر این که «حضرت هر صبح به پیراهن خونین می‌نگرد و هر گاه خون تازه از آن جاری شد، نشانه وقت ظهور است»، روایتی نیافتیم.

البته برخی روایات می‌گویند: «زمان ظهور که فرا رسد، شمشیر حضرت از نیام بیرون می‌آید و پرچم و لوای حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که نزد آن حضرت است، باز می‌شود و...»

آیا مراد از مرگ «عبدالله» که در روایت امام صادق علیه السلام نشانه ظهور است، عبدالله پادشاه عربستان است؟

امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «هر کس مرگ عبدالله را برای من تضمین کند، من ظهور قائم را برای او ضمانت می‌کنم...»^۲

آقای کورانی درباره این روایت و مسائل مشابه آن به تفصیل بحث کرده است^۳، اما تطبیق «عبدالله» در این روایت به ملک عبدالله، پادشاه عربستان، هرچند احتمال دارد اما قطعی نیست، چه بسا صد سال دیگر پادشاهی از خاندان آل سعود به نام عبدالله در آن سرزمین به مسند قدرت بنشیند و منظور از این روایت، او باشد.

اندیشه مهدویت دچار آسیب‌هایی شده است^۴. مسئله تطبیق یکی از این آسیب‌ها به شمار می‌رود که برخی با خواندن یا شنیدن چند روایت در علائم ظهور، آنها را بر افراد یا حوادثی خاص تطبیق می‌دهند. این گونه تطبیق‌ها پی‌آمدهای نامطلوبی دارد که به آن اشاره می‌شود:

۱. تعیین وقت و استعجال (عجله کردن و صبر و تحمل نکردن)^۵؛
۲. نومیدی و یأس بر اثر واقع نشدن ظهور؛
۳. به دلیل احتمال تحقق نیافتن تطبیق‌های مطرح شده، افرادی به اصل ظهور بی‌اعتقاد می‌شوند و یا در اصل روایات به شک می‌افتند.

آیا طوفان‌ها و حوادثی که اکنون در جهان رخ می‌دهد نشان از آمدن حضرت است؟

به حوادثی که قبل از ظهور اتفاق می‌افتد، از دو جهت می‌توان نگریست:

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۶۷۴، ج ۲۸.
۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.
۳. عصر ظهور، ص ۲۹۲.
۴. محمدصابر جعفری، «اندیشه مهدویت و آسیب‌ها»، فصل‌نامه انتظار، ش ۱۵، ص ۴۵.
۵. برای آگاهی بیشتر از این اصطلاحات به منبع قبلی مراجعه فرمایید.

۱. حوادثی که نشانه‌های نزدیک شدن ظهور امام مهدی علیه السلام هستند.

۲. برخی حوادث، زمینه‌ساز ظهورند. بنابراین، می‌توان گفت که دو اصطلاح هست: ۱. علائم
پیش از ظهور که بعد از شروع غیبت و قبل از آغاز ظهور اتفاق می‌افتد و وقوع آنها در احادیث پیامبر و
ایمان ذکر شده است؛ ۲. شرایط ظهور، که حوادثی است که نزدیک زمان ظهور واقع می‌شود و
پس از آن آماده می‌سازد و رابطه مستقیمی با ظهور امام زمان علیه السلام دارد.

در ضمن برخی از نشانه‌های ظهور حتمی است که اگر این نشانه‌ها ظاهر شود بی‌شک امام
مهدی علیه السلام خواهد آمد. این نشانه‌ها قبل از ظهور حتماً به وقوع می‌پیوندند که عبارت‌اند از:
۱. خروج سفیانی؛ ۲. کشته شدن نفس زکیه؛ ۳. ندای آسمانی از سوی جبرئیل؛ ۴. فرورفتن در
یاغی؛ ۵. قیام یمانی.

اما در مورد سؤال، اولاً: نمی‌دانیم منظور کدام طوفان و حوادث است و ثانیاً: حتماً از نشانه‌های
پیش از ظهور امام نیست و اگر هم باشد شاید از علائم غیرحتمی است. در نتیجه می‌توان گفت:
فانها و حوادثی که در جهان رخ می‌دهد مصداقی از حوادث عمومی و بلاهای طبیعی پیش از
ظهور است و لازم نیست که در روایات به اینها تصریح شده باشد.

**من در جایی شنیده‌ام که قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام جنگ‌هایی رخ می‌دهد که حدود
سوم شیعیان از بین می‌روند، آیا چنین چیزی صحت دارد؟ درباره آن توضیح دهید؟**

منابع دینی، جنگ‌های خونین و کشتارهای بزرگ را از نشانه‌های ظهور یاد کرده‌اند.^۱ گویا این
کشتارها میان اهل باطل، بر سر رقابت‌های مادی و سیاسی روی می‌دهد که در نهایت بدون
شک از بین می‌رود و پس از بر جای گذاشتن انبوهی از کشته‌ها پایان می‌یابد. لذا از
منابع روایات، این نتیجه‌ها به دست می‌آید:

۱. پیش از ظهور حضرت، کشتارهایی رخ داده، تعداد بسیاری از انسان‌ها کشته می‌شوند، به
طوری که افراد باقی مانده، کمتر از کشته شدگان هستند. لذا اولاً: کشتارها چون قبل از ظهور
، مربوط به امام زمان علیه السلام نیست و به دست حضرت یا فرمان ایشان انجام نمی‌گیرد؛ ثانیاً
تعداد کشته‌شدگان شیعیان کشته می‌شوند؛ بلکه آن‌چه صحت دارد کشته شدن تعداد زیادی
انسان‌هاست نه شیعیان، و چون اکثریت جهان، غیرشیعه‌اند، کشته‌ها نیز بیشتر از آنها خواهد بود؛
۲. تعدادی از کشته‌شدگان در جنگ و تعدادی به واسطه بیماری‌های مسری جان می‌سپارند؛

نارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۶، ۲۵۱ و ۳۸۸.

۳. در میان اقلیتی که باقی می‌مانند، شیعیان و دوست‌داران امام زمان علیه السلام هستند.^۱

۱. چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، ص ۴۵.

وقایع هنگام ظهور

مدت برقراری عدالت

آیا هنگام ظهور امام زمان علیه السلام برای برقراری عدل و قسط در تمام جهان، زمانی طولانی لازم است؛ چند سال؟

حرکت اصلاحی حضرت را بعد از ظهور و قیام، به دو مرحله می‌توان تقسیم کرد: الف) مرحله گ و مبارزه؛ ب) مرحله ارشاد و تبلیغ. مرحله اول (جنگ و مبارزه):

طبیعی است که با قیام حضرت، ستم‌گران به دشمنی برخاسته، بی‌توجه به سخنان منطقی، می‌خواهند این حرکت را که به ضرر منافع جاه‌طلبانه آنهاست، در نطفه خفه کنند. بنابراین، ان کفر و فساد زبانی جز شمشیر و جنگ نمی‌شناسند؛ و اصولاً برای گفت‌وگو و کشف حق ده‌اند. پس حضرت در ابتدا مجبور است با آنان برخورد مسلحانه کند و دست آنها را از قدرت و ل مظلومان کوتاه گرداند. از روایات چنین استفاده می‌شود که این مرحله بیش از هشت ماه نمی‌کشد و پس از آن تمام جهان به تسخیر حضرت در آمده، آتش جنگ و مبارزه خاموش شود.^۱

مرحله دوم (ارشاد و تبلیغ):

بعد از سرنگونی سران کفر و فساد که منطقی جز زور نمی‌شناختند، نوبت به مردم عادی رسد که اهل منطق و استدلال هستند و از پذیرش حق امتناع ندارند. در این مرحله، دیگر

عمانی، الغیبه، ص ۱۶۴، ج ۲ و ۵.

حضرت به زور متوسل نمی‌شود و از کسی نمی‌خواهد که به زور چیزی را بپذیرد بلکه حقیقت دین را تبلیغ می‌کند و هر کس از هر مکتبی دلیل بخواهد، با مبانی اعتقادی دین خودش، جواب او را می‌دهد. به این صورت، مردم با شنیدن دلایل کافی و قطعی امام، به ایشان ایمان می‌آورند. در روایتی، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «حضرت مهدی بعد از ظهور، با پیروان تورات براساس تورات، و با پیروان انجیل طبق انجیل، و با اهل زبور طبق زبور و با مسلمانان براساس قرآن حکم می‌کند.»^۱ طبیعی است که این مرحله زمان بیشتری می‌برد. در روایات، به مدت زمان این مرحله اشاره نشده است. اما چون تبلیغ به زمان احتیاج دارد که فرد بشنود، تحقیق و فکر کند و نتیجه بگیرد، از این رو مدتی طول می‌کشد تا همه زمین دین حق را بپذیرند و همه جهان مسلمان شوند؛ اما در این مدت، امنیت و آسایش و عدالت برقرار است؛ و بحث علمی و عقیدتی آزاد و منطقی، به جنگ و ناامنی نیاز ندارد.

ابزار تشکیل حکومت

بر اساس روایات، امام زمان علیه السلام و یارانش بعد از ظهور با چه اسلحه‌ای نبرد می‌کنند؟

آنچه در متن روایات آمده این است که حضرت و یارانش با شمشیر قیام می‌کند و غیر از سیف (شمشیر) چیز دیگری بیان نشده است.^۲

اما منظور از شمشیر چیست، چند نظر وجود دارد:

۱. منظور از شمشیر، قیام مسلحانه است و گفتن شمشیر کنایه از جنگ و مبارزه است و سلاح

خاصی مدنظر نیست بنابراین، در هر زمان ظهور کند با ابزار آن زمان جنگ خواهد کرد؛^۳

۲. منظور شمشیر معمولی است، زیرا قبل از ظهور تمام سلاح‌های پیشرفته در اثر جنگ‌های

فراوان تمام می‌شود. چیزی جز سنگ و چوب و شمشیر نمی‌ماند و یا در سایه پیشرفت عقل بشر

خود انسانها سلاح‌ها را نابود می‌کنند و چیزی جز سلاح سرد نمی‌ماند؛^۴

۳. منظور شمشیر معمولی است یعنی خود حضرت شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله یا امیرالمؤمنین علیه السلام را

دارد لذا از سلاح‌های کشتار جمعی که همه را با هم از بین می‌برد و نظامی و غیرنظامی

۱ - بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۹، ح ۲.

۲ - کافی، ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۱؛ کمال الدین، ص ۳۲۲، ح ۳؛ الغیبه شیخ طوسی، ص ۴۶۷، ح ۴۸۳؛ در مورد یاران کمال الدین، ص ۶۷۱ ح ۱۹ و ص ۶۷۳ ح ۲۶؛ الغیبه نعمانی، ص ۴۰، ح ۱.

۳ - آیت‌الله مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی علیه السلام ص ۲۵۱.

۴ - مجتبی تونه‌ای، موعودنامه، ص ۵۷۲.

ی‌شناسد استفاده نمی‌کند و این خود نشان عدالت ایشان است، اما این که چگونه می‌توان با مشیر در مقابل سلاح‌های پیشرفته مبارزه کرد باید گفت یا معجزه است یعنی قدرت اصلی عزت، قدرتی معنوی و فوق طبیعی است؛ چنان که در روایات آمده که هر جا حضرت حرکت کند از ایشان ترس بر آن جا مستولی شده، کسی جرأت کاری را نمی‌یابد. بنابراین، با آن که دح‌ها وجود دارد کسی جرأت به کارگیری آن را نمی‌یابد؛ یا به طور طبیعی است یعنی با آن که دح‌ها وجود دارد، ولی به کارگیری آن به سوخت (نفت و بنزین) احتیاج دارد و در آن زمان این خت‌ها از دسترس بشر خارج می‌شود. بنابراین اساساً حضرت به سلاح‌های مدرن احتیاجی نداشت.^۱

با توجه به رشد تکنولوژی، امام زمان علیه السلام با چه وسیله‌ای (اسب یا...) ظهور می‌کند؟

در زمان قدیم، از اسب برای وسیله حمل و نقل استفاده می‌شد و امروزه در شهرها و مراکز گ، دیگر این کاربرد را ندارد، اما در زمان حاضر هم به عنوان نماد استفاده می‌شود؛ مثلاً در ، حاضر پلیس انگلستان از اسب در شهر استفاده می‌کند. این بدان معنا نیست که در این کشور ایی پیشرفت وجود ندارد، بلکه در کنار ماشین‌های مدرن پلیس از اسب نیز استفاده می‌کنند و اتی بین این دو نمی‌بینند.

در زمان ظهور نیز اسب داشتن امام، منافاتی با وجود ابزار دیگر نخواهد داشت و به این معنا ت که حضرت، همیشه از اسب استفاده می‌کند بلکه می‌تواند در مراسم و مواقع خاصی از آن اده نماید، زیرا در روایات، تعبیری وجود دارد که می‌تواند اشاره به وسایل فوق پیشرفته باشد؛ . این که در روایت آمده حضرت سوار بر ابر می‌شوند^۲ و تاکنون چنین چیزی اتفاق نیفتاده است. ه طور خلاصه در زمان ظهور، حضرت از وسایل نقلیه روز و در عین حال اسب نیز استفاده ند کرد و این دو با هم منافاتی ندارد؛ چنان که در عصر حاضر نیز شاهد آن هستیم.

لبنه این احتمال نیز وجود دارد که منظور این روایات از اسب، همان وسایل نقلیه باشد و چون مان امامان معصوم علیهم السلام که این احادیث بیان شده است، مردم از اسب برای حمل و نقل اده می‌کردند و برای آنها وسایل پیشرفته امروزی قابل فهم نبوده، امامان معصوم علیهم السلام نیز فرهنگ و فهم مردم زمان خود سخن گفته‌اند.

۱- دی فقیه ایمانی، قیام جهانی حضرت مهدی موعود علیه السلام با شمیر و امثال آن، ص ۱۱ و ۱۷؛ ابراهیم شفیع سرستانی، شناخت گی بخش، ص ۱۴۴.
ارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۱، ح ۲۷.

آیا امام زمان علیه السلام عصا هم دارند؟

در روایات آمده است که حضرت مهدی علیه السلام با میراث پیامبران خدا می آید که یکی از آنها عصای حضرت موسی علیه السلام است.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: «جهان پر از هرج و مرج می شود؛ افق زندگی تیره و تاریک می گردد؛ در این موقع مهدی ما می آید در حالی که پیراهن آدم در تن او، انگشتر حضرت سلیمان در انگشت او و عصای حضرت موسی علیه السلام در دست اوست.»^۱

قرآن کریم، عصای موسی را معجزه آن حضرت معرفی کرده است که با آن دشمنان را می ترساند و کارهای گوناگونی انجام می داد. حضرت مهدی علیه السلام نیز طبق روایات، هم چون موسی علیه السلام آن را به کار می برد. بنابراین، عصای موسی علیه السلام از جمله نشانه های الهی است که به حضرت مهدی علیه السلام به ارث می رسد، نه این که وسیله ای معمولی برای راه رفتن و تکیه دادن باشد.

رویدادهای زمان ظهور

در زمان ظهور امام زمان علیه السلام چه حوادثی رخ می دهد؟

در زمان ظهور امام زمان علیه السلام حوادث ذیل رخ می دهد:

۱. آن حضرت دشمنان امیرمؤمنان علیه السلام و امام حسین علیه السلام را می کشند؛

۲. تمام قوانین و رسم های جاهلیت پایان می پذیرد؛

۳. رفاه، امنیت، عدل و مساوات به بالاترین حد خود می رسد؛

۴. عقل بشری به کمال خود می رسد؛

۵. دانش های مخفی ظاهر می شوند؛

۶. تمام گنج های زمین به بهره برداری می رسند؛

خلاصه بعد از آمدن آن حضرت، تحول عظیم و شگرف در جهان به وجود خواهد آمد. امام

باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام فرمودند: «قائم ما که ظهور می کند، مردم را به امر جدید دعوت می کند،

همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین کرد.»^۲

وقایع هنگام ظهور را بیان فرمایید؟

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۳۱.
۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶-۳۱۳.

هنگامی که خداوند متعال اذن ظهور و فرمان قیام را صادر کند، امام زمان علیه السلام در کنار کعبه، حجرالاسود و درب کعبه، ظاهر می‌گردد و ظهور و برنامه خود را به اطلاع جهانیان می‌رساند. نیل علیه السلام و ۳۱۳ نفر از اصحاب خاص حضرت با ایشان بیعت می‌کنند. وقتی عدد سپاهیان رت به ده‌هزار نفر رسید، قیام از مکه آغاز می‌شود و کوفه محل حکومت جهانی حضرت خواهد بود. در این زمان حضرت عیسی علیه السلام بر زمین بیت‌المقدس نازل می‌شود و هنگام نماز، به امام علیه السلام اقتدا می‌کند و جهانیان و به ویژه مسیحیان را به اطاعت و یاری امام زمان علیه السلام فراخواند. پس حضرت با کمک سپاهی عظیم از مؤمنان و لشکری از فرشتگان و ایجاد رعب و ست در دل ستم‌گران، عدالت را در سراسر جهان برقرار می‌سازد و به هر گونه ظلم و تباهی می‌دهد - ان شاء الله. مطابق روایات، آن حضرت پس از شنیدن ندایی آسمانی که همه مردم را از ظهور حضرت آگاه می‌کند ظاهر می‌شود و ظهور ایشان از کنار خانه کعبه در تداولحرام خواهد بود و اولین جمله‌ای که حضرت می‌فرماید، آیه ۸۶ سوره هود است: «بَقِيَّةُ اللَّهِ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» و سپس می‌فرماید: «من بقية الله، خليفة الله و حجة الله در میان شما».

نیز در روایت آمده اولین کسی که با حضرت بیعت می‌کند، جبرئیل است و پس از آن در بین و مقام، مردم با امام زمان علیه السلام بیعت می‌کنند.

س از ظهور چه اتفاقی رخ خواهد داد؟

حضرت بعد از ظهور و جمع شدن یارانش، پیام دین و اسلام را به مردم می‌رساند و از آنان خواهد که از اسلام پیروی و عدالت را اجرا کنند. اکثر مردم سخن امام را می‌پذیرند و جزء یاران می‌شوند و اگر کسی دلیلی برای سخنان امام بخواهد، حضرت دلایل خویش را بیان و به صورت ابتدا اتمام حجت می‌کند. با وجود این، عده‌ای از ظالمان و ستم‌کاران که منافع خود را بر سر می‌بینند، با آن که می‌دانند حق با امام زمان علیه السلام است، در مقابل او می‌ایستند. امام نیز با بی‌جنگ و جهان بعد از شکست خوردن آنها پر از عدالت و معنویت و اخلاق می‌شود و همه ایه رهبری امام زمان علیه السلام از نعمت‌های مادی و معنوی بهره‌مند می‌گردند؛ و امنیت و آسایش جا برقرار می‌شود و فضای عمومی جامعه مهدوی، عطرآگین به بوی عدالت خواهد شد.

این کسی که در زمان ظهور با امام زمان علیه السلام ملاقات می‌کند، کیست؟

طبق روایات، اول کسی که با آن حضرت بیعت می کند، جبرئیل است. ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «همانا اول کسی که با قائم علیه السلام بیعت می کند، جبرئیل است...»
 طبرسی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که در حدیثی فرمود: «... پس خداوند عزوجل، جبرئیل را می فرستد تا نزد او بیاید و از او سؤال کند: به چه چیزی دعوت می کنی؟ قائم علیه السلام او را از ماهیت دعوت خبر می دهد. جبرئیل می گوید: پس من اول کسی هستم که با تو بیعت می کنم. آن گاه می گوید: کف دستت را بده و آن را بر دست خود مسح می کنی...»^۱

امام زمان علیه السلام برای برآوردن نیازهای زندگی خود و یارانش در دوران قیام چه کار خواهد کرد؟

آن حضرت و یارانش از کمک های مردمی، غنایم جنگی و امدادهای غیبی بهره مند خواهند شد.

۱. کمک های مردمی: از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «شیعیان مجازند از آن چه در دست دارند (در توان دارند) به نیکی انفاق کنند. اما هنگام قیام قائم ما، گنج ها بر صاحبانشان حرام می شود؛ تا این که با آنها امام علیه السلام را در مقابل دشمن یاری کنند.»^۲
 ۲. غنایم جنگی: از امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «حضرت مهدی علیه السلام و یارانش حرکت می کنند تا این که وارد قسطنطنیه می شوند و به جایی می روند که پادشاه روم سکونت دارد و سه گنج را از آن جا بیرون می آورند: گنجی از جواهرات، گنجی از طلا و گنجی از نقره؛ آن گاه حضرت اموال و غنیمت ها را بین لشکریان تقسیم می کند.»^۳

۳. امدادهای غیبی: از امام صادق علیه السلام نقل شده که ابوجعفر (امام باقر علیه السلام) فرمود: «هنگامی که قائم علیه السلام در شهر مکه قیام و حرکت به سوی کوفه را قصد نماید، منادی ندا می کند [به نیروهای حضرت] که هیچ کس غذا و آب با خود بر ندارد. و حضرت، سنگ حضرت موسی علیه السلام را (که دوازده چشمه آب از آن جوشیده) به همراه دارد. [در مسیر راه] به هر منزلی می رسد، آن سنگ را به زمین می زند و چشمه های آب از آن می جوشد. با نوشیدن از آن، گرسنگان سیر و تشنه گان

۱. علی اصغر رضوانی، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، ص ۵۶۱.

۲. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۱۵۰، ح ۱۵۷۲.

۳. چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام به نقل از الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۱۶۲.

راب می‌شوند. زاد و توشه راه آنان تا رسیدن به شهر نجف، این‌گونه است...»^۱ خداوند متعال نیز دة نصرت و یاری مستضعفان و صالحانی را داده که برای حق قیام کنند «... ان تنصروا الله سرکم...»^۲

بنابراین، در ابتدای قیام و حرکت حضرت، آب و غذای یاران به گونه‌ای اعجازانگیز تأمین شود (امداد الهی) و در مراحل بعد کمک‌های مالی شیعیان و مسلمانان و حتی غیرمسلمانان (که کت اصلاحی و همراه با عدالت امام را می‌بینند) به یاران امام می‌رسد. هم‌زمان با آزادسازی برها و کشورها از دست ظالمان، سپاهیان حضرت از منابع موجود در آن مناطق هم استفاده کنند.

آیا امام زمان هنگام ظهور، بر سر قبر مادرش فاطمه علیها السلام حاضر می‌شود و آن را به مردم نشان دهد؟

از فلسفه مخفی بودن قبر حضرت فاطمه علیها السلام چنین برمی‌آید که در آن زمان، دیگر قبر مخفی شکار می‌شود. چرا که فلسفه و حکمت مخفی بودن آن قبر شریف، اعتراض به غصب خلافت، مال کردن حق علی علیه السلام، تصرف اموال فاطمه علیها السلام (فدک) و به طور کلی به دلیل اعتراض به ل کرد مسلمانان، به ویژه خلفای جور بوده است. حضرت با این کار خواسته‌اند به مسلمانان دم کنند که من (فاطمه، تنها دختر و فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) از خلفا رضایت ندارم و به همین دلیل باستم آنان بر جنازه من نماز بگذارند و در تشییع جنازه من حاضر شوند. برای این که مسلمانان زمان و دیگر زمان‌ها به این مسئله بیندیشند که چرا فاطمه علیها السلام چنین وصیتی کرده است؛ مگر ، که ادعای جانشینی پیامبر را داشتند، با تنها یادگار او چه کردند؟ این اعتراض، تا زمان ظهور ، زمان صلی الله علیه و آله و سلم و روشن شدن حق و انتقام گرفتن آن حضرت ادامه خواهد داشت. اما وقتی که آن برت ظهور کرد و حقانیت فاطمه علیها السلام بر همگان روشن شد و آن حضرت از ظالمان انتقام گرفت، بر به مخفی ماندن قبر ایشان نیازی نیست، زیرا همه چیز روشن شده و حق به حق‌دار رسیده

عقب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۹۰ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵، ح ۶۷؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۲۲. هر دو از کتاب الخرائج نقل کرده‌اند. سوره محمد، آیه ۷.

مخالفان امام

آیا صحیح است که مدعیان اسلام و ایمان، هنگام ظهور حضرت با مشاهده اسلام راستینی که حضرت برای مسلمین می آورد، با ایشان مخالفت می کنند؟

نکاتی را درباره این پرسش بیان می داریم:

۱. این موضوع، ربطی به شیعیان ندارد، زیرا شیعه تنها فرقه ناجیه و در خط مستقیم اهل بیت علیهم السلام به شمار می آید که معتقد به امام زمان علیه السلام و متعهد به اطاعت از آن بزرگوار است. بنابراین، هرگز در برابر آن حضرت نمی ایستند تا گرفتار قتل شوند؛
 ۲. جنگ امام زمان علیه السلام با عده ای از مسلمانان، به ویژه سران فرقه های انحرافی خواهد بود، نه توده مسلمانان که حق طلب هستند، ولی حق را نشناخته اند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «... و ان القائم یخرجون علیه فیتأولون علیه کتاب الله و یقاتلونه علیه؛ به درستی که قائم علیه السلام با مردمی روبه رو می شود که رو در روی او می ایستند و آیه های کتاب خدا را در برابر او به نظر خود تأویل می کنند و در همین راستا با او به نبرد برمی خیزند.»^۱
- از این حدیث برمی آید که مخالفان امام زمان علیه السلام علمای منحرف و سران فرقه های انحرافی اسلامی هستند.

شیطان چگونه به دست امام زمان علیه السلام کشته می شود؟

این پرسش را از سه جهت می توان پاسخ داد:

۱. جریان کشته شدن شیطان: در این باره، باید گفت: زمانی که حضرت قیام می کنند و در مسجد کوفه هستند، شیطان در حالی که به زانو درآمده، می گوید: «وای بر من از این روز!» سپس حضرت پیشانی او را گرفته، گردنش را می زند؛^۲
۲. امکان کشته شدن شیطان: اگر منظور این است که آیا می توان شیطان را کشت یا نه، باید گفت: چنان که در قرآن تصریح شده است، شیطان از جنس جن است^۳ و چنان که معلوم است جنیان نیز مانند انسان متولد می شوند و از دنیا می روند؛ لذا مرگ یا کشته شدن شیطان که از

۱. علی اصغر رضوانی، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، ص ۵۷۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.

۳. سوره کهف، آیه ۵۰.

بن جنیان است از لحاظ علمی و علوم عقلی مشکلی ندارد و مانند فرشتگان و ملائکه نیست که
ت و تغییر برایشان از لحاظ علمی محال باشد؛

۳. اشکال کشته شدن: ممکن است تصور شود چون دنیا دار امتحان است و شیطان یکی از
بلان صحنه امتحان به شمار آید، و اگر قرار باشد کشته شود و از بین برود، محل امتحان و
بودن دنیا هم از بین می‌رود و دیگر تکلیف (گناه و ثواب) معنای خود را از دست می‌دهد.

برای این که چنین تصویری پیش نیاید باید تصویری از زمان ظهور داشته باشیم. در تصویری
مرحوم سید بن طاووس در کتاب سعد السعود از صحف ادریس پیامبر نقل می‌کند و در
الانوار نیز آمده است، چنین می‌خوانیم: «آن، روزی است که زمین از کفر و شر و گناه پاک
بود و خداوند برای آن عصر بندگانی را انتخاب نموده که قلب‌های آنها را برای ایمان امتحان
و درونشان را با ورع و اخلاص و یقین و تقوا و خشوع و صدق و حلم و صبر و وقار و
زگاری و بی‌رغبتی نسبت به دنیا و اشتیاق به آن چه در نزد خداوند است، آزمایش نموده
»^۱.

این تعبیر و روایاتی شبیه به این روایت معلوم می‌گردد که دوران حضور حضرت، دورانی
درخشان از لحاظ معنوی و اخلاقی خواهد بود.

ر آن زمان به دلیل پیشرفت فوق العاده بشر در عرصه عبادت و بندگی، امتحان و آزمایش
ن نیز وارد مرحله جدیدی خواهد شد؛ به عبارت دیگر: وضعیت به گونه‌ای خواهد بود که
های برای شیطان نخواهد ماند و کسی نخواهد بود که از او پیروی نماید. و از روایت، به زانو
بن شیطان و تسلیم شدن او، این مطلب قابل استفاده است.

ای این که معلوم شود چگونه ممکن است شیطانی که این همه وسوسه و دعوت می‌کند و
می‌شود، امکان دارد اثر خود را از دست بدهد، مثالی می‌زنیم: اگر به دانش‌آموزی که در
ابتدایی یا راهنمایی تحصیل می‌کند گفته شود: جلسات امتحانی‌ای وجود دارد که به شخص
داده می‌شود تا کتاب خود را همراه ببرد و در جلسه امتحان از آن استفاده نماید، او باور
ند. به این دلیل که با خود می‌اندیشد اگر کتاب در اختیار انسان باشد، امتحان مشکلی
د داشت، همه را می‌تواند از روی کتاب جواب دهد. اما این مسئله برای یک دانشجو حل
ست، زیرا می‌داند امتحان‌هایی وجود دارد که بردن و باز کردن کتاب کمک قابل ملاحظه‌ای

۱. لانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵.

به انسان نمی‌کند، زیرا امتحان به قدری در سطح بالا و دقیق است که بودن یا نبودن کتاب بی‌تأثیر است.

در زمان حکومت حضرت نیز اولاً: به دلیل پاکی معنوی بسیار بالای جامعه، اصلاً امکان وجود شیطان نیست و جامعه وجود او را بر نمی‌تابد و حتماً باید از بین برود تا طهارت زمین کامل گردد. ثانیاً: با رفتن او محل امتحان بودن دنیا مختل نمی‌شود، زیرا نفس انسان که او را دنبال خواسته‌های خود می‌کشد، وجود دارد و مبارزه با نفس جهاد بزرگی است که ربطی به شیطان ندارد. از طرفی موارد امتحانی به فراخور پیشرفت معنوی انسان به قدری دقیق و ظریف است که وجود شیطان لازم نیست و این دقیق بودن امتحان از احادیثی معلوم می‌شود که مثلاً بیان می‌کند در آن دوران، گرفتن سود از برادر دینی حرام خواهد بود، هر کس هر مقدار که احتیاج دارد از جیب برادر دینی خود برخوردار داشت؛ برادر دینی از برادر دینی خود ارث خواهد برد؛ گرفتن وثیقه از برادران دینی حرام خواهد بود؛ کمک به برادر دینی واجب خواهد شد و بسیاری از مسائل دیگر که وقتی از ائمه علیهم‌السلام سؤال می‌شد، می‌فرمودند: «این حکم در زمان ظهور اجرا خواهد شد.»

پس هرچند با از بین رفتن شیطان، انسان تصور می‌کند که ترک گناه آسان می‌شود، اما این همان تصور دانش‌آموز ابتدایی از بردن کتاب به جلسه امتحان است، زیرا امتحان هم به همان میزان دقیق خواهد شد و امتحان دادن سخت‌تر.

آیا کشته شدن شیطان با آیه *«قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»*^۱ منافات ندارد؟

چنان‌که در تفسیر عیاشی آمده و تفسیر المیزان آن را نقل کرده، همین مسئله را وهب‌بن‌جمیع از امام صادق علیه‌السلام سؤال کرده و امام در جواب فرموده‌اند: «ای وهب! آیا گمان می‌کنی منظور، روز قیامت است، لکن خداوند او را تا زمان قیام حضرت مهدی علیه‌السلام مهلت داده و وقت معلوم، زمان ظهور است.»^۲

یعنی درخواست شیطان شامل دو قسمت بود: یکی مهلت خواستن، و دیگری میزان مهلت که تا قیامت باشد و خداوند، درخواست دوم را قبول نکرد. لذا شیطان وقتی گفت: «می‌خواهم تا قیامت وقت داشته باشم!» خداوند در جواب فرمود: «تو تا وقت معینی اجازه داری.» از همین عوض شدن

۱. سوره حجر، آیات ۲۷ و ۲۸ و سوره ص، آیات ۸۰ و ۸۱ خداوند فرمود: «همانا تو (شیطان) تا روز زمان معلوم مهلت داده شده‌ای.»
۲. علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۱۸۴.

باب معلوم می‌شود که خداوند درخواست او را نپذیرفته است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «منظور از وقت معلوم، زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.» لذا آیه نیز منافاتی با کشته شدن شیطان به دست آن حضرت ندارد.

بیشترین مخالفان امام زمان علیه السلام در هنگام ظهور از انسان‌ها هستند یا از جن‌ها؟

نقش اصلی در دنیا بر عهده انسان‌هاست؛ بنابراین، مخالفت جن‌ها در حاشیه و تابعی از الفت انسان‌هاست. جن‌ها به تنهایی نمی‌توانند سرنوشت جهان را تعیین کنند؛ زیرا خداوند آن را برای انسان‌ها آفریده است. از این‌رو، دشمنان اصلی امام زمان علیه السلام در هنگام ظهور، قطعاً آن‌ها خواهند بود، البته امکان دارد که جن‌ها نیز در این کار به آنها کمک کنند.

یاران امام

وجود یاران

آیا امام زمان علیه السلام مانند دیگر امامان، اصحابی دارند؟

همه ما جزء معتقدان به امامت ایشان هستیم و از این جهت جزء اصحاب و یاران امام زمان علیه السلام محسوب می‌شویم؛ یعنی تمام شیعیان، اصحاب امام زمان علیه السلام هستند. اما اگر منظور از اصحاب، کسانی باشند که در کنار امام هستند و با ایشان زندگی می‌کنند، باید بگوییم طبق روایات، عده‌ای همیشه نزد امام هستند و امام تنها زندگی نمی‌کنند. آنها همراه امام هستند و دستورهای ایشان را اجرا می‌کنند. در روایتی، تعداد آنها سی نفر ذکر شده است.^۱ یعنی در هر زمان حداقل سی نفر همراه امام وجود دارد.

البته حضرت بعد از ظهور نیز در آغاز ۳۱۳ نفر یار ویژه خواهند داشت که فرمان‌دهان حضرت هستند و غیر از آنها یاران فراوان دیگری نیز دارند که تعداد آنها به هزاران نفر می‌رسد.

یاران امام زمان علیه السلام در هنگام ظهور چه تعداد خواهند بود؟

بر اساس روایات، عدد اصحاب ویژه امام زمان علیه السلام به تعداد لشکر پیامبر صلی الله علیه و آله در غزوه بدر ۳۱۲ نفر) خواهد بود.

قندوزی در تفسیر آیه «وَلَمَّا أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ»^۱ از امام باقر علیه السلام و امام ادق علیه السلام نقل نموده که فرمودند: «همانا امت معدوده ۳۱۳ نفر از اصحاب مهدی علیه السلام در الزمان است که همانند عده اهل بدر، در یک ساعت اجتماع می کنند...»^۲

محمدبن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «اول کسی که از طرف خدا با او بیعت کند، جبرئیل است و نیز از مردم ۳۱۳ نفر با او بیعت خواهند کرد...» و نیز از امام باقر علیه السلام بت شده که فرمود: «قائم علیه السلام از ما با ترس یاری شده و با نصرت تأیید خواهد شد... پس گامی که خروج می کند، بر کعبه تکیه می دهد و ۳۱۳ نفر به دور او گرد می آیند...»^۳

آیا احتمال دارد بر تعداد یاران امام زمان علیه السلام افزوده شود؟

بر اساس روایات، یاران ویژه حضرت ۳۱۳ نفر هستند که یاران حکومتی حضرت به شمار آیند و هر کدام مسئولیت و مأموریت خاصی از طرف حضرت دارند. این تعداد که جزء یاران حضرت هستند، در مرحله آغازین ظهور با ایشان همراه می شوند و هسته اولیه انقلاب جهانی بی را تشکیل می دهند و تعدادشان افزایش و کاهش نمی پذیرد.

در مرحله بعد، به تعداد یاران حضرت افزوده می شود و چنان که در روایات آمده، شمار آنان به ۱۰۰ نفر هم می رسد. در این روند، بسیاری از افراد شایسته به یاران حضرت می پیوندند. البته وان یاران حضرت را که در جنگ با دشمنان و دیگر مسائل با حضرت همکاری می کنند و در مدافعت حضرت گام برمی دارند، به عدد خاصی محدود کرد. بنابراین، چون برای این گروه از حضرت عددی تعیین نشده، افزایش یا کاهش آن هم معنا ندارد.

هود، آیه ۸

۱، ینابیع الموده، ص ۵۰۹.

۲، شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۵۸۹.

چه کسانی از پیامبران الهی با امام عصر علیه السلام همراه می‌شوند؟

با مراجعه به روایات نام بعضی از پیامبران الهی را می‌توان یافت که در حکومت حضرت مهدی علیه السلام حضور خواهند داشت؛ مهم‌ترین آنان حضرت عیسی علیه السلام است. بنابر روایات شیعه و سنی در زمان ظهور، حضرت عیسی علیه السلام نزول خواهد کرد و پشت سر امام عصر نماز خواهد خواند. این نماز و اقتدای حضرت عیسی علیه السلام باعث می‌شود، بسیاری از مسیحیان مسلمان شوند و امامت امام زمان علیه السلام را بپذیرند.

در روایتی علاوه بر نام حضرت عیسی علیه السلام نام حضرت ادريس، حضرت خضر و حضرت الیاس علیهم السلام نیز آمده است.^{۱ و ۲} که در کنار امام مهدی علیه السلام حضور دارند، اما در روایات از سایر پیامبران سخنی به میان نیامده است.

مشخصات یاران

اسم و ملیت و صفت اصحاب امام زمان علیه السلام و سن آنها را بیان کنید؟

اصحاب اولیه امام زمان علیه السلام ۳۱۳ نفر هستند که نام بعضی از آنها در روایات آمده است که از آن جمله‌اند: اصحاب کهف، یوشع بن نون، مالک اشتر، مقداد و سلمان و ابودجانة انصاری^۳ اما نام و مشخصات همه آنها را نداریم، البته تعدادی از کسانی که در گذشته تاریخ زندگی می‌کردند در میان اصحاب حضرت حضور خواهند داشت یعنی گروهی نیز زنده شده، در رکاب حضرت حاضر می‌شوند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله، نام افراد را شمرده و شهرهای آنها را نیز بیان کرده است اما این روایت قابل اعتماد نیست و نمی‌توان گفت حتماً همان‌ها یاران امام هستند. البته در بعضی موارد نام فرد ذکر نشده، مثلاً فرموده: مردی از سرخس. در این روایات نام بسیاری از شهرهای ایران ذکر شده است؛ مانند اهواز، شوشتر، شیراز، اصفهان، بروجرد، نهاوند، همدان، قم، خراسان، آمل، گرگان، دامغان، سرخس، ساوه، طالقان، قزوین، فارس، ابهر، اردبیل، مراغه، خوی،

۱. کشف الحق، ص ۱۸۶.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۴۷-۲۴۲. روایتی از ملاقات امام باقر علیه السلام با حضرت الیاس آورده که از آن معلوم می‌شود حضرت الیاس در زمان ظهور حضور خواهد داشت.

۳. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۰.

لماس، عبادان، کازرون و مرو.^۱ البته همچنان که تذکر دادیم این احادیث قابل اعتماد نیستند. بنابراین، مشخصات دقیق اصحاب امام در دست نیست. مگر بعضی از اصحاب پیامبر ﷺ و یر المؤمنین علیهم السلام که نام آنها ذکر شده است.

یاران امام زمان علیه السلام تنها از شیعیان هستند یا اهل تسنن نیز جزء یاران ایشان هستند؟

وقتی امام زمان علیه السلام ظهور نمایند، همه مردم دنیا را مورد خطاب قرار داده، پیام اسلام و عدالت به تمام افراد ابلاغ می نمایند. در آن هنگام هر کس سخنان حضرت را بپذیرد، جزء یاران وی شود. لذا در روایات آمده است: کسانی جزء یاران امام می شوند که شبیه خورشید و ماه پرستان هاند،^۲ یعنی تا این حد از خدا و اسلام دور بودند، تا چه رسد به اهل سنت که به خدا و پیامبر لام معتقدند.

کسانی که سخن عدالت خواهانه امام را قبول نکنند جزء دشمنان حضرت می شوند؛ هر چند از ظهور در ظاهر مؤمن باشند.

بنابراین، حال فعلی افراد نقش بسیار اساسی دارد، زیرا کم اتفاق می افتد که انسان در یک غلظ عوض شود، تنها ملاک عاقبت به خیری نیست. بنابراین، باید دائماً روحیه انتظار و لت طلبی و عمل به احکام اسلام را در نهاد خودمان تقویت کنیم تا هنگام ظهور جزء یاران قی امام شویم.

البته یاران ویژه امام که طبق روایات ۳۱۳ نفر هستند و فرمان دهان و کارگزاران حضرت سوب می شوند، چکیده تمام دوران هایند و از اصحاب حضرت موسی علیه السلام تا انسان های زمان بر را شامل می شوند و افراد مخلص و سخت کوش هر زمانی در کنار امام حاضر خواهند بود.

ویژگی یاران

ویژگی های یاران امام زمان علیه السلام چیست؟ آیا شهدا نیز از یاران امام مهدی علیه السلام هستند؟

مهم ترین ویژگی های یاران حضرت مهدی علیه السلام که در روایات به آن اشاره شده عبارت اند از:

۱. بینش عمیق نسبت به حق تعالی

۱. ید بن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۵، باب ۷۹.
مانی، الغیبه، ص ۳۳۲، ح ۱.

امام علی علیه السلام درباره ویژگی یاران امام مهدی علیه السلام می فرماید: «آنها مردانی هستند که خدا را آن چنان که شایسته است می شناسند.»^۱ در روایت دیگری می فرماید: «آنان به وحدانیت خداوند، آن چنان که حق وحدانیت است، اعتقاد دارند.»^۲

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام درباره آنها می فرماید: «آنان مردانی هستند که دل هایشان مانند پاره های آهن است و هیچ تردیدی نسبت به ذات مقدس خداوند ندارند.»^۳ این بینش نشانه دارد؛ نشانه های آن «ذکر» و «تلاش در اطاعت» است که روایات بدان اشاره دارد:

امام صادق علیه السلام می فرماید: «آنان در دل شب، از خشیت خداوند مانند مادران جوان از دست داده ناله می کنند.»^۴ در روایت دیگری می فرماید: «شبها را با عبادت به صبح می رسانند و روزها را با روزه به پایان می برند.»^۵

در روایت دیگری آمده است: «آنان مردان شب زنده داری هستند که زمزمه نمازشان مانند صدای کندوی زنبوران به گوش می رسد. شبها را با زنده داری سپری می کنند و بر فراز اسبها، خداوند را تسبیح می گویند.»^۶

پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله هم درباره آن بزرگواران می فرماید: «آنان در طریق عبودیت، اهل جدیت و تلاش اند.»^۷

۲. بینش عمیق نسبت به امام زمان علیه السلام

یاران امام مهدی علیه السلام معرفت و شناخت و اعتقاد کامل به امامشان دارند. امام سجاد علیه السلام در این باره می فرماید: «آنان قائل به امامت امام مهدی علیه السلام هستند.»^۸

نتیجه این بینش عمیق، عشق و محبت و اطاعت از امام است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «آنان برای تبرک، بر زین اسب امام دست می کشند و در میان رزم، گردش می چرخند و با جان خود، از او محافظت می کنند و اطاعت آنان از امام، از فرمان برداری کنیز در برابر مولایش

۱. منتخب الاثر، ص ۶۱: «رجال عرفوا الله حق معرفته».

۲. يوم الخلاص، ص ۲۲۴: «فهم الذين وخذوا الله حق توحیده».

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸: «رجال كان قلوبهم زبر الحديد لا يشوبها شك في ذات الله».

۴. يوم الخلاص، ص ۲۲۴: «لهم في الليل اصوات كأصوات الثواكل حزنا من خشية الله».

۵. همان: «قوام بالليل و صوام بالنهار».

۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸: «رجال لا ينامون الليل لهم دوى في صلواتهم كدوى النحل بيتون قياماً على اطرافهم و يسبحون على خيولهم».

۷. كامل سليمان، يوم الخلاص، ص ۲۲۳: «مجدون في طاعة الله».

۸. منتخب الاثر، ص ۲۴۴: «القائلين بامامته».

راست... و آرزو می کنند که در راه خدا به شهادت برسند.»^{۱ و ۲}

بهذا هم جزو یاران حضرت مهدی علیه السلام هستند؛ در روایات «رجعت» بیان شده است که بن خالص که از دنیا رفته اند، برمی گردند.»^۳ مثلاً در روایات آمده: «امام حسین علیه السلام و یاران ش رجعت می کنند.»^۴

در منظور شهدای هشت سال دفاع مقدس باشد، چون آنها عاشق ظهور حضرت مهدی علیه السلام، امید به بازگشت آنها در دولت امام مهدی علیه السلام است. برای این ادعا روایت داریم: فضل بن عمر می گوید: «خدمت امام صادق علیه السلام صحبت از حضرت مهدی علیه السلام و افرادی شد که نه انتظار ظهورش را می کشند و پیش از نیل به چنین سعادت از دنیا می روند. امام فرمود: می که حضرت مهدی علیه السلام قیام کند، مأموران الهی در قبر با اشخاص مؤمن تماس می گیرند و می گویند: ای بنده خدا! مولایت ظهور کرده است، اگر می خواهی که به او پیوندی آزاد و اگر بخواهی در نعمت های الهی متنعم بمانی باز هم آزاد هستی.»^۵

انی که اکنون همراه امام زمان علیه السلام هستند، چه ویژگی هایی دارند و چگونه به آن حضرت اند؛ چون طبق برخی روایات، وقتی امام برای شفای شخصی می رفتند چند نفر نیز نان بودند؟

نی که همراه امام زمان هستند، در اوج تربیت نفس خویش، به پایگاهی رسیده اند که تصور کل است. ایشان در بحران تضادها و کشمکش های مادی حاکم بر اجتماع بشری، خودشان می دارند و هیچ موقع تابع هواهای نفسانی خود و دیگران نمی شوند. هیچ کاری را به دلیل بی انجام نمی دهند. در هر کاری خدا و مصالح افراد و جامعه را مدنظر خود قرار می دهند. رسیدن به این مرحله، امام آنها را برای همراهی خود، انتخاب می کند و به مقامی می رسند که همراه امام اند. در واقع عمل ایشان، سبب رسیدن به جایگاه و مقام همراهی امام

نوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸: «یتمسحون بسرج الامام یطلبون بذلک البرکه و یحفون به یقونه بانفسهم فی الحروب... هم اطوع له من سیدها... و یتنون ان یقتلوا فی سبیل الله».

ت ویژگی های دیگری مانند شجاعت، ایثار، یکدلی، استواری و امثال آن بیان شده است که می توانید برای اطلاع بیشتر، نک: به انتظار، ش ۲، ص ۷۳، «مهدی یاوران»: محمد باقر پورامینی، جوانان یاوران مهدی علیه السلام، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت موعود علیه السلام تهران.

رهان، ج ۲، ص ۴۰۸.

وار، ج ۵۱، ص ۵۶.

ج ۵۳، ص ۹۲.

آیا می‌توان پیروان راستین حضرت مسیح علیه السلام را که مسلمان نیستند، جزو یاران حضرت

مهدی علیه السلام برشمرد؟

قطعاً یاران امام مهدی علیه السلام مسلمان هستند. ولی این مسئله به این معنا نیست که سایر ادیان نمی‌توانند یار امام مهدی علیه السلام باشند. بلکه پیروان ادیان ابتدا دین اسلام را می‌پذیرند و سپس در زمره یاران امام مهدی علیه السلام قرار می‌گیرند.

همان طوری که می‌دانید حضرت عیسی علیه السلام بعد از ظهور امام مهدی علیه السلام نزول می‌کند و انسان‌ها را به اسلام دعوت می‌کند. در روایتی از قول پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «... او از آسمان فرود می‌آید... با مردم برای دعوت به اسلام جنگ خواهد کرد، صلیب را خرد کرده... و خداوند در عصر او همه ملت‌ها به جز اسلام را نابود می‌گرداند...»^۱

حضور بانوان

در جایی شنیدم که پنجاه نفر از یاران امام مهدی علیه السلام زن هستند. لطفاً در این باره با ذکر منابع این جانب را راهنمایی فرمایید؟

برای پاسخ به این سوال ذکر چند نکته لازم است:

اولاً: در دیدگاه اسلام، حضور زن در امور اجتماعی یک مسئله پذیرفته شده است و می‌توان برای آن مؤیدهایی را ذکر کرد:

۱. حضور جدی حضرت زهرا علیها السلام، زینب کبری علیها السلام در امور اجتماعی و سیاسی؛
۲. حضور زنان در میان سپاهیان پیامبر که وظایفی هم‌چون رساندن آب و غذا به رزمندگان، پرستاری مجروحان، تهیه دارو، رساندن مهمات، انتقال شهدا، تشویق رزمندگان و... داشتند. چنین چیزی را در سیره جنگی حضرت امیر علیه السلام می‌توان دید؛ مثل داستان حضور زنی به نام سوده حمدانی در جنگ صفین که رزمندگان را علیه معاویه تشویق می‌کرد. پس در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سیره امیرالمومنین علیه السلام حضور زن در میان یاران آنان، امر مسلمی است.

ثانیاً: اگر سیره امام زمان علیه السلام ادامه سیره پیامبر و امام علی علیه السلام است، قطعاً در دولت آرمانی امام زمان علیه السلام نیز زنان از این جهت محروم نخواهند بود. در این زمینه روایات متعدد داریم؛ نظیر آن

۱. سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۳۱۹، ح ۴۳۲۴؛ کنز الاعمال، ج ۱۴، ص ۳۳۳، ح ۳۸۸۴۳.



ایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت فرمود: «زنان همان کارهایی را که در زمان مبر علیه السلام انجام می دادند، در زمان حضرت قائم علیه السلام نیز انجام خواهند داد.»^۱

۱. در برخی از روایات فقط اجمالاً به حضور زن تأکید شده و نامی از تعداد آنان برده نشده است؛

۲. برخی از روایات به سیزده زن اشاره دارد که هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام با حضرت اهند بود^۲ (البته این روایت تعداد زنان رجعت کننده در زمان ظهور حضرت را بیان می کند)؛

۳. برخی از روایات تعداد زنان را در جمع یاوران اصلی حضرت پنجاه نفر بیان کرده اند؛ مثل بیت نقل شده از امام باقر علیه السلام که تعبیر «فیهم خمسون امرئة» دارد؛^۳

۴. در دسته دیگری از روایات، تعداد یاران زن تا چند هزار نفر برشمرده شده است.^۴ البته این غیر از یاوران اصلی حضرت هستند.

نتیجه:

می توان گفت که با توجه به سیره نبوی و علوی، حضور زن در حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام میان یاران آن حضرت، امری مسلم است؛ اما این که چه تعداد از آنان زن هستند و یا این که جمع ۳۱۳ نفر یار اصلی حضرت چند نفرشان زن هستند، نمی توان عدد مشخصی را بیان کرد، زیرا بعضی از روایاتی که تعداد تعیین کرده اند (مثل روایت پنجاه نفر) از حیث سند ضعیف به شمار می آیند.

اید توجه داشت که یاری رساندن زنان به حضرت (بر خلاف آن چه متبادر به ذهن است) به جنگ منحصر نیست، بلکه عرصه های مختلفی چون: حوزه فرهنگ و سیاست، امور اجتماعی، یاری را نیز در برمی گیرد. حوزه هایی که در آنها میدان یاری برای زنان با حفظ کرامت زن، باز و قطعاً زنان در حکومت حضرت می توانند در این عرصه ها نقش داشته باشند.^۵

طبری، دلائل الامامه، ص ۲۵۹؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۷۵. چاپ علمیه قم (به نقل از چشم اندازی به حکومت امام مهدی علیه السلام، نجم الدین طبری).

الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

حماد، کتاب فتن، ص ۱۵۱، نسخه خطی (به نقل از چشم اندازی به حکومت امام مهدی علیه السلام، نجم الدین طبری).

ن مطالعه ابتدایی، نک: حبیب الله طاهری، سیمای آفتاب؛ نجم الدین طبری، چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام؛ برای تحقیق تر، نک: کمال الدین، نعمانی، الغیبه، بحار الانوار، دلائل الامامه طبری، اثبات الهداه حر العاملی.

یاران امام زمان چه کسانی‌اند؟ آیا بانوان هم در بین یاران ایشان خواهند بود؟

یاران امام زمان علیه السلام به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱. یاران اصلی: این افراد گروهی خاص و کاملاً مطیع امام‌اند. همه آنها از فرمان‌دهان لشکر و کارگزاران حکومت امام زمان علیه السلام خواهند بود. تعداد آنها در روایات ۳۱۳ نفر ذکر شده است که در میان آنها پنجاه زن وجود دارد.^۱ حتی نام بعضی از زنان در روایات آمده است.^۲
۲. سایر یاران: تعداد آنها از ده تا پانزده هزار نفر نقل شده است.^۳ البته این تعداد در آغاز قیام است و بعد از قیام هر لحظه به تعداد آنان اضافه خواهد شد و در میان آنها نیز بانوان باتقوا و فداکاری خواهند بود.

سرانجام یاران

سرانجام یاران امام زمان علیه السلام چه می‌شود؟

در روایات درباره سرانجام یاران امام زمان علیه السلام بعد از ظهور و حکومت امام، به صراحت چیزی دیده نشده است. طبق روایات گروهی از یاران امام رجعت می‌کنند، یعنی کسانی هستند که پس از مرگ زنده می‌شوند و در رکاب امام زمان علیه السلام حضور می‌یابند.^۴ در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هیچ یک از مؤمنان کشته نمی‌شوند مگر رجعت می‌کنند تا به مرگ طبیعی از دنیا روند و هیچ یک از آنها به مرگ طبیعی از دنیا نمی‌روند، مگر رجعت می‌کنند تا کشته شوند.»^۵

گروهی از یاران امام زمان علیه السلام که در دوران قبل از ظهور زیسته و به مرگ طبیعی از دنیا رفته‌اند، در دوران ظهور به فیض شهادت می‌رسند، و گروهی دیگر که قبل از ظهور مظلومانه شهید شده‌اند، در دوران ظهور زندگی و به مرگ طبیعی رحلت می‌کنند.

البته چنان که در بالا گفتیم، سرانجام آنها دقیقاً بیان نشده و این یک احتمال است که می‌توان از روایات استفاده کرد.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳، ح ۸۷.

۲. دلائل الامامه، ص ۴۸۴، ح ۴۸۱. مانند قنوی دختر رشید هجری، سمیه مادر عمار، ام‌ایمن پرستار پیامبر صلی الله علیه و آله، حبابه از یاران ائمه علیهم السلام.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۷، ح ۱۵۲.

۴. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۰، ح ۹۵.

۵. همان، ص ۴۰، ح ۵. البته منظور روایت تمام مؤمنان خالص و واقعی است نه همه کسانی که به ظاهر شیعه و دوست‌دار اهل بیت علیهم السلام هستند. لذا در رجعت، همه شیعیان به دنیا بازمی‌گردند.

برای یاری امام زمان علیه السلام چه باید کرد؟

بار امام بودن ویژگی‌هایی دارد که هم با ملاحظه روایات معصومان علیهم السلام و هم با ملاحظه تاریخ وان آنها را به دست آورد. وقتی به تاریخ معصومان علیهم السلام نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که در میان مانان، آنها که به امام خویش معرفت و شناخت بیشتر و عمیق‌تری داشتند و به همین دلیل، در او و فرمان‌هایش به صورت کامل تسلیم بودند و به جای حرف و ادعا، در مقام عمل پیروی را نشان دادند، همان یاران واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در جنگ‌ها، سختی‌ها و تلخی‌ها؛ افرادی چون: سلمان فارسی، ابوذر و مقداد برای پیامبر صلی الله علیه و آله و افرادی مثل مالک اشتر و یاسر برای امیرمؤمنان علی علیه السلام و نیکانی چون ۷۲ تن شهید کربلا برای امام حسین علیه السلام. این که در روایات فراوانی که درباره ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام آمده، بر مسئله ت عمیق یاران به آن حضرت و اطاعت کامل و بی‌چون و چرای ایشان از امام خود، تأکید است؛ هم‌چنین روایات به سلامت نفس، پاکی و تقوای آنان تصریح می‌کند.

ام صادق علیه السلام درباره این افراد فرموده است: «آنها مردانی هستند که دل‌هایشان همانند های آهن (محکم) است. هرگز دچار تردید نمی‌شوند... پروانه‌وار دور شمع وجود امام دند و خود را سپر جان او قرار می‌دهند... در سراسر شب نغمه‌های نماز و ذکر و عبادتشان صدای زنبور به گوش می‌رسد. آنها زاهدان شب و شیران روز و در برابر امام عزیزشان کاملاً و تسلیم هستند.»^۱

ته به این نکته باید توجه کرد که یاران امام مهدی علیه السلام هم مثل دیگر ائمه علیهم السلام مراتب ی دارند و روایات، بیشتر به ویژگی‌های یاران نزدیک حضرت که از بهترین شیعیان هستند، ه است. به طور طبیعی هر یک از ما امیدواریم جزء یاران حضرت باشیم؛ چون هم به او می‌ورزیم، و هم منتظر قدم مبارک اویم و هم در دل و جان تصمیم به اطاعت از او داریم، بد همتان آن باشد که در مقام یآوری تا آن جا بالا بیاییم که مایه روشنی چشم ایشان به گونه‌ای که امام به یاری ما دل‌گرم باشد؛ همان‌گونه که مالک اشتر برای امام علی علیه السلام ن بود و علی علیه السلام در فراق او و در ماتم او گریست و فرمود: «شما نمی‌دانید مالک که بود؟»

نکته دیگر آن است که در یاری امام عصر علیه السلام فرقی بین زن و مرد نیست و هر کس می‌تواند با توجه به توانایی‌های خود در خدمت امام علیه السلام باشد؛ زیرا یاری امام مهدی علیه السلام تنها جنگیدن و شمشیر زدن نیست تا مخصوص مردان باشد. همگان - چه مرد و چه زن - می‌توانند در جبهه یاوران امام علیه السلام قرار گیرند.

بنابراین، راه برای همه باز است تا جزء یاوران حضرت باشند: اول، با به دست آوردن ویژگی‌های رفتاری یاران حضرت و سعی در به دست آوردن اخلاق اسلامی و تقوایی در همه حال، و دوم، با دعا و تضرع به درگاه حضرت حق و خواستن از او، از جمله خواندن دعای عهد در هر صبح که براساس فرموده امام صادق علیه السلام، «خواننده دعای عهد از جمله یاوران مهدی علیه السلام است و اگر بمیرد خدا او را در روزگار ظهور برمی‌گرداند.» می‌توان به این مهم دست یافت.

نکته بسیار مهم این که یاری امام زمان علیه السلام تنها در زمان ظهور حضرت نخواهد بود، بلکه همین امروز و در دوره غیبت هم، راه یاری رساندن برای همه باز است؛ البته این به تناسب موقعیت افراد فرق می‌کند. برای مثال، یکی از راه‌های یاری امام زمان علیه السلام این است که سعی کنیم دوستان آن حضرت را زیاد کنیم و این هدف مقدس را از راه‌های گوناگون به انجام رسانیم؛ مثل این که یاد و نام امام زمان را در محیط و جمع فامیل و دوستان و همسایگان زنده نگه داریم و سعی کنیم دوستان و فامیل را از بدی‌ها دور نگه داریم؛ چون گناه و فساد، آنها را از امام زمان علیه السلام و دوستی آن حضرت جدا می‌کند. پس بکوشیم با روی خوش، نصیحت، دل‌سوزی و عمل کرد زیبا، در ساختن دیگران گام برداریم و از امر به معروف و نهی از منکر خسته و آزرده نشویم.

از راه‌های یاری امام زمان علیه السلام این است که وقتی ما را شیعه، دوست‌دار و مرید امام زمان علیه السلام شناختند، کاری نکنیم که سبب نفرت دیگران از دین و پیشوایان دینی گردیم، همان‌گونه که در روایات آمده است: «كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا؛ برای ما زینت باشید، نه مایه ننگ و زشتی.»

چگونه می‌توان حضرت مهدی علیه السلام را یاری نمود؟

اولین قدم برای یاری امام، شناخت شخصیت آن حضرت است. اگر کتاب‌های مربوط به امام زمان علیه السلام را مطالعه نمایید، طبیعی است که با راه‌های زیادی تحت عنوان وظایف منتظران آشنا

۱. همان، ج ۶۵ ص ۱۵۱، ح ۶

شويد يعنى عمل به وظيفه، بهترين راه براى يارى حضرت مهدي عليه السلام است. امام زمان عليه السلام در هاى به شيخ مفيد فرمودند: «فاتقوا الله جل جلاله و ظاهرونا على انتياشكم من فتنه؛^۱ تقوا پيشه يد و ما را در نجات دادن خودتان از فتنه ها يارى كنيد.» ترك گناه و حرام، عمل به واجبات، ي و تلاش جدى در تحصيل و كار، و كمك به ديگران در هر موردى كه در توان ما باشد، مثلاً كمك علمى به دانش آموزان ضعيف يا تشويق و راهنمايى ديگران براى اداى واجبات و ترك امها، بزرگداشت روزهاى مربوط به امام زمان عليه السلام و برپايى و شركت در مراسمها و... از هاى يارى رساندن به امام زمان عليه السلام است.

در زمان غيبت امام زمان عليه السلام چه كارهايى بايد به جا آوريم كه ظهور ايشان نزديك گردد و ء ياران و سربازان حضرت باشيم؟

براى دست يافتن به اين هدف ارزش مند، بايد تلاش و جديت خود را به كار بريم تا جزء نظران واقعى حضرت قرار گيريم.

ويژگى منتظران واقعى از اين قرار است:

۱. معرفت و شناخت عميق به امام زمان عليه السلام با مطالعه كتابهاى معتبرى كه درباره ايشان ته شده است؛

۲. آگاهى از اهداف امام زمان عليه السلام براى آن كه متناسب با اين اهداف، خود را آماده كنيم؛

۳. خودسازى و تهذيب نفس؛ يعنى اهميت دادن به نماز و ديگر واجبات و وظائف دينى؛ مثل ام و كمك به پدر و مادر و نيازمندان و پرهيز از گناه، به ويژه دورى از مال حرام و ظلم به ان؛

۴. همواره به ياد امام بودن و او را شاهد و ناظر خود ديدن؛

۵. تلاش براى شناساندن و آشنايى ديگران با امام زمان عليه السلام و ترويج و تبليغ فرهنگ مهدويت؛

۶. اهل امر به معروف و نهى از منكر بودن؛

۱. دعا براى سلامت حضرت و تعجيل فرج و آن چه به ايشان مربوط است.

عمل به اين ويژگى ها، بهترين راه براى خشنود ساختن امام زمان عليه السلام است. به ويژه رعايت ت الهى و ترك حرامها كه بيشك عامل مهمى در خشنودى آن حضرت است.

آیا هر کس می‌تواند با انجام دادن عمل نیک، یکی از یاران امام زمان علیه السلام گردد؟

به یقین انجام دادن اعمال نیک، رضایت خداوند متعالی و خلیفه او امام مهدی علیه السلام را در پی دارد و با ایمان و عمل صالح، می‌توان در شمار یاران حضرت قرار گرفت.

البته نکته این‌جاست که یاران امام مهدی علیه السلام سه دسته‌اند: دسته اول که از همه با فضیلت‌ترند که ۳۱۳ یاور مخصوص آن حضرت‌اند؛^۱ دسته دوم که در رتبه بعدی قرار دارند، سپاه ده‌هزار نفری امام مهدی علیه السلام هستند؛^۲ و دسته سوم که در رتبه آخرند، خیل عظیم مؤمنان‌اند که پس از ظهور، به آن حضرت می‌پیوندند.

به طور طبیعی قرار گرفتن انسان در هر یک از سه دسته یاد شده، به درجه ایمان و عمل نیک او بستگی دارد و هرچه ایمان انسان مستحکم‌تر و عمل او بیشتر و خالصانه‌تر باشد، نزد خداوند متعال و امام مهدی علیه السلام جایگاه بالاتری خواهد داشت.^۳

آیا یاران امام زمان علیه السلام حتماً باید نماز اول وقت بخوانند و کار نیک انجام دهند و حجاب

خود را حفظ نمایند یا اگر تنها عاشق امام باشند کافی است؟

امام زمان علیه السلام جامع فضایل و کمالات انبیا و اولیاست. یار و یاور او هم باید در مسیری قرار بگیرد که به تدریج به کمالات و فضیلت‌ها دست یابد. چنین چیزی حاصل نمی‌گردد مگر با داشتن عقاید صحیح و اعمال صالح و داشتن اخلاق خوب و پسندیده. بنابراین، یار و یاور امام در این مسیر باید به طور جدی قدم بردارد و کوتاهی نکند. اگر پایش لغزید، توبه کند و درصدد جبران گذشته برآید. داشتن صداقت، اخلاص، جدیت، تلاش، خواندن نماز اول وقت و رعایت احکام اسلامی از جمله پای‌بندی به حجاب و عفت جزو این فضایل است.

تنها ادعای این‌که، من عاشق و شیفته امام زمان هستم، کافی نیست. شعار بی‌مغز ارزش ندارد. این شعار عاشقی، باید شعور عمل و اثبات شوق و اشتیاق را هم داشته باشد و اثبات عشق، شور و اشتیاق به امام زمان علیه السلام با ادعا نیست و باید در عمل و رفتار نمایان باشد.

۱. علی کورانی، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام ج ۵، ص ۲۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۷.

۳. برای آشنایی با ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام، نک: فصل‌نامه انتظار، ش ۳؛ محمدباقر پورامینی، خصال یاوران مهدی علیه السلام، ترجمه اداره پژوهش و نگارش و جوانان یاوران مهدی.



آیا با این که گناه کارم، آرزوی این که روزی از یاران امام زمان باشم گناه دارد؟ البته اگر
چه گناه شوم، توبه می‌کنم!

آرزوی یاری امام زمان علیه السلام بهترین آرزوی مسلمان خداجوست. حتی اگر انسان گناه کار است،
تواند با توبه کردن و کنار گذاشتن گناه، جزو یاران حضرت قرار گیرد. بنابراین، همیشه باید
ی امام زمان را آرزو کنیم. همین آرزو می‌تواند عامل خوبی برای پاکی ما و دوری از گناهان

د.

جهان بعد از ظهور

چگونگی وضع جهان

هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور می کند، دنیای امروزی چگونه خواهد بود؟

بی شک مهم ترین مأموریت امام زمان علیه السلام، برپایی حکومت عدل الهی در سراسر جهان است. این مهم که همواره آرزو و آمال همه صالحان گذشته نیز بوده، بدون ایجاد تحول بنیادین در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، رسانه های ارتباطی و... امکان پذیر نیست.

مشکل عمده بشر در جهان امروز، فقدان دیانت و معنویت و گسترش ظلم و فساد است و تا زمانی که دین و تفکر دینی در اذهان مردم دنیا درونی نشود، هیچ تعهد و ارزش اخلاقی و رفتاری در عرصه های سیاسی و اجتماعی، تضمین نخواهد شد. عدالت، کلید اصلی حل معضلات بشر است. این کلید، خود به تحول بنیادین در حوزه تفکر و اندیشه جمعی امروز نیاز دارد. علت هم این است که عدالت، در حوزه روی کرد رفتارهای اجتماعی نمود پیدا می کند و زیربنای آن، تصحیح نگرش ها و اندیشه هاست، زیرا بدون تصحیح نگرش ها، هیچ رفتار و روی کرد رفتاری - چه در حوزه فردی و چه اجتماعی - قابل اصلاح و دوام نخواهد بود. از این نظر انقلاب حضرت، تحولی فکری و فرهنگی را در پی دارد که عدالت اجتماعی در همه ابعاد، ثمره شیرین آن به شمار می آید.

بنابراین، جهان عصر ظهور، در فضای حکومت صدر در صد دینی سیر می کند و در پرتو چنین
 دین دینی و قرآنی، همه خواسته های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و... جامعه بر محور عدالت
 تأمین می گردد. به همین دلیل در قرآن و روایات، مأموریت اصلی حضرت، حاکمیت و غلبه
 ق دین اسلام در همه شئون جامعه معرفی شده است. پس این، مهم ترین تفاوت آن عصر با
 ن امروزی است که قابل مقایسه نخواهند بود و تفاوت این دو از زمین تا آسمان است.

سلام بعد از ظهور امام زمان علیه السلام چه جایگاهی دارد؟

آن چه از آیات قرآن^۱ به دست می آید این است که اسلام بر تمام ادیان غالب خواهد شد و در
 ن مستقر و پابرجا می شود. تصریح بسیاری از روایات^۲ هم این است که در زمان ظهور
 ی علیه السلام دین اسلام همه کره زمین را فرا می گیرد و بر همه ادیان جهان پیروز خواهد گردید.

بعد از ظهور آن حضرت، همه چیز پیشرفت می کند؛ مثلاً درهای دانش بی کران الهی به روی
 شوده می شود آن هم نه تنها به آن اندازه که بر پیامبران و اولیا گشوده شد، بلکه بیش از
 به برابر آن چه آنان از دانش بهره داشته اند. مردم نیز استقبال بیشتری به فراگیری دانش نشان
 ند داد. در حکومت مهدی علیه السلام مردم به طور بی سابقه ای به اسلام روی خواهند آورد و روزگار
 ن و سرکوب دین داران و ممنوعیت مظاهر اسلامی به سر آمده، در همه جا آوای اسلام طنین
 خواهد شد و آثار مذهب تجلی می کند.

ه طور کلی می توان گفت: یکی از دغدغه های حکومت ها جلب رضایت عمومی بوده، ولی به
 ضعف های بسیاری که در اداره مجموعه ها وجود داشته، چنین رضایتی حاصل نشده است. از
 های اساسی حکومت حضرت مهدی علیه السلام همین است که همه افراد و اجتماعات بشری آن
 ل دارند و نه تنها همه اهل زمین بلکه دیگر موجودات نیز از آن حکومت الهی و فرمانروای
 گستر راضی اند.

امبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «شما را بشارت می دهم به مهدی علیه السلام... اهل آسمان و زمین از او
 هستند. چگونه ممکن است کسی از حاکمیت مهدی علیه السلام ناراضی باشد و حال آن که برای
 جهانیان روشن می شود که صلاح امر بشر و سعادت او در همه جنبه های مادی و معنوی تنها

۱. توبه، آیه ۳۳؛ سوره نور، آیه ۵۵.

۲. دهم و الفتن، باب ۱۷۸، ص ۱۷۳؛ منتخب الاثر، ۲۹۴-۱۶۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

در سایه حکومت الهی آن حضرت است.»^۱

پس می‌توان گفت که در چنین موقعیتی طبعاً استقبال و پذیرش مردم به مظاهر و شعارهای دینی بی‌سابقه خواهد بود.

وضعیت افتاء و مرجعیت در جهان تشیع، بعد از ظهور امام زمان علیه السلام چگونه خواهد شد؟

روشن است که بعد از ظهور، علم فقه مانند سایر علوم پیشرفت فوق‌العاده‌ای خواهد کرد و با استفاده از محضر امام، بسیاری از مسائل مبهم حل خواهد شد و تحولی در اجتهاد روی خواهد داد. طبیعی است که در آن زمان نیز برای افراد، مسائلی پیش می‌آید که باید حکم آن را دریافت کنند. بنابراین، کسانی لازم خواهند بود که متخصص و صاحب نظر در امر فقه باشند و مشکل آنها را حل نمایند. از آن‌جا که امکان ندارد تمام مردم از امام زمان علیه السلام استفتا کنند، در زمان ظهور نیز مجتهدانی خواهند بود که افتاء می‌کنند. البته افتاء تحول فراوانی خواهد یافت؛ مسائل کلی و مهم را حضرت خود بیان می‌کند و طبیعتاً موارد جزئی و موردی را افراد صاحب نظر در فقه پاسخ می‌گویند.

آیا زمان ظهور ریشه کفر و ظلم کننده می‌شود؟ آیا در آن ایام کسی به فکر قیامت هست و

آیا قیامت و حساب‌رسی در آن ایام معنایی دارد؟

قطعاً در دولت امام زمان علیه السلام بر اساس روایات، عدالت، جهانی می‌شود و ظلم و ستم از بین می‌رود. ولی این مسئله به معنای گناه نکردن همه انسان‌ها نیست، چون در زمان ظهور هم انسان‌ها قدرت انتخاب و اختیار دارند و ممکن است برخی از انسان‌ها با تبعیت از هوای نفس، دچار معصیت شوند که در قیامت به حساب آنها رسیدگی خواهد شد. ضمناً خوب می‌دانیم که قیامت، روز حساب‌رسی است. اگر انسان‌های عصر ظهور اصلاً گناه نکنند، خداوند متعال در روز قیامت به حساب آنها می‌رسد و به آنها پاداش می‌دهد و حساب‌رسی به معنای مجازات مجرمان و مانند آن نیست. بنابراین، قیامت معنای خودش را داراست و اشکالی ندارد که انسان‌های موحد و مؤمن عصر ظهور نیز به فکر قیامت باشند، زیرا یاد قیامت، انسان‌ساز است و همان طوری که ترس از عقوبت، مانع و موجب ترک معصیت می‌شود، نیل به ثواب و پاداش هم ایجاد انگیزه و شوق می‌کند و انسان از معصیت دست شسته، اعمال صالح انجام می‌دهد. این تصور شما که حتماً باید گناهی باشد تا قیامت معنا داشته باشد تصور باطلی است. قیامت روزی است که هم گناه‌کاران به

۱. همان، ج ۵۱، ص ۸۱

زای عمل خود می‌رسند و هم مؤمنان پاداش رفتار خود را می‌گیرند. پس اگر در عصر ظهور هم سان‌ها صالح باشند، باز هم قیامت باید باشد تا پاداش رفتارشان صالحانه خود را بگیرند.

ویژگی‌های جهان عصر ظهور

وضعیت پیشرفت‌های علمی در عصر حکومت حضرت مهدی علیه السلام چگونه خواهد بود؟

در پرتو دولت مهدوی، دانش، تکنیک و اقتصاد پیشرفت حیرت‌انگیزی خواهند داشت که به نهای با یک‌دیگر ارتباط دارند.

پیشرفت برق‌آسای علوم:

این مسأله در روایات بسیار گویا و روشن مطرح شده است؛ علوم ۲۷ شاخه دارد که تنها دو خه از آن تا زمان ظهور برای بشر آشکار خواهد شد و ۲۵ شاخه دیگر در زمان دولت آرمانی امام علیه السلام آشکار می‌شود،^۱ بنابراین، پیشرفت علوم، دوازده برابر بیشتر از همه اعصار گذشته خواهد . روایات دیگری هم در این خصوص آمده است که عقل بشر در زمان ظهور حضرت کامل هد شد،^۲ و راه اندیشیدن و خردورزی و شکوفایی دانش و بستر کمال برای انسان هموار خواهد و امام مهدی علیه السلام، جهل و نادانی را از ساحت فکر و اندیشه بشر خواهد زدود. پیشرفت تکنیک و فن‌آوری:

در این زمینه احادیثی وجود دارد که از زاویه‌های متفاوت به مسأله می‌نگرند. بی‌شک، بلوژی زمان حضرت علیه السلام بسیار متفاوت با فن‌آوری امروزی بشر خواهد بود که به بی‌دینی بار شده است. دیگر این که در زمان حضرت علیه السلام محدودیت حاکم بر تکنولوژی امروز بشر وجود هد داشت و گستره آن بسیار وسیع‌تر از آن خواهد بود که بشر امروز بتواند آن را درک کند. کته پایانی در جهت‌دار شدن علم است. دین‌خواهی در زمان حضرت، همراه و هم‌زمان با علم سترد و انسان آن عصر، دین‌داری و پیشرفت فن‌آوری را ناسازگار نمی‌بیند.

نابر روایات، انرژی و استفاده از انرژی غیرخورشیدی،^۳ وسایل سریع‌السیر،^۴ صدا و تصویر به ای شهودی و حضوری در گستره عالم هستی کارآمد خواهند شد؛^۵ همه چیز مانند کف دست،

۱، ج ۵۲، ص ۳۳۶؛ (امام صادق علیه السلام).

۲، ص ۳۲۸؛ (امام باقر علیه السلام).

۳، ج ۵۲، ص ۳۳۷؛ (امام صادق علیه السلام).

۴، ص ۳۲۱؛ (امام باقر علیه السلام).

۵، ص ۳۹۱؛ (امام صادق علیه السلام).

پیش روی خواهد بود و حضرت بر همه عالم فرمان خواهد راند؛^۱ نیکان در آزادی کامل و بدان محدود شده خواهند بود.^۲ تمام اینها در سایه حکومت امام عصر علیه السلام تحقق می‌پذیرد که بشر نظیر آن را هنوز تجربه نکرده است.

البته همه این پیشرفت‌های عظیم و تعجب‌برانگیز از طریق اعجاز صورت نمی‌گیرد بلکه این پیشرفت‌ها محصول تکامل علمی عصر بعد از ظهور است، زیرا زندگی بشر در این عالم باید مطابق سنن حاکم بر طبیعت باشد، نه اعجاز که استثنا به شمار می‌رود و در موارد ضروری اتفاق می‌افتد. پس در دوران ظهور حضرت، صنایع و تکنولوژی تکامل می‌یابد. پیشرفت‌های عظیم اقتصادی:

وقتی علم و دانش ترقی کرد و صنایع و تکنولوژی مطابق نیاز فراهم آمد، ناگزیر اقتصاد رشد خواهد کرد، یعنی پیشرفت علمی و فن‌آوری، اقتصاد توسعه یافته‌ای را نیز در بر خواهد داشت؛ چنان که در آموزه‌های دینی ما آمده: «گنجینه‌های زمین بر او ظاهر می‌شود و در سراسر جهان، ویرانی باقی نخواهد ماند...»^۳، یا این که «زمین برکاتش را خارج می‌سازد»^۴ و یا گفته پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: «امت من، در زمان مهدی علیه السلام به نعمت‌هایی دست می‌یابند که پیش از آن و در هیچ دوره‌ای بدان دست نیافته‌اند. در آن روزگار، آسمان فراوان باران دهد، و زمین هیچ رویدنی را در دل خود نگاه ندارد.»^۵ یا این که مردم آن‌گونه معیشتی با رفاه خواهند داشت که کسی یافت نمی‌شود تا به او زکات دهند؛ یعنی مستحق زکات وجود ندارد.^۶

از این روایات، می‌توان استفاده کرد که در عصر امام زمان علیه السلام توسعه همه‌جانبه و موزونی اتفاق خواهد افتاد که همه مردم از این توسعه اقتصادی برخوردار خواهند شد. وقتی فرآورده‌های زراعی فراوان شود و عمران و آبادانی گسترش پیدا کند و زمین همه برکاتش را تقدیم حضرت نماید، دیگر چیزی به نام فقر اقتصادی و جامعه طبقاتی مفهوم نخواهد داشت.

در عصر ظهور احکام دینی چگونه اجرا می‌شوند؟

اولین مرحله رسالت حضرت، تحریف زدایی از ساختار دین در حوزه معرفت دینی است؛

۱. همان، ص ۳۲۸؛ (امام صادق علیه السلام).

۲. همان، ص ۳۹۰؛ (امام باقر علیه السلام).

۳. منتخب الاثر، ص ۴۸۲؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

۵. همان، ج ۵۱، ص ۸۳.

۶. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

وزه‌های دینی در طول تاریخ آرام آرام به فراموشی سپرده می‌شوند و یا منحرف می‌گردند. لذا بلیقه اصلی حضرت، احیای احکام فراموش شده و پاک کردن زنگار از چهره مقدس دین اسلام است تا طعم دین‌داری به ذائقه دین‌داران شیرین افتد و از ثمره دین‌داری بهره ببرند.

مرحله بعدی، اجرای صحیح احکام دین است:

۱. اجرای حد بر رباخواران و غاصبان حقوق و اموال مردم؛
 ۲. پیراستن تزیینات و تشریفات از ساختار مساجد؛
 ۳. کشیدن خط بطلان بر تفسیرهای غلط و تأویل‌های ناصواب از آیات و ارائه تفسیر صحیح؛
 ۴. احیای بخش‌های متروک مانده از کتاب و سنت پیامبر و سیره امامان علیهم‌السلام.^۱
- با توجه به شیوه‌های نو و قضاوت درست حضرت، دین و آموزه‌های آن، متروک نخواهد ماند و به احکام دین اجرا می‌شود.

مدینه فاضله پس از ظهور امام زمان علیه‌السلام چگونه است؟

آرمان‌های گذشته و آینده بشر در عصر ظهور و استقرار دولت کریمه مهدوی محقق می‌شود. آیات و روایات به برخی از نمادهای آن زمان اشاره شده که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: تحقق ملت جهانی در همه ابعاد زندگی جامعه آن روز، امنیت فراگیر، رفاه و آسایش همراه با نشاط و رشد شگفت‌انگیز علوم، گسترش فرهنگ دینی و اسلامی در همه شئون جامعه و مهم‌تر از آن، تربیت اخلاقی و معنوی و رشد بی‌نظیر فرهنگ دینی در همه ابعاد در میان مردم آن عصر.^۲

آیا هنگام ظهور امام زمان علیه‌السلام مدینه فاضله تحقق می‌یابد؛ با وجود این، آیا درست است که

رنی آن حضرت را شهید می‌کند؛ آیا آن پیرزن از افراد مدینه فاضله است یا خیر؟

بر اساس آیات و روایات اسلامی، پس از ظهور امام عصر علیه‌السلام و تشکیل دولت جهانی گستر، مدینه فاضله اسلامی محقق خواهد شد؛ آرمان شهری پدید خواهد آمد که همه ن‌های حق‌طلب در آرزوی آن و همه انبیا و اولیا در پی تحقق آن بوده‌اند. ویژگی مدینه فاضله کتب فلاسفه و عرفا آمده و جای بحث آن در این جا نیست؛ اما به اختصار باید گفت که مراد از نه فاضله آن است که زمین مانند شهری می‌شود که در آن، به همه نیازهای طبیعی و معقول پاسخ داده می‌شود و آدمی به کرامت واقعی خود می‌رسد. در آن جا خبری از ظلم و بیدادگری،

مانی، الغیبه ص ۲۵۳ و ص ۲۲۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲ و ص ۳۳۵؛ همان، ج ۱۰۲، ص ۱۱۳.
ای اطلاع بیشتر، نک: حبیب‌الله طاهری، سیمای آفتاب.



کینه و غرض‌ورزی، جهل و بی‌خردی، ناامنی و نگرانی و... نخواهد بود. اما نباید تصور شود که تحقق مدینه فاضله، به معنی شایستگی همه افراد و ساکنان این شهر است. اگرچه خوبی‌ها، ارزش‌ها و صفات نیکو، چهره غالب مدینه فاضله است و اعضای آرمان‌شهر مهدوی به دلیل رشد عقلانی و انسانی، از تعامل اجتماعی بسیار خوبی بهره‌مندند، در عین حال ممکن است افراد تبه‌کار و مجرم هم پیدا شوند؛ چرا که اختیار و اراده انسان، حقیقتی تغییرناپذیر است و امکان دارد کسانی به دلیل پیروی از هوای نفس گرفتار گناه شوند. ولی مهم آن است که در مدینه فاضله گناه و تباهی، چهره زشت جامعه انسانی است و به هیچ وجه در قالب یک ارزش تحقق نخواهد یافت. از این‌رو، مجرم و تبه‌کار پیوسته احساس ناامنی می‌کند و در صورتی که جرمشان تجاوز به حقوق دیگران باشد، قطعاً به سزای عمل خود خواهند رسید.

اما داستان شهادت امام به دست یک پیرزن، سند و مدرک محکمی ندارد^۱ و به فرض صحت و تحقق چنین امری، با ایجاد مدینه فاضله منافاتی ندارد؛ زیرا همان‌گونه که گذشت، در مدینه فاضله قوانین حاکم بر جامعه و اجرای آنها به گونه‌ای عالی و کامل است. بیشتر افراد این جامعه در کمال و رشد به سر می‌برند؛ ولی این بدین معنا نیست که هیچ انسان شقی روی زمین یافت نشود و هیچ انسانی در خلوت خود گناه نکند و انسان‌ها هوا و هوس نداشته باشند. بلکه بدین معناست که بیشترین افراد جامعه انسانی آن روز، بر هوا و هوس خود غالب گشته، تفکر آنان به کمال می‌رسد. اما در این میان، افراد پستی نیز ممکن است یافت شود.

مقایسه دوران

جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، چه فرقی با جهان پس از ظهور امام زمان علیه السلام دارد؟

وضعیت جهان قبل از ظهور با زمان بعد از ظهور و استقرار دولت کریمه مهدوی، از ابعاد مختلف مادی و معنوی، تفاوت‌های بسیاری دارد که قابل مقایسه نیست.

جهان قبل از ظهور به سمت فساد، تباهی، ظلم و جور پیش می‌رود و هر روز بر ابعاد آن افزوده می‌گردد؛ در حالی که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام، جهان از جهات مختلف به سوی سامان‌یابی در حرکت است؛ مانند استقرار عدالت در جامعه، امنیت همگانی، رفاه عمومی، رشد و بلوغ فکری جامعه و ... امام صادق علیه السلام درباره وضعیت پیش از ظهور می‌فرماید: «در آن زمان می‌بینی که

۱. الزام الناصب، ص ۱۹۰، مطلبی در این زمینه نقل می‌کند که سند ندارد، در نتیجه ضعیف است.

م و ستم همه جا را فراگرفته، قرآن فرسوده و بدعت‌ها در مفاهیم آن نفوذ کرده؛ آیین خدا مانند ظرفی که آن را واژگون سازند، در عمل بی‌محتوا شده؛ اهل باطل بر حق پیشی بگیرند؛ نان به زنان و زنان به مردان (شوهران) قناعت نکنند؛ افراد با ایمان سکوت اختیار کنند؛ چک‌ترها، بزرگ‌ترها را احترام ننمایند؛ پیوند خویشاوندی بریده شود؛ چاپلوسی فراوان گردد؛ اب آشکارا نوشیده شود؛ رشوه‌خواری در میان دولت‌مردان رایج گردد؛ سرگرمی‌های ناسالم چنان ج یابد که کسی نتواند جلوی آن را بگیرد؛ همسایه، همسایه خود را از ترس زبانش احترام کند؛ م سنگ‌دل شوند و عواطف مردم بمیرد؛ مساجد پر شوند از کسانی که از خدا نمی‌ترسند؛ تمام ت مردم شهواتشان گردد؛ امکانات مادی و دنیوی فراوان شود و دنیا به مردم روی آورد؛ زنان بر عه حاکم گردند؛ مردم صبح‌ها مست و عصرها تشنه‌اند؛ و ...»^۱

در این حدیث شریف که بخشی از آن ذکر گردید، به گوشه‌هایی از مظاهر فساد و تباهی در ر قبل از ظهور اشاره شده است. دقیقاً همین وضعیت عالم‌گیر شده بی‌عدالتی و ظلم و فساد، یرت روی کرد جامعه به سوی مصلح یگانه، حضرت مهدی علیه السلام را ایجاب می‌کند، زیرا چنین کار زه‌آسایی تنها از جانب آن حضرت امکان‌پذیر است. از همین رو در روایات و ادعیه در توصیف حضرت آمده است: «یملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً؛ کسی که دنیای پر از و جور را سرشار از عدل و قسط می‌کند آن حضرت است.» که در سایه دولت کریمه ایشان ن یک‌پارچه از نعمت‌های مادی و معنوی بیشترین بهره را می‌برد.

نکوفایی علم و دانش در آن عصر به کمال خود می‌رسد. طبق روایات، آنچه تاکنون در رس بشر بوده، تنها دو بخش از مجموع ۲۷ بخش علوم است و ۲۵ بخش دیگر آن، در عصر به فعلیت می‌رسد.^۲ و تمامی جهان در پرتو برنامه‌های حضرت به بلوغ فکری - فرهنگی ند رسید. از نظر دگرگونی‌های صنعت تکنولوژی و وسایل اطلاعاتی، پیشرفت اعجاب‌آمیزی واهد داد. به لحاظ اقتصادی، جهان به حد کامل رفاه و آسایش می‌رسد. طبق روایات، ای زیر زمینی و روزمینی و برکات آسمانی و زمینی در آن زمان گشوده می‌شود و در سرتاسر ، ویرانه‌ای یافت نمی‌شود: «تظهر له الكنوز و لایبقی فی الارض خراب الا یعمره.»^۳

هم‌تر از همه، این که اسلام فراگیر می‌شود و دین الهی در تمام عرصه‌های حیات نمود

الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶ الی ص ۲۶۰.
ن. ص ۳۳۶.
نب الاثر، ص ۴۸۲.



می‌یابد؛ به گونه‌ای که طبق بیان قرآن کریم، همه در صف واحد آهنگ توحید سر می‌دهند و از شرک خبری نخواهد بود. «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»^۱.

بنابراین، تفاوت‌های بنیادین در عصر ظهور به قدری است که با وضعیت حاضر مقایسه‌پذیر نخواهد بود، زیرا آن حضرت، نقطهٔ اوج رحمت الهی بر بندگان و ثمرهٔ عملی تلاش همهٔ انبیای الهی در گذشته است.^۲

محل امام

محل زندگی امام زمان علیه السلام بعد از ظهورشان کجا خواهد بود؟

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «مهدی قیام می‌کند و به سوی کوفه می‌رود و منزلش را آن‌جا قرار می‌دهد.»^۳

بعد از ظهور از دیدگاه روایات

امام علی علیه السلام زمان بعد از ظهور را چگونه ترسیم کرده است؟

در ترسیم فضای عصر ظهور روایات بسیاری از حضرت علی علیه السلام به دست ما رسیده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

«گویی اکنون به شیعیانمان در مسجد کوفه می‌نگرم که خیمه‌ها زده‌اند و قرآن را بدان گونه که نازل شده به مردم می‌آموزند. بدانید که قائم ما چون قیام کند، آن مسجد را بازخواهد ساخت و قبله آن را استوار خواهد نمود.»^۴

در روایتی امام علی علیه السلام به مالک بن حمزه فرمود: «... در این زمان، قائم ما قیام کند و همه را بر یک مرام و عقیده گرد آورد.»^۵

پس می‌توان گفت که راه و روشی بر پایه قانون حق و عدل استقرار خواهد یافت.

در حدیث دیگری حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «امام مهدی علیه السلام قاضیان زشت‌کار را کنار

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. برای اطلاع بیشتر، نک: حبیب‌الله طاهری، سیمای آفتاب.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵.

۴. نعمانی، الغیبه، ص ۴۵۱.

۵. همان، ص ۲۰۶.

گذارد و دست سازش کاران را از سرتان کوتاه و حکمرانان ستم‌پیشه را عزل می‌نماید و زمین را هر نادرست و خائنی پاک می‌سازد.^۱

این حدیث برنامه‌های حضرت را بیان می‌کند.

حضرت در روایت دیگری فرموده‌اند: «چون قائم ما قیام کند، کینه‌ها از دل بیرون رود.»^۲ این بیث بیان‌کننده رشد تربیتی عصر ظهور است.

امام صادق علیه السلام پیشرفت علم را پس از ظهور چگونه بیان می‌کند؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «علم و دانش ۲۷ حرف است و همه آن‌چه پیامبران آورده‌اند، تنها حرف آن است و مردم تا آن موقع جز با آن دو حرف آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را بیرون می‌آورد، آن را بین مردم نشر و گسترش می‌دهد و آن دو حرف را نیز می‌ممه می‌کند و مجموع ۲۷ حرف را در میان مردم منتشر می‌سازد.»^۳

طبق این روایت، بشر هر چه از نظر علم و دانش پیشرفت کند، در روزگار حضرت مهدی علیه السلام یک‌باره بیش از دوازده برابر رشد و گسترش می‌یابد.

منظور از ۲۵ حرف باقی‌مانده از علوم در زمان ظهور چیست؟

بشر هرچه از نظر علم و دانش پیشرفت کند، باز هم مجهولات زیادی باقی می‌ماند که به نوبت بیشتر از معلومات است. لذا در دوران ظهور پیشرفت علم به حد نهایی خود می‌رسد و همه مجهولات حل می‌شود. طبق روایات اگر علم و دانش ۲۷ حرف باشد، پیامبران فقط دو حرف آن را ده‌اند و ۲۵ حرف باقی‌مانده را حضرت مهدی علیه السلام خواهد آورد که این روایات میزان پیشرفت علم و دانش را در زمان ظهور بیان می‌کنند.

آیا بعد از ظهور امام زمان علیه السلام نیز عالم برزخ وجود دارد یا خیر؟

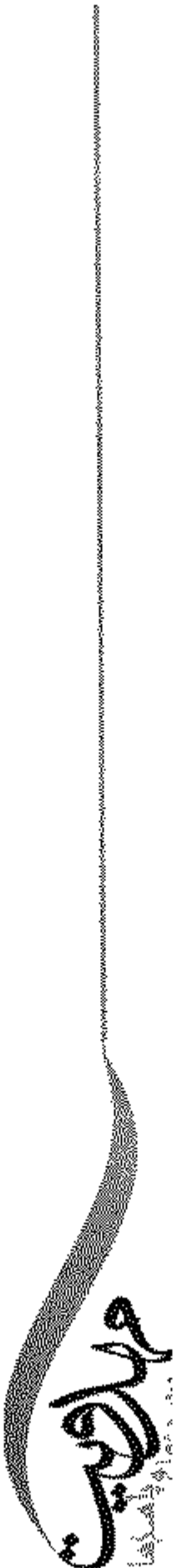
عالم برزخ، عالم بین این دنیا و قیامت است. هر کس که می‌میرد و از این دنیا می‌رود، تا پیش نده شدن برای قیامت، در عالم برزخ به سر می‌برد. ولی دوران ظهور و حیات و حکومت امام زمان علیه السلام در این دنیا و روی همین زمین است، بنابراین، به عالم برزخ ربطی ندارد. در زمان ظهور حکومت امام زمان علیه السلام نیز هر کس از دنیا برود، وارد عالم برزخ می‌شود و تا قیامت در آن جا

حارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

منتخب الاثر، ص ۴۴۴.

حارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.

خواهد بود.



حکومت

امکان تشکیل حکومت

یا اجرای انقلاب جهانی توسط یک فرد (امام زمان علیه السلام) ممکن است؟

همان طوری که هر انقلاب و رویداد اجتماعی به زمینه‌ها و شرایط آن بستگی دارد، قیام و ب جهانی امام مهدی علیه السلام هم که بزرگ‌ترین حرکت جهانی به شمار می‌رود، پیرو همین اصل و بدون تحقق زمینه‌ها و شرایط آن، به وقوع نخواهد پیوست. البته منظور این نیست که در ب جهانی حضرت مهدی علیه السلام، امدادهای غیبی و آسمانی وجود نخواهد داشت، بلکه مقصود آن که در کنار امدادهای الهی، زمینه‌ها و عوامل و شرایط عادی نیز باید فراهم شود که نرین آنها عبارت‌اند از:

۱. طرح و برنامه: بدیهی است که هر انقلابی، مخصوصاً اگر جهانی باشد، به برنامه‌ای جامع

مبارزه از طریق سازمان‌دهی بهتر نیروها نیاز دارد؛

۲. یاران: برای اجرای انقلاب جهانی، بدیهی است که یاورانی متناسب با آن می‌خواهد تا به

نتیجه برسد؛

۳. آمادگی عمومی: یکی از شرایط بسیار مهم پیروزی انقلاب جهانی، آمادگی عموم مردم

است.

پس با شرایط مذکور، اجرای انقلاب جهانی ممکن خواهد بود.

اساس حکومت

اساس حکومت امام زمان علیه السلام بر چه پایه‌ای استوار است و قدرت امام از چه عواملی نشئت

می‌گیرد؟

اگر منظور این است: ملاک مشروعیت حکومت امام مهدی علیه السلام چیست؟ آیا امام مهدی علیه السلام حکومت خود را بر اساس رأی مردم پایه‌گذاری می‌کند، یا بر اساس اذن و حکم خداوند؟ بی‌گمان، بر اساس معیارهای اسلامی، تنها خداوند حق حاکمیت دارد. او این حق را به پیشوایان معصوم دین و از جمله امام مهدی علیه السلام نیز اعطا کرده است. اما از آن‌جا که مردم در عصر ظهور، عصمت، عدالت‌مداری، ظلم‌ستیزی، رأفت، جود و کرم، علم و دانش، حسن تدبیر و سایر کمالات بی‌مانند امام مهدی علیه السلام را می‌بینند، به دلیل آن‌که این ویژگی‌ها را در هیچ یک از زمامداران دیگر نیافته‌اند، با جان و دل به حاکمیت ایشان رضایت می‌دهند و از آن حضرت فرمان‌برداری می‌کنند.

قدرت حکومت امام مهدی علیه السلام ضمن این‌که برخاسته از امدادهای غیبی است، از حمایت مردمی و اراده‌های پولادین پیروان و یاران مخلص آن حضرت در سراسر جهان ناشی می‌شود.

ویژگی‌های حکومت

حکومت حضرت مهدی علیه السلام چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱. قلمرو جهانی: حکومت حضرت مهدی علیه السلام، حکومتی جهانی است که روایات فراوان آن را

تأیید می‌کند. از جمله امام باقر علیه السلام فرموده است: «قائم علیه السلام از (خاندان پیامبر) است... فرمان‌روایی او شرق و مغرب را فراخواهد گرفت و خداوند به دست او دین خود را بر همه ادیان غلبه می‌دهد؛

چه مشرکان را خوش نیاید.»^۱

۲. مقبولیت عمومی: یکی از ویژگی‌های اساسی حکومت حضرت مهدی علیه السلام این است که مورد همه افراد و اجتماعات بشری است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «شما را بشارت می‌دهم به ی علیه السلام که اهل آسمان و زمین از او راضی هستند...»^۲

۳. کارگزاران دولت مهدی علیه السلام: آنها از بزرگان و نیکان امت‌اند؛ مثلاً عیسی علیه السلام که به حضرت ی علیه السلام می‌گوید: «همانا من به عنوان وزیر فرستاده شده‌ام نه امیر و فرمان‌روا.»^۳

۴. پیشرفت دانش و علم: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «علم و دانش، ۲۷ حرف است و آن چه بران آورده‌اند تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف آشنایی ندارند و هنگامی قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را بیرون آورده، در میان مردم گسترش دهد و آن دو حرف را به آنها ضمیمه ساخته، مجموع ۲۷ حرف را منتشر خواهد کرد.»^۴

۵. شکوفایی اقتصاد و رفاه اجتماعی: به طوری که فقر از جامعه ریشه کن می‌شود و فقری پیدا شود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «امام مهدی علیه السلام هر سال دوبار به مردم می‌بخشد و در هر ماه به آنها روزی عطا می‌کند و به مساوات بین مردم عمل می‌فرماید تا این که هیچ نیازمندی به دنیا پیدا نمی‌شود.»^۵

حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «به دست ما روزگار سختی‌ها سپری می‌گردد... و چون قائم علیه السلام ما کند... [در آن روزگار چنان محیط امنی ایجاد شود] که زن با همه زیب و زیور خود از عراق تا برود... و چیزی او را نترساند.»^۶

۶. گسترش عدالت: همان طوری که امام حسین علیه السلام فرموده است: «اگر از دنیا جز یک روز باقی باشد، خداوند آن روز را طولانی کند تا مردی از فرزندان من قیام کند و زمین را از عدل و ر کند پس از آن که از ستم و بی‌داد آکنده باشد، این چنین از پیامبر شنیده‌ام.»^۷

۱. ال‌الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶، ص ۶۰۳
رالانوار، ج ۵۱، ص ۸۱
طاووس، ملاحم، ص ۸۳
رالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶
ان، ص ۳۹۰، ح ۲۱۲
بال، ج ۲، ص ۴۱۸
ال‌الدین، ج ۱، باب ۳۰، ح ۴، ص ۵۸۴

۷. رشد معنویت: در حکومت حضرت مهدی علیه السلام مردم به گونه بی سابقه‌ای به معنویت روی

می‌آورند. هم‌چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند مهدی علیه السلام را می‌فرستد و به وسیله او عظمت را به دین باز می‌گرداند... در آن روزگار کسی بر کره خاکی نیست جز آن که ذکر لا اله الا الله بر زبان دارد.»^۱

۸. ریشه‌کن شدن فساد و رذایل اخلاقی: نهی از منکر که یکی از شاخصه‌های حکومت الهی

است، تنها به زبان نخواهد بود بلکه در عمل با منکرات و زشتی‌ها مقابله خواهد شد تا جایی برای فساد و رذایل اخلاقی در جامعه نماند و محیط زندگی از زشتی‌ها پاک گردد. هم‌چنان که در دعای ندبه می‌خوانیم: «کجاست آن که ریسمان‌های دروغ و افترا را ریشه‌کن خواهد کرد؟ کجاست آن که آثار گمراهی و هوا و هوس را نابود خواهد ساخت.»^۲

اگر دولت امام زمان علیه السلام کریمه است، چرا منافقان در آن دولت ذلیل می‌شوند؟ مگر دولت

امام علی علیه السلام کریمه نبود که منافقان جایگاه یافتند و دورویی نمودند و حضرت را خانه‌نشین کردند؟

در زمان حضرت علی علیه السلام مردم خیلی از مسائل را درک نمی‌کردند، و به همین دلیل، به آنها

فرصت داده می‌شد و دورویی می‌کردند، ولی وضعیت در زمان حضرت مهدی علیه السلام برعکس وضعیت کنونی است و بشر با وجود این که به بالاترین رشد علمی و صنعتی می‌رسد، به همان اندازه به تعالی اخلاق و کمال انسانی نزدیک می‌گردد. در حکومت امام مهدی علیه السلام با اجرای برنامه‌های آسمانی، آن‌چنان انسان‌ها از نظر شخصیت پرورش می‌یابند که گویی آنان غیر از انسان‌هایی هستند که در گذشته زندگی می‌کرده‌اند. آنان که برای درهم و دیناری خون نزدیک‌ترین افراد خود را می‌ریختند، در حکومت آن حضرت پول و ثروت در نظرشان بی‌ارزش و خوار می‌گردد. اگر تا پیش از ظهور بر آنان حسد، کینه، نفاق و دشمنی چیره بود، در حکومت آن حضرت، دل‌هایشان به هم نزدیک می‌شود تا جایی که گویی یک جان در چند کالبد می‌گردند. حکومت آن امام باعث رشد و تکامل خرده‌ها و اخلاق می‌شود و در آن روزگار استعدادها تکامل می‌یابد.

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۶۵

۲. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

پس با توجه به مطالب یاد شده، می‌توان گفت چون امام زمان علیه السلام فرهنگ جامعه را بالا برد، در نتیجه نفاق دیگر توان ماندن ندارد، چون منافق از نادانی مردم استفاده می‌کند. در امت امام زمان علیه السلام همه آگاه خواهند بود. بنابراین، کسی توان دورویی و نفاق ندارد. روزگاری علیه السلام روزگار آشکار شدن حق با تمام جلوه خویش است و حجت بر همگان تمام می‌شود. این، برای کفر و نفاق جایی نمی‌ماند، و منافقان نیز هم‌چون کفار، ذلیل خواهند شد.

مدت حکومت

حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور چند سال حکومت خواهند کرد؟

در مورد مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام در روایات عددهای مختلفی ذکر شده است؛ پنج، هفت سال، نوزده سال، چهل سال، هفتاد سال، ۳۰۹ سال و... که ممکن است این روایات، وره‌های مختلف حکومت حضرت مربوط باشد.

به همین دلیل، بسیاری از علما و نویسندگان، روایت هفتاد سال را دوران حکومت حضرت بر کرده‌اند^۱ و روایات دیگر را به معنای مراحل و مقاطع مختلف دوران حکومت دانسته‌اند.

لبنه به یقین حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام در چند سال اندک محدود نمی‌شود و مدت، کریمه حضرت که همه انبیا و اولیای گذشته در انتظار آمدن آن بوده‌اند و تاریخ گذشته، همه به برای تحقق آن حکومت بی‌نظیر بوده است، مدت زیادی خواهد داشت و هزاران سال توسط آن که به دنیا باز خواهند گشت، ادامه خواهد یافت. اما خود حضرت به اندازه یک عمری (هفتاد سال) حکومت خواهد نمود.

نقش مردم

مردم اعم از کودک و نوجوان و جوان (مرد و زن) در حکومت امام عصر علیه السلام چه نقشی بر دارند؟

به طور کلی نقش مردم - چه مرد و چه زن - در قیام و حکومت آن حضرت بسیار پررنگ است. توان جایگاه مردمی را در قیام حضرت انکار کرد، زیرا:

حضرت، بشر گرفتار در گرداب ظلم و فساد و تباهی را نجات می‌دهد - چه مرد و چه زن و

۱م اندازی به حکومت مهدی علیه السلام ص ۱۷۳.



چه بزرگ و کوچک؟

۲. امام عصر علیه السلام بستر عدالت را به شکل اعجاز فراهم نمی‌آورد، و اگر این گونه بود، به غیب طولانی احتیاج نبود و لزومی نداشت که مردم به خودسازی توصیه شوند و به آنها گفته شود که وظایف خود را خوب انجام دهند تا مصداق منتظران مصلح باشند. به عبارت دیگر، اصلاحات حضرت از ناحیه خداوند افاضه می‌شود ولی مردم هم باید به درک و فهم این اصلاحات الهی در گستره عالم هستی برسند. در تمام روایات ظهور حضرت، به انجام دادن وظایف سفارش شده است. حتی در تشرفات قطعی آمده که حضرت فرموده‌اند: «مردم زمینه ظهور را فراهم و خود را آماده ظهور نمایند.» پس کار موعود اسلام، تنها امری خارق‌العاده نیست؛ باید این امر در چارچوب قوانین حاکم بر طبیعت اتفاق افتد که جز با خواستن مردم و آماده شدن کامل بخشی از آنان انجام نمی‌شود؛

۳. آن گاه که حضرت ولی عصر علیه السلام تشکیل حکومت دهند، مردم در ساختار حکومتی آن حضرت - از مناصب مهم و کلیدی گرفته تا کارهای خدماتی - نقش برعهده خواهند داشت؛ و از هر طبقه، گروه و قشری از عدالت نفع می‌برند و در سایه این عدالت، به کمال عقلی، اخلاقی و پیشرفت در همه عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ... دست می‌یابند. حضور زنان در آن حکومت، بنابر نصّ روایات ما جدی است؛ اگرچه تعداد آنان دقیقاً مشخص نیست، حضورشان در حرکت اصلاح طلبانه حضرت قطعی است.

در دولت حضرت مهدی علیه السلام از جوانان و حضور پررنگ آنان بسیار سخن گفته شده است. در حدیثی حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «یاران اصلی قائم علیه السلام همگی جوان هستند و سال خورده در میان آنان اندک است؛ بسان سرمه در چشم یا نمک در طعام، باز هم کمتر^۱». در حدیث دیگری فرموده‌اند: «سید حسنی جوانی از فرزندان امام حسن علیه السلام است که با دوازده هزار سوار به حضرت مهدی علیه السلام می‌پیوندد.»^۲

اما کودکان چون وظیفه‌ای ندارند، تنها از مواهب حکومت عدالت‌گستر حضرت بهره می‌برند.

نقش زنان در حکومت حضرت مهدی چیست؟

همان گونه که زنان در انقلاب پیامبر نقش بزرگی داشتند و همواره در طول تاریخ اسلام و

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۳؛ نعمانی، الغیبه ص ۲۱۵.

۲. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۲۷۰؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۷.



ان معصوم، به شکل‌های گوناگون امام زمان خود را یاری می‌کردند، در انقلاب حضرت ی‌هم نقش زنان، بسیار مهم است، زیرا آنها نیمی از پیکر جامعه هستند. بنابراین، توانند در عرصه‌های مختلف جهادی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یار و یاور امام خود باشند.

به ویژه در عرصه فرهنگی، زنان با فرهنگ و فرهیخته، می‌توانند با مشکل نادانی مبارزه کرده، ف اسلامی را به همگان تعلیم دهند. امام باقر علیه السلام فرمود: «در زمان امام مهدی علیه السلام به شما بت و (دانش) داده می‌شود، تا آن‌جا که زن در درون خانه‌اش مطابق کتاب خدا و سنت بر صلوات الله علیها قضاوت می‌کند.»^۱ در عرصه اجتماعی نیز می‌توانند با حفظ شئون اسلامی در طهای مختلف به کار و فعالیت اجتماعی بپردازند. هیچ دلیلی نداریم که گفته باشد زنان مت امام زمان علیه السلام در حاشیه هستند یا این‌که تنها در عرصه‌ای خاص حضور دارند؛ بلکه زنان نظ کرامت انسانی و الهی خود در محیط‌های مختلف فعالیت خواهند داشت.

بر بعضی روایات به این مطلب تصریح شده که تعدادی از یاران حضرت زن هستند. از جمله در ی می‌گوید: «سیزده نفر از زنان برجسته گذشته که از دنیا رفته‌اند، در زمان حضرت به دنیا نسته، حضرت را یاری می‌کنند،»^۲ و حتی نام آنها نیز ذکر شده است. در روایت دیگری، ضمن ۳۱۳ نفر یاران اصلی امام زمان علیه السلام بیان می‌کند که پنجاه نفر زن نیز در میان آنان است.^۳

مقایسه حکومت‌ها

تفاوت حکومت حضرت داوود و سلیمان علیهما السلام با حکومت حضرت مهدی علیه السلام در چیست؟

بین این دو حکومت نقاط اشتراک و شباهت‌های فراوانی وجود دارد. هر دو حکومتی الهی و تمحورند که در رأس آن یک حجت الهی قرار دارد. اما با توجه به روایات و از نظر تحقق ی، در این زمینه‌ها تفاوت دارند:

نستره حکومت: حکومت حضرت داوود و سلیمان علیهما السلام منطقه‌ای بود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

رت داوود و همین طور حضرت سلیمان علیهما السلام بر منطقه شامات تا بلاد اصطخر (از فلسطین و

انی، الغیبه، ص ۲۳۹.

تل الامامه، ص ۴۸۴.

رالانوار، ج ۲، ص ۲۲۳، ح ۸۶.

ن اطلاع بیشتر در این زمینه، نک: نقش زنان در دولت مهدی علیه السلام؛ چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، ص ۶۸.

لبنان تا ایران) حاکم بودند.^۱ در حالی که حکومت امام زمان علیه السلام جهانی است و شرق و غرب عالم را دربرمی گیرد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «خداوند متعال به دست او مشرق و مغرب عالم را خواهد گشود.»^۲ این تعبیر بیان کننده این نکته است که هیچ نقطه‌ای از زمین باقی نمی ماند مگر این که در سیطره و حکومت او قرار می گیرد و اگر در روایات آمده که چهار نفر، حاکم بر همه زمین شدند از جمله حضرت سلیمان و داوود علیهم السلام مراد از همه زمین، سرزمین‌های مسکونی شناخته شده آن زمان است. پس قطعاً نقاطی مثل قاره آمریکا، ژاپن و مانند آن را در برنمی گرفته است. ولی در حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام تمام کره زمین در حیطه حکومت ایشان قرار می گیرد.

دست آورد و نتیجه: طبق وعده قطعی قرآن کریم و روایات فراوان، در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام تمام مظاهر شرک برچیده می شود و توحید کامل بر سراسر جهان سایه خواهد افکند. در آیه ۵۵ سوره نور، تعبیر «... لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»، و در بیان امام صادق علیه السلام که می فرماید: «در روی زمین هیچ بقعه و مکانی که غیر خداوند در آن عبادت شود باقی نمی ماند، مگر این که خداوند عزوجل در آن عبادت می شود و دین، تماماً از آن خداوند خواهد شد.» این حقیقت، تأکید شده و قطعاً محال است که وعده الهی تحقق نیابد، «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخَلِّفُ الْمِيعَادَ».^۴ اما حاکمیت توحید با این کمیت و کیفیت، در حکومت حضرت داوود و سلیمان علیهم السلام به چشم نمی خورد. خداوند متعال در آیه ۷۸ و ۷۹ سوره مائده می فرماید: «کسانی که از بنی اسرائیل کافر شدند مورد لعن حضرت داوود و عیسی بن مریم قرار گرفتند، زیرا نافرمانی و تجاوز می کردند. آنها از منکری که دیگران به جای می آوردند، نهی نمی کردند.»

نکته قابل توجه، این است که مهم ترین ابزار قدرت حضرت سلیمان علیه السلام انگشتر او بود و براساس آن چه در روایات متعدد آمده،^۵ هم اکنون آن انگشتر نزد حضرت مهدی علیه السلام است. امام مهدی علیه السلام وارث تمام انبیا و اولیا علیهم السلام است. عصا و سنگ حضرت موسی علیه السلام، پیراهن حضرت یوسف علیه السلام، پرچم و سلاح رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله همگی نزد اوست. تمامی فرشتگانی که برای یاری انبیا و اولیا آمده اند، جملگی هنگام ظهور، گرد حضرت جمع خواهند شد. هم چنین پیامبر

۱. بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲، ح ۵.

۲. کمال الدین، باب ۳۳، ح ۳۱، ما روی عن الامام الصادق علیه السلام.

۳. خصال، ص ۲۷۵؛ بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۶، ح ۱۳؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۴۷.

۴. سوره آل عمران، آیه ۹.

۵. کمال الدین، باب ۳۵، ح ۷، ما روی عن الرضا علیه السلام؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۴۹، باب ما يعرف به علیه السلام.

رگی چون حضرت عیسی علیه السلام برای یاری او نازل خواهد شد. تمام این امور نشان می‌دهد، آن چه ست در حکومت حضرت مهدی علیه السلام تحقق یابد، بی‌نظیر خواهد بود. از این رو، برای برچیدن تمام باهر شرک، همه راه‌کارهای عملی و لازم تدارک دیده شده است.

سیره قضایی: قضاوت حضرت مهدی علیه السلام بر اساس واقع و علم غیب ایشان خواهد بود؛^۱ ولی بره قضایی حضرت داوود و سلیمان علیهم السلام بر اساس بینه و قسم بود و تنها در مدت بسیار کوتاهی حضرت داوود علیه السلام بر اساس واقع قضاوت می‌کرد.^۲

امور شگفت‌انگیز: نکته دیگر، امور شگفت‌انگیزی است که در حکومت حضرت مهدی علیه السلام افاق می‌افتد که مهم‌ترین آن رجعت است. رجعت سابقه بسیار طولانی دارد (از جمله در میان اسرائیل) اما به کیفیت و کمیتی که در دوران ظهور صورت می‌گیرد، از زمان آدم علیه السلام تا آن ان بی‌مانند است. پانزده نفر از قوم موسی علیه السلام، اصحاب کهف، یوشع وصی موسی علیه السلام، سلمان، جانه انصاری، مقداد و مالک اشتر^۳ از جمله افرادی هستند که در زمان ظهور آن حضرت به دنیا می‌گردند.

به عبارت دیگر برای یاری حضرت، گل‌چینی از برگزیدگان همه امت‌ها رجعت می‌کنند و از فی، سردمداران کفر و ضلالت نیز برای مجازات برگردانده می‌شوند. این نکات نشان می‌دهد، نومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام حکومتی بی‌نظیر و موعود همه امت‌ها است.

حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام چگونه با خواسته حضرت سلیمان علیه السلام که عرض کرد:
لَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ...^۴ پروردگارا، مرا
ومتی عطا کن که هیچ کسی را پس از من سزاوار نباشد...» قابل جمع است؟

در پاسخ به این سؤال ابتدا باید در خواسته حضرت سلیمان علیه السلام دقت شود. اگر او از خداوند ال درخواست حکومتی کرده که از هر جهت بی‌نظیر باشد و خداوند چنین حکومتی را تا روزت به احدی ندهد، اولاً: چنین درخواستی حاکی از بخل است و انبیا علیهم السلام دارای مقام عصمت‌اند نزه از این صفات ناپسندند. ثانیاً: اجابت چنین درخواستی با حکمت خداوند متعال منافات دارد.

۱. مال‌الدین، باب ۵۸؛ نوادر الكتاب، ج ۱۹؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۴، ح ۲۳.
۲. برهان، ج ۴، ص ۷۰۴، ذیل آیه ۱۵۹ سوره اعراف و سایر تفاسیر روایی.
۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۰، ح ۹۵.
۴. سوره ص، آیه ۲۸ - ۳۵.

بنابراین، آن چه حضرت سلیمان علیه السلام درخواست نمود، مسئله دیگری است که چند وجه در این باره ذکر شده است:

۱. انبیا علیهم السلام بنا به موقعیت‌های زمان خود، هر کدام دارای معجزه خاصی بودند. با توجه به این که بنی اسرائیل در جانشینی حضرت سلیمان علیه السلام برای پدرش حضرت داوود علیه السلام معترض بودند، وی از خداوند متعال معجزه‌ای بر نبوتش و نشانه‌ای بر خلافتش درخواست نمود، مبنی بر این که خداوند عزوجل حکومتی به او عطا کند که به دست آوردن آن جز از طریق خداوند امکان‌پذیر نباشد. به عبارت دیگر، او حکومتی را طلبید که احدی با توان و قدرت خود نتواند آن را به دست آورد و این امر معجزه‌ای برای او باشد. از این رو، خداوند متعال باد و شیاطین را مسخر او ساخت، زبان حیوانات را به او آموخت و اموری را به او عطا کرد که تحصیل آن از طریق غیر خداوند محال است. پس چنین خواسته‌ای هرگز بر اعطا نکردن چنین حکومتی - بلکه بالاتر از آن - به انبیای دیگر و اوصیای آنان علیهم السلام دلالت ندارد؛^۲

۲. امام موسی بن جعفر علیه السلام در پاسخ سؤال علی بن یقطين در همین باره، فرمودند: «... حضرت سلیمان علیه السلام حکومتی را از خداوند متعال درخواست نمود که الهی بودن آن برای همه روشن باشد؛ تا بعد از او احدی نگوید او همانند سایر ملوک و پادشاهان با زور و غلبه این حکومت را به دست آورده است. خداوند نیز به حکومت او ویژگی‌هایی مثل تسخیر باد و جنیان و ... عطا نمود تا الهی بودن آن بر احدی پوشیده نماند؛ و مردم همان زمان و بعد از او نیز فهمیدند که حکومت او شبیه حکومت کسانی نیست که از طرف مردم برگزیده می‌شوند، یا با غلبه و ظلم حکومت خود را به دست می‌آورند.»^۳

براساس این قول، در آیه ذکر شده، جمله «أَنْ يَقُولَ أَنَّهُ أَخَذَهُ بِالْجَوْرِ وَالْغَلْبَةِ» محذوف است. یعنی به من حکومتی عطا کن که برای احدی بعد از من سزاوار نباشد که بگوید: او این حکومت را با ستم و غلبه به دست آورده است.^۴

چرا پیشوایان معصوم، با آن قدرتی که خداوند به آنها داده بود، حکومت واحد جهانی تشکیل

۱. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۶۷، باب ۵، حدیث ۲.
۲. همان، ج ۱۴، ص ۸۶، باب ۶، حدیث ۱، قسمت الثانی و ص ۸۹ و رابعها...
۳. همان، ص ۸۵.
۴. البته وجوه دیگری هم برای بیان درخواست او ذکر شده است. از جمله در مجمع البیان ذیل همین آیه و همین طور در بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۳۰، باب ۶ به تفصیل در این باره بحث و احتمالات متعددی ذکر گردیده است.

در واقع، انسان مانند کودکی است که به تعلیم در سطوح مختلف احتیاج دارد تا به رشد نهایی
 نرسد و به تدریج باید این مراحل را طی کند. به همین دلیل، رهبران الهی بدون ایجاد شرایط
 زمینه‌ساز کافی برای رسیدن به آن هدف، آمادگی اجرای حکومت عدل جهانی را ندارند و این به
 نقص آنان نیست بلکه مشکل، نبودن شرایط و زمینه لازم و آماده نبودن مردم است زیرا
 کم‌قابلیت آن را ندارند، مگر زمانی که آمادگی و شرایط آن به تدریج به وجود آید.

سیره امام

اولین اقدام

حضرت مهدی علیه السلام وقتی که می آید اولین کاری که می کند چیست؟

طبق بیان روایات حضرت مهدی علیه السلام در اولین اقدام خود بعد از ظهور، خود را به جهانیان معرفی می فرماید و امر ظهورش را به مردم اعلام می نماید.

امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرماید: هنگامی که مهدی علیه السلام ظهور کند به کعبه تکیه می زند و می گوید: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین» سپس خود را معرفی می نماید که: من بقیة الله، من خلیفه الله و حجت الهی در میان شما هستم. در آن حال هر کسی به او سلام می کند، می گوید: «السلام علیک یا بقیة الله.»^۱

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می فرماید: قائم علیه السلام به دیوار کعبه تکیه داده و مردم جهان را مخاطب قرار می دهد و می فرماید: هر کس بخواهد آدم و شیث را ببیند، اینک منم آدم و شیث، هر کس بخواهد نوح و سام را ببیند، اینک منم نوح و سام، هر کس بخواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند، اینک منم ابراهیم و اسماعیل، هر کس بخواهد موسی و یوشع را ببیند، منم موسی و یوشع،

۱. سید صادق شیرازی. المهدی فی القرآن، ص ۷۶.

کس بخواهد عیسی و شمعون را ببیند، منم عیسی و شمعون، هر کس بخواهد محمد ﷺ و
 ﷺ را ببیند، منم محمد ﷺ و علی ﷺ، هر کس بخواهد حسن و حسین را ببیند، منم حسن
 سین، هر کس بخواهد امامان از اولاد حسین ﷺ را ببیند، منم آن امامان معصوم از نسل پاک
 بن ﷺ. اینک سخنان مرا گوش کنید تا شما را از آنچه شنیده و می‌دانید و آنچه تاکنون
 بده و نمی‌دانید، خبر دهم...^۱

این که حضرت ﷺ در مقام معرفی خود اسامی پیامبران و امامان ﷺ را می‌برد، به خاطر این
 ، که ایشان عصاره و تجسم کامل اهداف و آرمان‌هایی به شمار می‌رود که انبیا و اوصیا برای
 مبعوث شده‌اند؛ و حضرت مهدی ﷺ نماد کامل همه آرزوهای تاریخ بشر است که تلاش انبیا
 به ﷺ را به ثمر می‌نشانند.

مرکز حکومت

یا امام زمان ﷺ کوفه را مرکز حکومت خود قرار می‌دهد؟ چرا؟

در چندین روایت بیان شده که مقرر جهانی امام مهدی ﷺ شهر کوفه و محل زندگانی شخص
 ن نیز در این شهر و مسجد سهله است. امام باقر ﷺ در این باره می‌فرماید: «مهدی ﷺ قیام
 ند و به سوی کوفه می‌رود و منزلش را آنجا قرار می‌دهد».^۲

و بصیر می‌گوید: امام صادق ﷺ فرمود: «ای ابامحمد! گویا می‌بینم که قائم آل محمد ﷺ با
 ده‌اش در مسجد سهله فرود آمده است...».^۳

در روایت دیگری امام صادق ﷺ از مسجد سهله یاد نمود و فرمود: «آن خانه صاحب ما
 رت مهدی ﷺ است؛ زمانی که با خاندانش در آنجا سکونت گزینند».^۴
 ز این باره روایات دیگری نیز نقل شده است.^۵

در جواب بخش دوم سؤال باید گفت که کوفه مقرر حکومت عدل امیرمؤمنان، حضرت علی ﷺ
 ست. احتمال می‌رود انتخاب کوفه به این جهت باشد که عدالت مهدوی ادامه حکومت عدل

۱. الانوار، ج ۵۳، ص ۹.

۲. ج ۵۲، ص ۲۲۵.

۳. ج ۳، ص ۴۹۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷ و ۳۷۶.

۴. ج ۳، ص ۴۹۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱.

۵. اطلاع بیشتر، نک: چشم‌اندازی به حکومت مهدی ﷺ، ص ۱۶۹.

علوی است.

برخی از محققان هم احتمال دیگری داده‌اند و می‌گویند: «کوفه پایگاه مشترک حسین علیه السلام و مهدی علیه السلام است. امام حسین از مکه به سمت کوفه رفت و حضرت مهدی هم از مکه به سوی کوفه خواهد رفت و مقرر حکومت خود را در کوفه قرار خواهد داد، یعنی راه نیمه‌تمام سیدالشهدا علیه السلام را به پایان خواهد رساند»^۱.

قرآن و سنت جدید

قرآن و سنت جدیدی که امام زمان علیه السلام می‌آورد، چیست؟

از روایت‌هایی که حرکت‌های فکری و فرهنگی حضرت را در عصر ظهور بیان می‌کند، دانسته می‌شود که در این روزگار توجیه‌ها، تأویل‌ها، تحریف‌ها، انحراف‌ها و پیرایه‌ها، بسیاری از باورهای اسلام ناب را تهدید می‌کند و ساخته‌های ذهنی مدعیان دین، به عنوان باورهای دینی ترویج می‌شود. امام صادق علیه السلام درباره راه و روش حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید: «راه و روش او، چون پیامبر است، یعنی هرچه پیش او باشد ویران می‌کند، چنان‌که پیامبر جاهلیت را ویران ساخت و اسلام را از نو می‌نمایاند»^۲. در روایات اسلامی، از تجدید اسلام توسط امام مهدی علیه السلام سخن به میان است.^۳

خلاصه، در زمان غیبت، بدعت‌هایی در دین گذاشته می‌شود و احکامی از قرآن و اسلام بر طبق میل مردم تأویل و تفسیر می‌شود و بسیاری از حدود و احکام چنان فراموش می‌شود که گویا اصلاً از اسلام نبوده است. وقتی حضرت ظهور می‌کند، بدعت‌ها را باطل می‌کند و احکام خدا را به همان گونه که صادر شده ظاهر می‌نماید و حدود اسلامی را بدون سهل‌انگاری اجرا می‌کند. از این‌روست که چنین برنامه‌ای برای مردم تازگی دارد.

برخورد با مسلمانان

امام زمان علیه السلام بعد از ظهور چگونه با مسلمانان برخورد می‌کند؟

امام زمان علیه السلام امام رحمت و مهربانی است و برای هدایت و سعادت انسان‌ها قیام می‌کند، نه

۱. سید مسعود پورسیدآقایی، عاشورا و انتظار، ص ۲۴.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۱.

۳. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۳.

کشتن و ویران کردن. به همین دلیل، خلاف واقع می‌نماید چهره ایشان را خشن و چنان زریز بیندارند که به کسی مهلت تفکر و توبه نمی‌دهد.

با توجه به این مقدمه، وقتی امام زمان علیه السلام ظهور و قیام کند، مانند روش پیامبر صلی الله علیه و آله و المؤمنین علیهم السلام ابتدا با رحمت و مهربانی فراوان به بیان حقیقت دین و پیام اسلام برای جهان ردازد و گروه فراوانی توبه می‌کنند و انسان‌های پاکی می‌شوند، حتی غیرمسلمانان سخنان را می‌پذیرند و گرد او جمع می‌شوند. حضرت، به کمک و یاری آنها نهضت خود را شروع کند. کسانی که سخن امام را نپذیرفته‌اند، اگر به این دلیل باشد که هنوز دلایل کافی ندیده‌اند میان ندارند، به آنها مهلت داده می‌شود تا خوب بیندیشند و کسی معترض آنها نمی‌شود. اما عد از اتمام حجت و اقامه دلیل، باز هم به دشمنی خود ادامه دهند و بی‌دلیل به مخالفت زند، امام با آنها برخورد می‌کند.

نابراین، حضرت تنها با دو گروه برخورد و مبارزه می‌کند:

۱. گروهی که بدون دلیل بر عقاید خود پا می‌فشارند، دلیل‌های روشن امام را نمی‌پذیرند و به بت قیام می‌کنند.

۲. سران ظلم و شرک که دنیا را از آن خود می‌دانند و با آزادی و سعادت مردم مخالف‌اند و چیز را برای خود می‌خواهند و حقوق مردم را رعایت نمی‌کنند و خواستار ظلم، فساد و گناهند.

خورد با شیعیان

۱. بعد از ظهور امام زمان علیه السلام شیعیان نیز به دست آن حضرت کشته می‌شوند؟

م زمان علیه السلام پس از ظهور، شیعه را به آخرین حد کمال می‌رساند، او در عصر غیبت همواره بیان عنایت دارد. به شیخ مفید(ره) می‌فرماید: «ما بر اخبار و احوال شما آگاه‌ایم و هیچ چیز از شما، بر ما پوشیده و مخفی نمی‌ماند. ما در رسیدگی و سرپرستی شما، کوتاهی اهمالیم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم که اگر جز این بود دشواری‌ها و مصیبت‌ها، بر شما فرود و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند.»^۱

کسی که در عصر غیبت این همه لطف، مهربانی، رحمت و عنایت به شیعیان دارد،^۱ آیا در عصر ظهور با آنها برخورد می‌کند و آنها را از بین می‌برد؟ هرگز، چنین گمان نمی‌رود. امام مهدی علیه السلام در عصر ظهور با اقامه عدل و حق با کانون‌های فساد و تباهی مبارزه می‌کند. انسان‌های ظالم و فاسد که حاضر به پذیرفتن ایمان و صلاح نیستند از بین می‌برد، و اگر روایتی درباره برخورد با شیعیان باشد منظور فرقه‌های منحرف شیعه؛ مانند اسماعیلیه و زیدیه است.

مفضل بن عمر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «اگر قائم ما قیام کند از دروغ‌گویان شیعه شروع کرده و آنها را به قتل خواهد رساند.»^۲

این روایت ضعیف است؛ زیرا کشتی این روایت را تحت عنوان «ما روی فی محمد بن ابی‌زینب»، معروف به ابوالخطاب که فرقه خطابییه به او نسبت داده می‌شود، نقل کرده است. او کسی بود که احادیث زیادی از طرف امام علیه السلام در مورد لعن و نفرین او صادر شد و حضرت از خداوند طلب نمود که حرارت شمشیر را به او بچشانند.^۳

بر فرض قبول روایت، می‌گوییم: روشن است که مقصود این روایت، دروغ‌گویان و فرقه‌های انحرافی شیعه است که امروزه به فرقه باب و بهاء معروف‌اند. امام علیه السلام با فرقه‌های انحرافی شیعه برخورد نموده و آنان را هدایت می‌کند و گرنه، ریشه‌کن می‌شوند. امام مهدی علیه السلام در عصر ظهور، همگان را به اسلام دعوت می‌کند؛ اسلامی که در تشیع اصیل، متبلور است. بنابراین همان طوری که در عصر غیبت از کیان شیعه حمایت می‌کند در عصر ظهور نیز آن را به تمام جهانیان عرضه می‌کند.

برخورد با کارگزاران

برخورد امام زمان علیه السلام با کارگزاران حکومتی چگونه است؟

امام مهدی علیه السلام با اقامه عدل و حق، به محرومیت و ظلم خاتمه می‌دهد و برای آن که ذره‌ای ستم از جانب دولت و کارگزاران نظام او بر کسی نشود و حقی ضایع نگردد، با مسئولان و کارگزاران حکومتی خود سخت می‌گیرد. دولت او عدالت محض برقرار است، پس هیچ‌گونه لغزش و فساد و انحراف در نظام اداری آن حضرت وجود ندارد و سخت‌گیری آن حضرت با مسئولان و

۱. برای آگاهی از مهربانی‌ها و الطاف امام مهدی علیه السلام و جلوه‌های محبت نکه: سیدمسعود پورسیدآقایی، میر مهر، انتشارات حضور، قم.

۲. شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۵۸۹.

۳. همان، ص ۵۹۱.

رگزارانش به همین سبب است.^۱ لذا در روایات آمده است: «المهدی علیه السلام جواد بالمال رحیم مساکین شدید علی العمال؛^۲ مهدی علیه السلام نسبت به مال و دارایی بخشنده است و نسبت به ثولان و کارگزاران دولت خویش بسیار سخت گیر و نسبت به ناتوانان و مستضعفان بسیار رحم و مهربان است». لذا در روایتی آمده است: «امام مهدی علیه السلام به تمام کارگزارانش دستور دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند»^۳ و «آن حضرت دقیقاً فرمان خدا را اجرا می کند و نسی حساب خویشاوندی ندارد».^۴

خلاصه آن که سیرت مدیریتی حضرت با مسئولان جامعه اش این است که اگر آنها خطا کنند رت از خطای آنها چشم پوشی نمی کند.

برخورد با کافران

بقتی امام زمان علیه السلام ظهور کند، چگونه کافران را گردن می زند، آیا همه را یک جا جمع کند یا به همه جا سفر می کند تا با ستم کاران مبارزه کند؟

رار نیست امام زمان علیه السلام گردن همه کافران را بزند، زیرا بر اساس روایت ها، بسیاری از کافران رژه اهل کتاب، به حقانیت امام پی می برند و به آن حضرت ایمان می آورند.

حضرت با آن عده از کافران که ایمان نمی آورند، برخورد می کند. این جنگ ها در کشورهای ون رخ می دهد. حضرت مهدی علیه السلام برای از بین بردن آنها به کشورها سفر نمی کند بلکه به نهی حضرت جنگ هایی رخ می دهد و دشمنان سرکوب می شوند.

ابراین، جنگ حضرت با مخالفان نیز از این قبیل جنگ ها است که در طول تاریخ بوده و بر نیست که خود امام همه کافران را نابود کند. افزون بر این، بسیاری از کافران مقاومت نند بلکه تسلیم می شوند. به ویژه مسیحیان که با نزول حضرت مسیح علیه السلام و پشتیبانی او از مان علیه السلام تسلیم شده و مسلمان می شوند. به امید آن روز!

محمد صدر، تاریخ ما بعد الظهور، ص ۵۲۲.

خب الاثر، ص ۳۱۱.

مسعود پورسیدآقایی، تاریخ عصر غیبت صغرا، ص ۴۳۸ (به نقل از الامام المهدی، ص ۲۷۱).

ن (به نقل از الملاحم و الفتن، ص ۱۰۸).

امام مهدی علیه السلام هنگام ظهور با چه کسانی می‌جنگد؟

همان‌طور که می‌دانید، امام زمان علیه السلام برای ریشه‌کن کردن ظلم و ستم در عالم، استقرار عدالت در سراسر گیتی و نجات مظلومان و مستضعفان جهان قیام می‌کنند. از این‌رو، با همه ادامه‌دهندگان ظلم و ستم ادامه دهد و مخالفان استقرار عدالت، می‌جنگد (البته پس از اتمام حجت). امام زمان علیه السلام همانند پزشکی که غده چرکین و سرطانی را از بدن بیمار خارج می‌سازد و موانع رشد و سلامت او را برطرف می‌کند، این غده‌های سرطانی و چرکین را از پیکر جامعه جدا می‌سازد.

برخورد با ثروت‌مندان

آیا امام زمان علیه السلام هنگام ظهور اموال ثروت‌مندان را علی‌رغم میل باطنی آنها، بین فقرا تقسیم می‌کند؟

هدف اساسی حضرت مهدی علیه السلام اجرای عدالت و ریشه‌کن نمودن ظلم است. طبعاً چنین چیزی، نسبت ظلم به حضرت است و قطعاً چنین مسئله‌ای حقیقت ندارد؛ بلکه حضرت اموال حرام و چیزهایی را که به ناحق و ظلم از مالکان آنها گرفته شده، به آنها برمی‌گرداند. نکته دیگر این‌که بر اثر رشد عقلی و معنوی انسان‌ها، مردم در کمک به فقرا و نیازمندان از هم‌دیگر سبقت می‌گیرند؛ و چه بسا کسی که چند خانه دارد، خودش با میل و رغبت، خانه‌های خود را در اختیار دیگران قرار دهد، همانند آن‌چه هنگام ورود رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اتفاق افتاد و انصار خانه‌های خود را در اختیار مهاجران قرار دادند.

انتقام

حضرت مهدی علیه السلام چگونه انتقام امام حسین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام را می‌گیرد؟

ابتدا باید توجه داشت که قیام امام مهدی علیه السلام برای تأمین سعادت انسان است و حکومت مهدوی، حکومت رحمت و هدایت است، و با همین اخلاق کریمانه، امام همه را هدایت و سعادت‌مند می‌کند. اما بدیهی است که گروهی از انسان‌ها که ظالم و اهل فسادند، در مقابل پاک‌سازی امام مقاومت می‌کنند و آتش جنگ را علیه حضرت شعله‌ور می‌کنند. بی‌شک حضرت مجبور به مبارزه با آنها می‌شود، چنان‌که از ابتدای بعثت پیامبران چنین بوده و گروهی از ظالمان

ارزه با پیامبران برخاسته‌اند. و هر بار پیامبران و امامان مظلومانه به شهادت رسانده‌اند. اما این نداوند اراده کرده که دینش پیروز شود. از این رو، امام زمان علیه السلام بر ظالمان و متجاوزان به مردم غلبه می‌کند و آنها را نابود می‌سازد. با نابودی اهل فساد و ظلم، انتقام مظلومان تاریخ مان گرفته می‌شود و ستم‌گران شکست خواهند خورد. پس معنای انتقام خون امام حسین علیه السلام برت زهرا علیها السلام و دیگر مظلومان، این است که ظالمان دوران ظهور امام مهدی علیه السلام جملگی می‌شوند و زمین از لوٹ وجودشان پاک می‌گردد.^۱

بنای دیگر انتقام از قاتلان ائمه علیهم السلام با رجعت تحقق می‌یابد. رجعت از عقاید مسلم شیعه زنده شدن بعضی از مردگان و بازگشتن به دنیا در دوران حکومت عدل الهی. بنابراین عقیده، وه از انسان‌ها به دنیا برمی‌گردند تا قبل از قیامت، در همین دنیا نیز نتیجه عمل خود را : دسته اول انسان‌های بسیار نیک و دسته دیگر انسان‌های بسیار بد. طبق این عقیده، نندگان به خاندان پیامبر علیهم السلام زنده می‌گردند و از آنان انتقام گرفته می‌شود.^۲

حارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳، ج ۶
ممان، ج ۵۲، ص ۳۸۶؛ ج ۵۳، ص ۱۲؛ ج ۵۳، ص ۷۶، ج ۷۸.

جهان بعد از امام

رحلت یا شهادت

امام زمان علیه السلام چگونه از دنیا می‌رود؟

روایات در مورد چگونگی رحلت حضرت علیه السلام (شهادت یا مرگ طبیعی) مختلف است. در کتابی به شهید شدن امام زمان علیه السلام توسط یک پیرزن با اوصاف خاص تصریح شده،^۱ اما سندی برای این حدیث بیان نشده لذا نمی‌توان آن را پذیرفت. در مورد شهادت حضرت، روایات کلی هم وجود دارد که بر اساس آنها، هیچ امامی نیست مگر این که کشته یا مسموم می‌شود.^۲ ظاهر این گونه روایات، شهادت حضرت را بیان می‌کند،^۳ اما دلیل قطعی بر شهادت شخص حضرت، وجود ندارد.

در روایات آمده، امام حسین علیه السلام و یارانش در اواخر حیات امام زمان علیه السلام رجعت می‌کنند و امام زمان علیه السلام بعد از معرفی آنها و شناخت مردم، از دنیا رحلت می‌کند و امام حسین علیه السلام غسل و دفن حضرت را به عهده می‌گیرد.^۴ سپس سال‌های طولانی حضرت امام حسین علیه السلام حکومت می‌کند و رهبری را به عهده می‌گیرد. طبق این نوع روایات امام زمان علیه السلام به مرگ طبیعی از دنیا می‌روند و این احتمال قوی‌تر به نظر می‌رسد.

۱. الزام الناصب، ص ۱۹۰.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۵، ح ۳۱۹۲.

۳. کفایة‌الاثیر، ص ۲۲۷.

۴. کافی، ج ۸، ص ۲۰۶؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۳، ح ۱۰۲ از کافی.

آیا امام مهدی علیه السلام در راه اجرای حدود الهی، توسط دوستان و پیروان خویش به شهادت
رسد؟

هنگام ظهور، افرادی که ایمان کافی دارند به مخالفت با حضرت برنخواهند خاست، بلکه جزو
حضرت قرار می‌گیرند. اما کسانی که معرفت و بینش کافی به حجت خدا ندارند، ممکن است
مخالفت با حضرت برخیزند، همانند آنچه در جنگ صفین اتفاق افتاد. در مورد امام زمان علیه السلام
گروه‌هایی به مخالفت برمی‌خیزند، اما یا متوجه اشتباه خود می‌شوند و توبه می‌کنند یا آن که به
حضرت از بین می‌روند.

لذا شهادت امام به دست پیروانش هیچ مدرک و دلیلی ندارد و اساساً این که حضرت به شهادت
رسد و یا به مرگ طبیعی از دنیا می‌رود، جای بحث و بررسی دارد.

قاتل امام علیه السلام

یا قاتل امام زمان علیه السلام زن است؟

آنچه در مورد شهادت امام به دست زنی با اوصاف ویژه گفته می‌شود،^۱ سند معتبری ندارد و
نوان به آن اعتماد کرد.
نابر روایات، ایشان به مرگ طبیعی از دنیا می‌روند.^۲

شاکسپاری امام علیه السلام

یا امام حسین علیه السلام، حضرت مهدی علیه السلام را به خاک می‌سپارد؟

همان‌طور که می‌دانید، بر اساس ضوابط فقه اهل بیت علیهم السلام، پیکر معصوم باید به دست معصوم
ز و تدوین شود. برای مثال، امیرمؤمنان علیه السلام پیکر پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام را غسل
ن کرده است. حتی پیامبران و معصومان گذشته نیز این مسئله را داشته‌اند. برای مثال،
ت عیسی علیه السلام، پیکر پاک حضرت مریم علیها السلام را به دست خود غسل داد.^۳

این‌رو، بر اساس روایاتی که درباره رجعت وارد شده، امام حسین علیه السلام در اواخر حکومت

۱. الناصب، ص ۱۹۰.
۲. رالانوار، ج ۵۳، ص ۹۳، ح ۱۰۳.
۳. بل کافی، ج ۱، ص ۴۵۹.

ولی عصر علیه السلام با یاران باوفایش رجعت می کنند و هنگامی که اجل حضرت ولی عصر علیه السلام فرا برسد، متصدی و متولی غسل، کفن، حنوط و دفن ایشان می گردد.

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: «امام حسین علیه السلام با یارانش می آیند و هفتاد پیامبر آنان را همراهی می کنند، چنان که هفتاد نفر همراه موسی علیه السلام فرستاده شدند. آن گاه حضرت قائم علیه السلام انگشتر را به وی می سپارد و امام حسین علیه السلام غسل، کفن، حنوط و دفن حضرت قائم را برعهده می گیرد.^۱ نیز آن حضرت در پایان روایت دیگری می فرماید: «هرگز غیر از وصی، وصی را تجهیز و خاک سپاری نمی کند».^۲

از این روایات نتیجه می گیریم که امام حسین علیه السلام غسل، کفن و دفن حضرت مهدی علیه السلام را انجام می دهد.

محل دفن امام علیه السلام

امام زمان علیه السلام در چه مکانی دفن می شود؟

روایتی که محل دفن امام را مشخص کند، نقل نشده است.

جانشین امام علیه السلام

آیا بعد از امام زمان علیه السلام پسرشان امام می شوند؟

خیر، امام مهدی علیه السلام آخرین امام است، و طبق روایات، وقتی امام زمان علیه السلام قیام کند و جهان را پر از عدل و داد بگستراند، به قدر یک عمر طبیعی (هفتاد سال) حکومت می کند.^۳ آن گاه امام حسین علیه السلام در اواخر عمر شریف امام مهدی علیه السلام رجعت می فرماید؛ زنده می شود و به دنیا برمی گردد، و هنگامی که همه مردم از بازگشت امام حسین علیه السلام آگاه شدند، امام زمان علیه السلام رحلت می کند. امام حسین علیه السلام مراسم دفن ایشان را انجام می دهد و حکومت را عهده دار می شود.^۴ آن گاه

۱. شیخ حر عاملی، الایقاظ من الهمجعه، ص ۳۰۹.

۲. اصول کافی، ج ۸، ص ۲۰۶؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۳؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱، ۳۵. البته در مورد حکومت ایشان روایات مختلفی وجود دارد که بعضی به کمتر از این مدت و بعضی به بیشتر از این مدت دلالت می کنند، اما روایت هفتاد سال قوی تر به نظر می رسد.

۴. همان، ج ۵۳، ص ۹۳، ج ۱۰۲.

ام حسین علیه السلام نیز چهل سال زندگی می کند.^۱

در مورد ترتیب رهبری حکومت بعد از امام حسین علیه السلام به صراحت چیزی نقل نشده و معلوم است بعد از امام حسین علیه السلام چه کسی حکومت را ادامه می دهد. در روایات به رجعت پیامبر صلی الله علیه و آله و برالمؤمنین علیهم السلام نیز اشاره شده است، یعنی پیامبر بزرگ اسلام نیز به دنیا باز خواهد گشت.^۲ همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام نیز به دنیا باز خواهند گشت و مدت بسیار طولانی حکومت خواهد کرد.^۳

سرنوشت دنیا

سرنوشت دنیا پس از امام زمان علیه السلام چه خواهد شد؟

حضرت پس از قیام و تشکیل حکومت، مدت طولانی حکومت می کند. امام حسین علیه السلام در آخر عمر شریف امام زمان علیه السلام رجعت می فرماید؛ به دنیا باز می گردد و مدتی کنار امام مهدی علیه السلام مانند تا بر همه روشن شود که ایشان امام حسین علیه السلام است. وقتی همه این مطلب را فهمیدند، امام مهدی علیه السلام به مرگ طبیعی رحلت می کند و امام حسین علیه السلام پس از دفن ایشان، حکومت را به مدت طولانی اداره می نماید.^۴ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام^۵ و به احتمال قوی تمام علیهم السلام به دنیا برمی گردند و هر کدام سالیان طولانی حکومت می کنند و به این شکل زمین بعد از ظهور، حیات نو از سر می گیرد و زندگی انسان با معنا ادامه می یابد. با توجه به روایات باب ۱۰، معلوم می شود زندگی اصلی انسان بعد از ظهور شروع می شود و مردم زمین مدت بسیاری بت، آرامش، برقراری اسلام و عدالت را خواهند دید. بندگان صالح خداوند نیز سالیان بسیاری بر زمین به عبادت و اطاعت خداوند خواهند پرداخت و بعد از گذشت سالیان بسیار، با رحلت بین حجت خدا که احتمالاً امیرالمؤمنین علی علیه السلام خواهد بود،^۶ اوضاع جهان دگرگون می شود و ثم قیامت رخ می نماید.

۱. همان، ص ۶۳ ح ۵۴.

۲. همان، ص ۴۶ ح ۱۹.

۳. همان، ص ۴۲ ح ۱۲.

۴. افی، ج ۸، ص ۲۰۶ ح ۲۵۰.

۵. مختصر بصائر الدرجات، ص ۲۴.

۶. همان، ص ۲۸.

نسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲۶ ح ۲۴.



آخرین امام

آخرین امامی که قبل از پایان دنیا به شهادت می‌رسد، کیست؟

بنا به روایتی، امام علی علیه السلام آخرین امامی خواهد بود که قبل از قیامت در دنیا زندگی می‌کند.^۱

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۶، ح ۵، باب ۳۰ از عیاشی.

رجعت

رجعت ائمه علیهم السلام

بگونه‌ی رجعت ائمه پس از ظهور امام زمان علیه السلام را شرح دهید و منابعی را برای مطالعه کنید!

«رجعت» در لغت به معنای بازگشت است و در اصطلاح عام به زنده شدن بعضی مردگان و بازگشت آنها به دنیا گویند؛ که در قبل از اسلام و امت‌های دیگر نیز اتفاق افتاده است، مانند زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی. در اصطلاح خاص، به زنده شدن مؤمنان و کافران ویژه به خداوند در زمان ظهور امام زمان علیه السلام «رجعت» گویند.

«رجعت» به معنای خاص آن جزء عقاید شیعه است و ما معتقدیم گروهی بعد از ظهور حضرت یاجوج و ماجوج گردند. آیات و روایات فراوانی بر این مطلب دلالت دارد، مانند آیه ۸۳ سوره نمل و ۱۱ غافر و روایاتی که علامه مجلسی در جلد ۵۳ بحار الانوار گرد آورده است.

رجعت خاص که در دوران ظهور اتفاق می‌افتد، دو مرحله زمانی دارد مرحله اول مقارن با ظهور امام زمان علیه السلام اتفاق می‌افتد و افرادی که در گذشته زندگی می‌کرده‌اند مانند برخی از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، به دنیا بازمی‌گردند و از اصحاب امام زمان علیه السلام می‌شوند و حضرت

را در قیامش یاری می کنند.

مرحله دوم رجعت که زمان بازگشتن ائمه علیهم السلام به دنیاست، هنگام رحلت امام زمان علیه السلام اتفاق می افتد. اولین امامی که با رجعت ایشان رجعت ائمه علیهم السلام آغاز می شود، امام حسین علیه السلام است. بنابر روایات، هنگام رحلت امام زمان علیه السلام، امام حسین علیه السلام زنده می شود و مراسم به خاک سپاری امام زمان علیه السلام را عهده دار می شود و سپس حکومت را رهبری می نماید و مدت طولانی نیز حکومت می فرماید.^۱ ائمه علیهم السلام حکومت جهانی را که امام مهدی علیه السلام ایجاد می کند، به مدت طولانی اداره و ادامه فرمایند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «ما من امام آلا و یکر فی قرنه؛^۲ امامی نیست مگر آن که در زمان خود رجعت می کند».

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام می فرماید: «لیس منا من لم یؤمن بکرتنا؛^۳ از ما نیست کسی که به رجعت ما ایمان نداشته باشد».

لذا ما در زیارت «أل یاسین» که ویژه امام عصر علیه السلام است، بعد از نام بردن اسامی ائمه، شهادت می دهیم: «إن رجعتکم حق لا شک فیها؛^۴ رجعت شما بدون شک واقع خواهد شد.

و ما نیز آرزو می کنیم که در آن زمان باشیم، چنان که در زیارت جامعه می خوانیم: «و یکر فی رجعتکم؛ خدایا ما را از کسانی قرار ده که در رجعت ائمه باز می گردند»، و در وداع زیارت جامعه آمده، «و أخیانی فی رجعتکم؛ و خدا مرا در رجعت شما ائمه زنده گرداند».

رجعت کنندگان

چه کسانی در هنگام قیام امام زمان علیه السلام از قبر خود برانگیخته می شوند؟

کسانی که در دوران حکومت امام زمان علیه السلام به دنیا باز خواهند گشت، یا به اصطلاح رجعت خواهند نمود، به دو صورت معرفی شده اند:

۱. در روایات آمده است افرادی که در زمان ظهور زنده خواهند شد، صفات خاصی دارند.

۱. مختصر بصائر الدرجات، ص ۴۸.

۲. الايقاظ من الهجعه، ص ۳۶۱، ج ۱۱۲.

۳. شیخ صدوق، الفقیه، ج ۲، ص ۴۵۸.

۴. احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «رجعت عمومی نیست، و تنها کسانی برمی گردند که ایمان خالص رند یا مشرک محض هستند»^۱.

پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت سلمان فرمود: «ای سلمان تو و امثال تو و هر کسی که ولایت به علیه السلام را با شناختی حقیقی بپذیرد، آن دوران را درک می کند». و در ادامه فرمودند: «هر کسی ما اهل بیت باشد (ما را بشناسد، به ما اقتدا کند، ولایت ما را بپذیرد و از دشمنان ما بی زاری بید) و در راه ما به او ستم رسد، آن دوران را درک می کند. ابلیس و حامیان او نیز برمی گردند»^۲.
با توجه به چنین روایاتی، دو گروه از قبرهای خود برانگیخته خواهند شد: یکی مؤمنان واقعی و گری مشرکان خالص که غرق در شرک بوده اند.

همچنین دعاهایی نقل شده که اگر کسی آنها را بخواند، دوران ظهور را درک می کند که به ختی اشاره می شود:

امام باقر علیه السلام می فرماید: «کسی که همه سوره های مسبحات (سوره های آغاز شده با «سَبَّح» یا «سَبَّح») را قبل از خواب بخواند، نمی میرد تا امام زمان علیه السلام را درک کند و اگر بمیرد در کنار علیه السلام خواهد بود»^۳.

کسی که بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند، امام زمان علیه السلام را در خواب یا بیداری می بیند.
«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَيْنَمَا كَانَ وَ حَيْثَمَا كَانَ مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا، عَنِّي وَ عَنِ وَالِدِي وَ عَنِ وَلَدِي وَ إِخْوَانِي التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ، عَدَدَ عِلْمِ اللَّهِ، وَ زِينَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ عِلْمُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ لَكَ فِي صَبِيحَةِ هَذَا الْيَوْمِ مَا عَشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامٍ حَيَاتِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَكَ فِي عُنُقِي لَا أَحْوَلُ عَنْهَا وَ لَا أَزُولُ، اللَّهُمَّ لِمَنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ نَصَارِهِ الذَّابِبِينَ عَنْهُ، وَ الْمُمْتَلِينَ لِأَمْرِهِ وَ نَوَاهِيهِ فِي أَيَّامِهِ، وَ السُّتْشَهْدِينَ بَيْنِي وَ بَيْنِكَ اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مُقْتَضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي زُرًّا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجْرَدًا قِنَاتِي، مُلَبِّيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي. اللَّهُمَّ أَرْنِي مَعْرَةَ الرَّشِيدَةِ، وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةِ، وَ أَكْحَلَ بَصْرِي بِنَظَرَةٍ مَنِّي إِلَيْهِ، وَ عَجَّلْ فَرَجَهُ، وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ،

حارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، ح ۱.

مان، ص ۱۴۳، ح ۱۶۲.

کافی، ج ۲، ص ۶۲۰.

اللهم اشدد أزره، و قوّ ظهره، و طول عمره، اللهم اعمر له بلادك، و أحي به عبادك، فانك قلت و قولك الحق (ظهر الفساد في البر و البحر بما كسبت ايدي الناس) فأظهر اللهم لنا وليك، و ابن بنت نبيك، المسمى باسم رسولك، صلواتك عليه و آله، حتى لا يظفر بشيء من الباطل الا مزقه، و يحق الله الحق بكلماته و يحققه، اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الامة بظهوره، إنهم يرونه بعيداً و نراه قريباً، و صلى الله على محمد و آله»^۱.

۲. در برخی روایات نام افرادی بیان شده که در دوران حکومت امام زنده می‌شوند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «همراه امام قائم علیه السلام از پشت کوفه ۲۷ نفر زنده می‌شوند که یار امام و حاکم باشند. پانزده نفر از آنها از اصحاب موسی علیه السلام هستند، چنان که حق تعالی در قرآن فرموده: ﴿و من قوم موسی امة يهدون بالحق و به يعدلون﴾؛ "و هفت نفر دیگرند اصحاب کهف، یوشع بن نون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر"^۲.

البته به نام پیامبر، امیرالمؤمنین و امام حسین علیهم السلام نیز تصریح شده است.^۳

چگونه برانگیخته می‌شوند؟

کیفیت زنده شدن مردگان بر ما معلوم نیست و تبیین امور غیرعادی برای ما امکان ندارد. اما امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: «وقتی زمان ظهور نزدیک شود، در ماه جمادی دوم و ده روز از ماه رجب، بارانی می‌بارد که مردم نظیر آن را ندیده‌اند و خداوند به سبب آن باران، گوشت و بدن مؤمنان را می‌پروراند و انگار می‌بینم که خاک‌های موی سرشان را پاک می‌کند»^۴.

البته اصل زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی به تصریح قرآن انجام شده و چیز محال و غیرممکنی نیست، اما کیفیت آن برای ما مجهول است.

سرانجام آنان چیست؟

مانند همه انسان‌ها زندگی می‌کنند و بعضی که قبلاً شهید شده بودند، به مرگ طبیعی و بعضی دیگر که به مرگ طبیعی مرده بودند، شهید از دنیا می‌روند.^۵

۱. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۶۱

۲. همان، ص ۹۰، ج ۹۵.

۳. همان، ص ۳۹، ج ۲۰۱.

۴. همان، ص ۹۰، ج ۹۴.

۵. همان، ج ۵۳، ص ۴، ج ۵.

هنگام ظهور امام زمان علیه السلام چه کسانی از پیامبران، امامان و دیگر افراد، ایشان را همراهی کنند؟

با توجه به این که، عده‌ای از همراهان امام زمان علیه السلام در زمان ظهور، و عده‌ای دیگر در اواخر آن حضرت و بعد از ایشان خواهند آمد، با مراجعه به روایات، باید گفت نام برخی از پیامبران را می‌توان یافت که در حکومت حضرت مهدی علیه السلام حضور خواهند داشت. مهم‌ترین آنها حضرت عیسی علیه السلام است. بنابر روایات شیعه و سنی در هر زمان ظهور، حضرت عیسی علیه السلام نزول کند کرد و پشت سر امام زمان علیه السلام نماز خواهد خواند. در روایتی علاوه بر نام حضرت عیسی علیه السلام حضرت ادریس، خضر و الیاس علیهم السلام نیز آمده است^۱ که در کنار امام مهدی علیه السلام حضور دارند. در روایت، به نام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز تصریح شده است.^۲

برخی از روایات نیز نام افرادی را بیان می‌دارند که در دوران حکومت امام زمان علیه السلام زنده شوند.

نام صادق علیه السلام فرمودند: «همراه امام قائم علیه السلام از پشت کوفه ۲۷ نفر زنده می‌شوند که یار امام کم باشند، پانزده نفر آنها از اصحاب موسی علیه السلام، هفت نفر اصحاب کهف، یوشع بن نون، ن فارسی، ابودجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر هستند».^۳ بنابر منابع معتبر اسلامی، سیزده از هنگام ظهور حضرت زنده خواهند شد و در لشکر امام به مداوای مجروحان جنگی و سستی بیماران خواهند پرداخت. از جمله صبانہ ماشطه (که در زمان فرعون بوده و به شهادت رسید، سمیه (مادر عمار یاسر)، ام ایمن (پرستار پیامبر صلی الله علیه و آله)، نسیبه (زن فداکار در جنگ) و... .

باره امامان علیهم السلام؛ نام امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسین علیه السلام در روایات تصریح شده است.^۴ بنابر آن، تمام ائمه به دنیا برمی‌گردند، اما به طور قطع نمی‌توان گفت آیا همراه امام زمان علیه السلام خواهند بود یا نه؟ گرچه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در اواخر عمر حضرت مهدی علیه السلام به دنیا گردند.

۱، ج ۱، ص ۲۴۲-۲۴۷.

الانوار، ج ۸۳، ص ۶۱.

۲، ص ۹۰، ج ۹۵.

۳

چرا امام حسین، حضرت عیسی و حضرت خضر علیهم السلام در زمان ظهور امام زمان علیه السلام می آیند؟

امام حسین علیه السلام در اواخر عمر شریف امام مهدی علیه السلام به دنیا برمی گردد و وقتی همه می فهمند که او واقعاً امام حسین علیه السلام است، امام مهدی علیه السلام از دنیا می رود. امام حسین علیه السلام بعد از دفن امام، حکومت را اداره می کند و حکومت جهانی توسط ایشان ادامه می یابد. بنابراین، امام حسین علیه السلام برمی گردد تا افزون بر خاک سپاری امام مهدی علیه السلام از قاتلان خود انتقام بگیرد. آن گاه ظالمان نیز در دنیا به سزای عملشان می رسند و دل مؤمنان از پیروزی مظلومان و خواری ظالمان شاد می گردد.

حضرت عیسی علیه السلام نیز در دوران قیام و مبارزه از آسمان فرود می آید و پشت سر امام مهدی علیه السلام نماز می خواند. بسیاری از مسیحیان با این کار حضرت عیسی علیه السلام به حقانیت امام مهدی علیه السلام پی می برند و به او ایمان می آورند. لذا خیلی از مردم بدون درگیری، امام مهدی علیه السلام را قبول می کنند و حضرت عیسی علیه السلام یکی از فرماندهان و کارگزاران امام مهدی علیه السلام می شود.

حضرت خضر نیز که هم اکنون زنده و همراه امام مهدی علیه السلام است، در دوران ظهور در کنار امام مهدی علیه السلام و یکی از یاران ایشان خواهد بود. شاید آمدن حضرت خضر و در کنار امام زمان علیه السلام قرار گرفتن او، دلیلی بر زنده بودن امام زمان علیه السلام در طول سالیان بسیار باشد.

ظهور و رجعت امام حسین علیه السلام

چه ارتباطی بین ظهور و رجعت امام حسین علیه السلام وجود دارد؟

بین امام مهدی علیه السلام و جد بزرگوارش امام حسین علیه السلام ارتباط و پیوندهای بسیاری وجود دارد. نویسنده کتاب عاشورا و انتظار^۱ ۲۶ گونه ارتباط بین امام حسین علیه السلام و امام مهدی علیه السلام فرزند گرامی اش، را ذکر کرده که یکی از آنها مسئله رجعت است. ایشان با توجه به این پیوندها، هجده تحلیل ارائه پیش می کند. برای روشن شدن پاسخ سؤال، به چند نمونه از تحلیل های این کتاب اشاره می شود:

۱. عاشورا؛ پشتوانه فرهنگی انتظار

فرهنگ عاشورا، زمینه فرهنگ انتظار را می سازد. انتظار، ادامه عاشورا و چشم به راه حسین

۱. مسعود پورسیدآقایی.

ی است. رجعت امام حسین علیه السلام هم یعنی ظهور پشتوانه نهضت مهدوی. اشتراک اهداف

هدف امام حسین علیه السلام نجات انسان‌ها از گمراهی و نادانی بود. امام مهدی علیه السلام هم انسان‌ها را از بی و نادانی نجات می‌دهد. لذا یکی از حکمت‌های رجعت امام حسین علیه السلام همین مسئله است. مهدی علیه السلام زمینه را برای تبلور اهداف قیام عاشورا و هدف نهضت حسینی مهیا می‌نماید و امام حسین علیه السلام حرکت در راستای هدف کربلاست. الهام‌پذیری هر دو فرهنگ

هنگ حسینی (قیام و شهادت) و فرهنگ مهدوی (انتظار) در روز ظهور و با رجعت امام علیه السلام به هم می‌پیوندند. بذری که امام حسین علیه السلام در کربلا کاشت و دیگر امامان آن را بارور و امام مهدی در دوران غیبت به حراست آن همت گماشت، روز ظهور شکوفا می‌شود و امام حسین علیه السلام یعنی برافراشتن شکوه ثمرات درخت بارور و تنومند اسلام.

آن و رجعت

آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره مؤمنون با مسئله رجعت منافات ندارد؟

این دو مسئله هیچ‌گونه اختلافی نیست، زیرا خداوند متعال در سوره مؤمنون در برابر کافران برای برگشتن به دنیا و انجام اعمال نیک می‌فرماید: ﴿كَلَّا﴾؛ «هرگز برنخواهید» البته حکمت رجعت کافران، عذاب آنهاست، یعنی آنها به دنیا باز می‌گردند تا این که با نمود، دولت عدالت و حق و جزای کفر و کارشکنی‌های خود را ببینند، اگر چه جزای واقعی و ادر قیامت خواهند چشید.

راین، «رجعت» از مسائلی است که بر اساس آیات و روایات، حتماً در دولت امام زمان علیه السلام و آن صورت می‌پذیرد. با وجود این، آیه شریفه، بازگشت کافران را برای انجام اعمال نیکی کرده‌اند نفی می‌کند، یعنی اگر کسی در زمان حیاتش فرصت‌ها را از دست بدهد، دیگر یک فرصت‌ها و انجام اعمال، به دنیا باز نمی‌گردد. در نتیجه، هیچ منافاتی بین آیات مذکور، رجعت وجود ندارد، زیرا این آیات، برگشتن به دنیا در زمان رجعت را برای دیدن قسمتی از مال نفی نمی‌کند.

ایران

کشور امام زمان علیه السلام

آیا ایران کشور امام زمان علیه السلام است؟

امام مهدی علیه السلام متعلق به همه انسان‌ها و امام هستی و پیشوای جهانیان است. شرق و غرب عالم به امام مهدی علیه السلام تعلق دارد. منظور از کشور امام زمان علیه السلام خواندن ایران، عنایت ویژه امام مهدی علیه السلام به این منطقه است، زیرا تنها قسمتی که در آن، شیعیان آب و خاک دارند، حکومت می‌کنند و طبق احکام الهی و اهل بیت عمل می‌کنند، ایران است.

از سوی دیگر، تنها کشوری که انگیزه زمینه‌سازی ظهور دارد، ایران است. در هیچ جای دنیا کشوری نیست که حکومت آن شیعه باشد و یا ادعای زمینه‌سازی داشته باشد. لذا امام خمینی (ره) می‌فرماید: «این کشور صاحب‌الزمان است و باید کشوری باشد که تا ظهور موعود به استقلال خودش ادامه بدهد و قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد».^۱

گفتنی است که شبیه این تعبیر نیز در جریان تشریح مرحوم آیت‌الله العظمی نائینی از وجود شریف امام زمان علیه السلام نقل شده است که ایشان درباره حفظ ایران در جنگ جهانی اول فرموده‌اند:

۱. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۹۵. در این رابطه در فصل‌نامه انتظار، شماره ۱، ص ۲۰، سخنان امام (ره) گردآوری شده است.

جا شیعه‌خانه ماست! می‌شکند، خم می‌شود، خطر هست، ولی ما نمی‌گذاریم سقوط کند، ما ش می‌داریم»^۱.

نابراین، اگر گفته می‌شود که ایران کشور امام زمان علیه السلام است، مقصود این است که ایشان ت به این مرز و بوم عنایت خاصی دارد و مردم آن نیز بیش از دیگران به آن حضرت اعتقاد و ت دارند و در مسیر تحقق اهداف و آرمان‌های او بیشتر می‌کوشند.

درباره این تعبیر که: «مهدی علیه السلام از مادری غربی و پدری شرقی است، پس شرق و غرب عالم ن به مهدی علیه السلام است»، باید گفت: دین اسلام که توسط پیامبر آورده شد، برای تمام جهانیان است. پیامبر هم پیامبر شرق و هم غرب عالم بود، با این که پدر و مادری شرقی داشت. امام علیه السلام هم که از پدر و مادر شرقی به دنیا آمده بود، بر شرق و غرب عالم امامت می‌کرد و نین دیگر ائمه علیهم السلام. پس دلیل تعلق امام مهدی علیه السلام به شرق و غرب عالم، تولد ایشان از مادر ، و پدری شرقی نیست.

رضایت امام زمان علیه السلام

یا امام زمان علیه السلام از اوضاع فعلی ایران، اعم از رعایت عدالت، قانون و مسئولان مملکت راضی د؟ و آیا به ادامه آن رضایت دارند؟

آن جا که انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی، زیر نظر فقیه جامع الشرایط است، امام علیه السلام نیز قطعاً از شکل‌گیری چنین نظامی راضی هستند، ولی رضایت امام علیه السلام از همه قوانین رات و همه مسئولان، امری است که نمی‌توان قاطعانه درباره آن قضاوت کرد، امام علیه السلام از ن و مقرراتی که بر اساس مبانی اسلام در هر زمان و شرایطی، وضع می‌شوند، رضایت دارند. فی، ادعا نمی‌شود که تمام قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌ها صددرصد اسلامی‌اند، ولی از آن جا یر نظر اسلام‌شناسان (فقها) تصویب می‌شوند، به رضایت امام می‌توان پی برد. درباره مسئولان ید گفت که آنها نیز مانند سایر انسان‌ها دچار خطا و لغزش می‌شوند، چنان که گاهی داران حکومت علوی نیز خطا می‌کردند. لذا می‌توان به رضایت کلی امام علیه السلام از خدمت‌گزاران م پی برد، گرچه این رضایت عمومیت ندارد.

۱. حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب، ص ۲۱۵. نمونه‌های مشابه دیگری نیز در کتاب میر مهر، ص ۲۵ نقل گردیده است که ایات امام عصر علیه السلام به ایران را ثابت می‌کند.

زمینه‌سازی ظهور

کشور ایران تا قبل از ظهور، چگونه باید باشد؟

برای آن که از وضع کشور در هنگام ظهور آگاه باشیم، باید شرایط ظهور امام زمان عجل الله فرجه را بدانیم. برای ظهور امام زمان عجل الله فرجه دو شرط اساسی لازم است:

۱. پذیرش عمومی: یعنی مردم باید به حدی از دانایی برسند که هر چه امام زمان دستور داد، بدانند آن دستور کاملاً درست است و باید مو به مو آن را اجرا کنند؛ نباید از مسئولیت‌شانه خالی کنند و اجرای عدالت را فقط در مورد دیگران دوست داشته باشند و وقتی اجرای عدالت به ضرر خود آنان شد، از آن فرار کنند و تن به عدالت ندهند؛ باید به حدی برسند که بفهمند دین، معنویت و ارزش‌های انسانی است که انسان را به سعادت می‌رساند، نه پیشرفت علم و صنعت، و تنها امام است که نیازهای واقعی انسان را می‌داند و می‌تواند مردم را خوش‌بخت کند؛ فقط منتظر او باشند و از قدرت‌های مادی چشم‌پوشند.

۲. یاران فداکار: علاوه بر قبول مردم که شرط پیروزی و به ثمر رسیدن یک قیام است، یاران فداکار و سخت‌کوش نیز باید در انجام برنامه‌های امام، شبانه‌روز تلاش کنند و از هیچ اقدامی برای پیشرفت دستورهای امام کوتاهی نکنند. در خدمت به اسلام و مردم سر از پا نزنند و کار کردن برای دیگران را با تمام جان و دل قبول کنند و به فکر مقام و رفاه خود نباشند.

در روایات به وجود یاران ایرانی توجه زیادی شده و آمده است که بسیاری از شهرهای ایران محل یاران امام هستند و در زمان ظهور به یاری امام خواهند پرداخت.^۱ مخصوصاً در روایات، شهر مقدس قم، پایگاه یاران امام زمان عجل الله فرجه^۲ معرفی شده است.

با توجه به این دو شرط، باید گفت: کشور ما برای ظهور امام زمان عجل الله فرجه باید به گونه‌ای باشد که همه مردم یا اکثر آنها واقعاً منتظر امام زمان باشند؛ انتظار واقعی، تنها با گفتار و دعا ایجاد نمی‌شود. منتظر واقعی را از عمل او می‌توان شناخت، که البته دعا نیز جزئی از عمل است. منتظر واقعی اولاً سعی می‌کند به امام زمان معرفت پیدا کند و ثانیاً در طریق طاعت و بندگی خدا قرار گیرد. تحقق این امر به موارد زیر است: بداند او چگونه امامی است و چه انتظاری دارد. برای این کار کتاب بخواند، در مجالس سخن‌رانی و... شرکت کند، سعی کند برای سلامتی امام همیشه دعا

۱. ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۶، (نقل از چشم‌اندازی به حکومت امام مهدی عجل الله فرجه، ص ۹۸).

۲. بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶، ح ۳۸.

، برای او صدقه بدهد و اعمال مستحبی انجام دهد، پای بند مسائل دینی و واجبات و محرمات
 ، آنها را به دقت بیاموزد و عمل نماید، واقعاً عدالت خواه باشد، و راضی نباشد حق کسی ضایع
 ، هر چند به ضرر خود او باشد. مطیع نایب امام زمان (ولی فقیه) باشد و در زمان غیبت امام،
 وره‌های او را مانند دستورهای خود امام بداند، از گناه، زشتی و ظلم کاملاً بپرهیزد، و در کمک
 مردم و جلب رضایت آنان بکوشد، و وظایف دینی و اخلاقی خود را به طور کامل عمل نماید.
 هر قدر تعداد چنین افرادی در ایران و جهان زیاد شود، می‌توان گفت به ظهور نزدیک‌تر
 شویم و زمینه آمدن امام زمان فراهم‌تر می‌شود.

البته باید توجه داشت که در کنار کوشش‌های افراد صالح، عده‌ای افراد فاسد نیز گناه و تباهی
 ، حد اعلائی آن می‌رسانند و سعی می‌کنند در جامعه هر چه بیشتر گناه و بی‌عدالتی را ترویج
 . اما با تلاش منتظران، وجود چنین افرادی مانع ظهور نمی‌شود؛ اینها گرد و غباری هستند که
 بدن باران رحمت الهی از صحنه اجتماع زدوده می‌شوند، به شرط این که منتظران واقعی با امر
 معروف و نهی از منکر بستر را برای ظهور حضرت فراهم آورند تا با اصلاح امور و اصلاح افراد
 به شرایط ظهور تحقق یابد.

کشور عزیز ما ایران در زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام چه نقشی داشته است؟

کشور ایران برای زمینه‌سازی ظهور مهدی علیه السلام نقش خوبی ایفا می‌کند. برای مثال، می‌توان
 ، که انقلاب اسلامی، زمینه آشنایی ملل دیگر را با اسلام، به ویژه تشیع، بیشتر از گذشته
 م کرده است، پس باید از فرصت پیش آمده استفاده کرد و فرهنگ شیعه را با ابزارهای
 لف به سراسر دنیا معرفی کرد. باید از تمام امکانات برای معرفی امام زمان علیه السلام به ملل جهان
 گرفت و برای تربیت نیروهای مخلص برای ایشان در داخل و خارج کشور تلاش کرد. در
 ن باید توجه داشت که ایران تنها کشور شیعه است و منتظران واقعی حضرت هم باید در درجه
 از میان شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام باشند.

مردی از قم

روایتی که می‌فرماید: **مردی از قم مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند، نسبت به چه کسی
 شد؟**

در روایتی امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید: «شخصی از اهل قم مردم را به حق می‌خواند و



در اطراف او کسانی جمع می‌شوند که چونان قطعه‌های آهن مقاومت می‌کنند. از جنگ خسته نمی‌شوند و نمی‌ترسند و هیچ باد سرکش تندی آنها را تکان نمی‌دهد و به خدا توکل می‌کنند و عاقبت از آن متقین است»^۱.

باید توجه داشت که تعیین فرد خاصی برای این روایت، احتیاج به دلایل محکمی دارد و به سادگی نمی‌توان روایات را بر افراد و مصادیق خاص تطبیق کرد. اما به هر حال ممکن است انقلاب اسلامی و حضرت امام خمینی(ره) مورد روایت باشد. البته برخی، مصداق این روایت را امام خمینی(ره) می‌دانند و در این باره مطالبی نقل کرده‌اند.^۲

دوره ظهور

حضور ایرانیان در دوره ظهور چگونه است؟

از روایات فهمیده می‌شود که تعدادی از سپاهیان حضرت مهدی علیه السلام ایرانی هستند و از آنان با تعبیرهای طرفداران سلمان فارسی، اهل ری، اهل مشرق زمین، اهل خراسان، گنج‌های طالقان، یاران درفش‌های سیاه، قمی‌ها، سرخ‌رویان، اهل فارس و... یاد شده است.

امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «نیروهایی با پرچم‌های سیاه که از خراسان قیام کرده‌اند در کوفه فرود می‌آیند و هنگامی که حضرت مهدی در شهر مکه ظهور می‌کند با آن حضرت بیعت می‌کنند»^۳.

و نیز فرمودند: «یاران حضرت قائم علیه السلام ۳۱۳ نفراند و از فرزندان عجم‌اند»^۴.

رهبر ایران

آیا در زمان ظهور، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر ایران است؟

این که رهبر ایران در زمان ظهور چه کسی خواهد بود، ما نمی‌دانیم. و این که انقلاب ما به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای(مدظله) به انقلاب جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام متصل می‌شود یا خیر مشخص نیست، ولی امیدواریم که این اتصال تحقق یابد!

۱. الملاحم و الفتن، ص ۳۸؛ بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶.

۲. رک: محمد دشتی، آینده و آینده سازان، ص ۷۰.

۳. ابن حماد، الفتن، ص ۸۵.

۴. نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۵.

کشور عزیزمان ایران چندمین کشوری است که امام زمان در آن ظهور می‌کند؟ همان‌طور که می‌دانید امام مهدی در شهر مکه و در کنار کعبه ظهور می‌کنند و بعد به رهایی مانند مدینه، کوفه و... می‌روند. در بین روایاتی که عصر ظهور را ترسیم کرده‌اند، هیچ‌تی درباره تشریف‌فرمایی امام مهدی به کشور ایران وارد نشده است. لذا نمی‌توان گفت که امام ی (ع) چه وقت به ایران تشریف می‌آورند.



معنای روایات

فساد قبل از ظهور

در روایات آمده، زمانی امام زمان علیه السلام می آید که همه جا را فساد گرفته باشد، پس برای این که امام زودتر بیاید باید فساد کنیم؟

باید بین علامت ظهور و شرایط آن تفاوت قائل شد. علامت ظهور، یعنی چیزی که نشانه ظهور است و اتفاق افتادن آن نشان می دهد ظهور نزدیک شده است. اما علت ظهور نیست و باعث نمی شود که ظهور اتفاق بیفتد و فقط هر دو در یک زمان اتفاق می افتند، اما علت هم دیگر نیستند. اما شرط ظهور، یعنی آن چه زمینه ساز ظهور است و اگر آن شرط باشد ظهور می شود و اگر نباشد ظهور اتفاق نمی افتد.

حال که این تفاوت، معلوم شد، باید دانست روایتی که هنگام ظهور را فراگیر شدن جهان از ستم و فساد برمی شمرد، علامت ظهور را بیان می کند، نه شرط آن را؛ پر شدن زمین از فساد از شرایط ظهور نیست که ظهور وابسته به آن باشد، بلکه فساد علامت ظهور است، یعنی در زمان

در وضع دنیا چنین خواهد بود و در چنین وضعی امام ظهور خواهد کرد.

افزون بر این، مگر هم‌اکنون زمین پر از ظلم و فساد نیست؟ مگر در تمام کشورهای عربی که بی‌اسلام هستند، مشروب‌فروشی‌ها و مراکز فساد، رسماً فعالیت نمی‌کنند؟ مگر امریکا به نام قبح بشر و مبارزه با تروریسم، کشورها را به آتش نمی‌کشد؟ مگر کشوری هست که از ظلم و : ننالده؟ بنابراین در پر بودن دنیا از فساد شکی نیست و اگر این امر علت ظهور بود، حتماً تا ظهور پدید آمده بود.

ما شرط ظهور، وجود یاران واقعی و آمادگی اکثریت مردم برای قبول عدالت و حقیقت است، عدالت را هر چند به ضررشان باشد بپذیرند و آن را فقط برای سود خود نخواهند. اگر بخواهیم امام زودتر ظهور کند، باید برای پرورش انسان‌های صالح و با تقوا کمک کنیم و جامعه آده پذیرش حکم خدا کنیم. این کار با ترک گناه، فساد و ظلم امکان دارد، نه با ترویج فساد و بی‌عدالتی.

پس نه تنها افراد نیکوکار مانع ظهور نیستند، بلکه زمینه‌ساز ظهور نیز به شمار می‌آیند و اگر آنها زیاد شود، امید به ظهور بیشتر خواهد شد.

یام قبل از ظهور

روایت آمده است که هر پرچمی قبل از امام زمان علیه السلام بلند شود صاحب آن طاغوت است بیعتی قبل از ظهور ایشان کفر و نفاق است. این روایات چگونه با انقلاب اسلامی ایران *ری دارد؟*

تدا باید بدانید که این بحث به طور مفصل در کتاب‌های دادگستر جهان نوشته آیت‌الله امینی ای آفتاب دکتر حبیب‌الله طاهری آمده است و تک‌تک روایات بررسی و مورد بحث قرار است. برای دیدن تمام مطالب می‌توانید به این دو کتاب مراجعه نمایید.

ا به طور خلاصه، می‌توان گفت منظور از این روایات، قیام‌هایی است که بنام حضرت و با مهدویت صورت می‌گیرد. بنابر قرائن موجود در این روایات، آنان کسانی‌اند که مردم را به خود می‌خوانند و داعیه مهدویت و نجات‌بخشی دارند، نه کسانی که خود را مهدی نمی‌نامند ی منجی‌گری موعود ندارند و خود را زمینه‌ساز ظهور و در خدمت امام مهدی علیه السلام می‌دانند. اسلامی نیز ادعای مهدویت ندارد بلکه امام راحل بارها فرمودند ما با این حرکت

می‌خواهیم زمینه رشد و تعالی مردم فراهم آید، ظهور نزدیک‌تر شود و انقلاب را به دست صاحب اصلی آن بسپاریم.

بنابراین، روایات این نوع قیامها را در بر نمی‌گیرد بلکه بر عکس روایاتی هست که بنا بر آنها، افرادی قبل از حضرت برمی‌خیزند، مبارزه می‌کنند و زمینه ظهور حضرت را فراهم می‌سازند. اگر کسی این معنا را برای این روایات نپذیرد و بگوید هر نوع قیام و حکومتی قبل از امام زمان علیه السلام حرام است، می‌گوییم اگر انقلاب و حکومتی نباشد، بسیاری از دستورهای اجتماعی دین که اجرای آنها به حکومت احتیاج دارد، تعطیل می‌شود. تا حال هزار و دویست سال از غیبت می‌گذرد و معلوم هم نیست چند سال دیگر ادامه یابد؛ آیا خداوند قرآن و احکام را که و این همه بر اجرای آنها برای تمام مسلمانان تأکید نموده، باید سال‌های بسیار طولانی تعطیل کند تا فقط در زمان ظهور انجام شود؟ آیا می‌توان بر فرض صحت تمام روایات نهی از قیام و حکومت که البته معتبر نیستند، به دلیل چند روایت، قسمت بسیار عظیم اسلام را که صدها آیه و هزاران روایت دارد، تعطیل کرد. بر فرض تعارض نیز ما این روایات نهی از حکومت را کنار می‌گذاریم و به پیام اصلی دین که اجرای قوانین اسلام است و هزاران دلیل دارد، عمل می‌کنیم. البته در پایان باز تکرار می‌کنیم که این نوع روایات با تشکیل حکومت اسلامی مخالفت ندارد بلکه مخالف قیام و تشکیل حکومت به نام امام مهدی علیه السلام است که انقلاب ما نیز چنین ادعایی ندارد.

ولایت فقیه

امام زمان علیه السلام می‌فرماید: «در زمان غیبت ما به راویان حدیث ما یعنی فقها رجوع کنید». آیا منظور از ولایت فقیه، ولایت فقه است یا ولایت شخص فقیه؟ لطفاً توضیح دهید!

فقیه کسی است که دانش فقه را در عالی‌ترین درجه آن داراست و برای به کارگیری و استنباط احکام از آن توان کافی دارد. چنین کسی در زمان غیبت، از طریق ادله عقلی و نقلی (روایات) نایب عام امام معصوم علیه السلام شمرده می‌شود و بر مردم ولایت دارد و آنان باید در احکام دینی و دیگر برنامه‌های اجتماعی، سیاسی و ... از وی اطاعت کنند.

بنابراین، مقصود از ولایت فقیه یعنی ولایت مجتهد جامع شرایط بر مردم. مقصود از جامع شرایط این است که فقیه علاوه بر دانش فقه، باید تقوا و خداترسی بالایی داشته باشد و از دنیا و

ظاهر آن پرهیزد.

با توجه به آن چه توضیح داده شد، حکومت فقیه حکومت شخص نیست بلکه حکومت تفکر اساس احکام اسلام است. فقیه به دلیل عمل به فقه و اجرای مقررات دینی، بر مردم حکم براند؛ به گونه‌ای که حتی او نیز باید طبق احکامی عمل نماید که در حق مردم بیان می‌کند؛ اگر چک‌ترین خطایی در این بخش از او سر بزند، از مقام ولایت عزل می‌شود و دیگر صلاحیتی ای آن نخواهد داشت.

برای اطلاع بیشتر درباره ولایت فقیه، به کتاب‌هایی، از جمله ولایت فقیه اثر آیت‌الله جوادی آملی مراجعه کنید!

دعای عهد

چنان که در روایات آمده، هر کس دعای عهد امام زمان علیه السلام را چهل صبح بخواند، در زمان نور حضرت زنده خواهد شد. این زنده شدن چه کیفیتی دارد و آیا منظور همان رجعت است، قبل از رجعت این موضوع محقق خواهد شد؟

به فرموده امام صادق علیه السلام هر کس چهل صبح این دعا را بخواند، از یاوران حضرت مهدی علیه السلام ر می‌گیرد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبر بیرون می‌آورد تا در خدمت حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه آن هزار حسنه به او کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند؛^۱ این همان رجعت است، زیرا رجعت با ظهور امام مهدی علیه السلام آغاز می‌شود، ولی به منزله این است که فقط دعای عهد بخواند تا به این مقام برسد، بلکه باید دو نکته زیر را نیز در نظر بگیرد:

۱. این که اعمال و رفتارهای دیگر نیز درست و مطابق با موازین شرع باشد، زیرا انسان باید با یقت این دعا انس داشته باشد تا بتواند با خدای خود عهد ببندد؛

۲. ممکن است شخصی که دعای عهد را می‌خواند، انسان بدی باشد، ولی خداوند متعال به نیت این دعا، او را متحول می‌گرداند و با خواندن این دعا در چهل روز و عهد قلبی با حضرت مهدی علیه السلام، چنان تحول اساسی در وجود او ایجاد می‌شود که می‌تواند به قابلیت اصحاب حضرت بد.

حارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۵ ح ۱۱۱.

با توجه به جمله «مؤتزرأ کفنی، شاهراً سیفی» در دعای عهد، آیا هنگامی که از قبر بیرون می‌آییم تا امام را یاری کنیم، کفن پوشیده‌ایم یا لباس؟ و منظور از «شاهراً سیفی» چیست؟ برای عبارت «مؤتزرأ کفنی» احتمالاتی وجود دارد، از جمله این که مراد حقیقی این است که اعمالم، از جمله ثواب خواندن این دعا همراه من باشد، اگر چه ظاهر جمله، کفنی است که میت می‌پوشد.

احتمال دیگر هم این است که مراد از این قسمت به تعجب در آوردن خلایق، از کفن‌پوشی صاحب قبر است، زیرا صاحب قبر در این صورت، عبرتی برای دیگران می‌شود و مردم می‌بیند که مرده‌ای زنده شده، از قبر بیرون آمده و کفنش در گردن اوست.^۱ منظور از «شاهراً سیفی»، ادعای شجاعت برای ترویج حق است.^۲

خطبه غدیر

معنای این جمله از پیامبر ﷺ که در خطبه غدیر درباره حضرت مهدی ﷺ فرمود: «ألا انه

الغرف من بحر العمیق» چیست؟

«غرف» معانی متعددی در لغت دارد که معنای مناسب با این جمله «رود پر آب» است.^۳ پیامبر ﷺ می‌فرماید: «امام مهدی ﷺ، رودی پر آب از دریایی عمیق است.»^۴ امام کاظم ﷺ در روایتی، بحر عمیق را بر معرفت الهی و شناخت خداوند تطبیق کرده است.^۵ امیرالمؤمنین در روایت معروفی، شناخت قدر و فهم معنای آن را به بحر عمیق تشبیه می‌نماید و امام صادق ﷺ در روایت دیگری می‌فرماید: «حضرت لقمان در نصیحت به فرزندش می‌فرمود: دنیا بحر عمیقی است که عالمان زیادی در آن هلاک شده‌اند.»^۶ بنابر روایات ذکر شده، منظور از دریای عمیق، علوم الهی و به اصطلاح قرآن، «علم الكتاب»^۷ است. همان علمی که در سینه پیامبر بوده و بعد به یک‌یک ائمه علیهم‌السلام افاضه گردیده و اکنون

۱. ملاعلی هنرندی، شرح دعای عهد، ص ۱۳۳-۱۳۴.

۲. همان، ص ۱۳۴.

۳. فیروزآبادی، قاموس، لغت غرف، البته به معنای اخذ کننده نیز می‌تواند باشد، یعنی امام مهدی ﷺ وصل به دریای عمیق است و امام از دریای عمیق استفاده و اخذ می‌نماید.

۴. بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۹۶، ح ۲۱.

۵. همان، ج ۵، ص ۵۷، ح ۱۰۳.

۶. همان، ج ۱۳، ص ۴۱۱، ح ۲.

۷. سوره رعد، آیه ۴۳.

برت ولی عصر علیه السلام وارث آن علم الهی است. با وجود آن علم، دیگر جهلی نیست و همه چیز نزد آن معلوم است.

می‌توانید برای معنای «علم الكتاب» به کتاب المیزان تفسیر آیه ۴۳ سوره رعد مراجعه نمایید.

مسجد مقدس جمکران

در روایت بنای «مسجد جمکران» آمده است که «در گله کاشانی بزی هست که اگر مردم آن را دادند، بیز قربانی کن و اگر ندادند خودت پول آن را بده»، در حالی که حسن بن مثله مردم پول می‌گیرد و نه خودش پول می‌دهد و این خلاف فرمایش امام است. لذا صدر و روایت با هم تعارض دارد و به گفته شیخ مفید، تعارض، نشان از عدم اعتبار روایت است!

نمی‌توان ادعا کرد که حسن بن مثله نه بابت آن از مردم پول مطالبه کرده و نه خودش پول بز داخته، زیرا در روایت آمده که بز را بگیرد و درباره نپرداختن پول آن تصریح نشده است. اگر در تصریح شده بود که حسن بن مثله پول بز را نداده، اشکال پذیرفته بود. بنابراین، بدون آنکه حسن بن مثله با توجه به مقام رفیعش،^۱ پول بز را داده است، گرچه در نقل داستان، این را گزارش نکرده باشد، چون لازم نیست در نقل داستانی همه جزئیات بیان شود؛ همان‌طور که قصص قرآنی فقط به مسائل مهم زندگانی انبیا اشاره می‌کنند، مانند داستان حضرت علی علیه السلام. بنابراین، اگر جزئیات بیان نشود، نمی‌توان راوی را به دروغ‌گویی و روایت را به دروغ‌گویی کرد.

علام شیخ مفید کاملاً صحیح است و تعارض صدر و ذیل یک روایت می‌تواند نشان‌دهنده تباری آن باشد، اما داستان «مسجد جمکران» از مصادیق این قاعده نیست.

وایات ائمه

مصومان علیهم السلام به خصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام درباره امام

علیهم السلام چه فرموده‌اند؟

بایاتی از همه معصومان و ائمه اطهار علیهم السلام درباره ابعاد وجودی حضرت مهدی علیه السلام نقل شده برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. ت. نوری، مستدرک وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۷۷ (به نقل از شیخ صدوق، مونس الحزین فی معرفه الدین و الیقین).

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «دنیا باقی است تا وقتی که مردی از دودمان امام حسین ﷺ قیام کند و زمین را از عدل و داد بگستراند، چنان‌که از ظلم و جور پر شده است».^۱

امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ خطاب به فرزندش امام حسین ﷺ فرمودند: «نهمین فردا از فرزندان تو قائم به حق است. ظاهر کننده دین و گستراننده عدل و داد».^۲

امام حسن مجتبیٰ ﷺ در روایتی فرمودند: «او در غیبتش عمری دراز دارد. آن گاه به صورت جوانی کمتر از چهل سال ظهور خواهد کرد».^۳

امام حسین ﷺ درباره غیبت می‌فرمایند: «...نهمین فرزند من است که غیبت خواهد داشت».^۴

در روایتی از امام سجاد ﷺ آمده است: «یاران قائم سی صد و سیزه نفر هستند، مانند یاران رسول خدا در جنگ بدر».^۵

روایات امام عصر ﷺ

چرا بیشتر روایات و احادیث شیعه از امام باقر ﷺ و امام صادق ﷺ است، و از دیگر ائمه، به ویژه امام زمان ﷺ در کتب روایی کمتر نقل کرده‌اند، در حالی که امام عصر ﷺ عمر طولانی‌تری از بقیه امامان دارد؟ بیشتر اطلاعات درباره امام عصر ﷺ ملاقات ایشان با بزرگان دینی و بعضی از مراجع در زمان غیبت کبراست.

از آن روی که آن حضرت در غیبت به سر می‌برند، احادیث از ایشان کمتر نقل شده است. حضرت مهدی ﷺ به مدت پنج سال با پدر بزرگوارشان بودند و غیبت صغرای آن حضرت بعد از شهادت امام عسکری ﷺ در سال ۲۶۰ هجری شروع شد. لذا هیچ زمانی برای نقل احادیث بیشتری از ایشان نبوده است. البته احادیثی از آن بزرگوار نقل شده، ولی به دلیل غیبت آن حضرت، امکان نقل حدیث بیشتری نبوده است. ولی با وجود این، توقیعاتی از آن حضرت، در موقع ضرورت و نیاز صادر شده که اکنون نیز موجود است و می‌تواند در دسترس همگان قرار گیرد. به علاوه این که روایات فراوانی درباره امام صادق ﷺ و امام باقر ﷺ، به دلیل موقعیت‌های مناسبی

۱. شیخ حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۶، باب ۳۲، ح ۸۸ (به نقل از شیخ طوسی، النیة).

۲. همان، ص ۴۶۴، باب ۳۲، ح ۱۱۷ (به نقل از کمال‌الدین).

۳. راه مهدی (به نقل از اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۵).

۴. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۵، ح ۱۲۱ (به نقل از کمال‌الدین).

۵. همان، ص ۴۹۱، ح ۲۲۵.

ت که برای آن دو بزرگوار داشته‌اند. آن دو حضرت از آن موقعیت‌ها استفاده کردند و احکام تلف دین را بیان کردند. ولی این‌گونه موقعیت برای امامان قبلی و بعدی، به ویژه امام زمان علیه السلام وجود نیامده است. به همین دلیل، احادیث کمتری از آن بزرگوار داریم.

روز ظهور

در روایاتی از امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام ۲۳ ماه مبارک بان معرفی شده، و روایاتی روز ظهور حضرت را جمعه برشمرده‌اند؛ آیا اعلان این زمان‌ها، تعیین وقت نیست؟ اگر این‌گونه باشد، انتظار در دیگر روزهای سال چگونه معنا پیدا کند؟

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «آن صیحه آسمانی که در ماه مبارک رمضان، پیش از ز طنین می‌افکند، در شب جمعه، شب ۲۳ ماه رمضان خواهد بود».^۱ از نشانه‌های ظهور صیحه نی است که به گفته ایشان در ۲۳ رمضان خواهد بود. حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «یکی آنه‌های فرج، صیحه آسمانی در ماه رمضان است».^۲ در نتیجه، روایات روز ظهور را ۲۳ ن یاد نکرده‌اند.

ضمی از روایات، ظهور آن حضرت را روز جمعه ذکر کرده‌اند، اما قطعی نیست که تغییر نپذیرد. ن، زمان‌ها تغییر می‌پذیرند و احتمال تغییر وجود دارد.

نظار در دیگر روزهای سال چگونه معنا پیدا می‌کند؟

نظار در لغت به معنای چشم داشت، چشم به راه بودن و نوعی امید به آینده داشتن است. در اسلام به ویژه در مذهب شیعه، ایمان استوار بر امامت و ولایت حضرت ولی عصر علیه السلام، ظهور مبارک آن حضرت، آغاز حکومت صالحان و در واقع نوعی آمادگی بیان شده است. ن گفت که «انتظار فرج» از اصل کلی اسلامی، یعنی اصل حرمت یأس و نومیدی از لطف و خداوند مایه می‌گیرد. بنابر روایات انتظار فرج، نوعی عبادت، ایمان به غیب، اقرار به یگانگی

دیدار

این روایت را که امام زمان علیه السلام در بین ماست و روزی ظهور می کند و وجود مبارک آن عزیز را همه می شناسند، توضیح دهید و سندش را بیان کنید!

در این باره در منابع معتبر شیعی نقل شده که حضرت در میان مردم حضور دارد، ولی مردم ایشان را نمی شناسند. در بعضی از این روایات آمده که مردم حضرت را می بینند، ولی نمی شناسند، مانند روایتی که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود: «خداوند سنت های پیامبران پیشین را برای حضرت مهدی علیه السلام جاری می سازد... اما سنت خداوند برای یوسف علیه السلام در خصوص حضرت مهدی علیه السلام این است که خداوند بین او و مردم حجاب قرار می دهد، به گونه ای که مردم او را می بینند، ولی نمی شناسند».^۱

هم چنین سدید صیرفی در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت درباره سنت یوسف علیه السلام برای حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «چگونه این مردم بعید می دانند که خداوند برای حجتش آن چه را جاری کند که برای یوسف علیه السلام جاری نمود؛ در این که حضرت در بازار مردم حرکت می کند و بر فرش های آنان قدم می گذارد و آنان وی را نشناسند».^۲

این روایات در منابع اصیل و قدیمی شیعی مانند: کافی، کمال الدین، الغیبه نعمانی، الغیبه طوسی نقل شده و اسناد آن در این کتابها درج گردیده است.

نام بردن از امام

آیا این روایت از امام زمان علیه السلام است: «هر که در جمعی از مردم نام مرا ببرد، لعنت خدا بر او باد»؟

این روایت، متن توقیعی (نامه ای از امام) است. نایب دوم امام زمان علیه السلام فرموده است: «خرج توقیع بخط أعرفه من سماني في مجمع من الناس باسمي فعليه لعنة الله؛^۳ توقیعی به خطی که آن را می شناسم صادر شد: هر کس در میان جمعی از مردم مرا به اسمم نام ببرد، لعنت خدا بر او باد».

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۲۹ (درباره حج نیز آمده است که مردم امام زمان علیه السلام را در مراسم حج می بینند، ولی نمی شناسند).

۲. محمد بن جریر طبری شیعی، دلائل الامامه، ص ۵۳۲.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳.

البته در متن روایت «الناس» آمده و معمولاً ائمه علیهم السلام این کلمه را برای عامه (اهل سنت) و مانی که امامت آنها را قبول نداشته‌اند، به کار می‌برده‌اند. لذا منظور ترک تقیه و ذکر نام علیهم السلام در محافل اهل تسنن است که باعث تحریک و تشنج می‌شود و نیز در متن روایت سمی «آمده» یعنی حق تصریح به نام را ندارید، زیرا در غیبت صغرا باعث جست‌وجو از امام و شیعیان می‌شده است. پس منظور از مردم، شیعیان و جلسات و محافل مرسوم امروزی است. علاوه بر این، بردن نام مخصوص امام منظور است، نه یاد امام بودن، زیرا روایات دیگری هم که ائمه علیهم السلام به شیعیان توصیه می‌فرمایند که جمع شوند و مجالس یاد ائمه علیهم السلام تشکیل دهند و بدانند که ملائکه در چنین مجالسی شرکت می‌جویند و برای آنان دعا می‌کنند.

خورشید پشت ابر

چرا در روایات، امام غایب به خورشید پنهان در پس ابر تشبیه است؟

تشبیه حضرت مهدی علیه السلام به خورشید پشت ابر، به حدیثی برمی‌گردد که از خود حضرت نقل می‌فرمایند: چگونگی استفاده از من در غیبت، مانند استفاده از خورشید است هنگامی که آن را می‌پوشانند.^۱

علامه مجلسی در وجوه تشابه حضرت با خورشید پشت ابر چنین گفته‌اند:

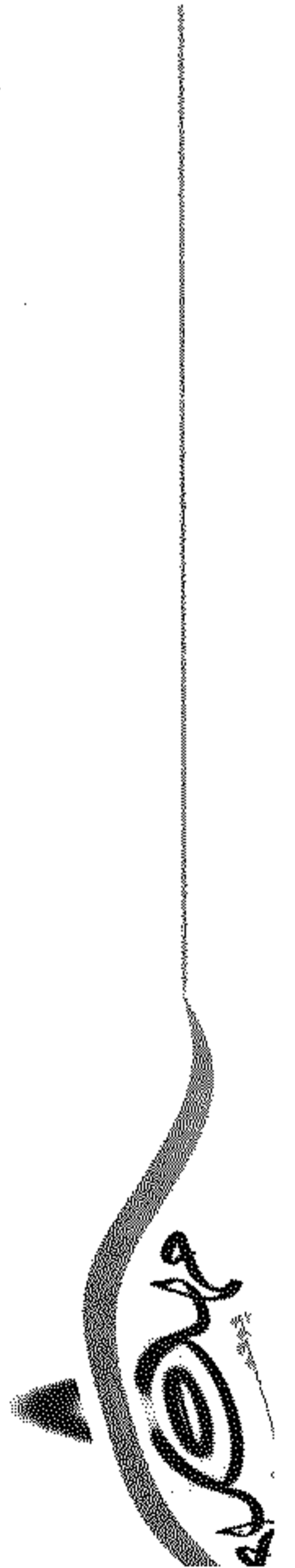
۱. هرچند ابرها جلو خورشید را می‌گیرند، اما خورشید نور روشنی‌بخش خود را از جهانیان دریغ کند و هم از پس ابر بر زمین می‌تابد. امام علیه السلام نیز هرچند در پس پرده غیبت قرار دارد، اما نور ت آن حضرت بر همه عالمیان پرتو می‌افکند، چه این که اگر نور آن امام نباشد، بنابر روایات، و اهل آن از بین می‌روند، زیرا او امان اهل زمین است.

۲. هر کس با این همه آثار و معجزات و آیات و روایات، باز هم منکر وجود مبارکش شود، کسی است که منکر وجود خورشید می‌گردد؛ هنگامی که در پشت ابرها از دیدگان، پنهان، گرچه آثار وجودش به جهانیان می‌رسد.

۳. هم‌چنان که مردم انتظار بیرون آمدن خورشید از پشت ابرهای تیره را می‌کشند تا بیشتر از بهره‌مند گردند، در زمان غیبت نیز شیعیان و محبان حضرت، همواره انتظار وجود مبارکش را

۱. الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

دارند و هرگز ناامید نمی‌شوند.^۱



سبب شناسی

ندام دشمن

نمنان اسلام برای مخدوش کردن شخصیت امام زمان علیه السلام و باورناپذیر نمودن وجود آن ت در نزد مردم جهان، چه کارهایی انجام داده‌اند؟

نمنان اسلام با چهار روش با مهدی باوری مبارزه کرده‌اند که چکیده هر یک را بیان می‌کنیم: انکار مهدویت: تلاش می‌کنند تا با دو گونه برخورد، به انکار مهدویت بپردازند: (ب) مهدویت را مقوله وارداتی و برگرفته از دیگران از جمله یهودیت و مسیحیت تلقی کنند،^۱ بسیاری از دائرةالمعارف‌ها هم‌چون دائرةالمعارف بریتانیکا و دائرةالمعارف دین و اخلاق؛ های هم مهدویت را بازتاب نابسامانی‌ها و حوادث تاریک دوران مسلمانان به ویژه شیعیان، اند. آنان عقیده به مهدی را رواج یافته از دوره‌های اغتشاش برشمرده‌اند.^۲

تحریف: در این روش می‌کوشند تا مقوله انتظار مهدی علیه السلام و آثار و پی‌آمدهای آن را به منفی و تلخ تبدیل کنند و به طور کلی هر گونه حرکت و قیامی را قبل از ظهور حضرت، و مخالف دوران انتظار برمی‌شمرند.^۳ امر به معروف و نهی از منکر را مخالف انتظار می‌دانند و می‌کنند تا معنای آن را عوض کنند و در ذهن به صورت دیگری جا بیندازند و عقیده‌ها را کنند.

الدین صاحب الزمانی، دیباچه رهبری، ص ۲۰۱-۲۰۰.

موعود، ش ۱۹، فروردین و اردیبهشت ۷۹، ص ۲۸-۲۶.

فصل‌نامه علمی - تخصصی ویژه امام مهدی، سال دوم، ش ۵، پاییز ۱۳۸۱، ص ۲۷۴.

۳. تخریب: دشمن برای مقابله با جریان مهدویت، گونه‌های علمی و هنری را برمی‌گزینند، مانند:^۱

الف) نیروسازی برای صفوف خود با خطر جلوه‌دادن جریان مهدویت؛
ب) ایجاد شک، تردید و تنفر در افراد به ویژه معتقدان به مهدویت؛
ج) برنامه‌ریزی برای نسل آینده.

برای مثال، می‌توان به فیلم «پیش‌گویی‌های نوستراداموس» اشاره کرد که هر سه هدف، و بیشتر هدف نخست را دنبال می‌کند. این فیلم را که کمپانی صد در صد صهیونیستی «گلدمایر» ساخته، چهره امام زمان را با تحریف و برداشت‌های خاص از پیش‌گویی‌های نوستراداموس، خشن و بسیار مخرب و وحشت‌زا معرفی می‌کند و پی‌آمد حضور ایشان را جنگ‌ها، جنایت‌ها و ناامنی‌ها برمی‌شمارد.

۴. جای‌گزین‌سازی

شخصیت‌سازی، مدعی‌سازی و حمایت و پشتیبانی از مدعیان و فرقه‌ها، چهارمین روش دشمن برای مبارزه با مهدی‌باوری است. برای مثال، ساختن شخصیت‌هایی مانند علی‌محمد باب و حسین‌علی‌بها در ایران و میرزا غلام احمد قادیانی در پاکستان و محمد بن عبدالله القحطانی در حجاز.^۲

وظیفه ما

با توجه به پیشرفت حرکت صهیونیست‌ها جهت عدم آگاه شدن انسان‌ها از واقعیت دین و بدبین کردن آنها به امام زمان علیه السلام ما در این برهه از زمان چه وظیفه‌ای داریم؟

دشمن تلاش می‌کند تا آن‌جا که می‌تواند دین واقعی را انکار کند و اگر نتواند، به تحریف و تخریب آن پردازد و به جای‌گزینی و نمونه‌سازی روی آورد. بنابراین، همه عقاید سازنده، مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است. دشمنان، سراغ مجموعه احکام و مقررات اسلامی رفته‌اند و سعی می‌کنند هر توصیه دینی را که در زندگی و سرنوشت بشر تأثیر مثبتی دارد، به گونه‌ای از بین ببرند و یا دست‌کم بی‌محتوا جلوه دهند یا به طور کلی انکار کنند.

برای مقابله با هجوم بی‌امان دشمنان دین، از دو راه باید پیش رفت:

۱. همان، ص ۲۷۶-۲۷۶.

۲. همان، ص ۲۹۵-۲۹۶.

۱. فردی: هر مسلمانی وظیفه دارد که حقیقت دین و احکام واقعی دین را بیاموزد، در حد توانش به تبلیغ آنها بپردازد و ناآگاهان جامعه را با عقاید اسلام آشنا سازد و دشمنان اسلام و نوع دوستی آنها را شناسایی و به مردم معرفی نماید.

۲. حکومتی: دولت مردان و مسئولان حکومت اسلامی، باید با استفاده از سرمایه‌ای که در یار دارند، اسلام و عقاید شیعه را به جهانیان معرفی کنند تا همه بدانند که دین واقعی چیست و بد ساختگی کدام است. برای مثال، یکی از وزارتخانه‌هایی که در این باره مسئولیت دارد، فرهنگ و ارشاد اسلامی یا سازمان صدا و سیما است. آنها وظیفه دارند تا اعتقاد مهدی موعود علیه السلام و فرهنگ مهدویت را که از حقایق جهانی است، به تمام مسلمانان جهان و غیرمسلمانان معرفی کنند، و آنان را به تخریب، تحریف، نمونه‌سازی و دیگر شیوه‌های منان آگاه نمایند تا هرگز به دام شیادان اعتقادی و دینی نیفتند.

چگونه می‌توانیم جلو اغتشاش فکری و شایعات نادرست در مورد امام زمان علیه السلام را بگیریم؟

راه جلوگیری از انحرافات فکری و شایعات نادرست در مورد امام زمان علیه السلام، آگاهی و آموختن درباره آن بزرگوار است، یعنی معلومات خود را درباره مهدویت بيفزاییم. از بهترین راه‌های تحت امام زمان علیه السلام برقراری ارتباط نزدیک با روحانی آگاه و متعهد شیعه و آثار آنان است. ائمه به نیز در این باره می‌توانند مؤثر باشند.

به طور کلی باید تربیت اسلامی و معارف اسلامی را از مساجد فرا گرفت و هیچ چیز نمی‌تواند گزین مساجد باشد.

البته بهترین راه برای افزایش معلومات درباره مهدویت، برقراری ارتباط با مراکز، مثل وهشکده مهدویت است که به طور تخصصی در این زمینه کار می‌کنند. لذا باید چیزهایی را کنیم و به دیگران یاد بدهیم که مورد تأیید این گونه مراکز باشد و به شایعات و خرافات بیت ندهیم.

دست خط امام

آیا وجود دست خط امام مهدی علیه السلام صحت دارد؟

رواج بعضی از چیزها که اصل و اساسی ندارند و چه بسا از خرافات باشد، ایمان و اعتقاد آنها را متزلزل می‌کند. برای نمونه چنین می‌نماید چاپ و نشر دست‌خطی از امام مهدی علیه السلام

که آیه قرآن در آن به اشتباه آمده است.

آری، هیچ دلیلی نداریم که این دست‌خط از امام عصر علیه السلام باشد و مضمون آن، مطلب تازه‌ای نیست، بلکه به صراحت در روایت اسلامی و در یکی از توقیعات شریف امام مهدی علیه السلام خطاب به شیعیان آمده است که «ما خبرهای شما را می‌دانیم و هیچ چیز از حال شما بر ما مخفی نیست»^۱.

انجمن حجتیه

چرا حضرت امام (ره) با انجمن حجتیه مخالف بود؟

شیخ محمود ذاکرزاده تولایی خراسانی (شیخ محمود حلبی)، انجمن حجتیه را در سال ۱۳۳۲ هجری شمسی در شهر تهران با انگیزه مبارزه با فرقه بهائیت در قالب تشکیلات آموزشی، تحقیقی، اعتقادی و ارشادی، در کنار دیگر خدمات مفید اجتماعی تأسیس کرد.

انگیزه‌ها و اعتقادات این انجمن در اساس‌نامه آن آمده، ولی آن‌چه بسیاری را به انتقاد از انجمن واداشت، عدم مداخله اعضای انجمن در امور سیاسی بود. در تبصره دوم از ماده دوم آن اساس‌نامه آمده است: «انجمن به هیچ وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت و نیز مسئولیت هر نوع دخالتی را که در زمینه‌های سیاسی از طرف افراد منتسب به انجمن صورت می‌گیرد، به عهده نخواهد داشت»^۲.

آقای حلبی در آغاز شکل‌گیری انقلاب نظرش بر این بود که: «نمی‌شود با رژیم تا دندان مسلح شاه مبارزه کرد و کسانی که در این راه کشته می‌شوند، خونشان هدر است و کار صحیح، فعالیت فرهنگی است»^۳.

بنابراین، انگیزه امام از مخالفت با انجمن به جهت مخالفت این انجمن با فعالیت‌های انقلاب بوده است.

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.

۲. رسول جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، چاپ پنجم: ص ۲۷۳.

۳. در شناخت حزب قاعدین زمان، ص ۴۳.

معرفی کتاب‌های مهدویت

محمد رضا فؤادیان

سیر مطالعاتی

عمومی

۱. طلوع خورشید، مهدی یوسفیان، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، ۱۳۸۴، پالتویی، ۵۶ صفحه.

این کتاب دارای مباحث مختصر و مفیدی دربارهٔ مشخصات و ویژگی‌های امام مهدی و دوران غیبت صغرا است. نویسنده در این دو گفتار مباحثی چون: نام و کنیه، القاب، شمایل و خصوصیات، نسب، میلاد، جریان تولد، اثبات ولادت، محل زندگی، معرفی امام به شیعیان، فعالیت‌های حضرت و شهادت پدر امام مهدی علیه السلام را با بهره‌گیری از آیات و روایات و منابع تاریخی با قلمی شیوا و روان بیان نموده است.

۲. به یاد آخرین خلیفه و حجت پروردگار، حسین وحید خراسانی، قم، مدرسه الامام الباقر علیه السلام، چاپ چهارم، پالتویی، ۹۳ صفحه.

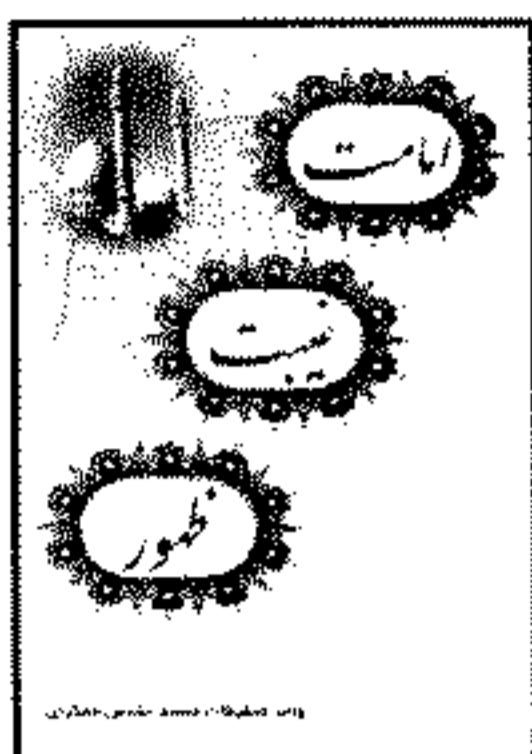
این اثر که برگرفته از مقدمهٔ کتاب «اصول دین» خود مؤلف است، در بردارنده مطالبی مانند: ضرورت وجود امام معصوم علیه السلام و برخی از ادله عقلی و نقلی در این خصوص، بعضی از آیات تفسیر شده به حضرت مهدی علیه السلام، تواتر روایات مهدویت، خصوصیات امام مهدی علیه السلام، طول عمر، معجزات حضرت مهدی علیه السلام و راه بهره‌مندی از امام مهدی علیه السلام در این عصر می‌باشد.

۳. ناپیدا ولی با ما، واحد تحقیقات جمکران، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، ۱۳۷۷، پالتویی، ۷۰ صفحه.

این کتاب پژوهشی درباره شخصیت، غیبت و آثار ظهور امام مهدی علیه السلام است. نویسنده با استناد به آیات و روایات، به اختصار مباحثی مانند: غیبت صغرا، ناپیان خاص، غیبت کبرا، حکمت غیبت، طول عمر و صفات منتظران را مطرح می‌کند. در پایان، نمونه‌هایی از آثار ظهور امام مهدی علیه السلام نیز با توجه به روایات بیان شده است.



۱. امامت، غیبت، ظهور، مسجد مقدس جمکران، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ. ق، ۱۳۶ صفحه.



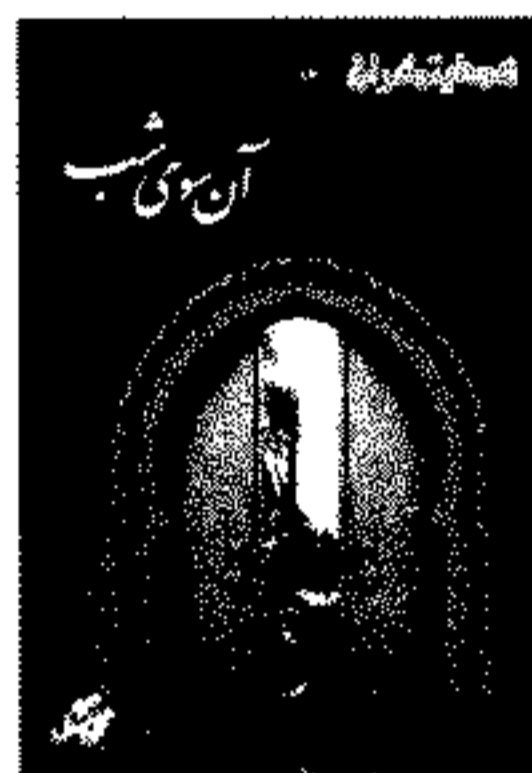
بن پژوهش درباره احوال و فضایل امام مهدی علیه السلام و مسائل مربوط به غیبت و اوست. این اثر، بهترین راه شناخت امام علیه السلام را آیات و روایات دانسته و با استناد به نام مهدی علیه السلام را هم‌پای قرآن و مصداق تعداد زیادی از آیات معرفی کرده است. در مباحث مختصر و سودمندی درباره غیبت، علل و انواع آن و وظایف منتظران بیان است.

۲. پیدای پنهان (نگاهی کوتاه به حیات، سیرت و آثار حضرت مهدی علیه السلام)، سعود پورسیدآقایی، قم، حضور، ۷۲ صفحه، پالتویی.



این کتاب شامل مباحث مختصری از زندگانی امام مهدی علیه السلام، شرح نام و نسب، غیبت، سیره امام، توقیعات، دعا و نمازها است. جلوه بارز این نوشتار، سیره علیه السلام در امور مختلفی مانند سیره تربیتی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و مدیریتی است.

۳. آن سوی شب (نگاهی گذرا به زندگانی حضرت مهدی علیه السلام)، سعید آل تهران، نرگس، نیک معارف، چاپ اول، ۱۳۷۸، رقی، ۸۰ صفحه.



این کتاب به بیان گوشه‌هایی از زندگانی امام مهدی علیه السلام می‌پردازد. نویسنده به شیوه گزارشی و با بهره‌گیری از روایات معصومین علیهم السلام، نمونه‌هایی از وقایع مربوط به آن حضرت و آمادگی برای یاری ایشان (وظایف منتظران حقیقی امام) را وارد. در بخش پایانی آن به نمونه‌هایی از فرمایشات امام مهدی علیه السلام اشاره شده.

۴. گامی در جهت شناخت امام مهدی علیه السلام و نواب اربعه، حمیدرضا کفاش، عابد، چاپ دوم، ۱۳۷۹، رقی، ۴۷ صفحه.



این کتاب به معرفی شخصیت امام مهدی علیه السلام و نایبان خاص او پرداخته است. ضمن معرفی اجمالی زندگی امام مهدی علیه السلام به تبیین جایگاه و شخصیت او در روایات شیعه و اهل سنت می‌پردازد و در خصوص فلسفه غیبت صغرا و کبرا، مر و انتظار، مطالب کوتاهی بیان می‌کند. وی علت غیبت امام را مصلحت الهی و با یادآوری غیبت افرادی چون اصحاب کهف، حضرت خضر علیه السلام و حضرت علیه السلام طولانی شدن عمر وی را امری طبیعی برمی‌شمارد. انتظار، وظیفه منتظران و دگی نایبان چهارگانه از دیگر مطالب این کتاب است.

۸. جوان! امام زمانت را بشناس، تهیه و تنظیم حسینیه کربلایی‌های اصفهان، دارالمهدی و القرآن الکریم، قم، عالمه، چاپ دوم، جیبی، ۶۴ صفحه.

در این کتاب، شخصیت و زندگی امام مهدی علیه السلام به طور خلاصه برای نسل جوان معرفی شده است. نویسنده با زبانی ساده و روان، نخست، نسب، تولد و غیبت را شرح داده و سپس مطالبی را در خصوص طول عمر از دیدگاه آیات، روایات و سازگاری آن با علم و فلسفه خلقت آورده است. آن‌گاه ده آیه از قرآن کریم، با استناد به روایات بیان کرده و در پایان به پرسشی درباره وجود و احاطه و نظارت امام مهدی علیه السلام به همه مکان‌ها با ذکر نمونه‌هایی تاریخی پاسخ گفته است.

۹. زندگانی حضرت امام مهدی علیه السلام جمعی از علمای لبنان، ترجمه حمیدرضا کفاش، تهران، عابد، چاپ دوم، ۱۳۸۰، رقی، ۵۶ صفحه.

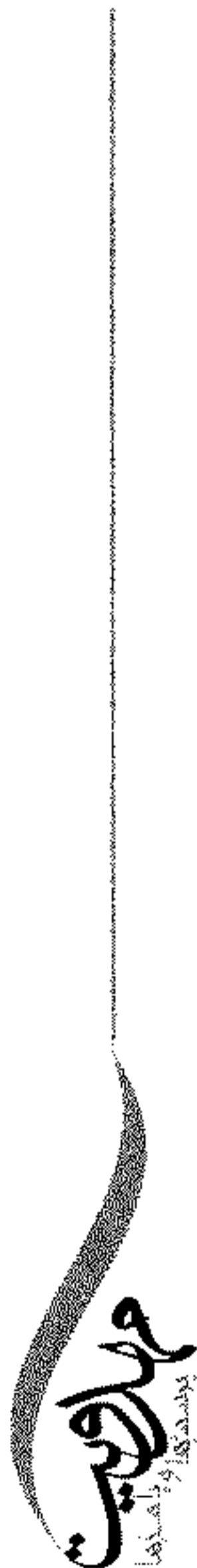
این کتاب درباره شخصیت امام مهدی علیه السلام، اوضاع سیاسی دوران ولادت، غیبت، ظهور و علائم آن است. نویسندگان ابتدا امام مهدی علیه السلام را با توجه به آیات قرآن، وارث صالحان معرفی کرده و گفته است: اختلاف در شخص مهدی موعود علیه السلام است نه در وجود او. در ادامه با استفاده از روایات پیامبر صلی الله علیه و آله شخصیت امام مهدی علیه السلام را بیان نموده و سپس به اوضاع سیاسی و فشارهای سختی که بر شیعیان آن زمان بوده پرداخته است. در پایان به غیبت، نواب اربعه، مدعیان نیابت و هفت علامت ظهور، اشاره‌هایی کرده است.

۱۰. پیشوای دوازدهم، حضرت امام حجت بن الحسن المهدی، هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق، قم، چاپ سوم، رقی، ۹۵ صفحه.

این کتاب شامل مباحث تولد، اثبات غیبت و ظهور آن حضرت است. نویسندگان با بیان اعتقاد ادیان گوناگون به منجی و اعتقاد اهل سنت به حضرت مهدی علیه السلام، درباره غیبت، علل و فواید آن، ملاقات در عصر غیبت، علائم ظهور و وظایف منتظران، مطالبی را بیان نموده‌اند. این کتاب به زبان عربی توسط محمد عبدالمنعم خاقانی با عنوان «الامام الثانی عشر الامام الحجة بن الحسن المهدی علیه السلام» و به زبان اردو با عنوان «بارهویں امام حضرت مهدی علیه السلام» ترجمه شده است.

۱۱. شمیم (گزیده‌ای از مباحث مهدویت)، نویسندگان، قم مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، رقی، ۹۳ صفحه.

جمعی از نویسندگان مرکز تخصصی مهدویت قم، برای کاربردی کردن و استفاده عموم از مباحث مهدویت مطالبی را با عنوان‌های ضرورت طرح مباحث مهدویت، امام مهدی علیه السلام در یک نگاه، مهدی یاوران، وظایف منتظران، آسیب‌های مهدویت و پرسش و پاسخ، این اثر را نگاشته‌اند، معرفی سایت‌های مهدوی و کتاب‌های مفید و چند طرح برای اجرای مسابقات ویژه کودکان و نوجوانان از دیگر مطالب این کتاب است.



۱۲. جهان‌گشای عادل، سید جمال‌الدین دین‌پرور، تهران، مؤسسه الامام المهدی، بنیاد بعثت، چاپ ششم، ۱۳۶۱، رقعی، ۱۰۲ صفحه.



در این کتاب، نویسنده پس از شرح زندگی حضرت نرجس‌خاتون و ولادت امام مهدی عج؛ به وضعیت آن دوران و چگونگی غیبت و نواب اربعه پرداخته است. آن‌گاه متن و شرح بیست حدیث از امامان درباره موضوعاتی چون: حتمی بودن دولت امام مهدی عج، نامعلوم بودن ظهور، برنامه حکومت امام، ارتباط شرق و غرب و زنده شدن زمین با اجرای عدالت، آورده است. بررسی طول عمر و وظایف منتظران از موضوعات پایانی این کتاب است.

۱۳. مهدی موعود عج یارانی این‌گونه دارد، سید مصطفی مهری، قم، علامه بحرانی، چاپ اول، ۱۳۸۰، رقعی، ۱۵۲ صفحه.



این اثر با استناد به روایات، به بیان مطالبی درباره ولادت، غیبت، انتظار، ظهور و حکومت مهدی موعود عج پرداخته است. نویسنده نخست گزارشی از ولادت امام و چگونگی غیبت، ارائه داده و بعد بشارت‌های قرآن و روایات را ذکر کرده است. در ادامه رای انتظار ظهور امام، ثمرات و آثار شمرده است. در ادامه، صفات و ویژگی یاران امام را ذکر کرده است. وی ضمن برشمردن نشانه‌های ظهور، چگونگی پیروزی امام با استفاده از سلاح ترس، یاری فرشتگان و نیروی طبیعت را بررسی کرده است.

۱۴. زندگانی حضرت امام زمان حجت بن الحسن عج، گزیده‌ای از منتهی الآمال محدث قمی، گزیده رضا استادی، قم، برگزیده، چاپ اول، ۱۳۸۰، رقعی، ۹ صفحه.



این کتاب، تاریخ زندگانی حضرت ولی عصر عج، مسائل قبل و بعد از غیبت، نقش بیان خاص در دوران غیبت صغرا و وظایف منتظران را بیان کرده است. نویسنده، بخش زندگانی امام مهدی عج از کتاب منتهی الآمال را پس از بازنگری و حذف برخی مطالب، در هفت فصل تنظیم کرده است.

۱۵. سپیده امید (کاوشی در مهدویت)، سید حسین اسحاقی، مرکز پژوهش‌های بلامی صدا و سیما، قم، بوستان کتاب قم، چاپ اول، ۱۳۸۰، رقعی، ۱۹۰ صفحه.



این کتاب تحقیقی درباره زندگی، غیبت و انتظار امام زمان عج است که با بهره‌گیری آیات و روایات و منابع تاریخی انجام گرفته است. نویسنده اندیشه مهدویت در دیگر بان، امام مهدی در قرآن و حکومت امام عج را مورد بررسی قرار داده است. سیره امام، عوصیات یاران، پرسش و پاسخ درباره غیبت، ظهور و برخی حکایات تشریف‌یافتگان از گر مباحث این اثر است.

۱۶. او می آید (داستان زندگی امام مهدی عج)، رضا شیرازی، تهران، پیام آزادی، چاپ سوم، ۱۳۷۴، رقعی، ۱۴۳ صفحه.



نویسنده با هدف آشنا کردن نسل جوان با زندگی امام مهدی عج و مسائل مربوط به آن، این مجموعه را تدوین کرده است. این اثر دروان قبل از تولد امام و سختی‌های زمان تولد و مسائل بعد از آن را بیان کرده، سپس زمان غیبت صغرا و کبرا، انتظار، علائم ظهور و سرانجام ظهور را مورد بررسی قرار داده است.

۱۷. سیره عملی اهل بیت علیهم السلام حضرت امام مهدی عج سید کاظم ارفع، تهران، فیض کاشانی، چاپ هشتم، ۱۳۷۶، رقعی، ۷۲ صفحه.



این کتاب مطالبی را درباره امام مهدی عج نایبان آن حضرت، علائم ظهور و وظایف منتظران، ارائه کرده است. نویسنده با بهره‌گیری از منابع اسلامی، ابتدا ولادت، شمایل و سیره عملی ایشان را شرح داده و وظایف منتظران را معرفی کرده است. سپس به معرفی چهار نایب خاص پرداخته و با استفاده از روایات، پنجاه و نه نشانه ظهور و برخی حوادث روز ظهور را بیان نموده و در پایان، زندگی در دولت امام مهدی عج و موقعیت شیعه را در آن دوران را تبیین کرده است.

۱۸. شناخت امام عصر عج محمد جواد مولوی نیا، قم، امام عصر عج، چاپ اول، ۱۳۸۰، رقعی، ۲۳۲ صفحه.



این کتاب به مباحث مهدویت در منابع اهل سنت پرداخته و سپس فواید و آثار وجودی امام زمان عج در دوران غیبت را برشمرده است. نویسنده با استناد به آیات و روایات، در مورد غیبت صغرا و کبرا، نواب اربعه، وظایف منتظران، نشانه‌های ظهور و موقعیت دانشمندان و زمامداران در آخرالزمان، مطالب سودمندی را بیان کرده است.

۱۹. او خواهد آمد، علی اکبر مهدی پور، قم، رسالت، چاپ دهم، ۱۳۷۹، رقعی، ۱۷۴ صفحه.



این کتاب در خصوص تولد امام عج، نقش امام در جهان هستی و بشارت‌های ادیان به منجی، مباحثی را مطرح کرده است. نویسنده با اشاره به داستان نرجس خاتون، شاهدان تولد و اعتراف جمعی از اهل سنت را بازگو کرده است. از مطالب برجسته این اثر، بهره‌گیری از آیات و روایات، برای بیان نقش امام زمان عج در جهان هستی است.

۲۰. سیمای امام مهدی عج سید محمد رضا طباطبایی نسب، تهران، دبیرخانه دائمی اجلاس دوسالانه بررسی ابعاد وجود حضرت مهدی عج، چاپ اول، ۱۳۷۷، رقعی، ۱۰۱ صفحه.

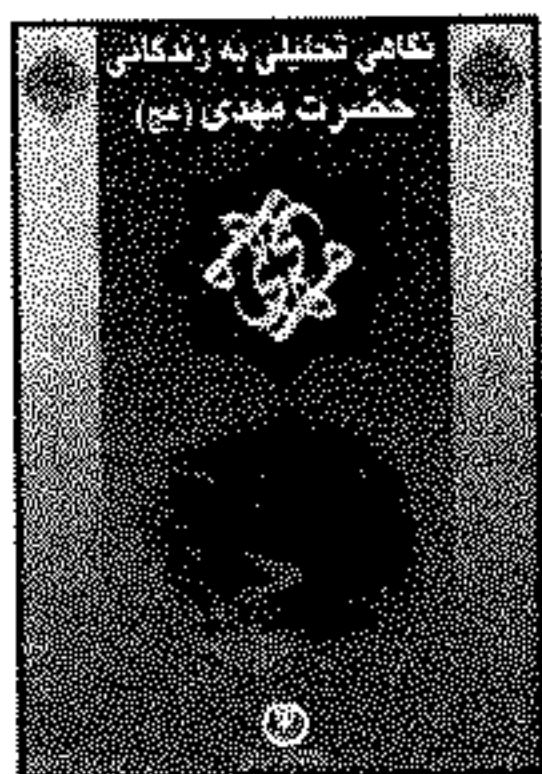


این کتاب، پژوهشی درباره اثبات مهدویت، حیات ظاهری، غیبت و ظهور امام زمان عج است. نویسنده برای اثبات اصل مهدویت به شمه‌ای از زندگانی امام، نظرات

مل تسنن و شیعیان درباره امام مهدی علیه السلام و کتاب‌هایی که پیش از تولد امام تألیف شده، باره کرده است. غیبت، علل و فواید آن، نواب، وظایف منتظران، مددگران مهدویت، ظار فرج و ثمرات آن، علائم ظهور، ظهور، حکومت و صفات یاران، از دیگر مباحث کتاب است.

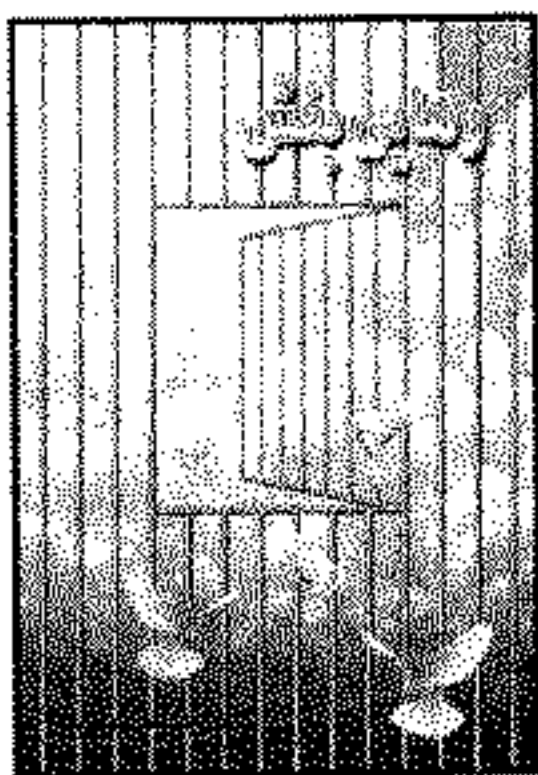
تخصصی

۱. **نگاهی تحلیلی به زندگانی حضرت مهدی علیه السلام نویسنده گان، دبیرخانه دایمی اس دوسالانه بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی علیه السلام چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۱۷۶ صفحه.**



هدف این کتاب، بررسی زندگانی امام مهدی علیه السلام و تحلیل شخصیت وی به منظور ساندن ابعاد وجودی آن حضرت است. تدوین این کتاب با توجه به اهمیت و ضرورت مباحث مهدویت (که یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین بحث‌های کلامی در حوزه اسلامی است) و برای جلوگیری از هرگونه کج‌فهمی در آن یا تفسیر ناصحیح از انتظار فرج صورت گرفته است. علاوه بر اسامی بیش از یکصد تن از علمای سنت که اصل ولادت آن حضرت را قبول دارند به این عناوین پرداخته است: بشارت و کتب مقدس آسمانی به دولت حضرت مهدی، آثار اخلاقی انتظار، ویژگی‌های ت ولی عصر علیه السلام حکمت و دلایل غیبت امام مهدی علیه السلام.

۱. **رهایی بخش، مسعود شریعت پناهی، تهران، آفاق، چاپ سوم، ۱۳۷۸، رقی، صفحه.**



ن اثر، به تبیین ضرورت رهبری صالح در جامعه و نقش امام غایب و انتظار در انسانی پرداخته است. نویسنده با انگیزه پرفروغ کردن نور امید و آشنایی منتظران با بت مهم خود، مطالبی را در خصوص ضرورت رهبری الهی در میان بشر و فواید حضرت مهدی علیه السلام ارائه کرده است. وی در ذیل عناوینی چون: ضرورت اجتماعی مصلح پنهان، حماسه امید و انتظار، وجود امام زمان علیه السلام در پرده غیبت را وسیله‌ای رای رساندن انسان و جامعه بشری به کمال و سعادت کامل تحلیل کرده است.

۱. **مهدی تجسم امید و نجات، عزیزالله حیدری، قم، مسجد مقدس جمکران، ۲۹۰ صفحه.**



اثر تلاشی در جهت اثبات مهدویت و طرح مباحث غیبت، انتظار و ظهور حضرت علیه السلام است. نویسنده با طرح دیدگاه و آرای دانشمندان دیگر مذاهب و کتاب‌های درباره ظهور منجی بشریت، برخی عقاید متفکرین معاصر جهان غرب را درباره بشریت در عصر حاضر، مطرح ساخته است. سپس آرا و نظرات اهل سنت درباره ت را آورده است. زندگی امام مهدی علیه السلام، نایبان چهارگانه و برخی توقیعات امام

عصر^ع از دیگر مطالب این کتاب است. در لابه‌لای کتاب، مسائلی مانند فایده غیبت، انتظار، طول عمر و چگونگی قیام نیز طرح شده است.

۴. راه مهدی، سیدرضا صدر، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، وزیری، ۲۷۲ صفحه.



این کتاب، پژوهشی در زندگانی حضرت مهدی^ع است که به شیوه گزارشی نگارش یافته است. کتاب در شش فصل سامان‌دهی شده و نویسنده با بهره‌گیری از آیات و روایات و مطالب تاریخی، سیمای امام زمان^ع را از ولادت تا غیبت کبرا بیان کرده است. مهم‌ترین مطالب این اثر عبارت‌اند از: راه قرآن راه محمد^ص و علی^ع، نقش امید در فرد و اجتماع، موانع رسیدن بشر به امید اجتماعی، مهدی^ع امید انسان‌ها، عدل عالم‌گیر مهدی^ع، حکومت الهی در جهان، شرایط برپاکننده عدل جهانی، مهدی^ع داور، دادگر و دادگستر، مهدی^ع نوعی است یا شخصی، ویژگی‌های مهدی^ع، طول عمر، غیبت، انتظار، بشارات و اشارات قرآن و معصومین^ع به ظهور مهدی^ع، داستان نرجس‌خاتون، معجزات حضرت مهدی^ع در کودکی، نواب امام زمان^ع و برخی تشرفات غیبت صغرا و کبرا.

۵. ظهور نور: ترجمه کتاب الشموس المضيئه، علی سعادت‌پرور، ترجمه سیدمحمدجواد وزیری، تهران، سنا، چاپ سوم، ۱۳۷۷، وزیری، ۲۹۶ صفحه.



این نوشتار، گزارشی از تاریخ زندگانی حضرت مهدی^ع و مسئله رجعت است. مؤلف ابتدا با ارائه سیمای کلی از حضرت مهدی^ع به ذکر خصوصیات، شمایل، حالات و علم امام در کودکی، روایات امامت آن حضرت، علت مخفی بودن ولادت، علت انکار منکرین، فضیلت انتظار و برخی مسائل دیگر از هنگام ولادت تا غیبت صغرا می‌پردازد. سپس به بررسی روایات مربوط به غیبت صغرا و کبرا و مسائلی هم‌چون: نواب اربعه، علت غیبت، اوضاع و وظایف شیعه، حکم تقیه، زندگی و نحوه دیدار امام مهدی^ع در غیبت کبرا می‌پردازد. نشانه‌های ظهور، حوادث ایام حکومت و رجعت، از دیگر مباحث این کتاب است.

۶. مهدی منتظر، محمدجواد خراسانی، قم، نور الاصفیاء، چاپ نهم، ۱۳۷۸، وزیری، ۳۰۶ صفحه.



این اثر، پژوهشی تفصیلی درباره امامت و ظهور امام مهدی^ع است که به شیوه روایی - تحلیلی و با محتوای کلامی - حدیثی تدوین یافته است. این کتاب دارای عناوین اصلی و فرعی گسترده و متنوع است که مهم‌ترین موضوعات آن عبارت‌اند از: علائم شخصی نشانه‌های امامت، علائم تشریفی مانند همراه داشتن آثار و موارث انبیا، نواب اربعه، خصوصیات غیبت، غیبت صغرا و کبرا، وقایع دوران غیبت، پاسخ به شبهات غیبت، فرج کلی و جزئی، بروز فتنه‌های اجتماعی، دینی، تربیت، اخلاقی و سیاسی،

فتنه‌های مختص به عالم تشیع، شرح تفصیلی علائم ظهور، تکالیف منتظران، کیفیت ظهور و پیروزی و سیره حکومتی حضرت مهدی (عج).

۷. **گفتمان مهدویت، سخن‌رانی‌های گفتمان اول و دوم، نویسندگان، قم، مؤسسه انتظار نور (بوستان کتاب)، رقعی، ۲۱۵ صفحه.**

این مجموعه، مقالات دومین گفتمان مهدویت است که عبارت‌اند از: حکومت امام مهدی (عج)، امام مهدی (عج) در قرآن، حکومت واحد جهانی، امام مهدی در احادیث بل سنت، امام مهدی (عج) در قرآن، سنت و تاریخ، سخنرانی و پرسش و پاسخ درباره حضرت مهدی (عج) (علی کورانی، محمدمهدی عبدخدایی، نجم‌الدین طبسی، محمد ننه‌اوزن).



۸. **گفتمان مهدویت، سخنرانی‌های گفتمان سوم، نویسندگان، قم، مؤسسه هنگی انتظار نور (بوستان کتاب)، رقعی، ۲۹۶ صفحه.**

این اثر، مجموعه سخنرانی‌های سومین گفتمان مهدویت است. در این گفتمان نگران و دانشمندان حوزه و دانشگاه، به تبیین ابعاد گوناگون مسئله مهدویت ناخته‌اند و شبهات و پرسش‌ها را به صورت منطقی و استدلالی پاسخ داده‌اند. آثار و ید وجودی امام عصر (عج)، بررسی ابعاد تربیتی انتظار، بررسی شبهات مهدویت، آثار یتی و روان‌شناختی انتظار، انتظار و مهدویت از دیدگاه جامعه‌شناختی، از عناوین این نرانی‌هاست. در ابتدای این اثر، پیام آیت‌الله صافی و در پایان، خلاصه‌ای از نرانی‌های گفتمان اول و دوم آمده است.



۹. **بقیه‌الله (عج) (مجموعه‌ای از گفتارها درباره حضرت مهدی (عج))، نویسندگان، ان، آفاق، چاپ دوم، وزیری، ۳۳۳ صفحه.**

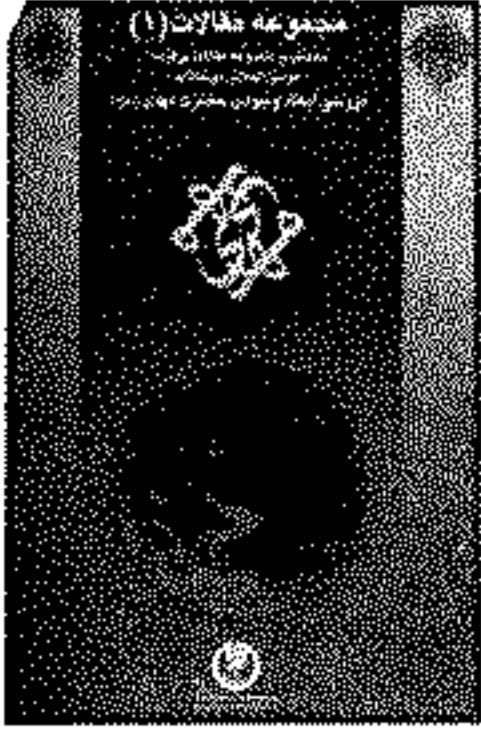
مقالات این مجموعه عبارت‌اند از: تجلی توحید در نظام امامت، نقش انتظار در بازی جامعه اسلامی، مسئله تولد و زنده بودن حضرت در منابع اهل سنت، ران ملخ و ور سلیمان، انتظار بهترین عبادت، زمینه سازی برای ظهور حکومت جهانی امام ی (عج) شناخت حضرت مهدی (عج) از دیدگاه قرآن و سنت، نوید بهروزی، شعبان ماه بخش امن و امان، سلام بر مهدی، دورنمایی از حکومت جهانی امام مهدی (عج)، ی موعود (عج) از دیدگاه اهل تسنن و تشیع، رسالت شیعه، ولایت فقیه یا شعاعی از ت عامه امام زمان (عج)، عوامل پیروزی انقلاب بزرگ مهدی (عج)، قیام مهدی (عج) در ر تکامل بشر.

این مقالات به مناسبت میلاد امام مهدی (عج) گردآوری شده، و نویسندگان با اد به آیات و روایات و منابع تاریخی مطالب بسیار ارزنده‌ای را در زمینه مهدویت ته‌اند.



۱۰. (مجموعه مقالات ۱)، مقالات برگزیده دومین اجلاس دوسالانه بررسی ابعاد

وجودی حضرت مهدی علیه السلام، نویسندگان، چاپ اول، وزیری، ۴۷۲ صفحه.



مهم‌ترین مقالات این مجموعه عبارت‌اند از: امام مهدی علیه السلام در آیات و روایات، عوامل غیبت و موانع ظهور، اصالت مهدویت و شخصیت وجودی امام مهدی علیه السلام از تولد و غیبت، بررسی مسئله انتظار، ادله، فواید و نقش آن، مسیحیت در انتظار منجی بشریت، حکومت ولایی فقیه در ارتباطی از شبکه ولایت کبرای الهی، ویژگی‌های جامعه توسعه یافته، سیمای مدینه منتظران، صبح مظفر، دولت کریمه و مدنیت اسلامی، نقش جوانان در مبارزه با فساد و تهاجم فرهنگی دشمنان دین در عصر غیبت، نقش حجاب در توسعه، حجاب لباس انتظار و چشم‌اندازی به حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام.

۱۱. بررسی نظریه‌های نجات و مبانی مهدویت (مجموعه مقالات) برگزیده

مقالات سومین اجلاس دوسالانه بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی علیه السلام نویسندگان، قم دبیرخانه دائمی اجلاس دوسالانه بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی علیه السلام، وزیری، جلد اول ۴۶۲ صفحه و جلد دوم ۴۸۸ صفحه.



موضوع این مقالات «نقد و بررسی نظریه‌های نجات و تبیین مبانی مهدویت» است که جهت ارائه به سومین اجلاس دوسالانه در آبان ماه ۱۳۷۹ در تهران نگاشته شده است. برخی از مهم‌ترین مقالات جلد اول عبارتند از: جهان آرمانی ادیان، سیمای مهدی علیه السلام در صحاح سته، موعود درآمدی بر یک نظریه، فلسفه و آثار غیبت، فرجام تاریخ در اندیشه معاصر.

بعضی از مهم‌ترین مقالات جلد دوم عبارت‌اند از: مبانی مهدویت در اسلام و موعود آخرالزمان در ادیان مختلف و نظریه‌های نجات، بررسی‌هایی در آرمان‌شهر دینی و آرمان‌شهر فارابی، پایان تاریخ و زندگی بشری.

در ابتدای کتاب بیانیه دبیرخانه اجلاس آمده است که در آن قیام برای تفکر و بررسی ابعاد وجودی حضرت ضروری خوانده شده و آمده‌است که غفلت از حضور و نظارت آن حضرت در عرصه برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری و اجرا، خسارتی جبران‌ناپذیر در پی خواهد داشت.

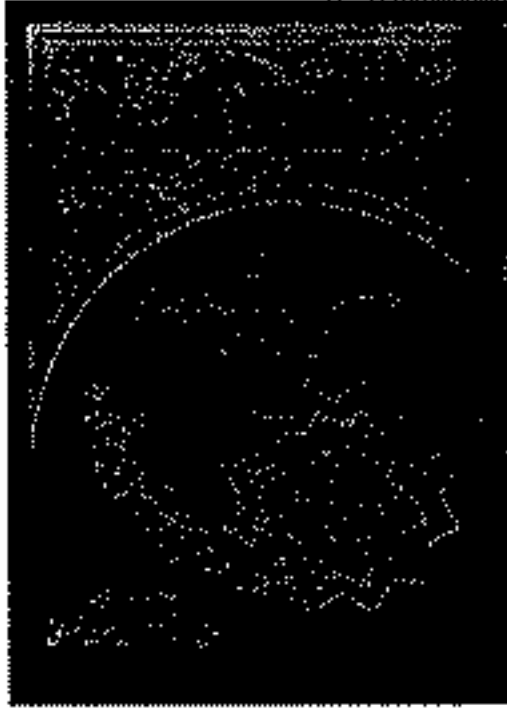
۱۲. چشم به راه مهدی علیه السلام، نویسندگان، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۷۸،

وزیری، ۴۹۶ صفحه.



این کتاب مجموعه مقالات جمعی از نویسندگان مجله حوزه با این عناوین است: امام زمان علیه السلام و رسالت حوزه‌های دینی؛ ارتباط با امام زمان علیه السلام در عصر غیبت؛ حکومت اسلامی در عصر انتظار؛ مهدویت و مدینه فاضله؛ زندگی دینی پیش از ظهور؛ بررسی نشانه‌های ظهور؛ نگاهی به تولد و زندگی امام زمان علیه السلام؛ موافقان و مخالفان مهدی علیه السلام؛ فلسفه غیبت در منابع کلامی شیعی؛ امام مهدی علیه السلام در آثار شخصیت‌های اسلامی.

۱۳. **نجم ثاقب (در احوال حضرت ولی عصر علیه السلام)**، حسین بن محمد تقی نوری، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم، ۱۳۷۸، وزیری، ۸۷۲ صفحه.



این اثر یکی از کتاب‌های مفصل شیعه در زمینه مهدویت است که در سال ۱۳۰۲ هجری قمری تدوین یافته است. نویسنده در پیش‌گفتار به معرفی برخی از کتاب‌های تدوین شده در غیبت امام عصر علیه السلام و مؤلفان آن اشاره کرده و آن‌گاه ولادت امام مهدی علیه السلام، اسامی، القاب، کنیه‌ها، شمایل و خصائص آن حضرت، حالات خلفای بنی‌عباس در عصر غیبت صغرا، نشانه‌های ظهور، اوصاف حکومت، آرای فرق اسلامی و امامیه درباره مهدویت، اثبات مهدویت از نگاه اهل سنت، معجزات آن حضرت و تشریف‌یافتگان را مطرح نموده است.

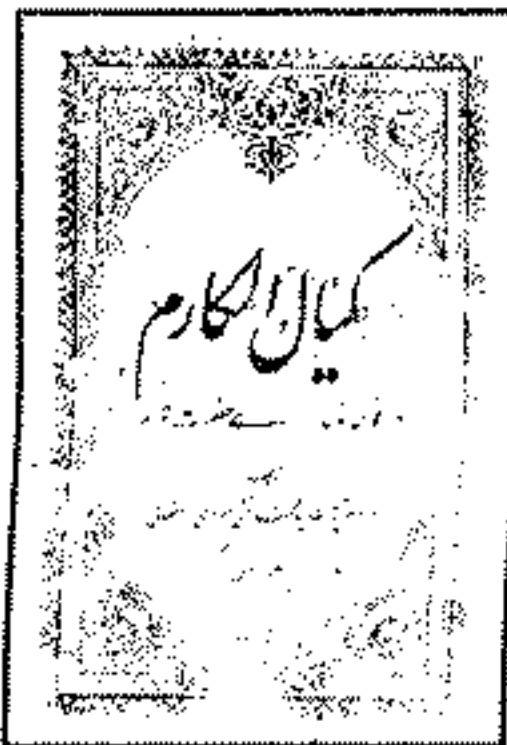
۱۴. **امام مهدی از ولادت تا ظهور**، سید محمد کاظم قزوینی، ترجمه علی کرمی، قم، الهادی، چاپ دوم، وزیری، ۸۳۲ صفحه.



این کتاب با ۲۴ بخش، حاوی مباحث مهدویت به نحو گزارشی، تحلیلی و توصیفی است. مهم‌ترین مطالب این اثر عبارت‌اند از: امام مهدی علیه السلام در منابع اهل سنت، نوید نرآن و ائمه علیهم السلام به امام مهدی علیه السلام، ولادت، نام‌های حضرت، مادر امام زمان علیه السلام، غیبت صغرا، نواب اربعه، مدعیان دروغین سفارت و نیابت، تشریف‌یافتگان، طول عمر، ظهور و نشانه‌های آن، مدعیان دروغین مهدویت، بهائیت، یاران، دعای عهد، دولت و حکومت امام مهدی علیه السلام و رجعت.

این کتاب توسط حسین فریدونی نیز ترجمه شده و انتشارات آفاق تهران چاپ نموده است.

۱۵. **مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام**، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی



این کتاب پژوهش بسیار مناسبی درباره لزوم شناخت امام عصر علیه السلام، دعا برای ایشان فواید دنیایی و آخرتی دعا است که بر محور ۱۰۴۲ روایت فراهم آمده است. هدف یسنده، از نگارش این کتاب، شکر نعمت وجود امام زمان علیه السلام و دیدن رؤیایی درباره یستن این کتاب بوده است. اوقات و حالات دعا برای امام زمان علیه السلام و درخواست تعجیل لهور ایشان از خداوند متعال، چگونگی دعا برای تعجیل در فرج و برخی از دعا‌های نقل شده از ائمه در این خصوص و افعال و اعمالی که باعث نزدیکی انسان‌ها به او می‌شود، دیگر فصل‌های کتاب است. اگرچه موضوع این کتاب دعا است اما، به فرموده آیت‌الله مافی، باید این اثر را موسوعه امام مهدی علیه السلام نامید، چون به جوانب مختلف زندگانی امام مهدی علیه السلام پرداخته است.

۱۶. **خورشید مغرب (غیبت، انتظار، تکلیف)**، محمدرضا حکیمی، تهران، دفتر سرفرہنگ اسلامی، چاپ سیزدهم، وزیری، ۳۹۲ صفحه.



در این اثر، مطالب جامعی درباره مهدویت، با بیان علمی و سبک خاصی نگارش

یافته است. نویسنده با بهره‌گیری از آیات، روایات و منابع تاریخی و تحلیل آنها سیمای کلی‌ای از مهدویت را ارائه می‌دهد.

برخی از عناوین و مطالب مهم این کتاب عبارت‌اند از: ولادت، شمایل، سیره، غیبت، نواب خاص و عام، بشارت ادیان، نظرات اهل سنت، ظهور، طول عمر، وظایف مسلمین، فلسفه تربیتی و سیاسی غیبت، زمینه و علائم ظهور، نقش شیعیان و ایرانیان، موانع پیش روی امام زمان علیه السلام، ویژگی‌های پس از ظهور و گفتارهایی عاطفی در ستایش و بیان غم هجران امام مهدی علیه السلام.

۱۷. در انتظار ققنوس (کاوشی در قلمرو موعودشناسی و مهدی‌باوری) ترجمه مهدی علیزاده، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، وزیری، ۳۵۱ صفحه.

عنوان اصلی کتاب، المهدی المنتظر فی الفکر الاسلامی است و به زبان عربی و به قلم سیدنا محمد هاشم العمیدی نگارش یافته‌است این اثر ارزشمند در حوزه معارف مهدوی، جواب‌گوی شبهات و مسائل اساسی مهدویت است. نویسنده با بهره‌گیری از آیات، روایات و منابع اصیل تاریخی، جواب‌های قانع‌کننده‌ای ارائه داده‌است. از مهم‌ترین موضوعات و مطالب این کتاب عبارتند از: فرا اسلامی بودن مهدویت، آیات مهدوی در تفاسیر اهل سنت، لغزش گاه‌های مهدی‌پژوهی، تولد، غیبت. در آخر کتاب نیز مترجم، اشعار مناسب و زیبایی ذکر شده است.

این کتاب ترجمه دیگری با عنوان مهدی منتظر در اندیشه اسلامی دارد که توسط محمد باقر محبوب القلوب انجام یافته و از سوی مسجد مقدس جمکران به چاپ رسیده است.

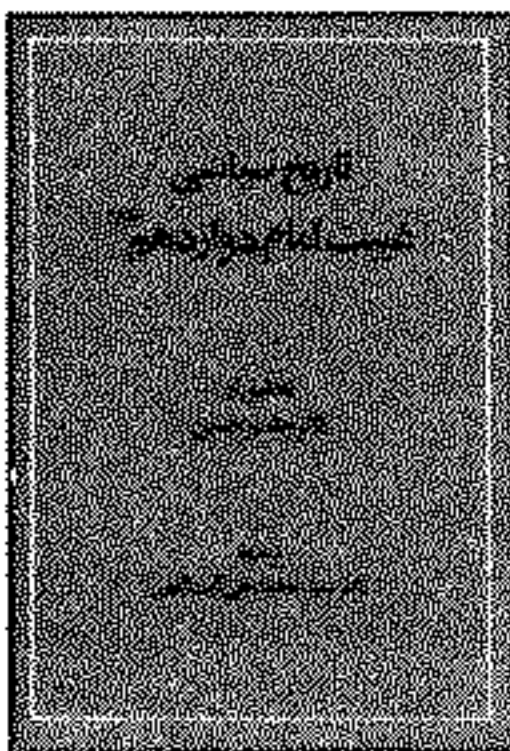
۱۸. امامت و مهدویت، لطف‌الله صافی گلپایگانی، ۲ جلد در ۱ مجلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین چاپ چهارم، ۱۳۸۰، وزیری، ۴۹۴ صفحه.

این کتاب، مجموعه مقالات نویسنده با این عناوین است: وابستگی جهان به امام زمان علیه السلام و ولایت تکوینی و تشریحی، عقیده نجات‌بخش، تجلی توحید در نظام امامت، معرفت امام، اصالت مهدویت، نظام امامت و رهبری، معرفت حجت خدا، شرح دعای اللهم عرفنی نفسک، فروغ ولایت در دعای ندبه، نوید امن و امان، انتظار عامل مقاومت و حرکت، پاسخ ده پرسش.

این اثر در اثبات امامت و ظهور امام مهدی علیه السلام و مسائل مربوط به آنهاست. نویسنده با بهره‌گیری از آیات و روایات و به منظور پاسخ‌گویی به سوالات و شبهات به تدوین این اثر پرداخته است.

۱۹. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، جاسم حسین، ترجمه سید محمد تقی آیت‌اللهی، تهران امیرکبیر، وزیری، ۲۵۶ صفحه.

این کتاب پژوهشی تحلیلی و مستند به منابع اصیل شیعه در بررسی زمینه‌های



تاریخی و محیطی غیبت صغرا است. نویسنده نقش رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در وضع واژه مهدی و غیبت و تشکیل حکومت جهانی وی بسیار مؤثر می‌داند، زیرا علاوه بر شیعه، اهل سنت نیز در مقابل این احادیث نبوی چاره‌ای جز قبول و تسلیم ندارند.

سپس گزارشی از اوضاع سیاسی شیعیان از زمان امام صادق علیه السلام تا امام عسکری علیه السلام ارائه داده و عکس‌العمل‌های امامان در مقابل قیام‌های علویان را بررسی کرده است. به نظر وی، مسئله مهدویت به حدی در بین شیعیان جدی تلقی می‌شد که فرقه‌های متعددی در این زمینه تأسیس شد.

حوادث مربوط به ولادت امام نیز از مباحث دیگر این اثر است. به نظر نویسنده، به ندی اختناق و سخت‌گیری برای امام عسکری علیه السلام زیاد بود که هنوز مادر امام مهدی علیه السلام هویت او به روشنی معلوم نیست، در ادامه، سازمان وکالت و زمینه‌ها و نتایج حاصل از بررسی شده است. آخرین فصل‌های این اثر به بررسی تاریخی - تحلیلی زندگی نواب عه اختصاص دارد.

۲۰. سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام محمد رضا جباری، قسم، سسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۸۲، وزیری، ۷۶۵ صفحه.

این اثر (که پایان‌نامه دکترای نویسنده است) اختصاص به موضوع سازمان وکالت در عصر ائمه علیهم السلام و معرفی وکلا و باب‌های آنان دارد. نویسنده با بهره‌گیری از روایات و مع تاریخ در نه فصل، موضوعات مهمی را در این باره تبیین و تشریح نموده است. مهم‌ترین عنوان‌های این کتاب عبارت‌اند از: زمینه‌ها و عوامل تشکیل و گسترش سازمان وکالت، محدوده زمانی و سیر فعالیت، قلمرو فعالیت، ساختار و شیوه عمل کرد، وظایف و ولیت‌های آنان، ویژگی و خصوصیات آنها، معرفی باب‌ها و وکلای معصومین علیهم السلام، می‌موارد انحراف و خیانت و مدعیان دروغین وکالت و بابیت.



کتاب‌های سنین مختلف

کتاب کودکان

۱. انتظار، به کوشش گروه تحقیقات اسلامی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، کانون پرورش فکری، ۳۴ صفحه جیبی
۲. مجموعه انتظار، مهدی وحیدی صدر، مشهد، عروج اندیشه (از این مجموعه تاکنون ۵ جلد منتشر شده است)
۳. مجموعه بچه‌های امام زمان، نویسندگان، مشهد، تک‌سوار حجاز (از این مجموعه تاکنون ۱۸ جلد منتشر شده است)
۴. مهربان‌تر از مادر، حسن محمودی، قم، مسجد مقدس جمکران رقی ۸۰ صفحه
۵. انتظار، علی رضا باوندیان، مشهد، آستان قدس رضوی، خشتی
۶. مجموعه کتاب‌های موسسه فرهنگی انتظار نور، نویسندگان، قم، بوستان کتاب (از این مجموعه تاکنون ۵ جلد منتشر شده است)
۷. مجموعه کتاب‌های به دنیای قشنگ‌تر، موسسه آینده روشن، قم (۶ جلدی)

نشریه کودکان

۱. ملیکا، قم، مؤسسه آینده روشن.

کتاب نوجوانان

۱. زندگی و قیام حضرت مهدی علیه السلام سید جمال الدین حجازی، تهران، نصر وزیری ۹۱ صفحه
۲. منتظر تا صبح فردا، فاطمه، صالح مدرسه‌ای، تهران مرکز فرهنگی شهید مدرس، رقی ۱۴۲ صفحه
۳. امید آخرین، عبدالامیر فولادزاده، تهران، اعلمی، جیبی ۹۶ صفحه
۴. تمنای ظهور، احمد قندی، تهران، دیار، رقی ۱۵۲ صفحه
۵. خورشید پنهان، قم، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، رقی ۴۰ صفحه
۶. خورشید تابناک، پیرامون شناخت حضرت مهدی علیه السلام جواد عقیلی پور، تهران، عابد، رقی ۴۸ صفحه
۷. به احترام آفتاب، ۴۰ شعر درباره امام زمان علیه السلام برای نوجوانان، سیدعلی کاشفی خوانساری، تهران، موعود رقی ۶۲ صفحه
۸. صبح امید: نگاهی به مبحث مهدویت و انتظار، جواد محدثی، قم، بوستان کتاب، خشتی ۸۸ صفحه

نشریات نوجوانان

۱. انتظار نوجوان، قم، موسسه آینده روشن
۲. موعود جوان، تهران موسسه موعود

کتاب جوانان

۱. پیشوای دوازدهم، حضرت امام حجت بن الحسن المهدی علیه السلام هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق، قم، رقی، ۹۵ صفحه.
۲. جهانگشای عادل، تاریخچه گزیده‌ای از روایات مربوط به امام زمان علیه السلام سید جمال الدین دین‌ور، تهران، بنیاد نهج البلاغه رقی ۸۵ صفحه
۳. پیدای پنهان (نگاهی کوتاه به حیات، سیرت و آثار حضرت مهدی علیه السلام)، سیدمسعود پورسیدآقایی، حضور، ۷۲ صفحه، پالتویی.
۴. نگین آفرینش، نویسندگان، مرکز تخصصی مهدویت، قم.

نشریات جوانان

۱. موعود، تهران، مؤسسه موعود
۲. امان زمان، مرکز تخصصی مهدویت، قم.

کتاب‌های موضوعی

ضرورت طرح معارف مهدوی

۱. ضرورت طرح مباحث مهدویت، روح‌الله شاکری، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۳۳ صفحه پالتویی
۲. فلسفه امام زمان علیه السلام مهدی ابریشم‌چی، تهران، ۴۴ صفحه رقعی.
۳. نگین آفرینش، نویسندگان، ص ۲۰-۱۳، قم، مرکز تخصصی مهدویت.

ادله عقلی اثبات وجود امام زمان علیه السلام

۱. پژوهشی عقلی درباره حضرت مهدی علیه السلام روح‌الله شاکری، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۵۲ صفحه پالتویی.
۲. موعودشناسی و پاسخ به شبهات، علی‌اصغر رضوانی، قم، مسجد مقدس جمکران، ص ۲۸۵-۲۶۵.
۳. گفتمان مهدویت، قم، بوستان کتاب، مقاله «بررسی ادله اثبات وجود امام زمان علیه السلام»، علی ربانی گلپایگانی، ص ۷۵-۸۹.
۴. فصل‌نامه انتظار، شماره ۵، مرکز تخصصی مهدویت، مقاله «قاعده لطف و وجوب امامت»، علی ربانی گلپایگانی، ص ۱۱۱-۱۳۲.

نیاز به امام و اضطرار به حجت

۱. تو می‌آیی، علی صفایی حائری، قم، انتشارات لیل‌القدر، ۹۴ صفحه رقعی.
۲. دیباچه‌ای بر شناخت امام عصر علیه السلام، مریم مدرس غروی، تهران، مهرآوران، ۶۴ صفحه رقعی.
۳. فصل‌نامه انتظار، شماره ۶، ص ۸۵-۶۳، مقاله «رویکرد عقلی بر ضرورت وجود امام علیه السلام»، رحیم لطیفی.

مهدویت در قرآن

۱. کتاب‌شناسی قرآن و انتظار، دبیرخانه دوازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، تهران، فرهنگ مکتوب، ۱۴۴ صفحه رقعی (این اثر کتاب‌ها، پایان‌نامه و سایت‌های این موضوع را معرفی کرده است).
۲. سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، سیدهاشم بحرانی، ترجمه سیدمهدی حائری قزوینی، ۴۷۴ صفحه وزیری
۳. سیمای مهدویت در قرآن، محمدجواد مولوی‌نیا، قم، مؤسسه انتشاراتی امام عصر علیه السلام، ۲۰۰ صفحه رقعی
۴. امام مهدی در قرآن، مهدی یوسفیان، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۱۲ پالتویی.
۵. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۵، کورانی و دیگران، قم، مؤسسه المعارف اسلامی، ۵۵۱ صفحه وزیری.

۶. الامام المهدي في القرآن و السنه، سعيد ابومعاش، مشهد، آستان قدس رضوی، ۶۰۳ صفحه وزیري.

مهدویت در روایات شیعه و سنی

۱. امام مهدی در احادیث شیعه و سنی، نویسندگان، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۰۵ صفحه پالتویی.
۲. در انتظار ققنوس، سیدهاشم ثامر العمیدی، ترجمه مهدی علیزاده، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام ۳۵۹ صفحه وزیري.
۳. منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی، قم، حضرت معصومه، ۳ جلد وزیري، ج ۱: ۳۲۸ صفحه، ج ۲: ۵۶۱ صفحه، ج ۳: ۴۸۲ صفحه.

منابع روایی شیعه

۱. غیبت نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی، ترجمه محمدجواد غفاری، تهران، صدوق، ۴۶۵ صفحه وزیري.
۲. غیبت طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، شیخ طوسی، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۵۷۰ صفحه وزیري، (این کتاب با عنوان خورشید در نهان در دو جلد توسط عباس جلالی ترجمه و مؤسسه تعاون امام مینی علیه السلام تهران آن را چاپ کرده است).
۳. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ترجمه منصور پهلوان، قم، دارالحدیث، ۲ جلد وزیري، ج ۱: ۶۱ صفحه، ج ۲: ۶۱۱ صفحه.
۴. بحار الانوار، الجامعه لدرر اخبار الأئمه الأطهار، محمدباقر مجلسی، ج ۵۱، ۵۲ و ۵۳، (این جلدها با وان مهدی موعود با ترجمه علی دوانی و چاپ انتشارات الاسلامیه تهران منتشر شده است).

مهدویت و ادعیه

۱. صحیفه مهدیه، سیدمرتضی مجتهدی سیستانی، با ترجمه فارسی، قم، حاذق، ۷۴۸ صفحه وزیري.
۲. صحیفه المهدي، جواد قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین، ۳۸۹ صفحه وزیري.
۳. صحیفه المهدي، عیسی اهری، قم، رسالت، ۲۸۸ صفحه وزیري.
۴. مکمال المکارم، سیدمحمدتقی موسوی اصفهانی، ترجمه سیدمهدی حائری قزوینی، ج ۲: ۵۶۸-۱۸۱، قم، نگین.

منجی در ادیان

۱. ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، سیداسدالله هاشمی شهیدی، قم، جد مقدس جمکران، ۴۵۲ صفحه وزیري.
۲. فصل نامه هفت آسمان، مقاله «گونه شناسی منجی موعود در ادیان»، علی موحدیان عطار، شماره ۱۲ و ۱۰۷-۱۲۹.
۳. ادیان و مهدویت یا آرا و عقاید درباره مهدی علیه السلام، محمد بهشتی، تهران، بهمن، ۲۰۸ صفحه رقی.

مهدی شناسی (ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام)

الف) مادر امام مهدی علیه السلام

۱. بانوی نور، مریم بصیری، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۷۷، ۸۶ صفحه رقعی.
۲. نرگس همدم خورشید، محمدباقر پورامینی، قم، نورالسجاد، چاپ اول، ۱۳۷۸، ۱۰۸ صفحه رقعی.
۳. فصلنامه انتظار، شماره ۲، مقاله «حدیث شناسی مهدویت»، نجم الدین طبسی، ص ۲۶۰-۲۷۵.

ب) امامت کودکی

۱. موعودشناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، ص ۲۵۰-۲۳۱، قم، مسجد مقدس جمکران

ج) خصوصیات ظاهری

۱. فصلنامه انتظار، شماره ۵، مقاله «جمال یار»، جواد جعفری، ص ۱۹۴-۱۵۱.

د) پنهان زیستی

۱. تلاش گر پنهان، محمدرضا فؤادیان، قم، سبط النبی علیه السلام، ۱۵۸ صفحه رقعی.

ه) اسما و القاب

۱. نام محبوب (بررسی در نام و القاب امام عصر علیه السلام)، سیدحسین حسینی، تهران، آفاق، ۱۵۹ صفحه رقعی.
۲. الشهاب الثاقب در اسما و القاب امام الغائب، علی سلیمانی بروجردی، قم، هم میهن، ۳۶۰ صفحه وزیری.
۳. نجم الثاقب، میرزا حسین نوری، قم، مسجد مقدس جمکران، ص ۱۳۸-۱۱۵.

و) طول عمر

۱. زنده روزگاران (جستاری در دیر زیستی امام عصر علیه السلام)، حسین فریدونی، تهران، آفاق، ۱۶۶ صفحه رقعی.
۲. راز طول عمر امام زمان علیه السلام از دیدگاه علم و ادیان، علی اکبر مهدی پور، قم، طاووس بهشت، ۱۰۹ صفحه رقعی.
۳. امکان طول عمر تا بی نهایت، برگرفته از قرآن و حدیث، محمد مظاهری، قم، ارغوان دانش، ۲۱۶ صفحه رقعی.
۴. فصلنامه انتظار، شماره ۶، مقاله «امام مهدی علیه السلام و طول عمر»، حسین زینلی، ص ۲۴۷-۲۵۰.

ز) توقیعات

۱. نشانی از امام غایب علیه السلام بازنگری و تحلیل توقیعات، محمدمهدی رکنی یزدی، مشهد، آستانه قدس رضوی، ۱۲۵ صفحه رقعی.
۲. فصل نامه انتظار، شماره ۳، مقاله «نقش و جایگاه توقیعات در عصر غیبت صفرا»، محمدرضا جباری، ص ۱۴۰-۱۶۵.

ح) غیبت صفرا

۱. تاریخ عصر غیبت، نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم، سیدمسعود پورسیدآقایی و دیگران، م، حضور، ۴۵۹ صفحه وزیری.
۲. پژوهشی در زندگی امام مهدی علیه السلام و نگرشی به غیبت صفرا، سیدمحمد صدر، ترجمه محمد امامی نیرازی، قم، جهان آرا.
۳. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، جاسم حسین، ترجمه سیدمحمدتقی آیت‌اللهی، تهران، امیرکبیر، ۲۵۱ صفحه وزیری.

ب) غیبت کبرا

۱. تاریخ غیبت کبرا، سیدمحمد صدر، ترجمه سیدحسن افتخارزاده، تهران، نیک معارف، ۶۸۸ صفحه وزیری.

ی) سیره امام مهدی علیه السلام

۱. دولت مهدی، سیرت مهدی، مصطفی دلشاد تهرانی، تهران، دریا، ۶۸ صفحه رقعی.
۲. پیدای پنهان (نگاهی کوتاه به حیات، سیرت و آثار حضرت مهدی علیه السلام)، سیدمسعود پورسیدآقایی، م، حضور، ۷۲ صفحه، پالتویی.

غیبت و علل آن

۱. چشم به راه مهدی، مقاله «فلسفه غیبت در منابع کلام شیعی»، غلامرضا جلالی نائینی، ص ۴۰۳-۴۳.
۲. فصل نامه انتظار، شماره ۷، مقاله «فلسفه غیبت از منظر روایات»، محمدهادی غروی، ترجمه بهروز حمدی، ص ۱۸۴-۱۶۵.
۳. فصل نامه انتظار، شماره ۴، مقاله «دلایل غیبت حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه روایات»، نجم‌الدین بسی، ص ۲۲۹-۲۶۰.

فواید امام غایب

۱. نور مهدی، مقاله «نقش امام زمان در جهان هستی»، علی‌اکبر مهدی‌پور، ص ۱۹۷-۲۰۵.
۲. فصل نامه انتظار، شماره ۶، مقاله «غیبتی در حضور»، نیکو دیالمه، ص ۲۵۱-۲۶۲.

انتظار

۱. نگاهی دوباره به انتظار، مجید حیدری نیک، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۰۴ صفحه رقی.
۲. انتظار پویا، آصفی، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۳. انتظار عامل مقاومت و حرکت، صافی گلپایگانی، قم، اندیشه، ۷۳ صفحه رقی.

وضعیت شیعه در عصر غیبت

۱. تاریخ تشیع از پیدایش تا پایان غیبت صفرا، علی محرمی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۲۸۰ صفحه وزیری.
۲. تاریخ عصر غیبت، سیدمسعود پورسیدآقایی و دیگران، قم، حضور، ۴۵۹ صفحه وزیری.

مهر و محبت امام مهدی علیه السلام

۱. مهر محبوب، سیدحسین حسینی، تهران، آفاق، ۳۳۶ صفحه وزیری.
۲. مهر بیکران، نگاهی به رأفت امام زمان علیه السلام محمدحسن شاه آبادی، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۴ صفحه رقی.
۳. میرمهر، سیدمسعود پورسیدآقایی، قم، حضور، ۴۸۰ صفحه وزیری.

اماکن منسوب به حضرت مهدی علیه السلام

۱. فصلنامه انتظار، شماره ۵، علی اکبر مهدی پور، مقاله «اماکن زیارتی منتسب به امام زمان علیه السلام در ایران و جهان»، ص ۳۳۳-۳۵۴؛ شماره ۶، ص ۳۲۸-۳۵۴؛ شماره ۷، ص ۳۴۱-۳۷۶.
۲. مسجد جمکران، میعادگاه دیدار، محمدجواد بستانی راد، قم، فرهنگ مشرق زمین، ۱۰۴ صفحه رقی.
۳. میعادگاه عاشقان (مسجد سهله)، سیدعباس موسوی مطلق، قم، مهر خوبان، ۱۶۰ صفحه رقی.
۴. شهر به شهر، کو به کو، سعید مقدس، تهران، مکیال، ۷۲ صفحه رقی.

ملاقات با حضرت مهدی علیه السلام

۱. مجله موعود، مقاله «تشرفات بین نفی و اثبات»، هادی دانش‌ور، شماره ۱، ص ۱۸-۲۳؛ شماره ۳، ص ۴۴-۵۰ و شماره ۵.
۲. روزنه‌ای به خورشید، ترجمه سیدحسن افتخارزاده، تهران، نیک معارف.
۳. تشریف یافتگان، پژوهشکده تزکیه اخلاقی امام علی علیه السلام، قم، کریمه، ۳۰۴ صفحه رقی.
۴. عنایات حضرت مهدی موعود علیه السلام به علما و مراجع تقلید، علی کریمی جهرمی، قم، مؤسسه نشر و

تبلیغ.

فرقه‌های انحرافی مهدویت

۱. تاریخ جامع بهائیت، بهرام افراسیابی، تهران، مهر فام، ۷۲۰ صفحه وزیری.
۲. بایی‌گری و بهایی‌گری، محمد محمدی اشتهاردی، قم، کتاب آشنا، ۲۰۷ صفحه رقی.
۳. تحلیلی بر تاریخ و عقاید فرقه شیخیه، احمد خدایی، قم، امیرالعلم، ۳۰۳ صفحه وزیری.
۴. بهائیان، سیدمحمدباقر نجفی، قم، نشر مشعر، ۸۲۴ صفحه وزیری.

شرایط و علائم ظهور

۱. فصل‌نامه انتظار، شماره ۷، مقاله «مقدمات ظهور»، سیدمجتبی فلاح، ص ۲۲۹-۲۷۰.
۲. چشم به راه مهدی علیه السلام مقاله «بررسی نشانه‌های ظهور»، ص ۲۴۱-۳۱۳.
۳. سفیانی از ظهور تا افول، نصرت‌الله آیتی، قم، ثانی‌عشر (مؤسسه آینده روشن)، ۱۰۲ صفحه رقی.
۴. نوائب الدهور فی علائم الظهور، سیدحسن میرجهانی، تهران، کتابخانه صدر، ۴ جلد.

حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام

۱. تاریخ پس از ظهور، سیدمحمد صدر، ترجمه حسن سجادی‌پور، تهران، موعود، ۵۷۴ صفحه وزیری.
۲. حکومت جهانی مهدی علیه السلام ناصر مکارم شیرازی، قم، هدف، ۳۵۲ صفحه رقی.
۳. چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام نجم‌الدین طبسی، قم، بوستان کتاب، ۲۲۴ صفحه وزیری.
۴. حکومت جهانی امام عصر علیه السلام محمدتقی فلسفی، تهران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام، ۹۵ صفحه سی.

یاران

۱. جوانان یاوران مهدی، محمدباقر پورامینی، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام، ۴۸ صفحه وی.
۲. فصل‌نامه انتظار، شماره ۳، مقاله «مهدی یاوران»، نصرت‌الله آیتی، ص ۷۳-۹۳.

زنان و حکومت امام زمان علیه السلام

۱. زنان در حکومت امام زمان علیه السلام محمدجواد طبسی، تهران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود.
۲. فصل‌نامه مشرق موعود، مقاله «شرح حال و ویژگی‌های زنان رجعت‌کننده»، جواد جعفری، قم، سه آینده روشن.

مهدویت و جهانی شدن

۱. مهدی ده انقلاب در یک انقلاب، حسن رحیم‌پور ازغدی، تهران، سروش، ۸۱-۱۰۸.
۲. سیاست و مهدویت، غلامرضا بهروزلک، قم، حکمت رویش (مؤسسه آینده روشن)، ص ۱۱۷-۱۹۳.

۳. فصل‌نامه انتظار، شماره ۶، مقاله «جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)»، رحیم کارگر، ص ۱۹۲-۱۴۱.

۴. فصل‌نامه انتظار، شماره ۷، مقاله «جهانی شدن و مقایسه آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عج)»، حبیب‌الله طاهری، ص ۲۰۸-۱۸۵.

۵. موعودشناسی و پاسخ به شبهات، علی‌اصغر رضوانی، ص ۴۷-۴۱، قم، مسجد مقدس جمکران.

مهدویت ستیزی

۱. مهدی ستیزان، محمدصابر جعفری، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۴۶ صفحه پالتویی.

۲. پیش‌گویی‌ها و آخرالزمان، ۲ جلد، نویسندگان، تهران، موعود.

۳. تهاجم یا تفاوت فرهنگی، حسن بلخاری، تهران، حُسن افرا، ۱۶۱ صفحه رقی.

مهدویت و غرب

۱. پایان تاریخ: سقوط غرب و آغاز عصر سوم، مسعود رضوی، تهران، شفیع، ۲۸۸ صفحه رقی.

۲. آرمگدون، محمود النجیری، مترجمین قبس زعفرانی، رضا عباس‌پور، تهران، موعود، ۱۵۴ صفحه

رقی.

آسیب‌شناسی مهدویت

۱. اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، محمدصابر جعفری، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۸۹ صفحه پالتویی.

۲. فصل‌نامه انتظار، شماره ۱، ص ۲۴۰-۲۲۶؛ شماره ۲، ص ۲۹۵-۲۷۶ مقاله «آسیب‌شناسی تربیتی

مهدویت»، خسرو باقری.

۳. فصل‌نامه انتظار، شماره ۱۱ و ۱۲، مقاله «چشم‌اندازی به برخی از آسیب‌های تربیتی مهدویت»، مریم

معین‌الاسلام، ص ۲۴۸-۲۱۷.

پایگاه‌ها و مراکز فعال مهدویت در اینترنت

جواد جعفری

۱. سایتهای فارسی

مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) www.intizar.ir

مؤسسه فرهنگی موعود www.mouood.org

مؤسسه فرهنگی انتظار نور www.monjee.com

بنیاد فرهنگی مهدی موعود (مرکز تخصصی مهدویت) www.imamMahdi-s.com

دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی www.ejlas mahdi.com

مسجد مقدس جمکران www.jamkaran.info

شبکه اطلاع رسانی حضرت مهدی www.hazratmahdi.com - چند زبانه

شبکه جهانی اطلاع رسانی امام مهدی www.imam mahdi.com - چند زبانه www.imamalmahdi.com

مرکز اطلاع رسانی امام مهدی www.emam mahdi.com

مرکز مجازی مهدویت (به سوی ظهور شبکه دو سیما) www.zohoortv.com

شبکه امام مهدی www.montazar.net

یا قائم آل محمد www.qaaem.com

یوسف زهرانی www.yoosof.com

مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه (اندیشه قم) Andisheqom.com/page.php?pg=mahdi

شبکه ابی‌صالح ghadeer.org/site/abasaleh/index.htm

لینک به سایتهای مهدویت nilofare-abi-۲.blogspot.com

پایگاه اطلاع رسانی سراسری اسلامی (پارسا) Islamic databank.com

بانک اطلاعات مقالات اسلامی seraj.ir

۲. سایتهای عربی

الموعود www.almawood.net

شبکه الامام القائم www.alqaem.net

شبکه محبی وانصار الامام المهدی www.al-mahdi.org

ریحانه raitana.۸k.com

۳. سایتهای انگلیسی

المنتظر almuntazar.com

طلیعه المهدی taliyah.org

یا مهدی www.yamahdi.com

مصلح www.moslih.org